



فصلنامه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

● سال اول | شماره ۱ | بهار ۱۴۰۴ ●

مدیر مسئول: دکتر حسین جهانگیری

امور اجرایی: دکتر حسین عباسی

ویراستار: سید حسین حسینی

ناشر: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی

طراح جلد: سید حسین حسینی

بهاء: ۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی

سردبیر: دکتر حسین هرسیج

مدیر داخلی: دکتر لیلا حیدریانی

ویراستار انگلیسی: دکتر نیلوفر مقدمی خمایی

صفحه‌آرا: محمد صادقی

شمارگان: ۲۰۰ جلد

وبسایت نشریه: <https://csr.cuir.ac.ir>

کلیه حقوق © محفوظ است.

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقالات، به عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

نشانی: تهران- میدان سپاه- خیابان پادگان ولیعصر(عج) - پلاک ۳- ساختمان جنوبی- طبقه هفتم

اعضاء هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر کمال اکبری/ دانشیار دانشگاه صدا و سیما
- دکتر اصغر بیک بیلندی/ دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی
- دکتر یوسف ترابی کنجین/ دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین
- دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها/ استاد دانشگاه تهران
- دکتر حسین جهانگیری/ معاون پژوهشی دانشگاه جامع انقلاب اسلامی
- دکتر جلال درخشه/ استاد دانشگاه امام صادق (ع)
- دکتر محمدرضا دهشیری/ استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
- دکتر احمدرضا شاه علی/ دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر محمدرضا طالبان/ دانشیار پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
- دکتر زاهد غفاری هنجین/ استاد دانشگاه شاهد
- دکتر احمد غیاثوند/ دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر ابوالقاسم فاتحی دهاقانی/ دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر محمد جواد نصراله‌زاده/ دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی
- دکتر حسین هرسیح/ استاد دانشگاه اصفهان



راهنمای تدوین و ارسال مقاله

برای ارائه به فصلنامه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

۱- مقاله‌های قابل چاپ در مجله «جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی»، مقالات اصیلی هستند که حاوی ایده‌ها، رویکردها و روش‌های نوین و حاصل یافته‌های تحقیقات علمی باشند، به نحوی که به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی از لحاظ نظری و کاربردی یاری رسانند.

۲- مقاله‌ها باید جدید و حاصل تحقیقات نویسنده یا نویسندگان باشد و پیشتر در جایی دیگر به چاپ نرسیده باشند.

۳- مسئولیت کامل مطالب ارائه شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است. مجله در این زمینه هیچ مسئولیتی را عهده‌دار نمی‌شود.

۴- مقالاتی که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری استادان راهنما و یا مشاور تهیه می‌شود، ضرورتاً باید با امضای استاد مربوطه به فصلنامه ارسال گردد؛ در عین حال نویسنده مسئول و ترتیب اسامی نویسندگان به همان ترتیبی که در سایت ثبت شده باشد، در مقاله خواهد آمد و پس از آن غیر قابل تغییر خواهد بود.

۵- حداکثر حجم مقاله شامل متن، شکل‌ها، نمودارها و جدول‌ها حداکثر ۱۰ هزار کلمه است.

۶- برای نگارش مقاله، آموزه‌های مندرج در این صفحه را دنبال بفرمایید.

۷- مقالات در چارچوب ساختار زیر که حاوی مقدمه، داده‌ها و روش کار، شرح و تفسیر نتایج،

نتیجه‌گیری و منابع و ماخذ است، تدوین می‌شود:

عنوان مقاله عنوان بایستی با سؤال اصلی مقاله و محتوای آن تناسب داشته باشد، رسا و بدور از ابهام و ابهام باشد و حتی الامکان کوتاه باشد و هماهنگ با موضوعات و محورهای اعلامی فصلنامه باشد.

چکیده ۱- مختصر، روان و گویا ۲- موضوعات اساسی چکیده (سؤال، روش، یافته‌ها و

مهمترین پیشنهادها).





کلیدواژگان) حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه به تناسب موضوع و محتوای مقاله.

۱. مقدمه و بیان مسئله

مقدمه موضوع) شروع بحث و بیان موضوع با توجه به حوزه و رشته کلی مورد بحث و مباحث روز ضرورت موضوع) بیان نیازها و ضرورت موضوع مقاله با توجه به مطالعات پیشین و شواهد موجود و یا نقدهای موجود

اهمیت موضوع) بیان اهمیت و فواید و کارکردهای بررسی موضوع مقاله از لحاظ نظری و عملی مساله اصلی) ۱- بیان روشن و کامل مسئله و سوال یا سئوالات اصلی مقاله ۲- بیان اهداف (سوالات) مقاله و تنظیم مقاله در راستای حصول آنها نحوه سازماندهی مقاله) بیان نحوه سازماندهی مقاله در راستای پاسخ به سئوالات (یا تحقق اهداف مقاله)

۲. ادبیات موضوع و پیشینه (حداکثر پنج صفحه)

۱-۲. ادبیات نظری (چارچوب نظری، مبانی نظری، نظریه‌ها و...) (حداکثر سه صفحه و نیم) جامعیت و کاربردی بودن مطالب و نظرات ارائه شده؛ ارتباط منطقی ادبیات نظری با سئوالات و اهداف مقاله؛

ارائه الگوی مفهومی و یا چارچوب نظری مشخص و کارا برای مقاله

۲-۲. پیشینه پژوهش (حداکثر یک صفحه و نیم) کفایت مطالعات و مقالات پیشین مرتبط با موضوع؛ دسته‌بندی و ایجاد ارتباط منطقی بین نظریات و مطالعات پیشین؛ مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در مورد موضوع و مسئله تحقیق به نحوی که حداقل هشت تا ده مقاله علمی پژوهشی و چند کتاب معتبر پنج سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین یافته‌ها و روش هر یک در قالب جدولی ارائه شوند.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

۳. روش پژوهش (حداکثر در دو صفحه) رعایت اصول روش تحقیق و چارچوب مقالات علمی- پژوهشی: ۲- استفاده صحیح، متناسب و کارآمد از روش‌شناسی ادعا شده در مقاله: ۳-





نوآوری در روش و یا ابتکار در کاربرد روش‌های موجود: ۴- ارائه توضیحات کافی در مورد روش تحقیق: ۴- بیان جزئیات ضروری روش‌شناسی مقاله

نوع تحقیق) تحقیق بنیادی، توسعه ای یا کاربردی است

استراتژی کلی تحقیق) کمی یا کیفی و در هر کدام از چه شیوه ای و ...

تعریف مفاهیم یا متغیرها) (نظری و عملیاتی) (مشخص کردن و ارائه تعریف روشن و صحیح

از متغیرها و مفاهیم کلیدی مقاله

روش‌های گردآوری داده‌ها) پیمایشی یا کتابخانه ای یا ...

روش‌های تحلیل داده‌ها

جامعه و نمونه) ۱- تعریف جامعه و نمونه مطالعه، ۲- روش نمونه‌گیری، ۳- حجم نمونه و

روش محاسبه ۴- روش

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات) روش‌ها و آزمون‌های مورد استفاده و نتایج هر

کدام

مراحل انجام و به کارگیری روش) شرح مختصر و مفید روش گفته شده

توضیحات لازم در خصوص روش‌های جدید به نحوی که اولاً معرف روش بوده و ثانیاً بیانگر و

روشن کننده رویکرد استفاده شده باشد.

۴. یافته‌های پژوهش (حداکثر در شش صفحه مقاله) ۱- یافته‌ها برآمده از بکارگیری

روش‌شناسی و ادبیات نظری و مطالعات پیشین: ۲- استفاده به‌جا و به اندازه از جداول، اشکال و

الگوها به اقتضای مقاله: ۳- دسته‌بندی و ارائه منطقی یافته‌ها به تناسب اهداف و سوالات مقاله: ۴-

پوشش‌دهی یافته‌ها نسبت به سوالات و اهداف مقاله

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵. بحث) مقایسه یافته‌های مقاله با نتایج مطالعات پیشین و بیان دلایل شباهت و تفاوت آنها

با هم

۲-۵. نتیجه‌گیری) ۱- ارائه نتیجه‌گیری مشخص، مختصر و قابل استفاده ۲- ارتباط درست و

منطقی نتایج با یافته‌ها و اهداف مقاله





۳-۵. پیشنهادها) پیشنهادها مبتنی بر یافته‌های مقاله ۲- در راستای توسعه نظری و یا کاربردی نتایج مقاله باشد. ۳- کاربردی و راهبردی بودن پیشنهادات: اولویت با ارائه پیشنهادات راهبردی می‌باشد

۶. منابع) استفاده از منابع معتبر و مقالات علمی و پژوهشی جدید مربوط به حداکثر ۵ سال اخیر (حداقل ۶۰ درصد منابع)؛ رعایت اصول ماخذنویسی: استفاده کافی از منابع با توجه به موضوع مقاله؛ تطبیق منابع با ارجاعات داده شده در متن؛ منابع به ترتیب حروف الفبایی شماره‌گذاری شده و برای درج ابتدا منابع فارسی (در سه دسته به ترتیب مقاله‌ها، کتابها و منابع اینترنتی) و سپس منابع لاتین (در سه دسته گفته شده قبلی) آورده شوند.

ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز به گونه‌ای که ابتدا نام خانوادگی مؤلف یا مؤلفان و سپس سال انتشار و در نهایت شماره صفحه به این صورت آورده شود: (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و برای ارجاعات به منابع لاتین (Ahmadi, ۲۰۱۶, p ۲۰):

برای منابع با بیش از دو نویسنده، نام خانوادگی نویسنده اول و به جای نام سایر نویسندگان، «همکاران» ذکر گردد؛ مانند: (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و برای ارجاعات لاتین (Ahmadi et al., ۲۰۱۶, p ۲۰)

۱-۶. منابع فارسی

۲-۶. منابع لاتین





فهرست مطالب

- سخن سردبیر ۹
- پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی با تأکید بر تجربه انقلاب اسلامی / آرش قربانی سپهر، افشین متقی، پریسا قربانی سپهر ۱۰
- تأثیر و اولویت‌بندی مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی / موسی قوام‌صفت ۴۲
- تأثیر راهبردهای مسئولیت اجتماعی شرکت بر مشروعیت سازمانی (رویکرد نظریه ذی‌نفعان) / مصطفی حیدری هراتمه ۷۱
- کارکرد رسانه‌های جمعی در راستای ارتقای حکمرانی دینی (مورد مطالعه سریال پایتخت ۳) / حسین رجائی، عباس کریمی، محسن خوشفر ۱۰۴
- بررسی مفهوم ولایت در نظام‌های اجتماعی از منظر تشیع (با تأکید بر آرای سید محمدمهدی میرباقری) / مصطفی احمدی ۱۳۸
- بسیج، نیروی محرک مشارکت مردمی در حل مشکلات اجتماعی / مینا ابوالحسن‌باشی ۱۶۵



سخن سردبیر

به نام خدا

حال که با یاری پروردگار متعال و بذل توجه نویسندگان گرامی، اولین شماره از مجله علمی جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی را منتشر نموده‌ایم، بر خود لازم می‌دانیم که صمیمانه از محبت‌ها و زحمات کلیه نویسندگان و عوامل مجله تشکر به عمل آوریم. اکنون که از برکت الطاف الهی این فرصت به دست آمده است، باید به خداوند و باور علمی خود تکیه کنیم و با تشکر از زحمات همه کسانی که نقشی هر چند کوچک در انتشار مجله داشته‌اند، با کسب دانش و تجربه، در جهت تقویت و استحکام بیش از پیش محتوای مجله همت کرده و در جهت افزایش سطح کیفی و اعتبار آن بکوشیم.



پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی با تأکید بر تجربه انقلاب اسلامی

آرش قربانی سپهر^{۱*}

افشین متقی^۲

پریسا قربانی سپهر^۳

چکیده

مسئله پژوهش حاضر این است که پیشران‌های مؤثر بر مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی کدام‌اند و چه ارتباطی بین این پیشران‌ها از نظر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وجود دارد؟ روش این پژوهش کمی - کیفی (آمیخته) بوده و از رویکرد آینده‌پژوهی در تحلیل آن استفاده شده است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که در مرحله نخست، با روش دلفی ده عامل شناسایی شد. آنچه از وضعیت پراکندگی پیشران‌های مؤثر بر حکمرانی شایسته انقلابی - اسلامی می‌توان فهمید، وضعیت ناپایدار سیستم است؛ زیرا بیشتر متغیرها در اطراف محور قطری صفحه پراکنده‌اند. از میان پیشران‌ها

۱. پسادکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

ar.ghorbanisepehr@mail.um.ac.ir

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران a.mottaghi@khu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران parisa.sepehr98@ut.ac.ir



سه پیشران (معتقد به اقتصاد مقاومتی، شفافیت و سلامت مالی، قانون‌گرا و فسادستیز) به عنوان کلیدی‌ترین پیشران‌ها در این تحقیق انتخاب شده‌اند که نقش مهمی در حکمرانی مدیریت انقلاب اسلامی در تراز جهانی دارد. به نوعی تکیه بر اقتصاد مقاومتی زمینه شکست دشمنان جمهوری اسلامی ایران را در خارج از مرزها فراهم می‌آورد و شفافیت و سلامت مالی مسئولان قوه مجریه و قوه مقننه و همچنین قانون‌گرا و فسادستیز بودن قوه قضاییه در داخل کشور زمینه مدیریت شایسته انقلابی - اسلامی در تراز جهانی را فراهم می‌آورد و پیشران‌های دیگر نقش مکمل زمینه تحقق مدیریت شایسته و تراز انقلابی - اسلامی را دارند.

کلیدواژگان: حکمرانی، انقلاب اسلامی، حکمرانی انقلابی - اسلامی، حکومت تراز، مدیریت انقلابی.



۱. مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی را می‌توان پدیده مهم «قرن بیستم» نام نهاد؛ انقلابی که نه بر اساس ایدئولوژی-های غالب قرن بیستم (کاپیتالیسم و کمونیسم) بلکه بر اساس ایدئولوژی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ضد حکومتی که از لحاظ ایدئولوژیکی وابسته به غرب به ویژه آمریکا بود و از لحاظ نظامی نیز لقب «ژاندارم منطقه» به خود گرفته بود، شکل گرفت. انقلاب اسلامی که بر اساس آموزه‌های اسلام صورت گرفت، ماهیتی کاملاً فرهنگی داشت (جعفرپور و قزل‌ایاق، ۱۳۸۹). به گفته فرانسوا توال پیروزی انقلاب امام خمینی رحمته الله علیه در ایران یکی از پراهمیت‌ترین وقایع و انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم بوده و در حقیقت مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۷). به نظر امام خمینی رحمته الله علیه حفاظت از حیات و پایداری نظام اسلامی «حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی» مبنای اصلی تأمین امنیت است و در این میان نه تنها امنیت مردم مسلمان و امنیت کشور و حکومت جمهوری اسلامی ایران از هم جدا نیست، بلکه مرتبط با امنیت و منافع دیگر مسلمانان جهان نیز می‌باشد. بنابراین امنیت جمهوری اسلامی ایران برای جهان اسلامی امنیت می‌آورد (واثق و حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۵)؛ از این رو جوهره اصلی مکتب امام خمینی رحمته الله علیه را باید در نوع نگاه و برداشت ایشان از احساس پایدار امنیت حاکم بر تعاملات انسانی فرد با جامعه و افراد و کشورها در عرصه‌های روابط ملی و بین‌الملل جست‌وجو نمود که نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و توجه به خویاوری، محوری‌های این مکتب را تشکیل می‌دهند (فیروزآبادی، ۱۳۹۱). از این رو تأثیر الهام‌بخش انقلاب اسلامی که به افزایش آگاهی و پویایی جوامع اسلامی انجامید، فعالیت جنبش‌های سیاسی را، چه در میان شیعیان و چه در میان اهل تسنن، گسترش داد (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹).

بدین سان انقلاب ایران نقطه عطفی در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد (پارسانیا، ۱۴۰۰/پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۹۴). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشیع به سوی هژمونیک شدن پیش رفته، توجه جهانی را به خود معطوف کرد؛ به گونه‌ای که بازیگران عرصه



بین‌المللی به دنبال شناخت جدی‌تر واقعیت‌ها و قابلیت‌های آن برآمدند. در بیشتر کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای اسلامی شیعیان همواره در اقلیت بوده و آماج تبعیض‌های گسترده و ناروا بودند، اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران اظهار هویت شیعی مسلمانان حیاتی دوباره گرفت و به مبارزه با استکبار و استبداد در عرصه داخلی و خارجی پرداختند که این امر روند قدرت‌یابی و گسترش حوزه نفوذ تشیع را در جهان سرعت بخشید. در واقع بر اثر این رخداد و رخداد‌های گوناگون پس از آن بود که تشیع به یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ژئوپلیتیک تبدیل شد. به دیگر سخن با انقلاب اسلامی پتانسیل نهفته در مذهب تشیع شکوفا شد و این مذهب در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست یافت؛ این در حالی است که تا پیش از این، شیعیان در بیشتر کشورها از قدرت و مسئولیت سیاسی و اجرایی به دور بوده و بیشتر به صورت اقلیت‌هایی محروم و حاشیه‌ای زندگی می‌کردند؛ پس از انقلاب اسلامی آنها کم‌کم در کشورهای گوناگون از رخوت بیرون آمده و در مسیر قدرت‌یابی و تجدید هویت قرار گرفتند. این فرایند در سال‌های پیش به‌ویژه پس از اشغال عراق توسط ایالات متحده، به گونه آشکارتری ادامه یافت. به دنبال این فرایند بود که موضوع شیعه و نقش‌آفرینی آن مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت و اندک‌اندک ایده‌های گوناگون درباره آن ارائه شد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین بعد از آن بود که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت تأثیرگذاری کمتر انقلاب اسلامی بر شیعیان منطقه و قدرت‌یابی آنها با طرح‌های مختلف به مقابله با انقلاب اسلامی برخاستند که مهم‌ترین آنها را می‌توان جنگ ایران عراق، اختلاف‌افکنی در میان اقوام، تحریم‌های بین‌المللی و... دانست. اما این تهدیدات نتوانست مانع جدی برای انقلاب اسلامی باشد؛ زیرا حکمرانی انقلاب اسلامی زمینه‌آیی افکار و اندیشه‌های اسلامی را در سراسر جهان فراهم ساخته بود.

به هر روی در مقاطع مختلف تاریخ این کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌توان نمونه‌هایی از مدیریت در تراز ارزش‌ها و آرمان‌های مد نظر مانند الگوی مدیریتی امام خمینی علیه‌السلام، مقام معظم رهبری علیه‌السلام، فرماندهان دوران دفاع مقدس و برخی مدیران در بخش‌های مختلف را نام برد، اما در حال حاضر این الگو در تمامی مدیران کشور در تمامی سطوح تبلور عینی نیافته است و از جایگاه شایسته و بایسته برخوردار نیست؛ بنابراین برای حل مشکلات باید تمرکز مدیران و مسئولان محترم بر



ایجاد و گسترش روحیه و مدیریت در تراز انقلاب اسلامی باشد (فخرایی، ۱۴۰۰). به عبارتی مدیریت تراز انقلاب اسلامی مدیریتی به شیوه شهید آیت‌الله رئیسی است که فردی خستگی‌ناپذیر، فسادستیز، پرهیزگار و خردمند، امیدآفرین، مسئولیت‌پذیر، صادق و کارآمد در تمام نقاط کشور و جهان پیگیر حل مسئله مردم جامعه و حق مظلومان جهان از جمله مردم بی‌گناه فلسطین بود.

بدین ترتیب تبیین و پیروی کردن مدیران عالی از الگوی تراز در انقلاب اسلامی که بتواند ضمن ایستادگی در برابر حمله‌ها پویایی و رشد جامعه را در پی داشته باشد، از اهمیت بسیاری برخوردار است (محمد‌مظاهری، ۱۳۹۹). بر این بنیان پژوهش حاضر به منظور شناسایی پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی که نقش مؤثری در معادلات سیاسی جهانی و حکومت تراز جهانی دارد، می‌پردازد. مسئله پژوهش حاضر این است که پیشران‌های مؤثر بر مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی در تراز جهانی کدام‌اند و چه ارتباطی بین این پیشران‌ها از نظر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وجود دارد؟

الف) ضرورت موضوع

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت فرمودند جامعه اسلامی نیازمند نوعی از مدیریت است که با ارزش‌های انسانی و دینی و مبانی اخلاقی آن پیوستگی داشته و آرمان‌های اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهد. در واقع به نظر می‌رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی و شکوفایی انسان، نگاه ارزش‌بنیان بر اساس آموزه‌های دینی، اسلامی و درنهایت انقلابی فراهم خواهد آورد (امیدی و یوسف‌وند، ۱۴۰۱)؛ از این رو بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند به دنبال انقلاب اسلامی ایران بود که ارزش‌های اسلامی به‌ویژه شیعی در جهان احیا شد نیاز است در زمینه مدیریت تراز و شایسته انقلابی - اسلامی شاخص‌سازی بومی تدوین و ارائه گردد و از شاخص‌های حکمرانی غربی خودداری شود؛ زیرا بوم‌های جغرافیایی مختلف به منظور پیشرفت و رسیدن به اهداف جهانی نیازمند بومی‌سازی مفاهیم حکمرانی با توجه به قابلیت‌های موجود در کشور خود هستند که این ضرورت ایجاب کرد تحقیق حاضر با نگاهی فلسفی انجام شود. همچنین این شاخص‌ها کمک می‌کند به تمدن‌سازی نوین اسلامی نزدیک شویم که



زمینه رشد و تعالی جامعه اسلامی خواهد شد.

ب) اهمیت موضوع

موضوع رفتار مدیران در تراز جمهوری اسلامی ایران یکی از مسائل مهمی است که پرداختن به آن در عصر حاضر یک نیاز ضروری است و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از این رو در یک قرن اخیر سبک زندگی و سیاست غربی به دنیا سرریز شده است که این امر به وسیله صهیونیست‌ها توسط رسانه انتقال داده می‌شود که بسیاری از کشورهای منطقه و جهان تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند؛ زیرا آن کشورها تولید فکر و مبانی حکومتی برای خود ندارند. موضوع تحقیق از آن جهت اهمیت دارد که در گام دوم انقلاب جهت رسیدن به قله‌ها، نیازمند پیشران‌های حکمرانی نو و بومی هستیم که با تکیه بر نیروی جوان و انقلابی و رهنمودهای مقام معظم رهبری علیه السلام بتوانیم پرچم انقلاب اسلامی را در جهان افراشته نماییم و از سوی دیگر بتوانیم تهدیدهای دشمنان را در خارج از مرزها و در داخل مرزها کنترل کنیم.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

الف) مبانی نظری

۱) مفهوم انقلاب

انقلاب از ماده قلب و به معنای دگرگونی و زیروروشدن آمده و در اصطلاح عبارت است از شورش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو (معین، ۱۴۰۰) و انقلاب تحول پیچیده‌ای است که طی آن حکومت مستقر به دلایلی توانایی اجبار و اعمال زور را از دست می‌دهد و گروه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی به مبارزه برمی‌خیزند تا قدرت سیاسی را قبضه کنند. این مبارزه اغلب مدتی طول می‌کشد تا آنکه سرانجام نهادهای جدید سیاسی جانشین نهادهای قدیم شوند (بشیری، ۱۴۰۲). اما استاد مطهری، ضمن بررسی لغوی واژه انقلاب و انواع آن، مفهوم اجتماعی انقلاب را «وضع‌ی را با اراده خود خراب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر» و «واژگون کردن



وضع حاکم برای برقراری نظامی متعالی‌تر» معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴). بنابراین انقلاب اسلامی جریانی است دینی که نظریه‌پردازی در این حوزه باید بر مبنای دینی پایه‌ریزی شود و بر اساس نگاه هستی‌شناسی اسلامی شکل بگیرد» (محمدی و خدادادی، ۱۳۹۶). بر این بنیاد، در ایران انقلابی رخ داده است که همه معادلات را به هم ریخته، حساب‌های به اصطلاح علمی و جامعه‌شناسانه را نقش بر آب کرده است؛ به طوری که کسی باور نمی‌کرد انقلابی رخ بدهد که خاستگاه آن مساجد باشد؛ در حالی که هیچ تشکیلاتی هم در میان مردم وجود نداشته باشد و مردم هیچ نوع تمرین حزبی و انقلابی هم نداشته باشند. به هر حال غربی‌ها «فرانسه، انگلیس، آلمان» هم این انقلاب را پدیده‌ای نو ظهوری می‌دانند. همچنین استاد مطهری شش متغیر را برای تحلیل انقلاب ایران طرح می‌کند: (۱) حاملان انقلاب؛ (۲) علل انقلاب؛ (۳) اهداف انقلاب؛ (۴) شعارهای انقلاب؛ (۵) نقش رهبری؛ (۶) حضور اقشار مختلف در انقلاب (مطهری، ۱۳۸۴). بنابراین اسلام جهت‌گیری نهضت‌های الهی را به سوی مستضعفین می‌داند، اما خاستگاه هر نهضت و هر انقلاب را صرفاً مستضعفین نمی‌داند یعنی بر خلاف مکتب مادی (مطهری، ۱۳۸۴).

۲) مفهوم انقلاب اسلامی

در ترکیب «انقلاب اسلامی»، «اسلام»، هدف و «انقلاب» وسیله است. در واقع مردم و رهبری انقلاب به وسیله انقلاب تلاش کردند مجدداً اسلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی احیا نمایند (عیوضی، ۱۳۹۴). در این مکتب، انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست، بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اسلام به عنوان مکتبی جامع و تضمین‌کننده حیات دنیایی و معنوی انسان است. نظام جمهوری اسلامی نتیجه و برآیند انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسید و جانشین نظام سلطنتی پهلوی گردید. هم‌اکنون انقلاب اسلامی ایران متأثر از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آرمان‌ها و تفکرات اسلامی - شیعی و نیز رفتارهای ملی است که به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبلور یافته و در قالب نظام سیاسی «جمهوری اسلامی» عینیت یافته است. دو ویژگی مهم انقلاب که «جان اسپوزیتو» آن را «اسلام‌گرایی -



آرمان‌گرایی» و «مردمی‌بودن» می‌داند، به‌مانند زمان وقوع انقلاب در استمرار آن در سیستم حکومت جمهوری اسلامی نیز پا بر جا مانده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۷)؛ از این رو انقلاب اسلامی ایران باقی است مادام که به آرمان‌ها و اصول آن پایبندی نشان داده شود.

در اوایل انقلاب در چگونگی راهبرد صدور انقلاب، بحث‌های بسیاری مطرح بود تا اینکه امام خمینی علیه‌السلام تکلیف این بحث‌ها را با تأکید بر «صدور معنوی انقلاب» یک‌سره کردند. از آن پس تا کنون دولت‌ها کم‌وبیش اصل صدور انقلاب را با استفاده از چهار استراتژی «الگوسازی»، «تبلیغ و آگاه‌سازی»، «آموزش» و «حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش» (محمدی، ۱۳۹۶) در تعامل با دیگران به‌ویژه در سطوح منطقه‌ای به پیش برده‌اند.

۳) مفهوم حکمرانی

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست، بلکه اولین مباحث در این حوزه مربوط به ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و مربوط به ارسطوست (کافمن و کری (Kaufmann & Kaary)، ۲۰۰۹)، ولی مجدداً احیا شده است؛ به طوری که استفاده گسترده از لفظ حکمرانی در سال‌های اخیر توسط تصمیم‌گیران اقتصادی و سیاسی همچنین توسط دانشمندان علوم اجتماعی مرتبط با مکاتب مختلف فکری (Various schools of thought) و عقاید تحقیقی (Tradition of research) در نتیجه ظهور تعاریف و برداشت‌های بسیار متفاوت از این واژه است (اسوب و کوبلر (Schwab & kubler)، ۲۰۰۱). ادبیات واژه حکمرانی اگرچه آشفته است، اما فرض بر آن است که آن اشاره به اعمال و وظایف حکومت دارد. البته حکومت نقش مهمی در انواع مختلف حکمرانی ایفا می‌کند. با وجود این واژه حکمرانی بسیار وسیع است و ماورای دولت را نیز در بر می‌گیرد. دان مک‌لین (Don McLean) بر آن است واژه حکمرانی از کلمه لاتین Gubernare ریشه گرفته و اشاره به عمل هدایت کشتی (Action of steering a ship) دارد (کاپر (Kapur)، ۲۰۰۵). در فرهنگ لغت آمریکایی هریتیج (American heritage dictionary) واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد نیز حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت در فعالیت‌های زیردستان و نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است (مقدری، ۱۴۰۰). حکمرانی



اشاره به «شکل‌گیری و نظارت بر قواعد رسمی و غیررسمی که تنظیم‌کننده عرصه عمومی است، عرصه‌ای که در آن دولت و بازیگران اقتصادی و اجتماعی برای اتخاذ تصمیم تعامل دارند»، دارد (روی Roy)، (۲۰۰۸). بنابراین حکمرانی دربرگیرنده ایجاد نهادها و فراگردهایی است که به شهروندان اجازه دهد تا تنظیم و اجرای سیاست‌های اجتماعی را در یک فراگرد دموکراتیک و جمعی به انجام رساند (بومن Bowman)، (۱۹۹۷). بنابراین حکمرانی درباره فراگردهاست نه مربوط به اهداف (عبدالطیف، ۲۰۰۳) و اشاره به فراگردهایی دارد که حکومت در محدوده آن عمل می‌کند و چگونگی انجام کارها، نه صرفاً انجام کارها و دربرگیرنده کیفیت نهادها و مؤسسات و اثربخشی آنها در تبدیل خط‌مشی‌ها به اجرای موفقیت‌آمیز است (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷). تعاریف متداول حکمرانی را به عنوان «فراگردی که به وسیله آن اعمال قدرت بدون اظهار صریح اهدافی که باید پیگیری شود» تعریف می‌کنند (عبداللطیف، ۲۰۰۳). مک لالین نیز از حکمرانی به عنوان شیوه‌ای از روش‌های اداره جامعه در مقابل حکومت یاد می‌کند. منظور از این شیوه آن است که اگر ما «حکومت» را به عنوان بخش رسمی دولتی بشناسیم با ورود بخش خصوصی و گروه‌های داوطلب به عرصه سیاست‌گذاری و حکومت می‌توانیم شاهد شکل مطلوب‌تری از اداره شهر باشیم (برک‌پور، ۱۳۸۶). پس گفتمان حکمرانی مربوط به همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی (political society) و بین دولت و شهروندان است (روی، ۲۰۰۸). بنابراین تشکیل نظام جمهوری اسلامی پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷، خود یک تجربه و سبکی جدید از حکمرانی و تشکیل حکومت دینی محسوب می‌گردد (حیدریان و همکاران، ۱۴۰۲).

۴) مفهوم حکمرانی شایسته انقلابی - اسلامی

گرچه اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی‌اند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود، اما اجرای آنها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین نمایند. طبیعی است به‌کارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی آنها که منعکس‌کننده واقعیت‌های روز است، امری مهم و ضروری است. با پذیرش این



فرض که دین اسلام دینی جامع و کامل است و بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب با اصول و مبانی این دین هم‌راستا است و چنانچه آنها را با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم، می‌توانیم الگوی مناسبی را برای سنجش چگونگی حکمرانی شایسته ارائه نماییم. دست‌یابی به یک حکمرانی مطلوب و شایسته، حلقه مفقوده نظریه‌پردازی‌های فیلسوفان سیاست‌ورز مغرب‌زمین بوده است. در فلسفه سیاسی اسلامی این دشواری و راه پ‌ریچ‌وخم اندیشه‌ورزی کمتر وجود داشته و آن به دلیل وجود حاکمیت‌های نبوی و علوی با معیارهای الهی بوده است. به همین دلیل است که آرمان و عملکرد پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام با فطرت انسانی سازگار بوده و بعد از گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال، همچنان مدل آرمانی و الهی حکومت‌های نبوی و علوی می‌توانند نه‌تنها الگویی برای مسلمانان بلکه برای همه انسان‌ها مطرح شوند؛ لذا در مقابل نظریه‌های حکمرانی غربی که از لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مبتنی بر تفکرات اومانیستی، سکولاریستی و پوزیتیویستی است، با بهره‌گیری از مدل حکومت نبوی و علوی می‌توان نظریه جامع‌تر و کامل‌تر حکمرانی شایسته در اسلام را تبیین و تشریح کرد. مدل حکمرانی شایسته اسلامی از لحاظ هستی‌شناسی، هستی حقیقی را متعلق به خدا می‌داند و سایر موجودات مظهر تجلی و نشئت‌گرفته از انوار قدسی باری تعالی هستند و با اجتناب از نگاه تک‌ساحتی به انسان، ابعاد و نیازهای دوگانه مادی و معنوی وی را دارای اهمیت می‌بیند. درواقع در حکمرانی شایسته و حکومت صالحان که مبتنی بر جهان‌بینی الهی است، گرچه دنیا و آخرت به صورت توأمان اهمیت می‌یابند، اما زندگی دنیوی هدف اصلی آن نیست، بلکه بستر و زمینه‌ای است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد (نجفی‌سیار و نیکونهاد، ۱۳۹۹).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با دولت‌مردان در شهریور سال ۱۳۸۵، تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته اسلامی از جمله مواردی چون عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، فسادستیزی، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه، ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، قانون‌گرایی وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل که حق است، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات و تعدادی دیگر از شاخص‌ها را برشمردند (شکل ۱).



حکمرانی انقلابی - اسلامی را می‌توان زمینه‌سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب‌یافته، اخلاق و معنویت‌گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان و همچنین گسترش برخورداری از زندگی بانشاط، ایمن، سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه دانست. مدعای اصلی انقلاب اسلامی ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی است که در اهداف و سیاست‌های جامعه و حاکمیت، شیوه‌ها و روش‌های حکمرانی، نقش و مشارکت مردمی، نظامات اداری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... قوانین الهی و روح معنوی اسلام حاکم است. در نهج البلاغه نیز حاکم، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی می‌باشد و مردم باید با همه ارزش‌های مادی و معنوی و آرمان‌هایشان مورد احترام قرار گیرند و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل ملاحظه شود (زارعی و آرای، ۱۴۰۰).

۵) مفهوم مدیریت تراز انقلابی

سبک نوینی از مدیریت است که علاوه بر داشتن ویژگی‌های نوین و به‌روز سایر مکاتب دارای برخی ویژگی‌های ارزشی و اعتقادی همچون تمایلات و ویژگی‌های فردی، رویکرد ساختاری ارزشی، رویکرد ارتباطاتی باز بر مبنای اسلام، اولویت دادن به مسائل معنوی و ارزشی، توجه به مبانی اسلامی و انقلابی، نظارت و کنترل ارزشی است که از جهاتی می‌توان گفت این ویژگی‌ها همان ابعاد ارزشی و فرهنگی است که به عنوان یک حلقه گمشده در مکاتب نوین مدیریتی همچون پست مدرنیسم به آنها اشاره شده است و امروزه ما می‌توانیم با به‌کارگیری این سبک مدیریت در سازمان‌ها بسیاری از مشکلات و گره‌هایی را که بر اثر استفاده از سبک‌های مدیریتی که سنخیتی با ارزش‌های ما ندارند، ایجاد شده است، حل کنیم؛ زیرا سبک مدیریت انقلابی، هم منطبق بر سبک‌های نوین مدیریت و هم منطبق بر ارزش‌ها، اعتقادات و فرهنگ اسلامی است. در این نظام مدیریتی، احکام دین مبین اسلام به عنوان راهبردی برای زندگی و شاخصی برای سنجش حیات مطلوب در نظر گرفته شده و هدف این نظام مدیریتی، تحقق‌بخشی به ارزش‌ها در جامعه به منظور تبدیل آنها به کیفیت زندگی است. رسالت مدیریت تراز انقلابی، تغییر مبانی مدیریت غربی و جایگزینی مبانی اسلامی است که می‌تواند بر اساس بیانات و رهنمودهای امامین انقلاب در عرصه مدیریت باشد



(امیدی و یوسف‌وند، ۱۴۰۱). بررسی سخنان و رهنمودهای امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام در مقاطع مختلف زمانی و توجه آن بزرگواران و اهمیت دادن به ویژگی‌های مؤثر مدیران به ویژگی‌های جهادی و انقلابی نقشه راه آشکاری است که در تبیین شایستگی‌های مدیران مورد استفاده قرار گرفته است (مردانی، ۱۴۰۰). بنابراین حاکمیت ارزش‌های اسلامی از یک سو و فضای انقلاب کشور از سوی دیگر تغییر شگرفی در عرصه مدیریت ایجاد کرد؛ به طوری که سبب تبلور ارزش‌های اسلامی - انقلابی در عرصه‌های مختلف کشور شده است و در شرایط حال حاضر کشور اهمیت بیشتری می‌یابد (فخرایی و همکاران، ۱۴۰۰).

ب) پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر سعی شده است منابع و مآخذی که دارای ارتباط تنگاتنگ با موضوع پژوهش است، به طور اجمالی بررسی و از مطالب آنها به نحو مطلوب استفاده گردد.

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از مطالعات پیشین در مورد هویت

نویسنده(گان) و روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
سیدی و همکاران (۱۴۰۲)، به روش مروری و توصیفی	دولت ناب، راهبردی نو در حکمرانی، یک مطالعه مروری	نتایج نشان‌دهنده واکاوی مبانی نظری حوزه دولت ناب بیانگر وجود جنبه‌های متنوع دولت ناب و نقش اثرگذار آن در حکمرانی است.
رنگریز (۱۴۰۲)، به روش کیفی	طراحی الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی	حکمرانی اسلامی نیازمند طرح‌واره جامع برای شناسایی مشخصه‌ها و ابعاد حکمرانی اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی همچنین مدل-سازي حکمرانی اسلامی در قالب تشکیل مخزن حکمرانی نرم و سخت است.
قهرمان (۱۴۰۱)، به روش درون‌ماندگار	حکمرانی اسلامی با بهره‌گیری از رویکردی	مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که از منظری غیر معرفت‌شناختی چگونه می‌توان به



نویسنده(گان) و روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	غیرمعرفت‌شناختی	حکمرانی اسلامی اندیشید؟ جهت پاسخ به این پرسش فرضیه‌ای که با بهره‌گیری از روش درون‌ماندگار (در تقابل با روش استعلایی و رویکرد معرفت‌شناختی) تنظیم شده، بدین شرح است که در رویکرد غیرمعرفت‌شناس به حکمرانی اسلامی که می‌توان آن را «حکومت‌مندی اسلامی» نامید، اسلام به نیروی سیاسی فعال در زیست‌درون‌ماندگار سوژه‌ها بدل خواهد شد که رفتار سوژه‌ها را به واسطه نسبت‌های متغیر و هرروزه با خودشان، مقاومت در برابر بدیهیات متصلّب و سلطه‌آور زمان حال و تبدیل کردن سوژه‌های مسلمان به نیروهای خلاق حکمرانی، تنظیم و هدایت می‌کند.
زارعی و آرابی (۱۴۰۰)، به روش توصیفی-تحلیلی	واکاوی و نقد الگوی حکمرانی خوب؛ تبیین شاخص‌های حکمرانی اسلامی مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی	الگوی حکمرانی خوب مبتنی بر اصول لیبرال و برخاسته از جوامع توسعه‌یافته و بیانگر گرایش سیاسی یا ایدئولوژیکی خاصی است که به‌کارگیری آن در جوامع دیگر به شکل برون‌زا و تحمیلی و بدون توجه به ساختارهای اجتماعی، نظام اقتصادی، ارزش‌ها و فرهنگ بومی مطلوب نخواهد بود.
زارعی و همکاران (۱۴۰۰)، به روش	الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای	پژوهش حاضر به دنبال الگویابی حکمرانی مطلوب به عنوان سبک منتخب حکمرانی در

نویسنده(گان) و روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
آمیخته	اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی	حکومت‌های اسلامی، در پی کشف حکمرانی متعالی و کشف مؤلفه‌های آن به منظور ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی است. نتایج گویای آن است که با استخراج مؤلفه‌های حکمرانی متعالی، نقش و تأثیر آنها بر مقبولیت، کارآمدی، رضایت‌مندی عمومی و ثبات سیاسی جامعه بررسی شده است. بر همین اساس در صورت اجرای حکمرانی متعالی با مختصات مشخص و معین در هر کشور اسلامی، ارتقای اقتدار ملی آن، حکمرانی در دو مقیاس فراملی و فروملی پدیده‌ای قطعی در این فرایند خواهد بود.
نجفی سیار و نیکونهاد (۱۳۹۹)، به روش توصیفی-تحلیلی	شاخصه‌های حکمرانی مطلوب «دولت تراز» انقلاب اسلامی، مطابق با بیانیه گام دوم.	شاخصه‌های حکمرانی شایسته که از مدل دولت-های نبوی و علوی اقتباس گردیده، در مقایسه با نظریه حکمرانی خوب که یک نظریه وارداتی است، از جامعیت نظری و عملی کامل‌تری برخوردار است و بسیاری از شاخصه‌های مورد نیاز در یک حکمرانی تراز و الگو که در نظریه حکمرانی خوب یافت نمی‌شود، ولی در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی می‌توان آنها را سراغ گرفت.
دربندی و حق‌شناس (۱۳۹۹)، به روش توصیفی-تحلیلی	بررسی شاخص شفافیت از منظر حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی	نتایج این تحقیق نشان داد سیستم سیاسی گرچه قائل به مردم‌سالاری است، به دلیل ضعف‌های نهادی و ساختاری توانسته است، شفافیت را تحقق



نویسنده(گان) و روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	ایران.	بخشد.
قربانی سپهر و همکاران (۱۳۹۸)، به روش توصیفی-تحلیلی	نقش انقلاب اسلامی در فرایند بازیابی تشیع معاصر	این مقاله با روش تبیینی در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که انقلاب اسلامی در ایران چه نقشی در فرایند بازیابی تشیع معاصر داشته است؟ نتایج گویای آن است رابطه‌ای عمیق بین انقلاب اسلامی و تشیع معاصر وجود دارد، به گونه‌ای که هر کدام منجر به تقویت یکدیگر می‌شوند.
مرشدزاد (۱۳۹۶)، به روش توصیفی-تحلیل	حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی	پرسش اصلی در این پژوهش آن است که نظریه و ایده حکمرانی خوب چگونه می‌تواند در خدمت تحقق تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. در نگاه نخست به نظر می‌رسد مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی خوب، تضاد و تعارضی با ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ندارد و می‌توان از آن برای ایجاد نظامی کارآمدتر و سالم‌تر بهره گرفت. در پایان توان بالقوه قانونی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی در جهت پذیرش و اجرایی کردن ایده حکمرانی خوب، بررسی می‌شود. روش تحقیق این پژوهش، بخشی به صورت قیاسی و با استفاده از الگوی حکمرانی خوب و بخشی نیز به صورت استقرایی و با بهره‌گیری از توانایی‌های بالقوه نهفته در نظام جمهوری اسلامی است.

منبع: نگارندگان (۱۴۰۲)



با بررسی مقالات این حوزه می‌توان گفت اکثر این پژوهش‌ها بر پایه روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده و نوآوری این مقاله از دیگر پژوهش‌ها، استفاده از روش آمیخته و استفاده از روش آینده‌پژوهی در شناسایی پیشران‌های مدیریتی تراز انقلابی-اسلامی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش آمیخته (کمی-کیفی) است. روش آمیخته مجموعه اقداماتی است برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمی و کیفی در یک مطالعه واحد به منظور شناخت مسئله تحقیق. این روش یک رویکرد پژوهشی است که از طریق سنجش هر دو دسته یافته‌های یک تحقیق کمی و فرایندهای یک تحقیق کیفی می‌تواند تصویری پیچیده از یک پدیده ارائه دهد. به بیان دیگر از این طریق می‌توانیم با جمع‌آوری و تلفیق یا ادغام انواع متفاوت اطلاعات در مورد یک پدیده معین، پژوهش خود را غنا بخشیم. این بهبودبخشی حاصل ترکیب نقاط قوت یک روش پژوهشی با جوانب محکم روش دیگر و خنثی‌سازی نقاط ضعف آنهاست.

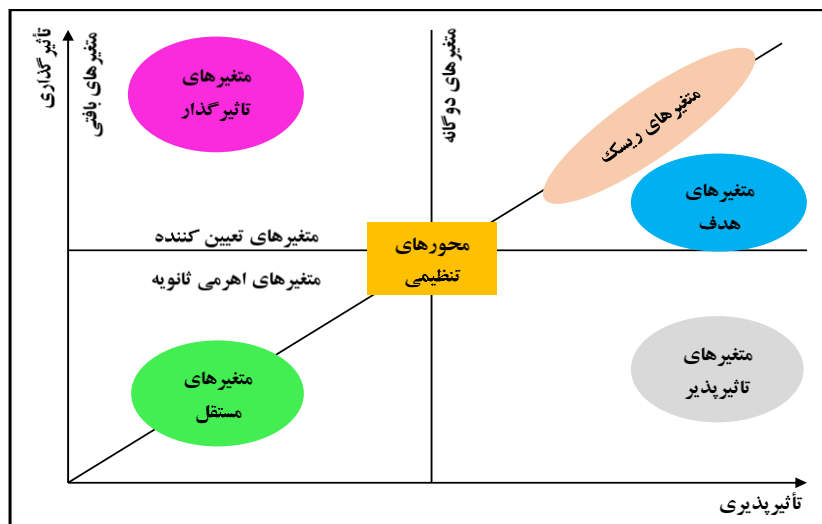
ماهیت داده‌ها کیفی و کمی و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، میدانی (پرسشنامه تأثیرات متقابل) و پیمایشی (در چند مرحله) است. برای انجام تحقیق حاضر ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای در زمینه حوزه پژوهش که به شناسایی نه منبع غنی در این حوزه منجر گردید و سپس از آن منابع، شناسایی پیشران‌های حکمرانی انقلابی-اسلامی بهره گرفته شد. سپس با شناسایی و استخراج پیشران‌های مرتبط و انتخاب اعضای پنل بر اساس تخصص، پیشران‌هایی که امتیاز لازم را کسب نکردند، از پرسشنامه حذف شدند و پرسشنامه نهایی طراحی شده در قالب (عدد صفر؛ بی تأثیر)، (عدد یک؛ تأثیر کم)، (عدد دو؛ تأثیر متوسط)، (عدد سه؛ تأثیر زیاد) در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار داده شد تا نسبت به هر مؤلفه امتیاز دهند و در نهایت از طریق نرم‌افزار میک‌مک کلیدی‌ترین پیشران‌ها شناسایی شدند. بر اساس جدول ۲ جامعه آماری این پژوهش ۲۰ کارشناس و متخصص خبره در مسئله مورد پژوهش در رشته‌های (الهیات، جغرافیا، علوم سیاسی و آینده‌پژوهی) است.

جدول شماره ۲: اطلاعات توصیفی جامعه آماری

سن	تعداد	جنسیت	تعداد	مدرک تحصیلی	تعداد	رشته تحصیلی	تعداد
۲۰-۳۰	۱۲	مرد	۱۷	دانشجوی دکتری	۴	جغرافیا	۶
۳۰-۴۰	۵	زن	۳	دکتری	۱۵	الهیات	۱۰
۴۰-۵۰	۲	-	-	پسادکتری	۱	آینده پژوهی	۲
۵۰-۶۰	۱	-	-	-	-	علوم سیاسی	۲
جمع	۲۰	-	۲۰	-	۲۰	جمع	۲۰

(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲)

روش نمونه‌گیری در این تحقیق از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی انجام شده است. به عبارتی متخصصان از طریق متخصصان دیگر معرفی می‌شدند.



شکل شماره ۱: تأثیرپذیری / تأثیرگذاری متغیرها در تحلیل اثرات متقاطع (Source: Godet, ۲۰۰۸: ۱۸۹)

۴. یافته‌های پژوهش

جمهوری اسلامی نماد اسلام است؛ بنابراین هرچه قوی‌تر باشد، جهان اسلام هم قوی‌تر است و هرچه توان عملش بیشتر باشد، به نفع مسلمانان جهان است؛ از این رو یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در نظام جهانی، اندیشه‌های امامین انقلاب است که این اندیشه‌ها بر بسیاری از معادلات جهانی تأثیر گذاشته و زمینه‌ی مقابله با جبهه‌ی استکبار شده است (قربانی سپهر و ابراهیمی، ۱۴۰۲). حکمرانی در جمهوری اسلامی ریشه‌ی الهی دارد و هدف نیز دست‌یابی به حیات طیبه و کرامت انسانی است. حکمرانی سازگار با چنین اهدافی قطعاً باید ماهیتی مصلحانه داشته باشند که از سوی محوریت آن با امام و رهبری صالح است و از سوی دیگر رویکرد شاخص‌ها نیز اصلاح‌گری امور انسان و جامعه او به منظور تحقق حیات طیبه می‌باشد؛ ضمن اینکه لزوم و ضرورت وجود رهبری صالح نیز برای رسیدن به همین هدف است و این امر، هم در مفهوم و هم در ماهیت و هم در عنوان شاخص‌ها باید خود را نشان دهد (بهزاد رضایی، ۱۴۰۰). در تاریخ اسلام و ایران حضرت امام خمینی علیه السلام از بزرگ‌ترین عالمان و اندیشمندان دینی محسوب می‌شود که بیشترین اهتمام ایشان درک شرایط سیاسی زمانه (با تمام پیچیدگی‌ها، گستردگی‌ها و...) و تلاش مجاهدانه برای حفظ و تحقق آرمان‌ها، اهداف و... اسلامی بود (قربانی سپهر و ابراهیمی، ۱۴۰۲). جوهره‌ی اصلی مکتب امام خمینی علیه السلام را باید در نوع نگاه و برداشت ایشان از احساس پایدار امنیت حاکم بر تعاملات انسانی فرد با جامعه و افراد و کشورها در عرصه‌های روابط ملی و بین‌الملل جست‌وجو نمود که نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و توجه به خودباوری، محوری‌های این مکتب را تشکیل می‌دهند (فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

طرح و نظریه‌ی حکومت نزد امام خمینی علیه السلام از جایگاه مهمی برخوردار است. ایشان با توجه به فلسفه‌ی سیاسی، فقه اسلامی و جایگاه بسیار مهم و حساس حکومت در اداره‌ی اجتماع و پیش‌برد و حفظ دین و نیز با توجه به ضرورت‌های زمانی و مکانی و توجه ویژه به مصالح ملت ایران، به ارائه این نظریه پرداخت. بی‌تردید نقش و تأثیر پیشران‌هایی چون شفافیت، فسادستیزی، وجود نظام قضایی کارآمد، مشارکت اجتماعی و سیاسی و نیز پاسخگوبودن کارگزاران حکومتی می‌تواند به میزان بالایی به



کارآمدی و رضایت‌مندی از سیستم حاکمیتی منجر شود و هم این امر به تقویت مشروعیت نظام کمک می‌نماید. به نظر می‌رسد در منظر امام خمینی علیه السلام اصول حکمرانی انقلابی - اسلامی در صورت قالب‌سازی در چهارچوب و قواعد اسلامی و با کسر حدود و شرایط مغایر با احکام اسلامی برای مصلحت حفظ نظام و اسلام مناسب خواهد بود. البته در صورتی که هدف از اجرای آن تقویت پشتوانه مردمی و استمرار اقامت دین مبین اسلام از آن باشد و از طرفی بنا به قاعده نفی سبیل، اجرا یا عدم اجرای آن در چهارچوب رویکرد غربی و کنترل و نظارت غرب و به تناسب آن دیکته‌نمودن سیاست و فرهنگ خویش بر جامعه اسلامی امری است، هرگز مورد پذیرش امام خمینی علیه السلام و جامعه اسلامی نخواهد بود. همچنین امام خمینی علیه السلام مشروعیت را مقدم بر کارآمدی می‌دانستند؛ با این حال کارآمدی نظام سیاسی، ملاکی برای اثبات کارآمدی دین در عرصه عمومی به‌ویژه حکمرانی در عرصه ملی و فراملی است (بهزاد رضایی، ۱۴۰۰). بنابراین در ادامه به بررسی و تحلیل پیشران‌های حکمرانی شایسته انقلابی - اسلامی می‌پردازیم.

جدول شماره ۳: پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی

ردیف	بعد	عوامل / متغیرها (به همراه کد)
۱	پیشران‌های حکمرانی انقلابی - اسلامی (A)	معنویت‌گرا و سعادت‌طلب (A۱)، علم‌محوری و دانش بنیان (A۲)، آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی (A۳)، قانون‌گرا و فسادستیز (A۴)، انقلابی و جوان‌جهادگر (A۵)، مشارکت‌جو و مردم‌گرا (A۶)، عدالت - خواه و محرومیت‌زدا (A۷)، شفافیت و سلامت مالی (A۸)، مسئولیت - پذیر، خدمت‌گزار و شایسته‌سالاری (A۹)، معتقد به اقتصاد مقاومتی (A۱۰).

(منبع: نجفی سیار و نیکونهاد، ۱۳۹۹ / زارعی و آرای، ۱۴۰۰ / دربندی و حق‌شناس، ۱۳۹۹)

در این پژوهش بعد از شناسایی پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی توسط خبرگان، از طریق نرم‌افزار MICMAC، ماتریس اثرات متقاطع شکل داده شده و با دادن امتیازدهی به



مؤلفه‌های مورد نظر بر حسب میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها از صفر تا ۳ امتیازهایی داده شده است. بنابراین در تحلیل انجام‌گرفته با توجه به جدول ۴، ابعاد ماتریس در نرم‌افزار میک‌مک ۱۰*۱۰ بوده و تعداد تکرارها ۲ بار در نظر گرفته شده است. همچنین تأثیر هر یک از متغیرهای ستون عمودی (تأثیرگذار) بر ستون افقی (تأثیرپذیر) مورد بررسی قرار گرفته است. در این ماتریس شاخص پُرشدگی ۷۹ درصد است که نشان‌دهنده تأثیرگذاری عوامل بر یکدیگر است. از مجموع ۷۹ رابطه، رابطه صفر ۲۱ رابطه را در بر می‌گیرد، رابطه (۱)، ۲۱ رابطه را ایجاد کرده است، ۲۲ رابطه دارای اثرات متقاطع (۲) و ۳۶ رابطه دارای اثرات متقاطع (۳) هستند. نتایج گویای آن است تعداد روابط با اثرگذاری زیاد نسبت به سایر روابط بیشتر است و روابط با شدت کم، درصد کمی را از مجموع روابط تشکیل داده است.

جدول شماره ۴: تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل

شاخص	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	صفر	یک	دو	سه	P	جمع	درصد پُرشدگی
مقدار	۱۰*۱۰	۲	۲۱	۲۱	۲۲	۳۶	۰	۷۹	۷۹

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲)

با توجه به جدول ۵، ماتریس این پژوهش بر اساس شاخص‌های آماری با ۲ بار چرخش از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد در بخش تأثیرگذاری و ۱۰۰ درصد در بخش تأثیرپذیری برخوردار بوده که حاکی از روایی بالایی پرسشنامه و پاسخ‌های آن است.

جدول شماره ۵: درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس

پیشران	تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	چرخش
حکمرانی شایسته انقلابی - اسلامی	%۹۲	%۹۵	۱
	%۱۰۰	%۱۰۰	۲

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲)



با توجه به جدول ۶ و بر اساس نتایج تحلیلی این ماتریس، متغیرهای معتقد به اقتصاد مقاومتی، شفافیت و سلامت مالی، عدالت خواه و محرومیت زدا و قانون گرا و فسادستیز بیشترین تأثیر پذیری و متغیر آرمان گرا و دارای بینش تمدنی طبیعی کمترین تأثیر پذیری را در میان پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی داشته‌اند. همچنین متغیرهای معنویت گرا و سعادت طلب، انقلابی و جوان جهادگر و شفافیت و سلامت مالی بیشترین تأثیرگذاری و متغیر آرمان گرا و بینش تمدنی کمترین تأثیرگذاری را در میان پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی داشته‌اند. در ادامه به تحلیل پایداری و ناپایداری سیستم پرداخته می‌شود. نحوه پراکنش متغیرها وضعیت پایداری و ناپایداری سیستم را تعیین می‌کند.

جدول شماره ۶: میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل مستقیم و غیرمستقیم

ردیف	بعد	متغیرها	اثرات مستقیم		اثرات غیرمستقیم	
			تأثیر پذیری	تأثیرگذاری	تأثیر پذیری	تأثیرگذاری
۱	پیشران‌های حکمرانی	معنویت گرا و سعادت طلب	۱۵	۲۵	۴۸۳۳	۷۴۷۹
۲		علم محوری و دانش بنیان	۱۴	۱۶	۴۵۲۹	۵۰۶۹
۳		آرمان گرا و دارای بینش تمدنی	۷	۶	۱۹۸۹	۲۱۳۱
۴		قانون گرا و فسادستیز	۲۰	۱۹	۶۲۸۷	۶۲۶۶
۵		انقلابی و جوان جهادگر	۱۸	۲۲	۵۶۱۰	۷۰۳۰
۶		مشارکت جو و مردم گرا	۱۷	۱۳	۵۸۳۵	۴۳۳۲



۶۰۲۷	۶۴۵۵	۱۹	۲۰	A۷	عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا	۷
۶۴۴۲	۶۶۵۶	۲۰	۲۱	A۸	شفافیت و سلامت مالی	۸
۶۲۲۲	۶۰۶۸	۱۹	۱۸	A۹	مسئولیت‌پذیر، خدمت‌گزار و شایسته‌سالاری	۹
۴۶۸۵	۷۳۹۴	۱۴	۲۳	A۱۰	معتقد به اقتصاد مقاومتی	۱۰
۱۷۳	۱۷۳	۱۷۳	۱۷۳		جمع کل متغیرها	

آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرهای مؤثر بر وضعیت پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی می‌توان فهمید، وضعیت ناپایداری سیستم است. با توجه به وضعیت ناپایداری سیستم ۴ نوع متغیر شامل: متغیرهای تعیین‌کننده یا تأثیرگذار، متغیرهای دوجهی، متغیرهای تنظیمی و متغیرهای مستقل در این سیستم قابل شناسایی است.

«متغیرهای تأثیرگذار یا تعیین‌کننده» در بین ۱۰ عامل مورد مطالعه مجموعاً ۲ متغیر از گروه‌های مختلف جزء متغیرهای تأثیرگذار شناسایی شدند. این عوامل مشارکت‌جو و مردم‌گرا (A۶) معتقد به اقتصاد مقاومتی (A۱۰) به عنوان متغیر تأثیرگذار به دست آمد.

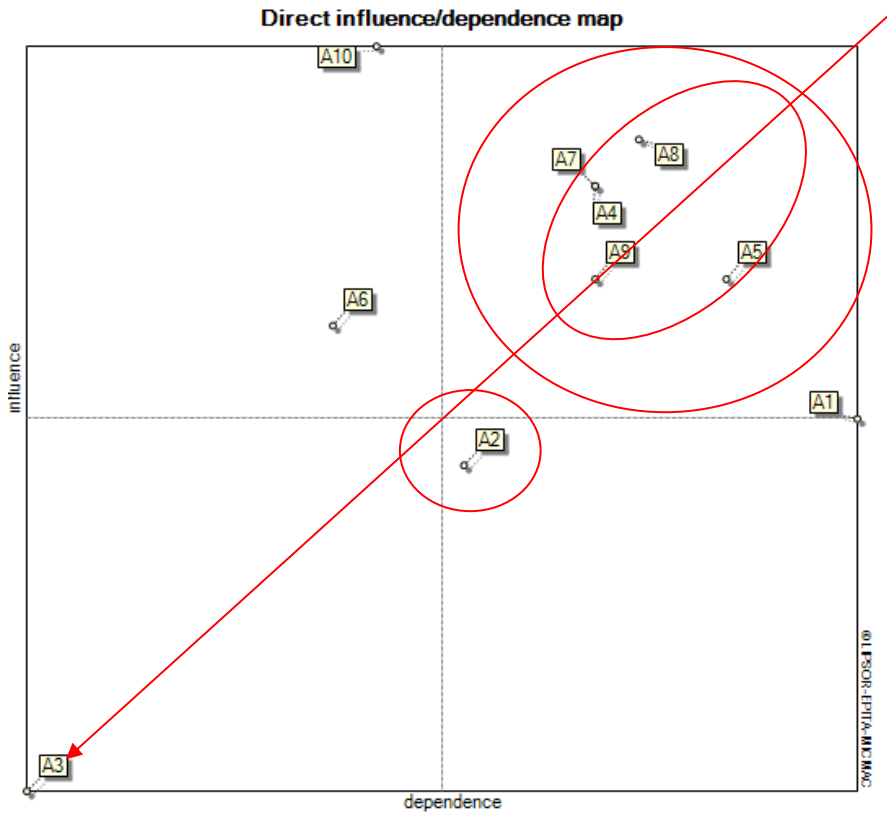
«متغیرهای دوجهی» از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی برخوردارند. در بین عوامل مورد بررسی مجموعاً ۶ متغیر از گروه‌های مختلف جزء متغیرهای دوجهی شناسایی شدند که ۴ متغیر جزو متغیرهای ریسک و ۲ متغیر به عنوان متغیرهای هدف انتخاب شدند. عوامل ریسک شامل قانون‌گرا و فسادستیز (A۴)، عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا (A۷)، شفافیت و سلامت مالی (A۸)، شفافیت و سلامت مالی (A۱۰)، همچنین عوامل هدف شامل معنویت‌گرا و سعادت‌طلب (A۱)، انقلابی و جوان جهادگر (A۵) بودند.

۳۱ «متغیرهای تنظیمی» در گراف تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عامل علم‌محوری و دانش‌بنیان (A۲) به



عنوان متغیر تنظیمی شناخته شده است.

«متغیرهای مستقل» آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی (A3) به عنوان متغیر مستقل شناسایی شدند.

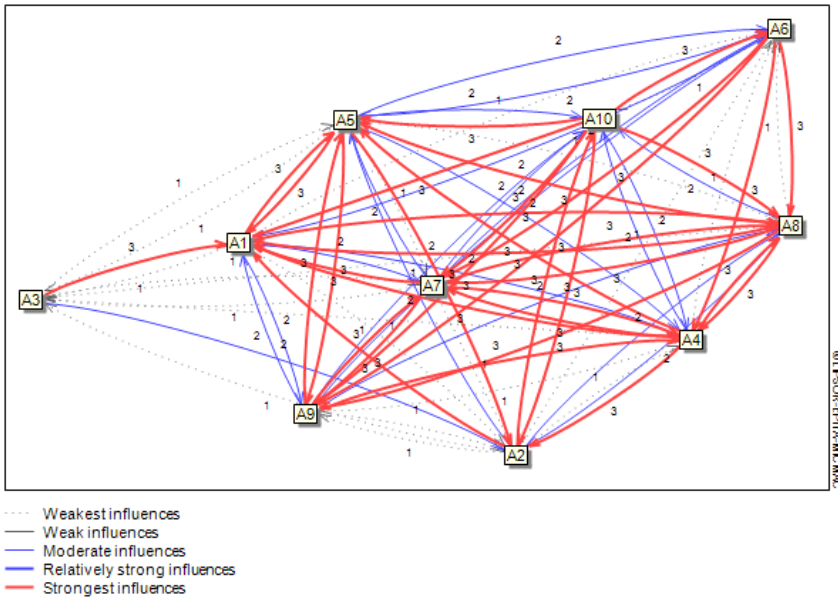


شکل شماره ۲: پراکنش متغیرها در پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (مستقیم) (منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲)

چگونگی و نحوه روابط مستقیم و غیرمستقیم هر کدام از متغیرهای شناسایی شده در نرم‌افزار میک‌مک، در پوشش ۱۰۰ درصد مورد تحلیل قرار گرفتند.

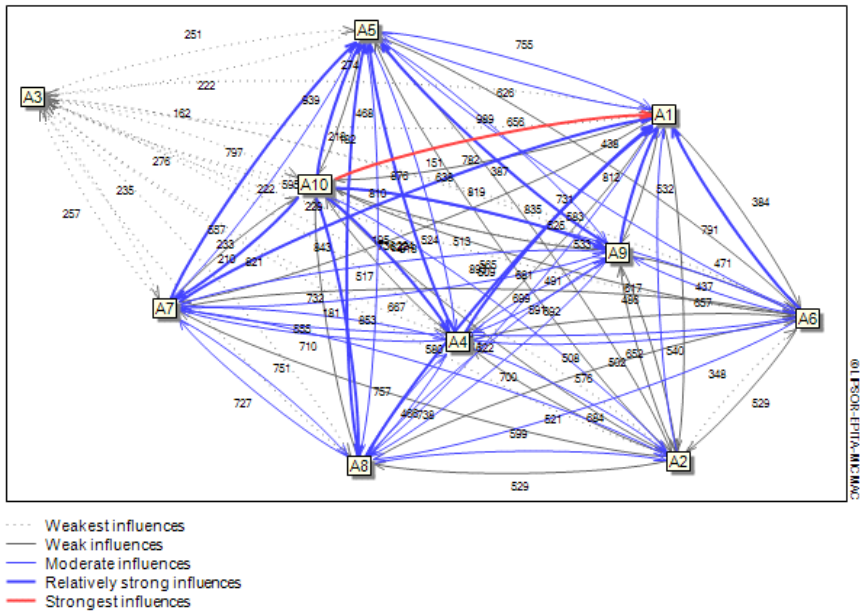


Direct influence graph



شکل شماره ۳: گراف چرخه اثرگذاری مستقیم با پوشش ۱۰۰ درصد عوامل (منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲)

Indirect influence graph



شکل شماره ۴: گراف چرخه اثرگذاری غیرمستقیم با پوشش ۱۰۰ درصد عوامل (مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲)



همان طور که در گراف چرخه اثرگذاری مستقیم قابل مشاهده است، میان پیشران‌های مدیریتی تراز شایسته انقلابی- اسلامی ارتباط بسیار بالایی با درجه بسیار قوی و نسبتاً قوی برقرار است؛ اما در گراف چرخه اثرگذاری غیرمستقیم میان پیشران A1 و A10 ارتباط بسیار قوی برقرار و میان سایر پیشران‌ها ارتباط نسبتاً قوی برقرار است. بر این اساس با اتکا به یافته‌های جداول ۴ تا ۶ و شکل‌های ۲ تا ۴، نیروهای پیشران کلیدی به لحاظ تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم به صورت جدول ۷ قابل ارائه خواهد بود.

جدول شماره ۷: رتبه‌بندی پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی

رتبه به دست آمده		امتیاز نهایی به دست آمده		متغیرها	
تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیرگذاری مستقیم	تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیرگذاری مستقیم		
۱	۱	۱۳۲۸	۱۳۲۹	A10	معتقد به اقتصاد مقاومتی
۲	۲	۱۱۹۵	۱۲۱۳	A8	شفافیت و سلامت مالی
۳	۳	۱۱۵۹	۱۱۵۶	A4	قانون‌گرا و فسادستیز
۴	۴	۱۱۲۹	۱۱۵۶	A7	عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا
۵	۵	۱۰۹۰	۱۰۴۰	A5	انقلابی و جوان جهادگر
۶	۶	۱۰۴۸	۱۰۴۰	A9	مسئولیت‌پذیر، خدمت‌گزار و شایسته‌سالاری
۷	۷	۱۰۰۷	۹۸۲	A6	مشارکت‌جو و مردم‌گرا
۸	۸	۸۶۸	۸۶۷	A1	معنویت‌گرا و سعادت‌طلب
۹	۹	۸۱۳	۸۰۹	A2	علم‌محوری و دانش‌بنیان
۱۰	۱۰	۳۵۷	۴۰۴	A3	آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲)

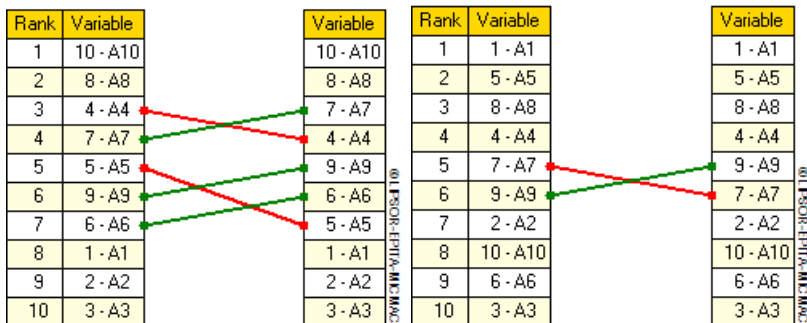
بر حسب ماتریس اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم می‌توان گفت شاخص A10 (معتقد به اقتصاد



مقاومتی) در رتبه اول تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A۸ (شفافیت و سلامت مالی) در رتبه دوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A۴ (قانون‌گرا و فسادستیز) در رتبه سوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A۷ (عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا) در رتبه چهارم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A۵ (انقلابی و جوان‌جهادگر) در رتبه پنجم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است.

Classify variables according to their i

Classement par dépendance



شکل شماره ۵: تحلیل اثر وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بالقوه (مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲)

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) بحث

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی در معادلات ژئوپلیتیک جهانی و حکومت تراز جهانی نقش اساسی داشته است. این تحقیق به‌مانند تحقیق نجفی سیار و نیکونهاد (۱۳۹۹) پیشران‌های حکمرانی یک‌سانی را در نظر گرفته است؛ با این تفاوت که در آن تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده بود و در این تحقیق از روش آینده‌پژوهی در شناسایی کلیدی‌ترین پیشران‌های حکمرانی انقلابی-اسلامی بهره گرفته شده بود. همچنین قربانی سپهر و همکاران (۱۳۹۸) اشاره نموده‌اند که رابطه‌ای عمیق بین انقلاب اسلامی و تشیع معاصر وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر کدام منجر به تقویت یکدیگر می‌شوند. در این تحقیق هم نگارندگان معتقدند انقلاب اسلامی و تشیع معاصر زمینه حکمرانی نوینی را در جهان فراهم آورده‌اند. بنابراین رنگریز

(۱۴۰۲) بر آن است حکمرانی اسلامی نیازمند طرح‌واره جامع برای شناسایی مشخصه‌ها و ابعاد حکمرانی اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین مدل‌سازی حکمرانی اسلامی در قالب تشکیل مخزن حکمرانی نرم و سخت است که در این تحقیق نگارندگان سعی کرده‌اند پیشران‌های حکمرانی انقلابی- اسلامی را شناسایی کنند که در سطوح (محلی، ملی و فراملی) تأثیرگذار است و جایگاه انقلاب اسلامی را در جهان مستحکم‌تر خواهد نمود.

ب) نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر حکمرانی انقلاب اسلامی در تراز جهانی انجام شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل ساختاری در نرم‌افزار MICMAC، ۱۰ پیشران برای حکمرانی شایسته انقلابی- اسلامی انتخاب شدند. این پیشران‌ها به ترتیب اولویت شامل معتقد به اقتصاد مقاومتی (A۱۰)، شفافیت و سلامت مالی (A۸)، قانون‌گرا و فسادستیز (A۳)، عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا (A۷)، انقلابی و جوان‌جهادگر (A۵)، مسئولیت‌پذیر، خدمت‌گزار و شایسته‌سالاری (A۹)، مشارکت‌جو و مردم‌گرا (A۶)، معنویت‌گرا و سعادت‌طلب (A۱)، علم‌محوری و دانش‌بنیان (A۲)، آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی (A۳) می‌باشند؛ لذا سه پیشران اول (معتقد به اقتصاد مقاومتی، شفافیت و سلامت مالی، قانون‌گرا و فسادستیز) به عنوان کلیدی‌ترین پیشران‌ها در این تحقیق انتخاب شده‌اند که نقش مهمی در حکمرانی شایسته انقلاب اسلامی در تراز جهانی دارد. به نوعی تکیه بر اقتصاد مقاومتی زمینه شکست دشمنان جمهوری اسلامی ایران را در خارج از مرزها فراهم می‌آورد و شفافیت و سلامت مالی مسئولان قوه مجریه و مقننه و همچنین قانون‌گرا و فسادستیز بودن قوه قضاییه در داخل کشور زمینه حکمرانی شایسته انقلابی- اسلامی در تراز جهانی را فراهم می‌آورد و پیشران‌های دیگر به عنوان مکمل زمینه تحقق پیشران‌های مدیریت انقلابی تراز حکمرانی اسلامی را فراهم می‌آورد.

ج) پیشنهادها

از طریق اقتصاد مقاومتی و پیشرفت توان داخلی کشور می‌توان نیاز به کشورهای توسعه‌یافته را



کمرنگ نمود و زمینه رونق تولید داخلی را فراهم کرد و این از طریق توان علمی و تولیدات دانش بنیان و مشارکت نخبگان تحقق پذیر است.

۱. در عصر حاضر با توجه به افزایش دسترسی به رسانه‌های مجازی نیاز است مشارکت همگانی مردم را از طریق این رسانه‌ها فراهم کرد تا بتوان با دسترسی آسان افکار عمومی را در راستای اهداف انقلاب اسلامی همراه نمود که نیاز است در این زمینه هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف جامعه اعم از مسئولان، مردم و نخبگان صورت گیرد تا دشمنان نتوانند از طریق این رسانه‌ها بر امنیت داخلی کشور تأثیر بگذارند.

۲. ایجاد شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولان کلان‌کشوری و مدیران ارشد می‌تواند از ضعف‌های احتمالی جلوگیری کرد و مبتنی بر آن می‌توان به آسانی منابع را شناسایی و در جهت بهره‌برداری از منابع به صورت بلندمدت آن منابع را در جهت پیشرفت کشور حفظ کرد.

۳. ایجاد عدالت و توزیع فضایی عدالت در جامعه زمینه اعتماد ملت به حکومت و دولت را بیش از پیش افزایش می‌دهد، آن هم در برهه‌ای از زمان که حکومت بیش از هر زمان دیگر به حمایت ملت در مقابل دشمنان نیازمند است.





۶. منابع

۱. منابع فارسی

- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۷). تبیین مفهومی ژئوپلیتیک شیعه (ارائه تعریفی جدید). فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۴ (۱)، ۵۸-۸۱.
- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۰). ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه. تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور.
- احمدی، عباس، واثق، محمود، و جاسم‌نژاد، مسعود (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۴ (۲)، ۶۵-۸۴.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۷). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امیدی، علی، و یوسف‌وند، سعید (۱۴۰۱). ارائه الگوی مدیریتی انقلاب در تراز جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۵ (۹۵)، ۷۴-۹۹.
- بشیریه، حسین (۱۴۰۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بهباد رضایی، احد (۱۴۰۰). بررسی شاخص‌های حکمرانی متعالی از منظر امامین انقلاب. تهران: سومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی حکمرانی متعالی، ۹-۱.
- پارسانیا، حمید (۱۴۰۰). پژوهشی در انقلاب اسلامی روشنفکران، تاریخ انقلاب اسلامی، اوضاع اجتماعی، زندگی فرهنگی. تهران: دفتر نشر معارف.
- پیشگاهی فرد، زهرا، نصرتی، شهریار، و بازدار، شهناز (۱۳۹۴). ژئوپلیتیک شیعه و قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه. فصلنامه شیعه‌شناسی، ۱۳ (۴۹)، ۷-۲۹.
- جعفرپور، رشید، و ایمان حسین، قزل‌ایاق (۱۳۸۹). نقش رسانه منبر در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۴ (۱۲)، ۱۰۹-۱۲۴.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). تحلیلی بر چهارچوب مطالعاتی آینده انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.



حیدریان، سیدمحمدرضا، صالحی، محمد، و خطیرپاشا، کیومرث (۱۴۰۲). ارائه مدل شایستگی‌های رفتاری مدیران در تراز جمهوری اسلامی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۶ (۹۸)، ۳۲-۵.

دربندی، مارال، و حق‌شناس، محمدجواد (۱۳۹۹). بررسی شاخص شفافیت از منظر حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۵۷). مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۵ (۱)، ۱-۱۹.

رنگریز، حسن (۱۴۰۲). طراحی الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۶).

زارعی، بهادر، احمدی، سیدعباس، و عابدی درچه، محسن (۱۴۰۰). الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی. فصلنامه حکومت اسلامی، ۲۶ (۱)، ۱۰۷-۱۳۴.

زارعی، مجتبی، و آرای، وحید (۱۴۰۰). واکاوی و نقد الگوی حکمرانی خوب؛ تبیین شاخص‌های حکمرانی اسلامی مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۷)، ۷-۲۵.

سیدی، فاضل، موسی‌خانی، مرتضی، طوطیان اصفهانی، صدیقه، و طیاران، شهرزاد (۱۴۰۲). دولت ناب، راهبردی نو در حکمرانی: یک مطالعه مروری. فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۳ (۳)، ۷۹-۹۵.

فخرایی، میلاد، احمدی، کیومرث، و احمدی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). الگویی جهت تبیین و بسط مفهومی مدیریت تراز انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۵ (۱)، ۲۴۶-۲۸۰.

فیروزآبادی، سیدحسن (۱۳۹۱). امنیت‌پایداری در مکتب امام خمینی علیه‌السلام. سخنرانی علمی، تهران.

قربانی‌سپهر، آرش، و ابراهیمی، حامد (۱۴۰۲). اندیشه دفاعی - امنیتی امامین انقلاب با تأکید بر تهدیدات جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۹ (۳۳)، ۱۲۹-۱۵۲.

قربانی‌سپهر، آرش، زارعی، بهادر، دلالت، مراد، و شیراوند، صارم (۱۳۹۸). نقش انقلاب اسلامی در فرایند بازیابی تشیع معاصر. نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۶ (۵۹)، ۲۷-۴۸.

قهرمان، میثم (۱۴۰۱). حکمرانی اسلامی با بهره‌گیری از رویکردی غیر معرفت‌شناختی. فصلنامه دولت پژوهی، ۸ (۳۰)، ۲۹۳-۳۲۱.

محمدمظاهری، محمد (۱۳۹۹). ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهبد سلیمانی، فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۸ (۱)، ۲۱-۴۶.

محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. ج ۲، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



محمدی، منوچهر، و خدادادی، حسین (۱۳۹۶). بازتاب انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه نظام نوری شیخ اشراق. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۴ (۴۸)، ۱۲۷-۱۵۲.

مردانی، محمدرضا، میرزایی اغبلغ، احمد، ساده، احسان، و امینی‌سابق، زین‌العابدین (۱۴۰۰). الگوی شایستگی‌های مدیران تراز انقلاب اسلامی در سازمان‌های فرهنگی (مورد مطالعه: سازمان صدا و سیما). فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱ (۲۴)، ۹۵-۱۲۴.

مرشدزاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی. فصلنامه آینده پژوهی ایران، ۲ (۲)، ۱۲۵-۱۴۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). پیرامون انقلاب اسلامی. ج ۹، تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد (۱۴۰۰). فرهنگ معین. تهران: انتشارات میلاد.

مقدری، مهدی (۱۴۰۰). حکمرانی خوب و توسعه دیدگاه و یافته‌های دانیل کافمن. تهران: انتشارات نگاه معاصر.

نجفی سیار، رحمان، و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹). شاخص‌های حکمرانی مطلوب «دولت تراز» انقلاب اسلامی، مطابق با بیانیه گام دوم انقلاب. فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰ (۴۱)، ۱۷۳-۲۰۰.

واثق، محمود، و حسینی نصرآبادی، نرجس سادات (۱۳۹۵). بررسی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه امام خمینی علیه السلام. مجله سیاست دفاعی، ۲۴ (۹۴)، ۸۹-۱۱۸.

۲. منابع لاتین

Abdellatif. A. M. (۲۰۰۳). *Good governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development*. MINISTRY OF JUSTICE, REPUBLIC OF KOREA.

Bowman, A. (۱۹۹۷). Urban government, in Ronald K. Vogel, *Handbook of research on urban politics and policy in the united state*. Greenwood Press.

Godet, A. J., Meunier, M. F., Roubelat, F. (۲۰۰۳). Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method. *Futures Research Methodology*, (۲).

Godet, M. (۲۰۰۸). *Strategic Foresight*. Lipsor working paper, France, Paris.

Kapur, A. (۲۰۰۵). *Internet governance: a primer*. United Nations Development Programme-Asia-Pacific Development, ELSEVIER.

Kaufmann, Da. K., and Mastruzzi, M. (۲۰۰۸). *Governance Matters VIII: Aggregate*



and Individual Governance Indicators for ۱۹۹۶-۲۰۰۷. *The World Bank, Policy Research Working Paper4554*. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=۱۱۴۸۳۸۶>.

Roy, I. (۲۰۰۸). Civil Society and Good Governance: (Re-) Conceptualizing the Interface. *World Development*, ۳۶ (۴), ۶۷۷-۷۰۵.

Schwab, B., and Kubler, D. (۲۰۰۱). Metropolitan governance and the “democratic deficit” Theoretical issues and empirical findings. *Paper presented at the conference Area-based initiatives in contemporary urban policy*, Danish Building and Urban Research and European Urban Research Association.

UN. (۲۰۰۷). *A Guide to Promoting Good Governance in Public Private Partnerships*. United Nations economic commission of Europe.



تأثیر و اولویت‌بندی مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی

موسی قوام‌صفت*^۱

چکیده

حل مشکلات اجتماعی به عنوان پدیده‌ای روشن، پیامدی اثرگذار بر فرایندهای رشد و توسعه جامعه بر جای می‌گذارد. هدف پژوهش حاضر تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی است. روش‌شناسی: این پژوهش از نوع آمیخته است که در دو مرحله کیفی و کمی انجام شده است. در مرحله نخست گردآوری داده‌ها از طریق ۳۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و نیز تحلیل محتوای اسناد، مدارک و ادبیات موجود انجام شد. حاصل این مرحله، فهرستی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی مشتمل بر چهار دسته عوامل تربیتی، بهداشتی، فرهنگی و مدیریتی بود. در مرحله بعد برای تعیین اهمیت هر یک از عوامل، پرسشنامه‌ای طراحی و بین ۱۶۹ تن از مردم، فعالان اجتماعی، پیشکسوتان و معتمدان توزیع شد که به شیوه قضاوتی انتخاب شدند. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظر ۶ تن از متخصصان بهره گرفتیم و به منظور تعیین پایایی در بعد انسجام درونی با تکمیل ۳۰ پرسشنامه توسط نمونه‌ها ضریب پایایی برای پرسشنامه‌ها با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار اسپس اس نسخه ۲۱ محاسبه استفاده گردید. نتایج: نشان داد که مهم‌ترین مسائل اجتماعی مسئله مدیریتی است و اینکه مردم می‌توانند در حل این مسائل کمک کنند.

کلیدواژه‌ها:

مشارکت، مسائل اجتماعی، مردم، جامعه.

۱. کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

Email: moosa.ghavam@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴



۱. مقدمه و بیان مسئله

مسائل اجتماعی از جمله مباحثی است که همواره از دغدغه‌های فکری اغلب جامعه‌شناسان بوده است و این مسائل برگرفته شده از تحولات ناشی از مدرنیته در سده‌های اخیر، از جمله تحول در بنیادهای فکری و معرفتی، تحول در بنیاد نظم و سازمان اجتماعی و تحولات جمعیتی، منجر به تغییرات بسیاری در ساحت‌های گوناگون حیات اجتماعی انسان و به دنبال آن، پدیدارشدن مسائل اجتماعی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی شده است (گربالیزاده و صبوریان، ۱۴۰۲: ۳۴).

مسائل اجتماعی همواره در طول حیات اجتماعی بشر وجود داشته است. هرچند ورود به عصر مدرن باعث حل یا کاهش شماری از مسائل اجتماعی گذشته شده، در عین حال خود مدرنیته، مولد شمار متعددی از مسائل اجتماعی بوده است؛ به طوری که امروزه شاهد تنوع، کثرت و رشد روزافزون مسائل اجتماعی هستیم. همان طور که آمارهای رسمی و غیررسمی نشان می‌دهند، وضعیت مسائل اجتماعی در کشور در حال حاضر نگران‌کننده است. کاهش و حل مسائل اجتماعی همواره از مهم‌ترین وظایف و دغدغه‌های دولت‌ها بوده است. اما تجارب توسعه جهانی و ناکامی الگوهای دولتی گذشته در حل مسائل اجتماعی، حاکی از آن است که رویکرد صرف دولتی برای تحقق توسعه پایدار و رسیدگی به مسائل اجتماعی چندان کارا نبوده و به جای آن، خود شهروندان باید در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد به دنبال رفع مشکلات موجود باشند؛ زیرا کثرت مسائل و پیچیدگی امور در جامعه، مشارکت همه افراد با عقاید و آرای متنوع را ایجاب می‌کند؛ لذا کسب نوع خاصی از همبستگی اجتماعی و اتصال افراد به جامعه و مشارکت در آن، از اصول اساسی جامعه نوین محسوب می‌شود (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

تحولات اجتماعی در دوران اخیر، فرصت نهادینه‌نمودن این تغییرات و احصای شیوه‌های مواجهه مناسب را از جامعه سلب نموده است. تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی در جامعه به تفاوت‌های کنشی منجر می‌گردد که در پاره‌ای موارد سطوحی از تعارض را در بین کنشگران در پی دارد. توجه به این وضعیت، زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که مسائل و نابسامانی‌ها در سطوح کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شرایط موصوف را تشدید نموده، چالش‌های اجتماعی را



افزون می‌کند. چنین وضعیتی زمینه‌های متنوعی را برای بروز مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند (حاتمی خلیجان و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۸).

مطالعات جهانی حکایت از آن دارد که تشدید و تداوم بحران‌های اجتماعی در یک جامعه قادر است ساختار ارزشی و هنجاری جامعه را تغییر دهد. در بررسی مسائل اجتماعی در جامعه ایران، نشانه‌هایی از چنین یافته‌ای را می‌توان در تغییر نگرش نسبت به موضوعاتی چون ازدواج و روابط خانوادگی، مجرد، دین‌داری و ارزش‌های اقتصادی، فقر، بیکاری، بحران آب، تغییر الگوی خانواده و توجهات به فرهنگ غرب و ... مشاهده نمود (مرزبان، ۲۰۱۹: ۲۱).

بیش از پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران نشان می‌دهد توسعه اقتصادی یعنی تأکید در چنین وضعیتی، توسعه نامتوازن به یکی از مسائل اساسی توسعه در جهان امروز بدل شده است که به سیطره بخش سخت‌افزاری یا عقلانیت ابزاری بر بخش نرم‌افزاری حیات اجتماعی (فکری، فرهنگی و اجتماعی) منجر شده است، بر بعد مادی و سخت‌افزاری حیات اجتماعی، بیش از توسعه فرهنگی - اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (بورديو (Bourdieu)، ۱۹۹۳: ۲۳). توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه برخورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد؛ از این رو نگرش برنامه‌ریزان و خط‌مشی تدوین‌کنندگان باید معطوف به افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرایند توسعه به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی باشد (عظیمی، ۱۳۹۳: ۵۰). امروزه در نظام‌های سیاسی مشارکت مردم در امور مختلف به عنوان ابزار کارآمدی در حل مسائل و مشکلات و توسعه اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. با این حال مشارکت مردم به عنوان ارکان اصلی نظام، در سطوح و درجات مختلف امکان‌پذیر است (حاتمی و کشتکار، ۱۳۹۴: ۳).

اهمیت مشارکت مردم در اداره کشور تا بدانجاست که میزان بلوغ بخش اجتماعی در بسیاری از ارزیابی‌های وضعیت ثبات حکمرانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سنجش ثبات حکمرانی مورد استناد قرار می‌گیرد. از این رو دولت‌ها و حکومت‌ها نسبت به توسعه بخش اجتماعی توجه ویژه‌ای کرده، به



تناسب مبنایی و رویکردهای حاکم بر نظام سیاسی خود، عرصه‌سازی و میدان‌سپاری به بخش اجتماعی را مأموریت قطعی خود می‌دانند (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۷). مقوله مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی در جامعه ما نیز با مسائل آشکار و پنهانی روبه‌روست که در حال حاضر تبدیل به یکی از موضوعات مهم مدیریت به‌ویژه در فرایند تحقق توسعه کشور شده است.

نقش مردم در حل انواعی از مسائل اجتماعی در کشور قابل ملاحظه است؛ برای نمونه در زمینه اعتیاد سالانه بیش از ۸۰ درصد برنامه‌های کاهش آسیب و درمان در کشور توسط ۲ هزار و ۲۷۱ سازمان غیردولتی فعال در این زمینه انجام می‌شود که ۳۷ درصد در برنامه‌های پیشگیری، ۵۶ درصد در درمان و ۷ درصد در کاهش آسیب‌ها نقش دارند. طبق آخرین آمار، تقریباً ۱۰۰ سازمان غیردولتی به طور خاص برای کمک به حل چالش‌های رو به رشد معتمدان در حال کارند (چیوچسکو (Chowchesko)، ۲۰۰۹: ۵۴).

مشارکت مردم یک عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی می‌شود و از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند؛ ضمن اینکه مشارکت موجب افزایش احساس شایستگی و کرامت در افراد می‌شود و به تقویت جامعه مدنی می‌انجامد (پوریان، ۱۳۹۶، کد خبر ۳۹۷۷۳۸۷).

شواهد متعددی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص لزوم مشارکت مردم در امر مدیریت خطرات و بلایا که به عنوان یکی از اجزای توسعه پایدار مطرح است، وجود دارد. این تجربیات حاکی از آن‌اند که اقدامات دولتی و سازمان‌ها به‌تنهایی کافی نبوده و در بسیاری موارد با نادیده‌گرفتن نیازها و ارزش‌های محلی همراه‌اند و نهایتاً باعث افزایش هزینه‌های بالا نسبت به اقدامات پیشگیرانه می‌شود؛ لذا اقدامات کاهش خطرات و بلایا زمانی حداکثر توان بخشی را دارا خواهد بود که با مشارکت مستقیم مردمی که در معرض مخاطرات‌اند، همراه باشد و رهبران محلی، اعم از مردان و زنان در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به حفظ جامعه خود نیز احساس مسئولیت کنند؛ هرچند باید توجه داشت موفقیت برنامه‌های محلی وابسته به محیط آماده در سطوح مختلف محلی بوده، سیستم‌های برنامه‌ریزی محلی باید در سیستم‌های اجرایی کلان‌تر ادغام شوند (اکبرپور و پورمحمد، ۱۳۹۰: ۳۵).

با توجه اینکه در نظام‌های مردم‌سالاری، نظام‌ها بر اساس مؤلفه‌های قانون اساسی مدیریت می‌-



شوند، بدون شک در کنار مسائلی چون حاکمیت قانون حضور مؤثر و مشارکت مردم در حل مشکلات اجتماعی الزامی است و برای اثبات کارآمدی و رسیدن به هدف اصلی جامعه که رویکرد اصلی حکمرانی است، مؤثر و مفید می‌باشد، از این رو با این مشارکت مردم می‌توان به رفع مسائل مختلف اجتماعی توجه خاصی کرد. به طور کلی حل مسائل و مشکلات کشور بدون مشارکت مردم غیرممکن یا پرهزینه است. تجربه نشان داده است هر کاری که با مشارکت مردم انجام شود، به نتیجه‌ای ایدئال رسیده که در اصل سوم و هشتم هم مورد توجه قرار گرفته است و از طرفی در اصل ۱۵۶ قانون اساسی آن را لازم و ضروری دانسته است.

به دلیل گستردگی، تنوع و فقدان طبقه‌بندی مشخص و مورد توافق درباره مشکلات اجتماعی برای تدوین هر برنامه مداخله اولویت‌بندی آنها امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد؛ لذا همان گونه که مقام معظم رهبری در بیانیه دوم انقلاب فرمودند که مشارکت جامعه برای حل مسائل مختلف جامعه مفید است، ضرورت و اهمیت مردم و مشارکت عمومی در حل مشکلات اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. وقوع مخاطرات اجتماعی می‌تواند رفتارهای مختلفی را در میان جامعه به وجود آورد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مشکلات اجتماعی - که برای مردم مخاطره‌آمیز است - اشاره نمود؛ مخاطراتی مانند فقر، بیکاری، دزدی، طلاق، بحران آب، قتل، عدم اشتغال و دیگر مسائل مهم. از این رو مشارکت مردم در این زمینه‌ها می‌تواند به دولت‌ها در جهت رفع این مسائل کمک و افری کند. رسیدن به پیشرفت بدون وجود زندگی جمعی و داشتن همکاری با دیگر هم‌نوعان و به‌نوعی وجود فرایند تعاملی چندسویه میسر نخواهد بود؛ به بیان دیگر با فرض وجود یک جامعه، برای رسیدن به توسعه باید یکی از شرایط مهم و اساسی آن یعنی وجود مشارکت فراهم شود. یکی از مهم‌ترین - و شاید مهم‌ترین - موضوعی که همواره در یک کشور حائز اهمیت است، مسائل اجتماعی و حل آنها به وسیله دولت با مشارکت مردم است. با مطالعه سیر تکاملی جوامع بشری مشاهده می‌شود که پیشرفت و توسعه پایدار هنگامی میسر شده است که انسان‌ها در جریان زندگی خود با یکدیگر مشارکت و همکاری داشته‌اند. به دلیل ماهیت درهم‌تنیده زندگی جهان مدرن و به‌وجود آمدن مسائل اجتماعی فراوان و نقش مردم در حل این مسائل این تحقیق در پی آن است که آیا مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی می‌تواند مفید باشد یا خیر؟ مردم در کدام دسته مسائل اجتماعی می‌توانند مشارکت کنند و این مشارکت چه تأثیری در حل مسائل اجتماعی دارد؟



۲. ادبیات موضوع و پیشینه

الف) مبانی نظری

مشارکت: به آن دسته فعالیت‌های ارادی اشاره دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در فرآیندهای اجتماعی آن جامعه شرکت کرده، به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن زندگی اجتماعی مشارکت دارند (تبریزی، ۱۳۹۹: ۱۴۰). از دیدگاه جامعه‌شناسی مشارکت متعهدانه (عمل مشارکت) و چگونگی (شرکت‌کردن) با هم گوناگون‌اند. مشارکت در معنای نخست، شرکت کوشا در گروه است و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد و در معنای دوم، از وابستگی به گروه ویژه و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲).

ویژگی‌های مشارکت: مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست. مشارکت رخدادی تحمیلی یا دعوتی نیست؛ بلکه گونه‌ای توان‌بخشی به گروه‌های ناتوان است که در حل مشکل‌های خود نقش داشته باشند؛ مشارکت یک فرایند است که برابری ثابت و سرانجام پیشرفت است؛ مشارکت تلاش کمی و کیفی است و درجه‌هایی دارد. پس گستردگی و ژرفای آن دگرگون و مهم است. گستره مشارکت باید عمق داشته باشد، وگرنه آسیب‌پذیر می‌گردد. مشارکت پیامدهای دوسویه دارد؛ برای اثرگذاری، نیازمند دگرگونی‌های اساسی در اندیشه و کنش است که باید از درون جامعه بجوشد (عظیمی آرانی، ۱۳۹۳).

مشارکت سه جزء مهم دارد: ۱. درگیری ذهنی و عاطفی: درگیری روان‌شناختی یکی از ارکان اصلی است. ۲. یاری‌دادن: اشخاص حقیقی و حقوقی در مشارکت فرصت می‌یابند یکدیگر را در راستای اهداف جمعی کمک نمایند. ۳. مسئولیت‌پذیری: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزاند تا در کوشش‌های گروهی خود مسئولیت بپذیرند (ابطحی و شیانی، ۱۳۹۹: ۱۶).

اعتماد: همه ما ناگزیر از اعتمادکردن هستیم؛ اعتماد به دیگران، اعتماد به محیط زندگی، اعتماد به زمان و اعتماد به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی. از اعتماد تعاریف متعدد و گاه متفاوتی ارائه شده است. به رغم تنوع و تفاوت این تعاریف وجه مشترک مهمی در همه آنها می‌توان یافت که همانا وجود دو عنصر پایه‌ای «امید به دستیابی به نتایج مورد انتظار» و «اتکا به صداقت طرف متقابل»



است که تقریباً در همه رویکردهای تعریفی به طور صریح یا ضمنی لحاظ شده‌اند (علی‌پور، زاهدی و شیانی، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

نظریه‌های مشارکت: تا کنون نظریه‌های متعددی در زمینه مشارکت ارائه شده است؛ از آن جمله می‌توان به نظریه مشارکتی ارنشتاین (Arnstein) (۱۹۹۶)، دیویدسون (Davidson) (۱۹۹۸)، جیمز میچلی جان ترنر (James Midgley John Turner) (۱۹۸۶) اشاره نمود.

کارکردهای مشارکت مردم در اجتماع: از دیدگاه اصل مشارکت، همه افراد در مورد اموری که مربوط به خودشان است، اعم از امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، احساس مسئولیت می‌نمایند و حق دارند در مورد آنها بیندیشند و دیدگاه‌های خود را آزادانه بیان نمایند. چنین مشارکتی از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و تحول جوامع می‌کاهد و باعث رشد و توسعه جامعه می‌گردد. تحقیقات روان‌شناختی نشان داده است هرگاه مردم فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سرنوشت آنها اثر می‌گذارد شریک شوند، خلاقیت و نوآفرینی آنان با احساس مسئولیت بیشتری افزایش می‌یابد. چنین دیدگاهی که بر مشارکت مردم تأکید دارد، به نحو چشمگیری نه تنها می‌تواند بر توفیق یک برنامه اجتماعی صحنه‌گذار، بلکه فواید دیگری از جمله جذب سرمایه، نیروی انسانی متعهد، بهره‌وری، احساس مسئولیت بالا و نوآوری نیز دارد (سعیدی، ۱۳۹۳).

مشارکت اجتماعی: مشارکت را نوعی کنش هدف‌مند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و ازپیش تعیین‌شده تعریف کرده‌اند. «از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم‌گیری، چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست» (علوی‌تبار، ۱۳۸۲). از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر شرکت‌کردن) تمیز قایل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۴۰۲).

نظریه حاکمیت مردم: در نظریه حاکمیت مردم، قدرت، برآمده از درون قشرهای مردم است که



با حرکتی از پایین به بالا، از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌شود و تا رأس هرم صعود می‌کند (توکلی‌نیا و شمس، ۱۳۹۵: ۱۱۰). از سوی دیگر امام خمینی علیه السلام در جمله‌ای کوتاه و پرمعنا در تعریف حکومت اسلامی می‌فرماید: «حکومت اسلامی، حکومتی است بر پایه قوانین اسلامی؛ ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ۵: ۳۹۸).

مشارکت مردم در بیانۀ گام دوم انقلاب: الگوی حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های ارزشی خود، سعی در مردی‌سازی حکمرانی دارد. علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی که از توصیه‌های امام خامنه‌ای علیه السلام به جوانان کشور برای طراحی و برنامه‌ریزی به منظور ظهور و بروز گام دوم انقلاب است، بدون حضور و فعالیت آگاهانه مردم و مشورت‌گرفتن از آنها، غیر قابل اجراست. به همین دلیل روی سخن این بیانیه، تنها به حکمرانان نیست، بلکه تک‌تک افراد جامعه مخاطب آن هستند؛ بنابراین مخاطب قرارگرفتن جامعه در بیانیه گام دوم توسط رهبری، خود دلیلی متقن و محکم بر مشارکت مردم در بیانیه گام دوم انقلاب است (عابد درچه، ۱۴۰۰: ۹۶).

فواید مشارکت مردمی: با بررسی پیشینه علمی در زمینه مشارکت مردمی، می‌توان فواید مشارکت مردمی را در مراحل گوناگون برنامه‌ریزی توسعه به‌ویژه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بدین صورت خلاصه کرد:

۱. مشارکت مردمی بهترین روش سازمان‌دهی فعالیت‌های مردم به منظور حل مسائل است.
۲. با توجه به شناخت محلی، مردم هر منطقه قادر به تصمیم‌گیری‌های منطقی درباره محیط و وضع موجود خود هستند.
۳. شرط لازم برای ایجاد الگوی توسعه این است که افراد ذی‌نفع فعالانه در برنامه‌ریزی آن دخالت داشته باشند و نسبت به امور توسعه منطقه احساس مسئولیت کنند و در صورت لزوم، برنامه بتواند از نیروهای داوطلب و منابع محلی یاری گیرد.
۴. نظارت محلی مردم در مورد پیشرفت و دستاوردهای توسعه سبب حمایت آنان از پیامدهای توسعه می‌شود (ایرانژاد و صبوری، ۱۴۰۲: ۱۱۳).



اهمیت مشارکت اجتماعی: ادیان الهی به ویژه اسلام در اهمیت و ضرورت مشارکت اجتماعی توصیه‌ها و راهکارهای بسیاری ارائه و بر آن تأکید کردند و آن را ضامن بقای اجتماعی دانستند. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای از مردم مصر می‌خواهد که صحنه را ترک نکنند. زیرا «وَأَنَّ أَخَالَخَرِبِ الْأَرْقُ، مَنْ نَامَ يَتَمَّ عَنْهُ: مرد جنگجو بیدار است و جنگ و جهاد با خوابیدن و کناره‌گیری از صحنه‌ها تناسب ندارد». جامعه پویا همیشه بیدار است و از همه ابعاد زندگی خود آگاه است. چنین جامعه‌ای می‌داند که در داخل چه می‌گذرد و چه باید بشود و می‌داند که از خارج چه می‌آید که نباید بیاید (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

مسئله اجتماعی: مسئله اجتماعی (Social Problem) عبارت از وضعیتی است که به نظر تعداد افراد جامعه، چه آنان که درگیر مسئله‌اند، یا افراد دیگر که مبتلا به مسئله نیستند، مایه سختی تلقی شود؛ هرچند امکان بهبود داشته باشد. مسئله اجتماعی، هم شامل موقعیت عینی و هم تفسیر ذهنی از وضعیت اجتماعی است که جامعه را در حالت بحرانی قرار می‌دهد. مسئله اجتماعی، شامل بزهکاری نوجوانان، جرم، الکلی بودن مزمن، خودکشی، اختلال روانی، طلاق، تبعیض قومی و گروهی، کمبود مسکن، بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر و غیره می‌شود (گولد و کولب (Gould and Kolb)، ۱۳۹۲).

تاریخ رویکرد مسائل اجتماعی: اهتمام به مسائل اجتماعی منحصر به امریکاییان یا انگلوساکسون‌ها نبوده است. می‌توان پیشینه‌های این رویکرد را در آثار مربوط به نقد و اصلاح اقتصادی - اجتماعی یافت که موجب بسیاری از پیامدها از جمله رشد بازرگانی، صنعتی و شهرنشینی در اروپای غربی به خصوص انگلستان قرن هیجدهم و نوزدهم گردید. صورت‌های ابتدایی و بی‌واسطه رویکرد به مسائل اجتماعی را می‌توان از نوشته‌ها، گزارش‌ها، جستارهای تحقیقی و بررسی‌های میدانی کشیشان پروتستان، بشردوستان و نیکوکاران طبقه متوسط در ایالات متحده و انگلستان که خود را وقف انواع فعالیت‌های اصلاح اجتماعی کرده بودند، مشاهده کرد. این فعالیت‌ها بهبود وضع زندان‌ها، عملیات اسکان، نجات کودکان، ترویج خویشتن‌داری، بهبود وضع مسکن و بهترکردن وضع اشتغال به کار زنان و کودکان را در بر می‌گرفت. تا اواسط قرن نوزدهم بسیاری از این فعالیت‌ها در قالب اعمال یا انجمن‌های سازمان‌یافته تبلور یافته بود (گاها (Guha)، ۲۰۰۸).



زمینه‌های مسئله اجتماعی: زمینه‌های مسئله اجتماعی مربوط به عوامل و شرایط مختلف موجود در جامعه، تغییرات ناهماهنگ و ترکیب نامتوازن ارکان و مؤلفه‌های درونی و بیرونی جامعه می‌باشد. وجود خشونت‌های خانوادگی، رفتار نابهنجار افراد و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای گسترش مسائل اجتماعی در جامعه تقویت می‌کند (شیخی، ۱۴۰۰). پیشرفت وسایل زندگی و ارتقای آن به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، با تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همراه بوده که تغییرات ناگهانی در این کشورها باعث تضاد و تفاوت‌های بی‌رویه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گردیده است. دگرگونی‌های فوق، شکاف بین فقرا و اغنیاء را تقویت نمود که اختلاف طبقاتی و تفاوت‌های سطح زندگی در شهرها و روستاها بیانگر وجود این شکاف و گسترش مسائل اجتماعی است (ستوده، ۱۴۰۲).

عمده‌ترین کارکردها در حل مسائل اجتماعی: ۱- جلب مشارکت (بسیج عمومی)؛ ۲- جذب سرمایه‌ها (بسیج منابع)؛ ۳- اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی (ارتباطات)؛ ۴- ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی بین دولت و مردم؛ ۵- گسترش نظارت عمومی؛ ۶- افزایش بهره‌وری؛ ۷- ارزیابی و ارزش‌یابی عمومی؛ ۸- ایجاد، گسترش و تقویت تفاهم بین ملل مختلف؛ ۹- پایداری در مصرف (حاتمی خلیجان و همکاران، ۱۴۰۲).

چگونه مسائل اجتماعی تغییر می‌کنند؟ معضلات اجتماعی اولاً پدیدارند. آنها برای دهه‌ها و حتی قرن‌ها ادامه داشته‌اند و هیچ نشانه‌ای از پایان‌یافتن نشان نمی‌دهند. با توجه به تاریخ طولانی مشکلات اجتماعی، اطمینان از تداوم آن برای مدتی در آینده و پیامدهای جدی، به‌راحتی می‌توان در هنگام مطالعه در مورد آنها احساس غرق‌شدن کرد، فکر کرد که نمی‌توان در مورد آنها کاری انجام داد و حتی کمی افسرده شد. اگرچه مشکلات اجتماعی واقعاً پایدار، این نیز درست است که برخی مشکلات اکنون نسبت به گذشته جدی‌ترند و تغییر امکان‌پذیر است. به عنوان تنها یکی از نمونه‌های متعدد، شرایطی را که کارگران در ایالات متحده با آن مواجه‌اند در نظر بگیرید. امروزه بسیاری از کارگران بیکارند، دستمزد پائینی دارند یا در محیط‌های کاری نامرغوب و حتی خطرناک کار می‌کنند. کارگران اکنون هشت ساعت روز، حداقل دستمزد (حتی اگر بسیاری فکر می‌کنند خیلی کم است)، حق اعتصاب و محل‌های کاری بسیار امن‌تر از زمان شروع جنبش کارگری دارند (حاتمی خلیجان و همکاران، ۱۴۰۲).



ب) پیشینه پژوهش

نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
نعمت الهی و همکاران (۱۴۰۳)، به روش آمیخته	شناسایی و رتبه‌بندی موانع مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی	نبود تعریف روشن از مشارکت، مشارکت صوری در فقدان کنترل و تعادل در سیستم دولتی به جای مشارکت واقعی، ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی بیشترین تأثیر را دارند و ناآشنایی برخی شهروندان با فناوری‌های جدید معماری و فضای دادگاه‌ها، عدم ایجاد فضای برای تعامل و یادگیری و موانع فکری مانند اصطلاحات یا زبان مورد استفاده قضات و وکلا در ارتباطات، کمتر تأثیرگذارند.
حاتمی و همکاران (۱۴۰۲)، به روش کمی از نوع پیمایشی	مسائل اجتماعی و حل آنها با مشارکت‌های داوطلبانه	نشان دادند که حل مسائل اجتماعی با مشارکت‌های داوطلبانه حل‌شدنی است.
عشایری و همکاران (۱۴۰۱)، به روش فراتحلیل	تحلیل الگوی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	مشارکت از جمله شاخص‌های مهم جامعه مردم‌سالار به شمار می‌رود، به طوری که آن را نماد مردم‌سالاری و مشروعیت حاکمیت می‌دانند.
واثق و همکاران (۱۴۰۳)، به روش آمیخته	نقش مشارکت اجتماعی و سیاسی و اهمیت آن	نشان دادند که سه شاخص اصلی «انگیزه‌های ملی»، «وابستگی به نظام حاکم» و «نقش‌آفرینی سیاسی» در مشارکت‌های اجتماعی مردم مؤثرند و



نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
		می‌توانند میزان مشارکت را تعیین نمایند.
همدانی و همکاران (۱۳۹۹)، به روش پیمایشی	نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران	نشان دادند که در مدیریت بحران اساسی‌ترین مؤلفه، افزایش مشارکت اجتماعی است.
فاضلی راد (۱۳۹۸)، به روش توصیفی تحلیلی	اهمیت نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه آموزش پرورش	آموزش و پرورش به دنبال ارائه الگوی سازمانی جایگاه مشارکت مردمی بوده و به صورت فعال با مردم ارتباط برقرار کرده و ضمن معرفی نیازهای خود باعث تقویت ارتباط با آنان باشد. به نظر می‌رسد مشارکت در حد مشارکت مالی یا شرکت در تأسیس مدرسه و جز آنها نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه معضلات آموزش و پرورش کشور باشد.
سایمون و دیویس (Simon and Davis) (۲۰۱۳)، به روش تحلیل مضمون	ابزارهای مشارکت در فرایند نوآوری اجتماعی	بر اساس تقاطع دو محور تعداد اندک افراد درگیر شده - تعداد بسیار افراد درگیر شده و مطلع شدن در مورد وضعیت حاضر - توسعه راه‌حل‌های آینده دسته‌بندی کرده‌اند. تکنیک‌های قوم‌نگاری، پژوهش - های کاربر محورنگاشت نیازها از جانب شهروندان، داده‌های جمع‌سپاری شده، پلتفرم‌های رتبه‌بندی، پانل‌ها، ابتکارهای منبع باز، طراحی مشترک، کمپ‌های ایده، بانک‌های ایده، رقابت‌ها و ایده‌پردازی‌های



نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
		بزرگ مقیاس از جمله این ابزارها هستند.
لطفی و رازقی (۱۳۹۹)، به روش کیفی	تحلیل برجسته‌سازی مسائل اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب- های اجتماعی استان تهران	طبق یافته‌های پژوهش، کار کودکان بهره‌کشی و سوءاستفاده از کودکان و حاشیه‌نشینی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مورد توجه سمن‌هاست. همچنین کودکان کار و خیابان، کودکان ساکن مناطق آسیب‌خیز و فقیرنشین و کودکان محروم از تحصیل اصلی‌ترین گروه‌های آسیب‌پذیرند که سمن‌ها به دنبال حل مشکلات آنها هستند. از جمله مهم‌ترین شیوه‌های برساخت مسائل اجتماعی در سمن‌های حمایتی نیز عبارت است از ملموس‌سازی آسیب‌ها، رفع ابعاد خرد آسیب، رفع ابعاد وخیم آسیب، طرح ابعاد جدید مسئله، ادعاسازی زبانی، نمایشی و رفتاری، پیوند مسائل با زندگی روزمره، ایجاد موج توجه به مسئله و نزدیکی عاطفی به گروه‌های آسیب‌پذیر.
چیت‌سازان (۱۳۹۸)، به روش تحلیل مضمون	مشارکت مردم در حل مسائل جدید چقدر اثرگذار است؟	رابطه معناداری بین مشارکت مردم در حل مسائل نوآورانه وجود دارد و می‌تواند کمک فراوانی به بهبود جامعه بکند.
اوخانو، کاپتیو و زستیانکو	مشارکت همه‌جانبه و حل مسائل در شهرهای کوچک	نتایج نشان داد که مشارکت مردم در حل معضلات اجتماعی مفید و جزء



نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
Ukhanova,) Kopytova, (Zhestyannikov (۲۰۲۴)، به روش توصیفی تحلیلی		جدایی ناپذیر یک جامعه است.
لیو (Liu) (۲۰۲۳)، به روش توصیفی تحلیلی	مشارکت مردم در سرنوشت کشور خود	مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به طور مسالمت‌آمیز دانسته و آن را جدایی ناپذیر خواند.
وارن و جعفر (۲۰۱۴)، به روش توصیفی - تحلیلی	رسانه‌های اجتماعی و افزایش مشارکت مردم	رسانه‌های اجتماعی می‌تواند تأثیر مشارکت مردم را بالا ببرد و میزان اعتماد آنها را افزایش دهد.
کشتکار و حاتمی (۱۳۹۴)، به روش توصیفی از نوع پیمایشی	مشارکت مردم به چه میزان در حل مسائل می‌تواند اثرگذار باشد	امروزه در نظام‌های سیاسی، مشارکت مردم در امور مختلف به عنوان ابزار کارآمدی در حل مسائل و مشکلات و توسعه اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. با این حال مشارکت مردم به عنوان ارکان اصلی نظام، در سطوح و درجات مختلف امکان‌پذیر است.
علی‌پور، زاهدی و شیانی (۱۳۸۸)، به روش توصیفی از نوع پیمایشی	اعتماد به مردم چقدر در حل مسائل اجتماعی تأثیرگذار است	در تحقیقی بیان کردند که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته رابطه معناداری وجود دارد.



نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
موسوی (۱۳۸۵)، به روش کتابخانه‌ای	اعتمادپذیری و مشارکت مردم در حل مسائل	نشان داد که از بعد ذهنی ما شاهد اعتمادپذیری در بین شهروندان و همچنین بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی نیستیم و همین باعث شده است بعد عینی مشارکت اجتماعی یعنی شبکه تعاملات اجتماعی شکل نگیرد و در نتیجه مشارکت اجتماعی تحقق پیدا نکند که دلیل این ناهمخوانی عدم اعتماد به مردم در برهه زمانی زندگی خود است.
باقی (۱۳۸۴)، به روش کیفی	مشارکت و میزان همبستگی در حل مسائل	مشارکت عموم در حل مسائل می‌تواند به کمک دولت این مسائل را رفع کند و هم می‌تواند نوعی همبستگی اجتماعی به بار آورد.
والس و پیچ (۲۰۰۸)، به روش پیمایشی	مشارکت مردم در جامعه چه اثراتی دارد	بیان کردند که سنت مشارکت جامعه را زنده و پویا نگه می‌دارد؛ از این رو وجهی ضروری برای جامعه است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع اکتشافی-کاربردی و بر اساس روش، از نوع توصیفی و پیمایشی است. این پژوهش به شکل آمیخته و در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، رویکرد اجرایی پژوهش، از نوع تحلیل محتوای مستقیم و خود مشتمل بر دو مرحله بود. در مرحله اول ابتدا اسناد، مدارک و ادبیات موجود درباره مسائل اجتماعی جمع‌آوری و تحلیل شد. در مرحله بعدی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای صورت گرفت. نمونه‌ها به شیوه گلوله‌برفی انتخاب



شدند. بعد از انجام ۳۵ مصاحبه، داده‌ها به اشباع نظری رسید و جمع‌آوری داده‌ها متوقف شد. اسناد و مدارک، ادبیات موجود و مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری باز و مقوله‌بندی کدها تحلیل شد. حاصل این مرحله، فهرستی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی مشتمل بر چهار دسته عوامل تربیتی (شامل تغییر الگوی خانواده، پیری جمعیت، خودکشی و دزدی)، بهداشتی (شامل طرح تحول سلامت، افسردگی، سلامت روانی و ایمنی روانی)، فرهنگی (شامل عدم پوشش مناسب با قانون جامعه، اعتیاد، طلاق و توجه به قوانین غربی) و مدیریتی (شامل فقر، بیکاری، فساد، تبعیض و بحران آب و توسعه پایدار) و ۱۸ گویه بود. در بخش کمی پرسشنامه‌ای متشکل از گویه‌ها شناسایی و تنظیم شده و به صورت طیف لیکرت طراحی و بین جامعه آماری توزیع شد که به شیوه قضاوتی انتخاب گردیدند. جامعه آماری این تحقیق را فعالان و معتمدان و دانشجویان شهرستان دنا که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی فعالیت داشتند، تشکیل دادند (حجم جامعه: ۲۹۰). این تعداد بر اساس جدول مورگان و فرمول کوکران ۱۶۵ به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری ادبیات و پیشینه تحقیق از مرور مقالات و کتب استفاده شد. برای تعیین CVR پرسشنامه از نظر ۹ تن از متخصصان بهره‌گرفتیم و به منظور تعیین CVI در بعد انسجام درونی با تکمیل ۳۰ پرسشنامه توسط نمونه‌ها ضریب CVI برای پرسشنامه‌ها با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار اسپس اس نسخه ۲۳ محاسبه و استفاده گردید که نتیجه در جدول یک نشان داده شده است. برای توزیع طبیعی داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد که در ادامه برای تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی (میانگین، فراوانی و...) و پارامتریک استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

الف) بررسی پیش‌فرض‌های استفاده از آمار پارامتریک

جدول ۱ وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌های تحقیق را با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان می‌دهد.



جدول شماره ۱: بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌های پژوهش

متغیر	آماره z	سطح معنی داری
مسئله تربیتی	۱/۳۸	.۱۵۱
مسئله فرهنگی	۱/۳۵	.۱۰۱
مسئله مدیریتی	۱/۴۰	.۱۱۲
مسئله بهداشتی	۱/۳۲	.۱۴۱

با توجه به جدول ۱ پیش فرض طبیعی بودن داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار پارامتریک استفاده کرد. بدین ترتیب در بخش استنباط آماری داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است.

ب) توصیف ویژگی‌های نمونه آماری

در این بخش توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و وضعیت‌های متغیرهای پژوهش در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۷۲/۷
	زن	۲۷/۳۰
میزان تحصیلات	کاردانی	۶/۰۷
	کارشناسی	۵۴/۵۴
	ارشد و بالاتر	۳۹/۳۹
سن	۲۰-۳۰	۱۵/۱۶
	۳۱-۴۰	۲۴/۲۴



متغییر	فراوانی	درصد
۴۱-۵۰	۷۵	۴۵/۴۴
۵۱ و بالاتر	۲۵	۱۵/۱۶

با توجه به جدول (۲) ۷۲/۷ درصد مرد و ۲۷/۳۰ درصد زن هستند و تحصیلات آنها به ترتیب ۶/۰۷ درصد کاردانی، ۵۴/۵۴ درصد کارشناسی و ۳۹/۳۹ درصد ارشد و بالاتر بودند. همچنین سن شرکت‌کنندگان ۱۵/۱۶ درصد بین ۲۰-۳۰ سال سن، ۲۴/۲۴ بین ۳۱-۴۰ سال سن، ۴۵/۴۴ بین ۴۱-۵۰ سال سن و ۱۵/۱۶ بین ۵۱ و بالاتر بودند.

جدول شماره ۳: وضعیت متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل
مسئله تربیتی (تغییر الگوی خانواده، پیری جمعیت، خودکشی و دزدی)	۱۶۵	۰/۶۵۸	۳/۶۵	۴/۹۱	۱/۸۰
مسئله فرهنگی (عدم پوشش مناسب با قانون جامعه، اعتیاد، طلاق و توجه به قوانین غربی)		۰/۶۵۲	۳/۸۰	۴/۹۵	۱/۷۵
مسئله مدیریتی (فقر، بیکاری، فساد، تبعیض و بحران آب و توسعه پایدار)		۰/۶۷۱	۳/۹۸	۴/۹۸	۱/۷۵
مسئله بهداشتی (طرح تحول سلامت، افسردگی، سلامت روانی و ایمنی روانی)		۰/۶۹۸	۳/۲۸	۴/۰۰	۱/۰۰

با توجه به جدول ۳ از نظر گروه مورد مطالعه مسئله مدیریتی مهم‌ترین بحران اجتماعی به حساب می‌آید و بعد از این مسئله فرهنگی در رتبه دوم، مسئله تربیتی در رتبه سوم و مسئله بهداشتی در رتبه



چهارم مهم‌ترین مسائل اجتماعی جامعه قرار دارند.

ج) تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا به رتبه‌بندی متغیرها و سپس تأثیر آنها در حل مسائل اجتماعی می‌پردازیم.

جدول شماره ۴: رتبه‌بندی متغیرهای تحقیق بر اساس آزمون رتبه‌ای فریدمن

متغیر	آماره z	سطح معناداری
مسئله تربیتی	۲/۵۵	
مسئله فرهنگی	۳/۳۱	.۱۳
مسئله مدیریتی	۳/۴۱	
مسئله بهداشتی	۱/۵۵	

با توجه به جدول ۴ مسئله مدیریتی (بیکاری، فساد، تبعیض، بحران آب و توسعه پایدار) بیشترین مسئله اجتماعی از دید آزمودنی‌هاست که در این بین به ترتیب بیکاری، بحران آب و توسعه پایدار، تبعیض و فساد مهم‌ترین مشکل مدیریتی در مسائل اجتماعی بودند و مسئله بهداشتی (طرح تحول سلامت، افسردگی، سلامت روانی و ایمنی روانی) کمترین مشکل اجتماعی، مسئله فرهنگی (عدم پوشش مناسب با قانون جامعه، اعتیاد، طلاق و توجه به قوانین غربی) در رتبه دوم و مسئله تربیتی (تغییر الگوی خانواده، پیری جمعیت، خودکشی و دزدی) در رتبه سوم از نظر آزمودنی‌ها قرار دارد.

بررسی رابطه بین متغیرها

فرضیه اول: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله مدیریتی)

جدول شماره ۵: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله مدیریتی)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله مدیریتی)	.۶۲۰	.۰۰۱	۱۶۵



طبق جدول ۵ رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله مدیریتی) وجود دارد؛ لذا فرض تحقیق تأیید و فرض آمار رد می‌شود.

فرضیه دوم: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله فرهنگی)

جدول شماره ۶: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله فرهنگی)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله فرهنگی)	.۱۰۸	.۰۰۱	۱۶۵

طبق جدول ۶ رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله فرهنگی) وجود دارد؛ لذا فرض تحقیق تأیید و فرض آمار رد می‌شود.

فرضیه سوم: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله تربیتی)

جدول شماره ۷: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله تربیتی)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	تعداد
تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله تربیتی)	.۰۰۷	.۰۰۱	۱۶۵

طبق جدول ۷ رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله تربیتی) وجود دارد؛ لذا فرض تحقیق تأیید و فرض آمار رد می‌شود.

فرضیه چهارم: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله بهداشتی)

جدول شماره ۸: تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله بهداشتی)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	تعداد
تأثیر مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله بهداشتی)	.۶۲۰	.۰۰۱	۱۶۵

طبق جدول ۸ رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی (مسئله بهداشتی) وجود دارد؛ لذا فرض تحقیق تأیید و فرض آمار رد می‌شود.



۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) بحث

جوامع مختلف در تلاش‌اند از طریق حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی سطح رفاه و عدالت را در جوامع خویش افزایش دهند. در واقع هنگامی که در جوامع ارزش‌های اجتماعی با شکست مواجه و عده‌ای محروم و ناتوان می‌شوند، سیاست‌گذاران مبتنی بر وظیفه خود که احیای ارزش‌های اجتماعی شکسته شده است، با طراحی راه‌حل‌ها و وضع سیاست‌ها در مسیر رسیدگی مؤثر به نیازهای اجتماعی حرکت می‌کنند.

با توجه به جدول (۲) ۷۲/۷ درصد مرد و ۲۷/۳۰ درصد زن هستند و تحصیلات آنها به ترتیب ۶/۰۷ درصد کاردانی، ۵۴/۵۴ درصد کارشناسی و ۳۹/۳۹ درصد ارشد و بالاتر بودند. همچنین سن شرکت‌کنندگان ۱۵/۱۶ درصد بین ۲۰-۳۰ سال سن، ۲۴/۲۴ بین ۳۱-۴۰ سال سن، ۴۵/۴۴ بین ۴۱-۵۰ سال سن و ۱۵/۱۶ بین ۵۱ و بالاتر بودند. با توجه به جدول ۳ وضعیت متغیرهای پژوهش از دیدگاه آزمودنی‌ها مسئله مدیریتی مهم‌ترین بحران اجتماعی به شمار می‌آید و بعد از این مسئله فرهنگی در رتبه دوم، مسئله تربیتی در رتبه سوم و مسئله بهداشتی در رتبه چهارم مهم‌ترین مسائل اجتماعی جامعه قرار دارند. شاید دلیل اینکه مدیریت مهم‌ترین مسئله از دیدگاه آزمودنی‌ها بود، این است که مهم‌ترین معضل مردم، فقر، بیکاری، فساد، تبعیض، بحران آب و توسعه پایدار می‌باشد. لذا دولت باید بیشتر به این مسائل بپردازد و زمینه مشارکت مردم در حل این معضلات را از طریق کارشناسانه فراهم کند و در حل و ازیین‌بردن این مسائل اجتماعی گام بردارند. افزایش شمار و تأثیرات مدیریتی در عصر حاضر چشمگیر است؛ به طوری که می‌توان گفت حوزه اصلی آنها که مدیریت در سطح کلان است، مهم‌ترین عنصر در پیشرفت یک مملکت است. پس اگر این حوزه به خوبی راهکارهای مناسبی برای آن ارائه نشود، با چالش‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود. به بیانی دیگر سیستمی می‌تواند حداکثر اهداف خود را محقق کند یا حداقل الزامی را حفظ نماید که با درک این واقعیت مهم، مبنی بر همزاد و همیشگی بودن تحولات محیطی، به طور دائم آن را پایش نموده و با تصمیم‌گیری و اقدام مناسب و به هنگام، حداکثر انتفاع لازم را تحصیل نماید. از این‌رو همواره این



سیستم در شرایط انتخاب قرار دارد. انتخابی که می‌بایست عقلایی، خردمندانه، مبتنی بر خرد و مشارکت جمعی باشد، لذا با مردم و به وسیله مردم این مسائل را حل می‌کند با این دید که حوزه مدیریتی کشور امکانات و برنامه‌ریزی‌های لازم را جهت ورود مردم مهیا کند.

دیگر نتایج تحقیق نشان داد رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی وجود دارد که با نتایج سایمون و همکاران (۲۰۱۳) و اوخان و همکاران (۲۰۲۴) همخوانی دارد. دلیل این همخوانی مهم‌بودن مسائل از دیدگاه خود مردم است و شاید این مسئله یعنی مشارکت آنها در حل این مسائل مسئله‌ای قابل تأمل باشد. با این حال اهمیت مشارکت مردم در اداره کشور تا بدانجاست که میزان بلوغ بخش اجتماعی در بسیاری از ارزیابی‌های وضعیت ثبات حکمرانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سنجش ثبات حکمرانی مورد استناد قرار می‌گیرد؛ از این رو دولت‌ها و حکومت‌ها نسبت به توسعه بخش اجتماعی توجه ویژه‌ای کرده، به تناسب مبانی و رویکردهای حاکم بر نظام سیاسی خود، عرصه‌سازی و میدان‌سپاری به بخش اجتماعی را مأموریت قطعی خود می‌دانند (زمانیان، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ۱۴۰۳ کد خبر ۲۹۵۱۳). چیت‌سازان و همکاران در مقاله خود در سال ۱۳۹۸ نشان دادند مسئله مشارکت در نوآوری جامعه تأثیرگذار است و می‌تواند به حل مسائل کمک کند که با نتایج این تحقیق همخوانی دارد و دلیل آن این است که مردم هیچ کشوری خواهان مدیریت ضعیف یا پسرفت مملکت خود نیستند؛ لذا با تمام توان به کمک دولت جهت حل مسائل اجتماعی می‌آیند؛ همچنین واثق (۱۴۰۳) نشان داد مشارکت مردم جهت حل مشکلات می‌تواند مثبت باشد که با نتایج این تحقیق همخوانی دارد. دلیل این همخوانی حضور مردم در تعیین سرنوشت خویش است که نه فقط در کشور ایران بلکه در تمام دنیا مشارکت مردم می‌تواند کمک حال دولت‌ها جهت رفع مسائل اجتماعی و دیگر مشکلات باشد.

نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق موسوی (۱۳۸۵) نشان داد از بعد ذهنی ما شاهد اعتمادپذیری در بین شهروندان و همچنین بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی نیستیم و همین باعث شده است بعد عینی مشارکت اجتماعی یعنی شبکه تعاملات اجتماعی شکل نگیرد و در نتیجه مشارکت اجتماعی تحقق پیدا نکند که دلیل این ناهمخوانی عدم اعتماد به مردم در برهه زمانی زندگی خود است. اما نتایج تحقیق حاضر نشان داد اگر مردم مشارکت کنند، جامعه رو به رشد و توسعه و آبادانی خواهد رفت؛ در نتیجه



جامعه‌ای پویا و خلاق خواهیم داشت. همچنین تغییر و تحول و پیچیدگی‌های علمی و فنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره به عنوان یک فرایند دائمی، همواره جامعه را به عنوان یک سیستم با مسائل و موضوعاتی درگیر و مواجه می‌کند که حل این مسائل برای حفظ و بقای تعادل جامعه البته با مشارکت مردم به دلیل برخورداری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها لازم است. باقی (۱۳۸۴) و لیسو (۲۰۲۳) در مقاله خود بیان کردند مشارکت عموم می‌تواند به کمک دولت آمده، این مسائل را رفع کند و هم می‌تواند نوعی همبستگی اجتماعی به بار آورد که دلیل این همخوانی آن است که عنصر و موتور پیشران هر کشوری مردم بوده و به وسیله آنهاست که مشکلات و مسائل اجتماعی را می‌توان حل کرد و یک وفاق ملی به وجود آورد و استمرار و استحکام نظام مبتنی بر ظرفیت‌های درونی، مطالبه‌هایی است که همواره از سوی مقام معظم رهبری علیه‌السلام اعلام شده است. ابتدای نظام بر استفاده از ظرفیت‌های مردم‌نهاد مؤثر، کارآمد و پایدار برای انسجام ملی و مشارکت اجتماعی می‌تواند در ساخت قدرت درونی بااهمیت تلقی شود.

ب) نتیجه‌گیری

در قوانین برنامه توسعه کشور همواره بر ارتقای مشارکت مردم از سوی دولت‌ها در جهت مسائل اجتماعی تأکید شده است. حتی در لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه نیز تأکید شده است که دولت باید بستر لازم را برای جلب مشارکت مردم جهت حضور مؤثر و حل مشکلات اجتماعی فراهم نماید. نقش مشارکت مردم در توسعه و رابطه متقابل دولت و مردم مشارکت‌کننده در حل مسائل اجتماعی یکی از عوامل بسیار مهمی است که باید در هر برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مورد توجه واقع شود. مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه کشور در عرصه‌های مختلف به شمار می‌رود. بررسی‌ها در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد مؤلفه کلیدی در جهت دست‌یابی به توسعه جامعه، به درگیرکردن شهروندان در حل کلیه مشکلات است و باعث افزایش شایستگی و پیشرفت جامعه در افقی بی‌نظیر می‌شود.

مسائل اجتماعی را به ساده‌ترین وجه به منزله پرسش‌هایی پیچیده در باب جوامع انسانی توصیف کرده‌اند که به منظور یافتن راه‌حل مطرح شده‌اند. تفکیک این پرسش‌ها و قراردادن جداگانه آنها به عنوان موضوع مطالعات و نتایج جامعه‌شناختی، متکی بر موضوع روز بودن، رواج داشتن و نتایج عملی



آنهاست. در جامعه‌ای که محور آن نیازهای ابرازشده برای خط مشی‌های عمومی و شرایط پیش‌بینی‌شده برای مهار مسائل اجتماعی است. مسائل اجتماعی بخشی از فضای فکری آن جامعه را تشکیل می‌دهد که با مشارکت مردم حل‌شدنی است؛ لذا با توجه به ارتباط مثبت و معنادار نتایج تحقیق حاضر مشارکت کلی جامعه در بخش‌های مختلف می‌تواند به حل مسائل مختلف جامعه کمک فراوانی کند.

با توجه به مطالب بیان‌شده و رابطه معناداری که بین مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی وجود دارد به‌ویژه مسائل مدیریتی، کلید حل مسائل اجتماعی مشارکت آگاهانه و کارشناسانه مردم می‌باشد؛ لذا همه مسئولان مربوطه جهت رفع این کاستی‌ها باید از مشارکت عموم بهره کافی را ببرند. با نام‌گذاری سال ۱۴۰۳ به عنوان «جهش تولید با مشارکت مردم» از سوی مقام معظم رهبری مجدداً مسئله نقش‌سپاری به مردم و توسعه زمینه مشارکت‌های مردمی در اداره کشور مورد تأکید و توجه قرار گرفته است؛ لذا با تأکید رهبر معظم انقلاب بر موضوع اعتماد عمومی و مشارکت مردم، ضمن تبیین ضرورت انکارناپذیر احیا و تقویت بخش اجتماعی و توسعه ظرفیت مشارکت مردم در امر اداره کشور، با اقتباس از تجربه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ در عرصه اقتصادی، ایده تحول‌بنیادین در بخش حکمرانی اجتماعی را به عنوان یک ضرورت جامعه امروز و یکی از تکه‌های مهم پازل بازآفرینی اعتماد عمومی ارائه می‌کنیم.

در مجموع باید پذیرفت که مختصات فعلی حاکم بر نظام اداری کشور اعم از قوانین اداری، فرهنگ عمومی و سازمانی، تضامین و الزامات تحقق‌بخش تعهدات دولت و حتی اعتماد متقابل بین دولت و بخش اجتماعی هنوز آن‌طور که باید، آماده تحول و کوچ به زیست‌بومی مشارکتی نیست و این امر نیازمند اتخاذ راهبردهای تحولی بنیادین است. در واقع میدان‌سازی برای مشارکت بخش مردمی و غیردولتی، نیازمند ایجاد و تمهید زیست‌بوم جدیدی است که متضمن اراده و تعهد همه بخش‌ها اعم از سه رکن دولت، بخش خصوصی و بخش اجتماعی جهت تحقق آن باشد. امروز که موضوع امید و ایجاد انسجام ملی و زمینه‌سازی برای توسعه مشارکت مردم به عنوان منشور ملی نظام مورد تأکید قرار گرفته است، با الهام از ایده اجرایی‌سازی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، ضروری است با تدوین چهارچوبی منسجم، بازتعریف خط‌مشی حاکمیت و دولت در حوزه مشارکت مردمی و بازمعماری نهاد ملی حکمرانی بخش اجتماعی و تعیین حقوق و تکالیف متقابل



دولت و بخش اجتماعی در دستور کار قرار گیرد تا مشارکت مردم جهت برطرف کردن مسائل اجتماعی کشور پررنگ‌تر شود و جامعه‌ای با مشارکت بال‌ادر حل کلیه مسائل اجتماعی داشته باشیم.

ج) پیشنهادها

پیشنهاد می‌گردد با توجه بیشتر به نظر و مشارکت مردم می‌توان از مسائل کشور کاست و آن را به سوی پیشرفت سوق داد.

پیشنهاد می‌گردد با ارتقای اعتماد بخش اجتماعی به دولت با اولویت رفع موانع مشارکت‌های مردمی در بخش‌های مختلف کشور زمینه حضور مشارکت مردم را فراهم کنند.

پیشنهاد می‌گردد با برنامه‌ریزی هدف‌مند در سطح ملی زمینه ارتقای شاخص‌های مشارکت مردم در زمینه حل مسائل مختلف از جمله مشکلات اجتماعی کشور فراهم گردد تا مأموریت‌سپاری ملی در این زمینه شکل منسجمی به خود بگیرد.

پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه مهم‌ترین مسئله از دید آزمودنی‌ها مسئله مدیریتی است، برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند که این مسائل با ارائه کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های شبیه‌سازی با مشارکت مردم در جهت رفع آنها گام بردارند.

یکی از مباحث مهم در حوزه‌های علوم و فلسفه سیاسی، مسئله مشارکت است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این حق را در موارد گوناگون مانند: انتخاب رئیس‌جمهور، خبرگان رهبری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراها آشکار می‌کند. نظریه‌های توسعه، مشارکت را یکی از شاخص‌های توسعه می‌شمارند که با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌گردد بیشتر به مشارکت مردم اهمیت داده شود.

توجه به نتایج تحقیق و نگاهی به کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد مردم این جوامع در برابر سرنوشت سیاسی-اجتماعی خویش، منفعل و بی‌تفاوت نیستند. در صدر اسلام نیز مشارکت بی‌دریغ مسلمانان دلباخته سبب گسترش و توسعه اسلام گردید. مشارکت مردم، افزون بر حوزه داخلی، در بعد بین‌المللی و سیاست خارجی نیز بسیار حائز اهمیت است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد تحقیقاتی در سایر زمینه‌های مشارکت انجام شود.

۶. منابع

منابع فارسی

- ابطحی، سیدحمید، و شیانی، ملیحه (۱۳۹۹). مطالعه موانع مشارکت اجتماعی شهروندان به عنوان یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی شهری. فصلنامه انسان شناسی، ۷ (۳۰)، ۱۵-۳۹.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه نور مجموعه آثار امام خمینی. ج ۴-۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ایرانزاد، ابراهیم، و صبوری، رباب (۱۴۰۲). بررسی نقش مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای (استان آذربایجان غربی)، فصلنامه حکمرانی متعالی، ۴ (۱۵)، ۹۷-۱۲۲.
- باقی، علی (۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی. پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی و فرهنگی، ۱ (۶)، ۱۶۵-۱۸۷.
- بیرو، آلن (۱۴۰۲). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه محمد قلی‌پور، مریم ابراهیمی و ثمین نیازی، تهران: انتشارات شاملو.
- توکلی‌نیا، جامعه، و شمس پویا، محمدکاظم (۱۳۹۵). قدرت و حکمروایی شهری. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تهمک، محمدرضا، روحانی‌نژاد، سعید، و جدیدی، پویا (۱۴۰۲). مسئله محیط‌زیستی مسئله‌ای اجتماعی (اثر مخاطرات محیط‌زیستی بر بیمه‌های اجتماعی ایران). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۴ (۲)، ۱۴۵-۱۶۶.
- چیت‌سازیان، علیرضا، و صادقی‌کیا، محمدعلی (۱۳۹۸). مشارکت مردمی در نوآوری اجتماعی. نشریه مدیریت نوآوری، ۸ (۱)، ۱-۲۰.
- حاتمی خلجیان، خدیجه، قاضی‌نژاد، مریم، باستانی، سوسن، و راد، فیروز (۱۴۰۲). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حل مسائل اجتماعی (فراتحلیل تحقیقات انجام‌یافته در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۷۰). رفاه اجتماعی، ۲۳ (۸۹۸)، ۲۷۰-۲۳۷.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی اجتماعی. ج ۳۱، تهران: آوای نور.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۳). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی. تهران: انتشارات سمت.



- شیخی، محمدتقی (۱۴۰۰). جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عابدی درچه، محسن (۱۴۰۰). مردم‌سالاری در حکمرانی متعالی در اندیشه و راهبرد امامین انقلاب اسلامی. حکمرانی متعالی، ۲ (۸)، ۶۸-۱۰۶.
- عشایری، طاهّا، و عادل، هانیه (۱۴۰۱). تحلیل الگوی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، ۱۸ (۳۶)، ۴۸۵-۵۱۴.
- عظیمی آرانی، حسین (۱۳۹۳). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۸۲). مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. ج ۱، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد، و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۱۰ (۲)، ۱۰۹-۱۳۵.
- فاضلی‌راد، مسعود (۱۳۹۸). اهمیت نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه آموزش پرورش. سومین کنفرانس دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی، تهران.
- کربلایی‌یزاده، محمدصادق، و صبوریان، محسن (۱۴۰۲). بررسی مسائل اجتماعی جوانان در اندیشه و تجربه امام موسی صدر. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۴ (۲)، ۸۲-۹۵.
- کریمی، سعید (۱۳۸۲). رسانه‌ها و راهکارهای تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی. ج ۱، تهران: بوستان کتاب.
- کشتکار، مهران، و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۴). الگوی مفهومی مشارکت سازمان‌یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸ (۶۹)، ۳۹-۶۷.
- گولد، جولوس، و کولب، ویلیام (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. گروه مترجمان، تهران: مازیار.
- لطفی، بهنام، و رازقی، نادر (۱۳۹۹). تحلیل برجسته‌سازی مسائل اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی استان تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۹ (۷۴)، ۳۲۵-۳۶۸.
- محسنی تیریزی، علیرضا، غفاری، غلامرضا، نایی، هوشنگ، و عفتی، محمد (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت زنان در معیشت جامعه روستایی (مطالعه موردی استان خراسان شمالی). فصلنامه علمی روستا و توسعه، ۲۳ (۲)، ۱۷۶-۱۵۷.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۶ (۲۳)، ۶۷-۹۲.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ۴ (۸)، ۳۰-۹.



نعمت‌الهی، حمیدرضا، ملکی، مصطفی، عبدالحمیدی، مهدی، و سروندی، معصومه (۱۴۰۳). شناسایی و رتبه‌بندی موانع مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۱ (۱۱۸)، ۴۳۵-۴۷۳. واثق، محمود، نصیری، آرش، نقیب‌زاده، سیدمحمد، و شکوری، رضا (۱۴۰۳). نقش فرهنگ سیاسی در مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی مردم ایران، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۷ (۴)، ۲۶۸-۲۸۸. همدانی، پریسا، و رستمی، روح‌الله (۱۳۹۹). نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری مطالعه موردی: شهر رباط‌کریم. فصلنامه شهر پایدار، ۳ (۴)، ۹۵-۱۰۵.

منابع لاتین

- Bourdieu, P. (۱۹۹۳). *Sociology in Question*. Sage, London., report study case an innovation social in engagement Citizen. b.۱۵۲-۱۸۶, ۲۰۱۳J, Simon. & A, Davies, TEPSIE.
- Ciucescu, N. (۲۰۰۹). The role and importance of Non-Profit Organizations. *Studies and Scientific Researches*. Economics Edition, (۱۴), ۱۴-۱۹.
- Guha, M. (۲۰۰۸). *International Encyclopedia of the Social Sciences*. ۲nd edition, *Reference Reviews*, ۲۲ (۷), ۱۷-۱۹.
- Hatami Khaljan K, Ghazi Nejad M, Bastani S, & Rad F. (۲۰۲۳). Investigating the role of non-governmental organizations in solving social problems (Meta-analysis of research ۱۳۷۰-۱۳۹۸). *Rafah*. ۲۳ (۸۸), ۲۳۷.
- K. Liu, Helen (۲۰۲۳). Exploring Relationships Between Nonprofit Participation and Political Participation in Asian Context, *International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, Octob, ۲۰۵-۲۲۵.
- Marzban A., Barzegaran M., Hemayatkhah M., Ayasi M., Delavari S., Sabzehei MT, Rahmanian V. (۲۰۱۹). Evaluation of environmental awareness and behavior of citizens (case study: Yazd urban population). *Iranian Journal of Health and Environment*, ۱۲ (۱), ۱۷-۳۰.
- Warren, A. M. Sulaiman, A. & Jaafar, N.I. (۲۰۱۴). Social media effects on fostering online civic engagement and building citizen trust and trust in institutions. *Government Information Quarterly*, ۳۱ (۲), ۲۹۱-۳۰۱.
- Yulia V. Ukhanova, Ekaterina D. Kopytova, Sergei G. Zhestyannikov (۲۰۲۴). Impact of Citizen Participation on Solving the Social Problems of Small Regional Towns in Russia. *Changing Societies & Personalities*, ۸ (۱), ۵۷-۷۷.
- <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۵۱۲۲۲۰۲۰۲>.



<https://css.iripo.ir/ZLnf۲۹۵۱۳>.

<https://css.iripo.ir/ZLnf>.

<https://refahj.uswr.ac.ir/browse,۲۰۱۹>.

mehrnews.com/xHPzb,۱۳۹۶.

<https://borna.news/۱۴۰۳>





تأثیر راهبردهای مسئولیت اجتماعی شرکت بر مشروعیت سازمانی (رویکرد نظریه ذی‌نفعان)

مصطفی حیدری هراتمه*^۱

چکیده

امروزه سازمان‌ها باید روابط با ذی‌نفعان خود را مدیریت کنند تا منافع زیادی برای هر دو ایجاد شود. در راستای نظریه ذی‌نفعان، گروه‌های ذی‌نفع، تحت تأثیر رفتار و اقدامات سازمان‌ها قرار می‌گیرند. درحقیقت بقای سازمان متأثر از توانایی سازمان در تأمین نیازهای ذی‌نفعان و شناخت ادراک آنهاست. سیاست‌های با محوریت مسئولیت اجتماعی، مؤلفه اصلی در پاسخ به نیازهای اجتماعی است. بنابراین هدف تحقیق، بررسی تأثیر عملیاتی کردن راهبردهای با محوریت مسئولیت اجتماعی بر مشروعیت سازمانی است. همچنین اهمیت و عملکرد سیاست‌های متنوع مسئولیت اجتماعی از طریق عملیاتی کردن ماتریس اهمیت-عملکرد (IPMA) تحلیل خواهد شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و به صورت توصیفی-پیمایشی اجرا می‌شود. داده‌ها به روش میدانی و با استفاده از یک پرسشنامه استاندارد جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق، ۲۵ شرکت تولید لوازم خانگی بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول معرفی شده برای مدل‌سازی معادلات ساختاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد توسط ۱۴۲ کارشناس مسئولیت اجتماعی شرکت در نظر گرفته شده

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران mo.heidari@iau.ac.ir





است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار PLS-SEM استفاده شد. نشان داد رابطه قوی و مثبتی بین مشروعیت سازمانی و اقدامات مسئولیت اجتماعی وجود دارد؛ لذا ذی‌نفعان، سازمان‌هایی را حمایت می‌کنند که تصور کنند اخلاقی‌اند و از اصول مسئولیت اجتماعی آنها تبعیت می‌کنند. راهبردهای با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی، جهت‌دستیابی به امتیازات مشروعیت بالا با تنوع و تعدد راهبردها ارتباط دارد. در مقابل عناصر مسئولیت اجتماعی با سطوح پایین‌تر اهمیت، به مسیرهای روابط بین راهبردها و سیاست‌های منافع اجتماعی پیوند خواهد داشت. بنابراین مدیران شرکت باید به معرفی اصول و راهبردهای مسئولیت اجتماعی شرکت ادامه دهند تا پذیرش اجتماعی را بهبود و تعهد خود را افزایش دهند، حال آنکه عملکرد سازمانی نیز بهبود خواهد یافت.

واژگان کلیدی:

مشروعیت، مسئولیت اجتماعی شرکت، ماتریس اهمیت- عملکرد، نظریه ذی‌نفعان.



۱. مقدمه و بیان مسئله

در بازارهای امروزی، سازمان‌ها باید روابط خود را با ذی‌نفعان خود مدیریت کنند تا ارزش و منافع زیادی برای خود و ذی‌نفعان ایجاد کنند (فراذرپیچ و همکاران، ۲۰۲۰). فریمن (۱۹۸۴) مفهوم نظریه ذی‌نفعان را معرفی نمود که منافع سازمانی مختلف را شناسایی می‌کند و بر اهمیت سودآوری و همچنین بر اهمیت درک توجه به تأثیراتی که فعالیت‌های شرکت بر مخاطبان مختلف دارد، تأکید می‌کند. گروه‌های ذی‌نفع تحت تأثیر رفتار و اقدامات سازمان‌ها قرار می‌گیرند؛ با این وجود درک این موضوع که این اقدامات بر ثبات سازمان‌ها نیز تأثیر دارند، حائز اهمیت است (سیلوا و همکاران، ۲۰۱۹). درحقیقت بقای سازمان به‌شدت به توانایی سازمان در تأمین نیازهای ذی‌نفعان و شناخت ادراک آنها بستگی دارد. بنابراین اگر شرکت‌ها بخواهند در بلندمدت و میان‌مدت موفق باشند، باید طیف کامل این نیازها را درک کنند و بتوانند روابط پایداری با پایگاه ذی‌نفعان خود برقرار کنند (دمیتریو و همکاران، ۲۰۲۱). در حال حاضر خواسته‌های ذی‌نفعان درباره تأثیر اجتماعی سازمان‌هایی که با آنها رابطه دارند، افزایش یافته است. این گروه‌ها از شرکت‌ها انتظار دارند به نیازهای اجتماعی پاسخ دهند که فراتر از نیازهای اقتصادی است و از همکاری با نهادهایی که نمی‌توانند انتظارات رفتار اجتماعی خود را برآورده کنند، اجتناب می‌کنند (فاتما و همکاران، ۲۰۱۹).

سازمان‌ها برای بقا و موفقیت در بازار، به حمایت ذی‌نفعان نیاز دارند. بنابراین معرفی سیاست‌های با مسئولیت اجتماعی شرکت به جزء اصلی و حیاتی در پاسخ به نیازهای اجتماعی تبدیل شده است. بیشتر تحقیقات موجود درباره مسئولیت اجتماعی شرکت به دنبال تحلیل این موضوع است که چگونه این سیاست‌ها بر ادراک ذی‌نفعان خارجی تأثیر می‌گذارند؛ مانند مشتریان، دولت‌ها و به طور کلی بازارها و غیره (دل-کاستیلو-فیتو و همکاران، ۲۰۲۱/تاسایت و همکاران، ۲۰۲۱). با وجود این مدیریت داخلی و تأثیر این اقدامات به طور کامل بررسی نشده است (بلانکو-گونزالس و همکاران، ۲۰۲۰). سازمان‌ها می‌توانند از اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت مختلف استفاده کنند و نقش حیاتی را در نظر بگیرند که کارکنان در عملکرد سازمانی و موفقیت ایفا می‌کنند، رویه‌های مسئولیت اجتماعی را در مدیریت خود معرفی کنند که دانش و فرهنگ شرکتی را ارتقا خواهد داد (بارنا-مارتینز و همکاران، ۲۰۱۹/پدرینی و فری، ۲۰۱۱). استفاده از اقدامات مسئولیت



اجتماعی مانند تشویق روابط انعطاف‌پذیر بین کارکنان و مدیران با در نظر گرفتن منافع کارکنان، منجر به ایجاد اعتماد در شرکت می‌شود (بلانکو-گونزالس و همکاران، ۲۰۲۰). عینیت‌بخشی به اقدامات مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها را به چند طریق منتفع می‌کند؛ اما این تأثیر شاید در نتایج مالی آنها چشمگیرتر باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۶).

سازمان‌های با مسئولیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و شهرت شرکتی خود را بهبود خواهند داد (دل-کاستیلو-فیتو و همکاران، ۲۰۲۱/دل-کاستیلو-فیتو و همکاران، ۲۰۱۹) که دارایی ناملموس مهمی برای بقای بلندمدت در هر بخش محسوب می‌شوند. محققان رابطه بین شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد بهتر مالی را اثبات کرده‌اند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ زیرا رابطه با ذی‌نفعان داخلی به دلیل شیوه‌های مدیریت اخلاقی به‌تازگی به کار گرفته شده، تقویت خواهد شد (فرل و همکاران، ۲۰۱۹). علاوه بر این اگر اقدامات سازمان‌ها از نظر اجتماعی مسئولانه و مسئولانه‌تر باشد، کارکنان به سازمانی که به آن تعلق دارند، متعهدتر خواهند شد (برانا-مارتینز و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهشگران زیادی رابطه مثبت و معنادار بین اجرای درست شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت و مشروعیت شرکت را تأیید کردند (دل-کاستیلو-فیتو و همکاران، ۲۰۱۹) که به صورت تناسب درک شده یک سازمان در یک سیستم اجتماعی از نظر قوانین، ارزش‌ها و باورها تعریف می‌شود (دیهوس و همکاران، ۲۰۱۷).

سیستم‌هایی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، این نهادها را می‌پذیرند؛ زیرا اقدامات آنها مطابق هنجارها و ارزش‌های جامعه است و برای هر ذی‌نفع، ارزش‌آفرینی می‌کند (میاتو و همکاران، ۲۰۲۰). سازمان‌های با مشروعیت بالا معمولاً موفق‌اند و بقای طولانی‌مدت‌تری نسبت به سازمان‌های با سطح پایین مشروعیت دارند، آن هم به دلیل حمایت اجتماعی که از بخش خود دریافت می‌کنند (گلازر و همکاران، ۲۰۱۹/زامپارینی و لاراتی، ۲۰۱۷). شرکت‌های مشروع دسترسی بیشتری به منابع مهم دارند و نسبتاً بدون محدودیت توسعه خواهند یافت؛ زیرا مشروعیت مانع از بررسی مستمر می‌شود. بنابراین اجرایی‌سازی مناسب و حفظ این دارایی ناملموس گام مهمی به سوی بهبود عملکرد سازمانی محسوب می‌شود.

سازمان‌ها می‌توانند به طور فعالانه سطح مشروعیت درک‌شده خود را مدیریت کنند و در نتیجه



انتظارات ذی‌نفعان خود را شناسایی کنند تا بتوانند همچنان به حمایت اجتماعی دست یابند (دیز-مارتین و همکاران، ۲۰۲۱). با در نظر گرفتن پایداری معاصر و ملاحظات تأثیر اجتماعی، شرکت‌ها باید اصول رفتاری مسئولیت اجتماعی را دنبال کنند تا نهاد مشروعی تلقی شوند و حق و حقوق آنها قانونی دانسته شود.

بنابراین اقدامات عملی مسئولیت اجتماعی شرکت، مشروعیت سازمانی را بهبود خواهد داد (بانجری و وانیک، ۲۰۱۸/ خان و همکاران، ۲۰۱۵). تحت این شرایط، هدف اصلی مطالعه ارزیابی تأثیر مثبت و معناداری است که شیوه‌های مسئولیت اجتماعی بر مشروعیت سازمان‌ها از طریق ابعاد شناختی، اخلاقی و عملگراییانه دارد، اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین سؤالات به این صورت منظور می‌شود: (۱) آیا شرکت‌هایی که مدیریت منابع انسانی با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی را به کار می‌گیرند، مشروعیت بیشتری دارند؟ (۲) چه نوع مشروعیتی (عمل‌گرایانه، اخلاقی، شناختی) بیشتر تحت تأثیر شیوه‌های منابع انسانی پایدار قرار می‌گیرد؟ (۳) کدام شیوه از شیوه‌های منابع انسانی تأثیر بیشتری بر مشروعیت دارد؟ هدف مطالعه ارائه دستاوردهای مهم برای ادبیات نظری از حیث رفع کمبودهای موجود یا توسعه آن است؛ زیرا چشم‌انداز مدیریت درون‌سازمانی در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت به اندازه کافی بررسی نشده است. در واقع بیشتر تحقیقات موجود در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت بر اقداماتی متمرکز شده‌اند که برای منتفع کردن ذی‌نفعان خارجی طراحی شدند یا تأثیری که این سیاست‌ها بر ادراک گروه‌های خارجی دارد.

بنابراین به طور خاص تمرکز مطالعه بر مدیریت داخلی/ درون‌سازمانی با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی می‌باشد. شیوه‌ای که در آن تأثیر مدیریت منابع انسانی با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی بر سه نوع مشروعیت اندازه‌گیری می‌شود، جدید و به‌نوعی نوآوری مطالعه است. بیشتر محققان به طور تجربی به تحلیل مشروعیت به عنوان یک مؤلفه تک‌بعدی پرداختند (شایو و همکاران، ۲۰۱۶)؛ در حالی که در این مطالعه، سه بعد مشروعیت که توسط شامان (۱۹۹۵) معرفی شده - عمل‌گرایانه، اخلاقی و شناختی - گنجانده می‌شوند. از آنجاکه هر یک از این ابعاد از طریق مؤلفه‌های مختلف به دست می‌آیند، مطالعه حاضر به درک عمیق‌تر تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر مشروعیت کمک خواهد کرد. علاوه بر این اهمیت اقدامات مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت برای دستیابی به



مشروعیت سازمانی از طریق ماتریس عملکرد-اهمیت بررسی می‌شوند. این نتایج حاصله رهنمود مهمی برای مدیران فراهم خواهد کرد؛ چراکه آنها به ابزارهایی مجهز خواهند شد که می‌توانند مهم‌ترین شیوه‌های مدیریت منابع انسانی با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی را برای دستیابی به مشروعیت بالا شناسایی کنند. همچنین این اطلاعات، مبانی نظری و سطح دانش را با در نظر گرفتن مدیریت داخلی پایدار و مشروعیت گسترش می‌دهد. بدین منظور در ادامه ادبیات و چارچوب نظری به همراه تبیین فرضیه‌ها ارائه می‌شود. سپس روش‌شناسی توضیح داده شده و یافته‌ها ارائه می‌شوند. در آخر نتایج اصلی به تفصیل تبیین و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شوند.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

الف) مبانی نظری

مفهوم مشروعیت که در اصل در یک زمینه اجتماعی به کار گرفته می‌شود، ابتدا توسط وبر در حوزه کسب‌وکار و مطالعات سازمانی معرفی شد. به عقیده دیپهوس و همکاران (۲۰۱۷) مشروعیت را می‌توان بدین صورت تعریف نمود: تناسب درک‌شده یک سازمان با یک سیستم اجتماعی از نظر قوانین، هنجارها و حدود. سازمان‌های مشروع به دلیل اینکه رفتارشان مطابق ارزش‌ها و باورهای سیستم اجتماعی است که در آن فعالیت می‌کنند، مطلوب و مناسب تلقی می‌شوند. اگر ذی‌نفعان تصور کنند شرکت‌ها بیش از آنچه تخریب می‌کنند، ارزش‌آفرینی می‌کنند، شرکت‌ها می‌توانند به مشروعیت دست یابند (مویتو و همکاران، ۲۰۲۰). مشروعیت موفقیت و شانس بقای سازمان‌ها را بهبود می‌دهد؛ زیرا معمولاً منجر به حمایت بیشتر ذی‌نفعان می‌شود (دیپهوس و همکاران، ۲۰۱۷/ گلازر و همکاران، ۲۰۱۹/ زامپارینی و لاراتی، ۲۰۱۷). رابطه مثبتی بین مشروعیت و موفقیت سازمانی وجود دارد. سازمان‌های مشروع دسترسی بیشتری به منابع مهم دارند و مورد قضاوت قرار نمی‌گیرند. ژانگ و همکاران (۲۰۱۸) بر این موضوع تأکید دارند که بدون مشروعیت ذی‌نفعان، سازمان نمی‌تواند مجوز فعالیت خود را تمدید کند یا قلمرو قدرت جدید برای رشد پیدا کند. دو رویکرد مهم درباره مدیریت مشروعیت ایجاد شده است. مطابق تئوری نهادی، شرکت‌ها تنها



با ارتباط برقرارکردن با ارزش‌ها، باورهای یک سیستم اجتماعی خاص می‌توانند مشروعیت یابند (دیز-مارتین و همکاران، ۲۰۲۱/یانگ و همکاران، ۲۰۲۰). با وجود این محققانی مانند ساچمان (۱۹۹۵) بیان می‌کنند که سازمان‌ها می‌توانند اقدامات و استراتژی‌هایی را عملیاتی کنند تا مشروعیت خود را مدیریت کنند. مطابق این رویکرد، نهادها باید مناسب‌ترین استراتژی‌ها را برای بهبود امتیازات مشروعیت خود شناسایی کنند. هنگام مدیریت مشروعیت، سازمان‌ها باید اهمیت دریافت حمایت اجتماعی را درک کنند. بنابراین آنها باید انتظارات ذی‌نفعان را شناسایی و نیازهای آنها را برآورده کنند (کورسیولانی و همکاران، ۲۰۱۹/میوتو و همکاران، ۲۰۲۰). این گروه‌ها هنگامی که تصور کنند سازمان‌ها، استانداردهای رفتاری خاصی را حفظ می‌کنند، ارزیابی مثبتی از مشروعیت سازمان دارند (یانگ و همکاران، ۲۰۲۰). سازمان‌ها بخشی از سیستم اجتماعی گسترده‌تر هستند و منابع مهم را مصرف می‌کنند. بنابراین استفاده آنها از منابع باید از منظر سیستمی که در آن فعالیت می‌کنند، قابل قبول باشد. در حال حاضر جامعه به‌شدت درگیر پایداری و رفاه جامعه است که به نیاز بیشتر به اخلاقیات و رفتارهای اجتماعی سازمان‌ها منتج می‌شود (تاسیانت و همکاران، ۲۰۲۱). درواقع ذی‌نفعان فعالیت شرکت‌ها را بررسی می‌کنند تا از متابعت آنها از هنجارهای اجتماعی و اخلاقی، قبل از تعامل با آنها، مطمئن شوند. سیاست‌های با مسئولیت اجتماعی به روشی تبدیل شده‌اند که از طریق آنها می‌توان به نیازهای ذی‌نفعان درباره مسائل اجتماعی پاسخ داد (بلانکو-گونزالس و همکاران، ۲۰۲۰).

از آنجاکه سازمان‌ها با برآوردن انتظارات ذی‌نفعان به مشروعیت دست می‌یابند، معرفی فعالیت‌های اجتماعی به شرکت‌ها کمک خواهد کرد تا مشروعیت به دست آورند یا آن را بهبود دهند (بانرجی و ونایک، ۲۰۱۸/خان و همکاران، ۲۰۱۵). این رویکرد در بازارهای امروزی وجود دارد؛ جایی که یکی از پرکاربردترین استراتژی‌ها برای دستیابی و حفظ مشروعیت، اجرای سیاست‌های با مسئولیت اجتماعی است. از منظر رقابتی سازمان‌ها برای دریافت حمایت اجتماعی، باید شیوه‌های با مسئولیت اجتماعی را توسعه دهند، اعتبار بیشتری پیدا کنند و به مشروعیت اجتماعی دست یابند. بلانکو-گونزالس و همکاران (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که سیاست‌های با مسئولیت اجتماعی ارزش‌آفرینی می‌کنند و مشروعیت، حمایت اجتماعی را که این ارزش‌آفرینی‌ها نشان می‌دهند،



ارزیابی می‌کند و در عین حال بر اهمیت ترکیب اقدامات مسئولیت اجتماعی با مشروعیت تأکید دارد.

بیشتر تحقیقات موجود بر درک تأثیر خارجی تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت تمرکز دارند و رابطه بین شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت و کارکنان یک سازمان را بررسی نکردند (مس سارو و همکاران، ۲۰۱۸). از آنجاکه سازمان‌ها با شبکه گسترده‌ای از ذی‌نفعان ارتباط دارند، درک این موضوع که هر یک از آنها نقش مهمی در فرایند ارزیابی مشروعیت ایفا می‌کنند، اهمیت دارد. بنابراین شرکت‌ها باید ادراک کارکنان درباره پیاده‌سازی مسئولیت اجتماعی را به عنوان یک مؤلفه کلیدی در دستیابی به مشروعیت، در نظر بگیرند. مایگنان و همکاران (۲۰۱۱) بر اهمیت در نظر گرفتن ذی‌نفعان مختلف در شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت سازمان‌ها تأکید کردند. هنگام ارزیابی بین مسئولیت اجتماعی و مشروعیت، باید کارکنان و جامعه را در نظر گرفت. سایر محققان مانند ایستبان-لیورت و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌کنند که پیاده‌سازی اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت داخلی، مانند آموزش کارکنان، مشروعیت شرکت را بهبود می‌دهد. این رویکرد منجر به حمایت بیشتر نه تنها منابع داخلی (مدیران، کارکنان و...) بلکه فعالان خارجی (دیدگاه عمومی، مصرف‌کنندگان و...) خواهد شد که نتیجه‌اش مشروعیت کلی بیشتر است.

با معرفی فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت داخلی (ICSR) شرکت‌ها از شیوه‌های مطلوب اجتماعی حمایت می‌کنند و مشروعیت خود را افزایش می‌دهند. در واقع مطالعات کنونی رابطه بین شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت داخلی و ارزیابی‌های مشروعیت کارکنان را تأیید می‌کنند (بلانکو-گونزالس و همکاران، ۲۰۲۰). بسیاری از محققان به تحلیل مشروعیت خارجی حاصل از ذی‌نفعان خارجی مانند مشتریان، تأمین‌کننده‌ها یا دولت تمرکز کرده‌اند. با وجود این بقا و موفقیت در بلندمدت، به ارزیابی‌های مثبت بیشتری نیاز است؛ در نتیجه ادراک کارکنان برای ثبات و کارایی سازمان‌ها باید حیاتی تلقی شود (ایستبان-لیورت و همکاران، ۲۰۱۸). علاوه بر این به تحلیل عمیق‌تر ادغام سیاست‌های با مسئولیت اجتماعی در مدیریت منابع انسانی و تأثیر آنها بر دارایی‌های ناملموس نیاز است تا دانش در این حوزه بهبود یابد (بارنا-مارتینز و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین فرضیه زیر ارائه می‌شود:



H₁: مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مشروعیت شرکت دارد.

در این مطالعه مشروعیت به عنوان یک متغیر چندبعدی بررسی شده است. ساچمان (۱۹۹۵) بیان می‌کند که مشروعیت می‌تواند از طریق ابعادی به دست آید: الف) «عملگرایانه» هنگامی که ذی‌نفعان تصور کنند سازمان منافع شخصی آنها را برآورده می‌کند، داده می‌شود؛ ب) «اخلاقی» که با رفتار اخلاقی نهادها و برآوردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ارتباط دارد. ج) «شناختی» که به میزان قابل فهم بودن فعالیت‌ها و اهداف شرکت بستگی دارد. بنابراین هدف این تحقیق، تحلیل این موضوع است که آیا شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در زمینه منابع انسانی بر مشروعیت عمل‌گرایانه، شناختی و اخلاقی تأثیر دارد یا خیر تا درک شود که چه نوع مشروعیتی تحت تأثیر شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت قرار می‌گیرد و به چه میزان که به صورت زیر فرضیه‌سازی می‌شود:

H_{1a}: مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مشروعیت عمل‌گرایانه شرکت دارد.

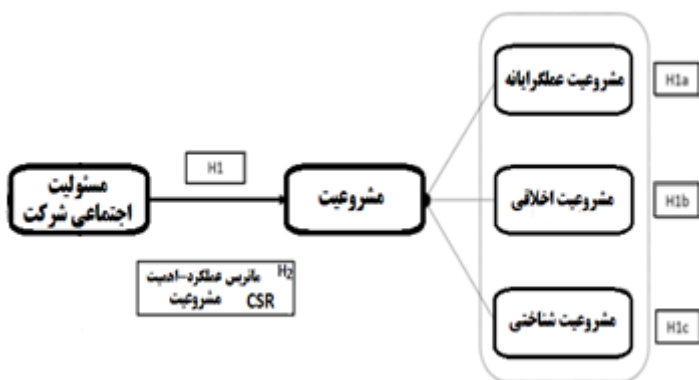
H_{1b}: مسئولیت اجتماعی شرکت ارتباط مثبت و معناداری با مشروعیت اخلاقی شرکت دارد.

H_{1c}: مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مشروعیت شناختی شرکت دارد.

فرضیه دیگری برای مطالعه ارائه می‌شود؛ چراکه اهمیت هر متغیر مسئولیت اجتماعی شرکت تحلیل می‌شود. بدین منظور تحلیل ماتریس عملکرد-اهمیت (IPMA) با تکنیک PLS-SEM انجام می‌شود تا درک شود مهم‌ترین عوامل برای دستیابی به مشروعیت چه چیزهایی هستند و کدام یک باید برای سازمان‌ها بیشترین اولویت را داشته باشد (گارسیا-فرناندز و همکاران، ۲۰۲۰/ رایود-رابل و بیسوک، ۲۰۱۷). بنابراین فرضیه زیر ارائه می‌شود:

H₂: سیاست‌های مسئولیت اجتماعی، دارای سطح اهمیت متفاوتی برای دستیابی به مشروعیت‌اند.

بر اساس ادبیات و مبانی نظری فوق شکل زیر، مدل پیشنهادی مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پیشنهادی (محقق ساخته)

ب) پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف یا سئوالات اصلی	مهم ترین یافته ها
گرینبرگ آسور (۲۰۲۲) به روش تحقیق کمی	رابطه ارتباطات سازمانی با مشروعیت سازمانی	ارتباطات سازمانی یکی از ابزارهای راهبردی سازمان است که می تواند باعث ایجاد، حفظ و افزایش مشروعیت سازمانی گردد. شکی نیست که ارتباط با ذی نفعان می تواند منافع ملموسی را برای سازمان به همراه داشته باشد؛ زیرا باعث ایجاد رابطه مثبت تری بین ذی نفعان و سازمان می گردد. از آنجاکه سازمان ها برای بقا و موفقیت به حمایت ذی نفعان شان نیاز دارند، ارتباطات سازمانی به عنوان عنصری حیاتی در پاسخ گویی به محیط داخلی و خارجی سازمان ها و افزایش

نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف یا سئوالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		مشروعیت تبدیل شده است.
راشه‌هاک (۲۰۲۱)، به روش تحقیق توصیفی کیفی	مفهوم مشروعیت سازمانی	ادبیات نظری، تعاریف بسیاری از مشروعیت سازمانی را شامل می‌شود که با همدیگر همپوشانی دارند و گزاره‌های نظری متعدد را بیان می‌کنند. مشروعیت طیف وسیعی از موضوعات مانند فرم‌های سازمانی، ساختارها، اقدامات روزانه، کاربردها، سازوکارهای دولتی، طبقه‌بندی، مؤسسان سازمان‌ها، گروه‌های مدیریتی و ... را در بر می‌گیرد.
جیاکومینی و همکاران (۲۰۲۱)، به روش تحقیق کیفی	مشروعیت سازمانی و ابعاد آن	مشروعیت را به عنوان ادراک و فرض عمومی که مشخص می‌کند، اعمال سازمان مطلوب و مناسب با سیستم‌های اجتماعی ساخته شده از هنجارها، ارزش‌ها و باورها هستند، تعریف می‌کند. ساچمن (۱۹۹۵) شامل سه بعد عمل‌گرا، شناختی و اخلاقی را معرفی کرده است. بعد عمل‌گرایانه بر اساس محاسبه منافع شخصی ذی‌نفعان تعیین می‌شود؛ یعنی ذی‌نفعان در ازای رابطه خود با سازمان چه چیزی دریافت می‌کنند؟ برای مثال شرایط کاری خوب برای کارکنان و خدمات با کیفیت بالا برای ارباب رجوع و اینکه آیا آنها می‌توانند بر منافع تأثیر بگذارند یا خیر. مشروعیت اخلاقی در مورد



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سئوالات اصلی	نویسندگان - روش استفاده‌شده
<p>هنجارها و ارزش‌هایی است که در جامعه مهم تلقی می‌شوند و نیز قوانین و مقررات دولت‌ها و سایر مراجعی که برای سازمان‌ها قابل اجرا هستند. این شکل از مشروعیت زمانی ایجاد می‌شود که سازمان، مطابق با آنچه ذی‌نفعان به عنوان هنجار تلقی می‌کنند، عمل می‌کند. بعد شناختی بنیادی‌ترین شکل را تشکیل می‌دهد. اساساً سازمان زمانی می‌تواند به مشروعیت شناختی دست یابد که به بخشی انکارناپذیر از محیط خود یا مرجعی برای حوزه نهادی خود تبدیل شود.</p>		
<p>اگرچه مسئولیت اجتماعی توسط پژوهشگران و نظریه‌پردازان بسیاری تعریف گردیده است، اما تعریف واحدی برای این متغیر سازمانی وجود ندارد. تعاریف ارائه‌شده از نویسنده‌ای به نویسنده دیگر تفاوت بسیاری با هم دارند. به عبارتی تمام این تعاریف به مواردی مانند مسئولیت‌های قانونی تا ملاحظات اخلاقی و کمک‌های خیریه ساده توجه نموده‌اند.</p>	<p>مفهوم مشروعیت سازمانی و نبود تعریف یکسان</p>	<p>ژانگ و همکاران (۲۰۲۱)، به روش تحقیق کیفی</p>
<p>از نیمه اول قرن بیستم، توجه اجتماعی به مشروعیت مورد توجه حوزه جامعه‌شناسی به‌ویژه نظریه نهادی قرار گرفته است. سایر حوزه‌های</p>	<p>چارچوب و حدود مشروعیت سازمانی</p>	<p>مارتین-دیز و همکاران (۲۰۱۹)، به روش تحقیق کیفی</p>



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سئوالات اصلی	نویسندگان- روش استفاده شده
<p>علوم اجتماعی مانند مدیریت بازرگانی، مدیریت استراتژی، اخلاق، بازاریابی، حسابداری، مالی، روان‌شناسی اجتماعی یا آموزش نیز مفهوم مشروعیت را مطالعه می‌کنند و به طور مثبت به توسعه آن یاری می‌رسانند. سازمان‌ها از طریق ارتباط با ذی‌نفعان می‌کوشند تحولات خارج و داخل سازمان را بررسی کنند و به صورت پیش‌گیرانه پیش از اینکه خطری سازمان را تهدید نماید، تهدیدات را به فرصت مبدل و مشروعیت خود را حفظ کنند.</p>		
<p>مسئولیت اجتماعی به عنوان دارایی‌های نامشهود راهبردی باعث حفظ و افزایش مشروعیت می‌گردد. بینش معناداری در مورد ارتباط مستقیم بین ارتباطات سازمانی و مشروعیت سازمانی وجود دارد.</p>	تعریف مشروعیت سازمانی	راندریانا سولو (۲۰۱۸)، به روش تحقیق توصیفی
<p>اریکسون و همکاران به بررسی اینکه چگونه سازمان‌ها از راهبردهای ارتباطی برای نجات مشروعیت خود در شرایط بحران استفاده می‌کنند، پرداختند. نتایج آنان نشان می‌دهد ارتباطات سازمانی به عنوان عامل مهمی در ترمیم مشروعیت سازمانی است. در واقع ارتباطات به دلیل توانایی آن در اثرگذاری بر</p>	رابطه مشروعیت سازمانی و ارتباطات سازمانی	اریکسون و همکاران (۲۰۱۱)، به روش تحقیق کمی



نویسندگان - روش استفاده‌شده	اهداف یا سئوالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		ارزیابی افراد یکی از عناصر ضروری در فرایند مشروعیت‌یابی است.
ویگیل (۲۰۰۴)، به روش تحقیق کمی	رابطه مشروعیت سازمانی و ارتباطات و مدیریت رابطه	ویگیل به بررسی رابطه میان مشروعیت سازمانی و ارتباطات و مدیریت رابطه در سازمان‌ها پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند رابطه معناداری بین ارتباطات و مشروعیت سازمانی وجود دارد.
باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۸)، به روش تحقیق کمی	رابطه ارتباطات سازمانی و مسئولیت اجتماعی	وی استدلال می‌کنند که سازمان‌ها باید کارکنان را به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در سازمان نزدیک‌تر کنند. آنها بیان می‌کنند که ضروری است تعامل ذی‌نفعان داخلی و خارجی از طریق ارتباطات تقویت گردد. همچنین آنها بر ارتباطات داخلی دوطرفه، شفاف و باز تأکید دارند و بیان می‌کنند که این گونه ارتباطات برای آگاه‌نگه‌داشتن کارکنان از برنامه‌های مسئولیت اجتماعی، ارائه راهنمایی‌هایی در جهت اجرای پروژه‌ها، خنثی کردن بدبینی کارکنان که ممکن است ناشی از منابع خارجی باشد که معتبر تلقی می‌شوند، تشویق کارکنان به شرکت کردن در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی و ارائه بازخورد در مورد عملکرد مرتبط با مسئولیت اجتماعی ضروری است. در نتیجه سازوکار تأثیر ارتباط

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سئوالات اصلی	نویسندگان- روش استفاده شده
<p>سازمانی بر مسئولیت اجتماعی شرکت منطبق با مورسینگ و شولتز (۲۰۰۶) این گونه است که سازمان‌ها بعد از مشخص کردن برنامه مسئولیت اجتماعی شرکتشان و نوع ذی‌نفعان باید کانال‌های ارتباطی را در جهت آگاه کردن ذی‌نفعان از برنامه‌ها، اقدامات و ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت تعیین کنند و همچنین روش‌ها و کانال‌های ارتباطی مؤثری را در جهت پاسخ‌گویی ذی‌نفعان در مورد اقدامات مسئولیت اجتماعی مشخص کنند و در مرحله بعد نحوه و چگونگی مشارکت ذی‌نفعان را در ساخت و اجرای مسئولیت شرکتشان تعیین نمایند.</p>		
<p>در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات داخلی و خارجی سازمانی بر مشروعیت سازمانی با نقش میانجی‌گری مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های دولتی ایران پرداختند. تحلیل مسیر داده‌ها نشان می‌دهد ارتباطات داخلی و خارجی سازمان بر مشروعیت سازمانی اثر مثبت و معناداری دارد.</p>	<p>تأثیر ارتباطات داخلی و خارجی سازمانی بر مشروعیت سازمانی با نقش میانجی‌گری مسئولیت اجتماعی</p>	<p>رهنورد و همکاران (۱۴۰۲)، به روش تحقیق کمی</p>
<p>ایشان در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجرای مدیریت منابع انسانی با دغدغه مسئولیت اجتماعی و مشروعیت سازمانی پرداختند. علاوه بر این ارتباط و عملکرد سیاست‌های متنوع</p>	<p>رابطه بین اجرای مدیریت منابع انسانی با دغدغه مسئولیت اجتماعی و مشروعیت سازمانی</p>	<p>محمدی و خداپنده (۱۴۰۱)، به روش تحقیق کمی</p>



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سئوالات اصلی	نویسندگان - روش استفاده‌شده
<p>مسئولیت اجتماعی از طریق اجرای ماتریس اهمیت-عملکرد مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. برای این منظور ارزیابی‌هایی توسط ۱۵۷ کارشناس مسئولیت اجتماعی در مورد حدود ۳۰ شرکت چندملیتی صورت گرفته شده که مورد بررسی قرار گرفت. نتایج یک رابطه قوی و مثبت بین شیوه‌های مسئولیت اجتماعی مدیریت منابع انسانی و مشروعیت سازمانی را نشان می‌دهد.</p>		
<p>ایشان در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت منابع انسانی سبز بر مشروعیت اجتماعی با نقش میانجی، مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مدیریت منابع انسانی سبز بر مشروعیت اجتماعی و مسئولیت اجتماعی مؤثر است. همچنین مسئولیت اجتماعی بر مشروعیت اجتماعی تأثیر دارد و در نهایت مسئولیت اجتماعی به عنوان میانجی در تأثیر مدیریت منابع انسانی سبز بر مشروعیت اجتماعی تأثیرگذار است.</p>	<p>تأثیر مدیریت منابع انسانی سبز بر مشروعیت اجتماعی با نقش میانجی، مسئولیت اجتماعی</p>	<p>فرخی و همکاران (۱۳۹۹)، به روش تحقیق کمی</p>

۳. روش تحقیق

جامعه آماری تحقیق، ۲۵ شرکت با توجه به حضور در بازارهای جهانی، در زمینه لوازم خانگی



بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول معرفی شده برای مدل‌سازی معادلات ساختاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد توسط ۱۴۲ کارشناس مسئولیت اجتماعی شرکت در نظر گرفته شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار PLS-SEM استفاده شد. این شرکت‌ها به دلیل حضور بین‌المللی قوی و نظارت‌پذیری آنها، در مقایسه با شرکت‌های معمولی انتخاب شدند. از آنجاکه این نهادها در زمینه‌های متنوعی فعالیت می‌کنند، دستیابی به حمایت اجتماعی برای آنها حیاتی است؛ از این رو تحلیل پیاده‌سازی مسئولیت اجتماعی شرکت آنها در ارتباط با مشروعیت‌شان اهمیت دارد. بنابراین با توجه به ماهیت جهانی و اندازه آنها، این شرکت‌ها ملزم به انتشار اطلاعات تفصیلی درباره سیاست‌های مسئولیت اجتماعی شرکت خود هستند که متخصصان را قادر می‌سازد به اطلاعات دسترسی داشته باشند تا عملکرد آنها را در رابطه با این موضوع، درک و ارزیابی کنند. جهت ارسال پرسش‌نامه‌ها به صورت آنلاین یک شرح تفصیلی از اهداف در ایمیل بیان شد و پرسش‌نامه به متخصصان فرستاده شد؛ بنابراین آنها درک کاملی از هدف تحقیق پیدا کردند.

برای ارزیابی رفتارهای با مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تحت بررسی، اطلاعات منتشر شده در وب‌سایت و محتوای گزارش‌های پایداری آنها تحلیل شد. برای تدوین مطالعه، یک نظرسنجی خاص با در نظر گرفتن ادبیات موجود در زمینه مشروعیت و راهبردهای با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی ایجاد شد. هر متغیر بر اساس مقیاس ده‌گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شد که ۰ به کاملاً مخالف و ۱۰ به کاملاً موافق اشاره دارد. مشروعیت یک متغیر چندبعدی است (دیپ هوس و همکاران، ۲۰۱۷)؛ بنابراین برای مطالعه با در نظر گرفتن تعداد مناسب مطالعاتی که آن را از طریق ابعاد مختلف آن اندازه‌گیری کرده‌اند، دنبال می‌شود (الکسیو و ویگینز، ۲۰۱۹). از متغیر سه‌بعدی پیشنهاد شده توسط ساچمان (۱۹۹۵) - عمل‌گرایانه، اخلاقی و شناختی - برای اندازه‌گیری مشروعیت جهانی استفاده شد. این سه بعد با استفاده از مقیاس‌های موجود و مورد استفاده در تحقیقات قبلی، اندازه‌گیری شدند (الکسیو و ویگینز، ۲۰۱۹ / چانگ و همکاران، ۲۰۱۹ / ناگی و همکاران، ۲۰۱۷). یک گویه مربوط به توانایی سازمان جهت برآورده کردن نیازها و منافع ذی‌نفعان گنجانده شد تا مشروعیت عمل‌گرایانه اندازه‌گیری شود، شش گویه مربوط به قابل فهم‌بودن و تناسب فعالیت شرکت و ساختارها جهت مشروعیت شناختی و در آخر، سه گویه برای درک اخلاقیات رفتاری شرکت‌ها برای اندازه‌گیری مؤلفه



اخلاقی برای مشروعیت اخلاقی در نظر گرفته شد. در ارتباط با اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی، یک مقیاس اندازه‌گیری بر اساس استانداردهای GRI برای گزارش‌های پایداری با پنج گویه مد نظر قرار گرفت (جدول ۲).

جدول شماره ۲: ابزار اندازه‌گیری (الکسیو و ویگنیز، ۲۰۱۹ / چانگ و همکاران، ۲۰۱۹)

عامل	گویه	شرح
مسئولیت اجتماعی شرکت		
مسئولیت اجتماعی شرکت	RELED	ارائه اطلاعات شفاف درباره سیستم‌های جبران خدمات
	SALUD	شامل برنامه‌های تکمیلی یا مزایا ورای پوشش ریسک و سلامت استاندارد
	FORM	تدوین برنامه‌های آموزش دائمی برای ارتقای مستمر دانش کارکنان و بهبود عملکرد
	DIVERS	حمایت از تنوع درباره جنسیت، سن و طبقه اجتماعی
	VOLUNT	تشویق کارکنان به مشارکت در برنامه‌های داوطلبانه
مشروعیت سازمانی		
مشروعیت عمل‌گرایانه	LP۰۱	توجه به منافع ناشی از محیط پیرامون سازمان در راستای بهبود نتایج سازمانی و دسترسی بهتر به منابع
	LC۰۲	توجه به رفتار بازاریابی مسئولانه توزیع‌کنندگانشان
	LC۰۳	کنترل در زمینه اینکه کارکنان‌شان استانداردهای فروش اخلاقی را اجرا می‌کنند
	LC۰۴	تحلیل تأثیر شرکتشان بر جامعه محلی
	LC۰۵	پاسخ به نیازهای محلی (عمومی و خصوصی) و برگزاری جلسات برای حل مشکلات
	LC۰۶	حمایت و تدوین کمپین‌های بازاریابی برای پاسخ به نیازهای محلی



عامل	گویه	شرح
	LC۰۷	درک و شناخت دستاوردهای سازمان‌های مردم‌نهادی که با آن همکاری می‌کنند و تنظیم شاخص‌های کنترل برای اندازه‌گیری کارایی حمایتشان
مشروعیت اخلاقی	LM۰۷	ارتقای توجه و اجرای استانداردها و معاهدات بین‌المللی (بیانیه جهانی حقوق انسانی)
	LM۰۹	رضایت مشتری و گوش‌دادن به پیشنهادهای و نیازهای او درباره توسعه محصولات یا ارائه خدمات
	LM۱۵	تدوین برنامه‌های کمک هزینه‌های پولی و غیرنقدی به سازمان‌های مختلف جهت تشویق توسعه اهداف عام‌المنفعه

برای تحلیل رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مشروعیت سازمانی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزار PLS-SEM استفاده شد. این تکنیک از طریق پیش‌بینی متغیرهای وابسته، از تحلیل آماری روابط پیشنهادی استفاده می‌کند و محاسبه و بررسی میزان تأثیراتی را که برخی متغیرها بر دیگری دارند، امکان‌پذیر می‌کند (هالاک و همکاران، ۲۰۱۸). بدین ترتیب ارزیابی روایی و پایایی روابط بین مؤلفه‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌کند. روش‌شناسی مورد استفاده به دلیل قابلیت پیش‌بینی قوی آن، برای این تحقیق مناسب است که مزایای زیادی برای انجام این تحقیق دارد؛ زیرا روابط پیچیده‌اند و تحقیق نظری و تجربی موجود تقریباً کم است. علاوه بر این PLS دارای مزایایی مانند نیاز به اندازه نمونه کمتر است (۱۰۰ مورد) که نمونه پاسخ ۱۴۲ متخصص که بیشتر از حداقل تعداد مورد نیاز است، برای این تحقیق کافی است. علاوه بر این از طریق استفاده از PLS-SEM می‌توان ابزار مناسبی برای غنابخشیدن به این تحقیق معرفی نمود؛ به‌ویژه تحلیل ماتریس عملکرد-اهمیت (IPMA). این ماتریس اطلاعات مناسبی برای مدیران فراهم می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد کدام عامل، مهم است که باید در سازمان بهبود یابد (راید-رابل و بیساک، ۲۰۱۷). IPMA به مدیران کمک می‌کند تا اولویت‌های سازمان و مناسب‌ترین کارکرد فعالیت‌های خاص را تعیین کنند (گارسیا-فرناندز و همکاران، ۲۰۲۰). عملیاتی‌کردن IPMA اهمیت زیادی به همراه دارد؛ زیرا تأثیری را که



متغیرهای مختلف یا شاخص‌ها بر مؤلفه‌های تحلیل شده دارند، توصیف می‌کند (هنسلر و همکاران، ۲۰۱۶).

۴. یافته‌های تحقیق

تحلیلی توصیفی از داده‌ها جهت محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی از پاسخ‌های نمونه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: تحلیل توصیفی

عامل	گویه	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین مقدار عامل
مسئولیت اجتماعی شرکت	RELED	۵/۷۸	۱/۸۱	۸/۱۱
	SALUD	۷/۷۶	۲/۱۶	
	FORM	۸/۶۷	۱/۴۵	
	DIVERS	۶/۳۳	۱/۸۹	
	VOLUNT	۸/۳۹	۱/۴۳	
مشروعیت عمل‌گرایانه	LP۰۱	۸/۸۱	۱/۸۶	۸/۲۱
مشروعیت شناختی	LC۰۲	۸/۶۵	۱/۷۵	۸/۴۵
	LC۰۳	۸/۶۵	۱/۶۱	
	LC۰۴	۸/۵۴	۱/۷۵	
	LC۰۵	۸/۳۲	۲/۲۱	
	LC۰۶	۸/۵۶	۱/۹۱	
	LC۰۷	۸/۶۷	۱/۷۵	
	مشروعیت اخلاقی	LM۰۷	۹/۱۲	۱/۱۶
LM۰۹		۸/۷۸	۱/۳۲	
LM۱۵		۸/۳۲	۱/۸۰	



مدل ساختاری

نخستین گام جهت اجرای مدل ساختاری، آزمون روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری می‌باشد که در جدول ۳ نشان داده شده است. در ارتباط با گویه‌های انعکاسی ابعاد مشروعیت، نتایج نشان می‌دهد تمام آلفاهای کرونباخ بالاتر از مقدار پیشنهادی ۰/۷۰ بودند (کرونباخ، ۱۹۵۱/ نانالی و برین استین، ۱۹۹۴). نتایج پایایی ترکیبی نیز مقدار مورد نیاز بیشتر از ۰/۶۰ را برآورده نمود (باگوزی ویسی، ۱۹۸۸). مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) باید بیشتر از ۰/۲۰ باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). هر گویه‌ای که بررسی شد، بالاتر از این مقدار بود. علاوه بر این جدول ۴ بارعاملی‌های استاندارد گویه‌های انعکاسی و همچنین مقادیر معناداری آنها را برای هر بعد مشروعیت نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: روایی و پایایی مدل

عامل	گویه	بار عاملی	T-value	VIF	CA	CR	AVE
مسئولیت اجتماعی شرکت	RELED	۰/۱۹	۳/۱۱	۴/۳۸			
	SALUD	۰/۱۷	۲/۹۱	۱/۸۵			
	FORM	۰/۲۴	۳/۰۸	۱/۸۸			
	DIVERS	۰/۳۹	۵/۴۵	۱/۹۷			
	VOLUNT	۰/۲۵	۳/۳۵	۲/۱۲			
مشروعیت عمل‌گرایانه	LP۰۱	۱/۰۰	---	---	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
مشروعیت شناختی	LC۰۲	۰/۶۸	۹/۳۲		۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۵۴
	LC۰۳	۰/۷۱	۱۱/۴۳				
	LC۰۴	۰/۷۴	۱۱/۴۸				
	LC۰۵	۰/۷۴	۹/۳۷				
	LC۰۶	۰/۸۱	۱۹/۳۷				



عامل	گویه	بار عاملی	T-value	VIF	CA	CR	AVE
	LC۰۷	۰/۷۵	۱۴/۲۱				
مشروعیت اخلاقی	LM۰۷	۰/۷۷	۱۹/۱۱		۰/۷۱	۰/۸۳	۰/۶۵
	LM۰۹	۰/۷۸	۱۷/۳۲				
	LM۱۵	۰/۸۳	۳۰/۴۸				
مشروعیت سازمانی	LEGPRAG	۰/۱۹	۲/۳۲	۱/۶۷			
	LEGCOG	۰/۶۴	۹/۶۷	۲/۳۱			
	LEGCOG	۰/۳۴	۳/۶۹	۲/۱۲			

نکته: CA = آلفای کرونباخ، CR = پایایی ترکیبی، AVE = میانگین واریانس تعمیم یافته

جدول شماره ۵: روایی افتراقی (HTMT)

F۳	F۲	F۱	
مشروعیت عمل‌گرایانه	مشروعیت اخلاقی	مشروعیت شناختی	F۱ مشروعیت شناختی
	--	۰/۸۸	F۲ مشروعیت اخلاقی
--	۰/۶۷	۰/۶۸	F۳ مشروعیت عمل‌گرایانه

علاوه بر این نتایج روایی افتراقی گویه‌های انعکاسی مشروعیت در جدول ۵ نشان داده شده‌اند. این نتایج از طریق نسبت HTMT (Heterotrait-Monotrait Ratio) «یک روش جدید برای محاسبه روایی واگرا» آزمون می‌شوند که توسط هنسler و همکاران (۲۰۱۵) پیشنهاد شد. تمام مقادیر کمتر از ۰/۸۵ بودند (کلارک و واتسون، ۱۹۹۵)؛ بنابراین هیچ مشکلی در رابطه با این موضوع وجود ندارد (حد مناسب شاخص HTMT برابر با ۰/۸۵ است. اگر اعداد موجود در ماتریس شاخص HTMT از ۰/۸۵ کمتر باشند، بیانگر این است که روایی واگرایی ابزار مناسب است). هنگام بررسی مقادیر تکوینی (مشروعیت جهانی و سیاست‌های مسئولیت اجتماعی)، ابعاد بعدی تحلیل می‌شوند تا

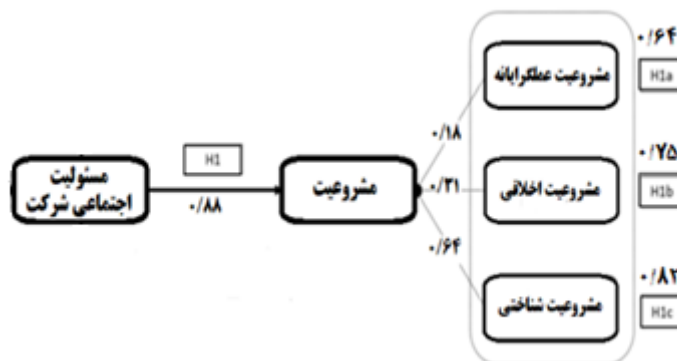


روایی و پایایی آنها اثبات شود (جدول ۳). ابتدا نتایج هم‌خطی نشان می‌دهد که هر گویه، سطح مورد نظر $VIF < 5$ را برآورده نمود (هیر و همکاران، ۲۰۱۹). دوم، وزن‌های استاندارد و سطح معناداری آنها نشان می‌دهد که هر گویه ارتباط معناداری با متغیرهای مربوطه خود دارد. تنها برخی گویه‌ها معنادار نبودند. با توجه به متغیر سلامت، ایمنی و مزایای اجتماعی، متغیرهای تنوع، فرصت‌ها و عدم تبعیض و کار داوطلبانه شرکت، معنادار نیستند. با وجود این از آنجاکه بارعاملی‌های آنها بالا هستند ($> 0/50$)، در مدل حفظ می‌شوند (هیر و همکاران، ۲۰۱۹). مرحله بعدی، تحلیل یافته‌های فرضیه‌های پیشنهادی است.

جدول شماره ۶: آزمون فرضیه‌ها

T-Value	Beta	فرضیه‌ها
۳۸/۴۳	۰/۸۸	H_1 : مشروعیت \rightarrow CSR
۲۱/۴۵	۰/۶۴	H_a : مشروعیت گرایانه عمل \rightarrow CSR
۲۲/۶۸	۰/۷۵	H_b : مشروعیت اخلاقی \rightarrow CSR
۳۴/۸۲	۰/۸۲	H_c : مشروعیت شناختی \rightarrow CSR

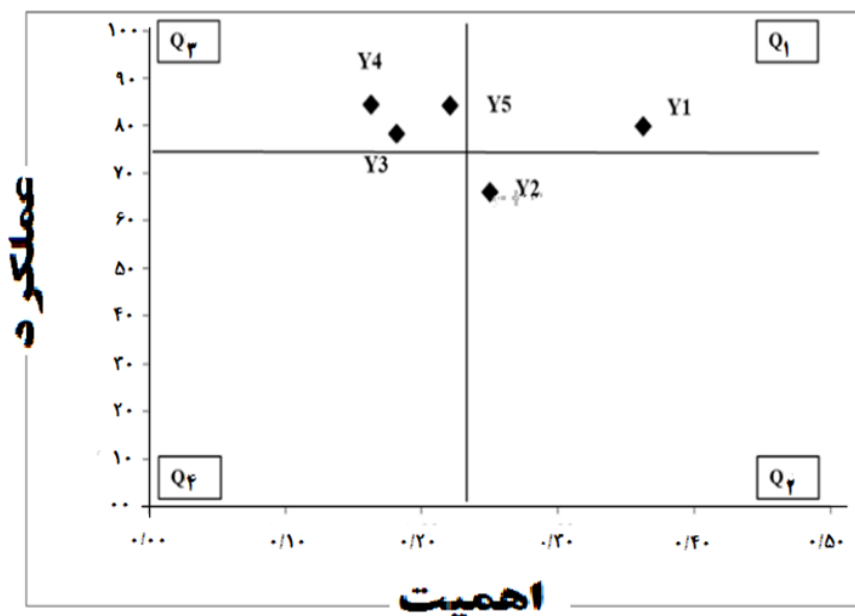
مشروعیت: $R^2 = 0/79$ ، $Q^2 = 0/56$ ، عمل‌گرایانه: $R^2 = 0/56$ ، $Q^2 = 0/36$ ؛ اخلاقی: $R^2 = 0/78$ ؛ $Q^2 = 0/36$ ؛ شناختی: $R^2 = 0/76$ ؛ $Q^2 = 0/38$



شکل شماره ۲: برآورد مدل پیشنهادی

جدول شماره ۷: نتایج IPMA مجموعه کامل داده‌ها

عملکرد	اهمیت	عامل
۷۸/۳۴	۰/۳۸	Y۱ تنوع، فرصت‌ها و عدم تبغیض
۶۷/۴۸	۰/۲۵	Y۲ آموزش کارکنان
۷۹/۶۱	۰/۲۲	Y۳ رابطه بین کارکنان و مدیران
۸۲/۳۹	۰/۱۹	Y۴ سلامت، ایمنی و مزایای اجتماعی
۸۵/۷۴	۰/۲۴	Y۵ کار داوطلبانه شرکت
۷۳/۶۱	۰/۲۵	میانگین مقدار



شکل شماره ۳: نقشه عملکرد-اهمیت

جدول ۶ و شکل ۳ نتایج به‌دست آمده را نشان می‌دهد. نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه قوی بین اجرایی کردن شیوه‌های مسئولیت اجتماعی و مشروعیت سازمانی و همچنین با سه بعد مشروعیت است. در این تحقیق، IPMA، مستقل از فرضیه‌های پیشنهادی در زمینه رابطه بین سیاست‌های

مسئولیت اجتماعی شرکت و مشروعیت ایجاد می‌شود. این ابزار نتایج PLS-SEM را از طریق یک نمودار ۴ ربعی بهبود می‌دهد تا عملکرد منفی/ مثبت عوامل و رابطه بین اهمیت (بالا/پایین) این عوامل را نشان دهد. برای ایجاد نقشه اهمیت، چهار ربع ایجاد می‌شوند (گارسیا-فرناندز و همکاران، ۲۰۲۰/ هیر و همکاران، ۲۰۱۹)، به نام Q_۱ (مدیریت صحیح است)، Q_۲ (چیزهای مهم باید بهبود یابد)، Q_۳ (عملکرد بالا برای یک عنصر غیر مهم) و Q_۴ (غیر مهم و عدم عملکرد). محدودیت‌های ایجاد این ۴ ربع با در نظر گرفتن میانگین عملکرد و اهمیت به دست آمده از جدول نتایج IMPA (جدول ۷) حاصل می‌شود. شکل ۳ نقشه اهمیت- عملکرد را نشان می‌دهد.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حمایت ذی‌نفعان از سازمان به یک دارایی مهم برای بقای سازمانی و موفقیت در همه بخش‌ها تبدیل شده است. با این حال ذی‌نفعان فقط با سازمان‌هایی که انتظارات اجتماعی آنها را برآورده می‌کنند و از اصول رفتاری مسئولانه پیروی می‌کنند، حمایت خواهند کرد (فاطما و همکاران، ۲۰۱۹). سطح بالای حمایت و پذیرش اجتماعی از سازمان‌ها منجر به مشروعیت سازمان خواهد شد؛ به طوری که به منابع بسیار مهم برای عملکرد پایدار دسترسی خواهند یافت. با توجه به نیاز روزافزون به رفتار مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملیاتی کردن رویکردهای مسئولیت اجتماعی شرکت، به عنوان منبع مشروعیت محسوب می‌شود (دل-کاستیلو-فیتو و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین سازمان باید چگونگی ادغام این سیاست‌ها را شناسایی کند؛ زیرا هدف آنها بهبود مشروعیت خود است. با این حال بیشتر تحقیقات بر تأثیرات خارجی اجرای چنین سیاست‌هایی متمرکز شده است (توساین و همکاران، ۲۰۲۱)؛ در حالی که دیدگاه داخلی در مورد معرفی اصول مسئولیت اجتماعی شرکت با جهت‌گیری مدیریت منابع انسانی و تأثیر این سیاست‌ها می‌تواند از نظر داخلی و خارجی نسبتاً ناشناخته باشد.

با در نظر گرفتن سناریو توصیف شده، هدف اصلی این تحقیق، تحلیل اهمیت اجرای سیاست‌های با محوریت مسئولیت اجتماعی جهت دستیابی به مشروعیت بالا در زمینه سه بعد مشروعیت پیشنهادی ساچمان (۱۹۹۵) می‌باشد. علاوه بر این، در مطالعه حاضر، اهمیت و عملکرد اقدامات



مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت از طریق ماتریس عملکرد- اهمیت تحلیل می‌شود. نتایج حاکی است که اولاً بر اساس نتایج مربوط به تحلیل توصیفی نمونه، متخصصانی که شرکت‌ها را بررسی می‌کنند، بیان نمودند این نهادها در عمل در حال عینیت‌بخشی به سیاست‌های کارایی مسئولیت اجتماعی شرکت هستند؛ زیرا امتیازات میانگین این سیاست‌ها تقریباً ۸/۵ از مقدار قابل قبول ۱۰ است. بنابراین ذی‌نفعان، تلاش‌های چنین سازمان‌هایی را ارزشمند می‌دانند. علاوه بر این امتیازات ابعاد مختلف مشروعیت بالاتر از ۸ از مقدار قابل قبول ۱۰ می‌باشد، نشان می‌دهد ذی‌نفعان سازمان‌هایی را حمایت می‌کنند که تصور کنند اخلاقی‌اند و از اصول مسئولیت اجتماعی شرکت آنها تبعیت می‌کنند.

ثانیاً هنگام تحلیل مدل ساختاری، تمام فرضیه‌های پیشنهادی تأیید می‌شوند. فرضیه ۱ (H_1) تأثیر مسئولیت اجتماعی به کارگرفته‌شده بر مشروعیت را تحلیل می‌کند که نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار است ($\beta = 0/88$; $T\text{-value} = 38/35$). برای ابعاد مختلف مشروعیت نیز نتایج مشابهی حاصل شد. در مورد فرضیه‌های H_{1a} که به آزمون اثر مسئولیت اجتماعی بر مشروعیت عمل‌گرایانه می‌پردازد ($\beta = 0/64$; $T\text{-value} = 27/45$). H_{1b} که تأثیر مسئولیت اجتماعی بر مشروعیت اخلاقی را بررسی می‌کند ($\beta = 0/75$; $T\text{-value} = 22/68$) و H_{1c} که بر تأثیر مشروعیت شناختی تمرکز دارد ($\beta = 0/82$; $T\text{-value} = 34/82$). نتایج به دست آمده اثر مثبت و معنادار را تأیید می‌کند. این نتایج تأییدشده با نتایج مطالعات قبلی همخوانی دارد (بلانکو-گونالس و همکاران، ۲۰۲۰/ ایستن-لارت و همکاران، ۲۰۱۸) که نشان‌دهنده اهمیت پیاده‌سازی اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت در دستیابی به ارزیابی‌های مثبت است. همچنین این نتایج بر این نقش حیاتی تأکید دارد که به‌کارگیری راهبردهای مسئولیت اجتماعی در دستیابی به پذیرش اجتماعی ایفا می‌کند. این اطلاعات جدید است؛ زیرا نه تنها به صورت تجربی مسئولیت اجتماعی شرکتی را با مشروعیت ارتباط می‌دهد، بلکه روش تخصصی‌تری برای استفاده از مسئولیت اجتماعی شرکت ارائه می‌دهد. علاوه بر این در زمینه رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و هر بعد فردی مشروعیت، نتایج نیز باید منحصر به فرد در نظر گرفته شوند. بیشتر تحقیقات موجود به تحلیل رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و مشروعیت می‌پردازد که به صورت متغیر تک‌بعدی اندازه‌گیری می‌شود (شایو و همکاران، ۲۰۱۶)، در حالی که



در مطالعه حاضر سه نوع مشروعیت پوشش داده می‌شوند.

در چارچوب مفاهیم و پیشنهادهای سیاستی، اولاً مدیران شرکت باید به معرفی اصول مسئولیت اجتماعی شرکت ادامه دهند تا پذیرش اجتماعی را بهبود و تعهد خود را افزایش دهند؛ حال آنکه عملکرد سازمانی نیز بهبود خواهد یافت. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت راهبردهای مدیریتی مطابق اصول رفتاری با مسئولیت اجتماعی است؛ چراکه سازمان به عنوان نمونه‌ای در نظر گرفته می‌شود از اینکه چگونه دیگران باید رفتار کنند. علاوه بر این اجرای صحیح راهبردهای با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی به پذیرش سازمان از منظر سهام‌داران کمک خواهد کرد؛ همچنین بر ادراک ذی‌نفعان در ارتباط با توانایی سازمان‌ها برای برآوردن نیازها و منافع آنها تأثیر خواهد داشت. ثانیاً نقشه عملکرد-اهمیت نشان‌دهنده عملکرد متغیرها و همچنین میزان اهمیت آنهاست. IPMA به طور خاص نشان می‌دهد مهم‌ترین متغیر راهبردهایی با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی برای دستیابی به امتیازهای مشروعیت بالا، مثلاً در حوزه مدیریت منابع انسانی با تنوع، فرصت، عدم تبعیض، کار داوطلبانه شرکت و آموزش کارکنان ارتباط دارد. درمقابل عناصر مسئولیت اجتماعی شرکت با سطوح پایین‌تر اهمیت، مسیریهای ارتباطات یا رابطه بین مدیران و کارکنان و همچنین سلامت، امنیت و سیاست‌های منافع اجتماعی هستند.

در ارتباط با عوامل مختلف، نتایج نشان می‌دهد سازمان‌های تحت بررسی تلاش زیادی در بهبود عوامل مسئولیت اجتماعی شرکت می‌کنند که اهمیت کمی در دستیابی به ارزیابی‌های مشروعیت مثبت دارد. از یک سو منابعی که در نظر گرفته شده بود تا سیاست‌های مربوط به سلامت، امنیت و مزایای اجتماعی را بهبود دهد و سیاست‌های راهبردی سازمان، با توجه به اهمیتی که در مقایسه با سایر سیاست‌های مسئولیت اجتماعی شرکت نشان می‌دهند، پر هزینه هستند. در مورد کار داوطلبانه شرکت، تعهدی که دریافت می‌کند نیز بهینه می‌باشد. از سوی دیگر شیوه‌های مربوط به تشویق و توسعه آموزش کارکنان نیز باید بهبود یابد؛ زیرا اهمیت این موضوع در دستیابی به مشروعیت، بالاست؛ در حالی که تلاش شرکت‌ها برای بهبود کمتر از حد مد نظر می‌باشد. ثالثاً اطلاعات ارائه شده توسط IPMA حیاتی است و دارای دستاوردهای مدیریتی مهمی است؛ زیرا مدیران در هدف خود جهت دستیابی به ارزیابی‌های مشروعیت بالا، از اطلاعاتی درباره بهترین شیوه‌های تخصیص



منابع برای سیاست‌های با محوریت مسئولیت اجتماعی شرکتی برخوردار خواهند شد. بر اساس نتایج مطالعه، مدیران شرکت باید توزیع منابع خود را مجدداً سازماندهی کنند تا بر راهبردهای با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی تأکید کنند. این نهادها باید با تمرکز بیشتر بر افزایش حالات آموزش ذی‌نفعان داخلی شروع کنند.

در نهایت مطالعه حاضر محدودیت‌هایی را بیان می‌کند که می‌تواند برای تحقیقات آتی در این حوزه مد نظر قرار گیرد. ابتدا برای تعمیم نتایج به سایر شرکت‌ها، افزایش تعداد شرکت‌های تحت بررسی سودمند خواهد بود. اگرچه نمونه ۱۴۲ متخصص در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت برای هدف مطالعه کافی است، تعداد شرکت‌ها ارزیابی شده توسط این افراد نسبتاً کم است (۳۰ شرکت)؛ بنابراین تحقیق را می‌توان با معرفی تعداد بیشتری از شرکت‌ها بهبود داد. دوم، در این تحلیل تجربی تأثیر راهبردهای با جهت‌گیری مسئولیت اجتماعی بر مشروعیت سازمانی بررسی می‌شود؛ در حالی که سیاست‌های بیشتری از سیاست‌های مسئولیت اجتماعی شرکت می‌تواند برای تحقیقات آتی معرفی و مد نظر قرار گیرد. سوم، تلاش‌های تحقیقات آتی باید تحلیل چند گروهی را دنبال کند و نتایج را بر اساس تمایز بین ذی‌نفعان داخلی و خارجی با هدف درک اینکه کدام شیوه مسئولیت اجتماعی شرکت برای هر گروه اهمیت بیشتری دارد، مقایسه کند.



۶. منابع

- Alexiou, K., Wiggins, J. (۲۰۱۹). Measuring individual legitimacy perceptions: scale development and validation. *Strateg. Organ.*, ۱۷ (۴), ۴۷۰-۴۹۶, <https://doi.org/10.1177/1476127018772862>.
- Bagozzi, R.P., Yi, Y., ۱۹۸۸. On the evaluation of structural equation models. *J. Acad. Mark. Sci.*, ۱۶, ۷۴-۹۴, <https://doi.org/10.1007/BF02723327>.
- Banerjee, S., Venaik, S. (۲۰۱۸). The effect of corporate political activity on MNC subsidiary legitimacy: an institutional perspective. *Manag. Int. Rev.*, ۵۸, ۸۱۳-۸۴۴. <https://doi.org/10.1007/s11050-017-0324-0>.
- Barrena-Martinez, J., Lopez-Fernández, M., Romero-Fernández, P.M. (۲۰۱۹). The link between socially responsible human resource management and intellectual capital. *Corp. Soc. Responsib. Environ. Manag.* ۲۶ (۱), ۷۱-۸۱, <https://doi.org/10.1002/csr.1608>.
- Blanco-Gonzalez, A., Díez-Martín, F., Cachon-Rodríguez, G., Prado-Román, C. (۲۰۲۰). Contribution of social responsibility to the work involvement of employees. *Corp. Soc. Responsib. Environ. Manag.*, ۲۷ (۶), ۲۵۸۸-۲۵۹۸. <https://doi.org/10.1002/csr.1978>.
- Chung, J.Y., Berger, B.K., DeCoster, J. (۲۰۱۶). Developing measurement scales of organizational and issue legitimacy: a case of direct-to-consumer advertising in the pharmaceutical industry. *J. Bus. Ethics*, ۱۳۷, ۴۰۵-۴۱۳, <https://doi.org/10.1007/s10551-014-2498-8>.
- Clark, L.A., Watson, D. (۱۹۹۵). Constructing validity: basic issues in objective scale development. *Psychol. Assess.*, ۷ (۳), ۳۰۹-۳۱۹, <https://doi.org/10.1037/1040-۳۵۹۰.۷.۳.۳۰۹>.
- Corciolani, M., Gistri, G., Pace, S. (۲۰۱۹). Legitimacy struggles in palm oil controversies: an institutional perspective. *J. Clean. Prod.*, ۲۱۲, ۱۱۱۷-۱۱۳۱, <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.12.103>.
- Cronbach, L.J. (۱۹۵۱). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *Psychometrika* ۱۶, ۲۹۷-۳۳۴. <https://doi.org/10.1007/BF02310500>.



Deephouse, D.L., Bundy, J., Tost, L., Suchman, M. (۲۰۱۷). Organizational legitimacy: six key questions. *SAGE Handb, Organ, Institutionalism*, ۲۷-۵۴, <https://doi.org/10.4135/9781446287669.n2>.

Del-Castillo-Feito, C., Blanco-González, A., Gonzalez-Vázquez, E. (۲۰۱۹). The relationship between image and reputation in the Spanish public university. *Eur. Res. Manag. Bus. Econ*, ۲۵ (۲), ۸۷-۹۲, <https://doi.org/10.1016/j.iedeen.2019.01.001>.

Del-Castillo-Feito, C., Díez-Martín, F., Blanco-González, A. (۲۰۲۱). The effect of implementing environmental policies and employees' environmental training in multinational companies' legitimacy level in emerging countries. *J. Clean. Prod.*, ۳۱۲ (۲۰), ۱۲۷۸۱۷, <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.127817>.

Díez-Martín, F., Blanco-González, A., Díez-de-Castro, E. (۲۰۲۱). Measuring a scientifically multifaceted concept. The jungle of organizational legitimacy, *Eur. Res. Manag. Bus. Econ*, ۲۷ (۱), ۱۰۰-۱۳۱, <https://doi.org/10.1016/j.iedeen.2020.10.001>.

Dmytriiev, S.D, Freeman, R.E, Horisch, J. (۲۰۲۱). The relationship between stakeholder theory and corporate social responsibility: differences, similarities, and implications for social issues in management. *J. Manag. Stud.*, ۵۸ (۶), ۱۴۴۱-۱۴۷۰, <https://doi.org/10.1111/joms.12684>.

Egan, M., (۲۰۱۹). Sense-making resource efficiency through "sustainability" reports. *J. Bus. Ethics* ۱۵۴, ۷۹۷-۸۱۲, <https://doi.org/10.1007/s10551-017-3440-2>.

Esteban-Lloret, N.N., Aragon-Sánchez, A., Carrasco-Hernández, A. (۲۰۱۸). Determinants of employee training: impact on organizational legitimacy and organizational performance. *Int. J. Hum. Resour. Manag.*, ۲۹ (۶), ۱۲۰۸-۱۲۲۹, <https://doi.org/10.1080/09585192.2016.1206237>.

Fatma, M., Khan, I., Rahman, Z. (۲۰۱۹). Striving for legitimacy through CSR: an exploration of employee's responses in controversial industry sector. *Soc. Responsib. J.*, ۱۵ (۷), ۹۲۴-۹۳۸, <https://doi.org/10.1108/SRJ-07-2017-0116>.

Ferrell, O.C., Harrison, D.E., Ferrell, L., Hair, J.F. (۲۰۱۹). Business ethics, corporate social responsibility, and brand attitudes: an exploratory study. *J. Bus. Res.*, ۹۵, ۴۹۱-۵۰۱, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.07.039>.

Fornell, C., Larcker, D.F. (۱۹۸۱). Structural equation models with unobservable variables and measurement error: algebra and statistics. *J. Mark. Res.*, ۱۸ (۳), ۳۸۲-۳۸۸, <https://doi.org/10.1177/002224378101800313>.

Freeman, R.E. (۱۹۸۴). *Strategic Management: A Stakeholder Approach*. Pitman Publishing, Marshfield, MA.

Freudenreich, B., Lüdeke-Freund, F., Schaltegger, S.A. (۲۰۲۰). Stakeholder theory



perspective on business models: value creation for sustainability. *J Bus. Ethics*, ۱۶۶, ۳-۱۸. <https://doi.org/10.1007/s10551-019-04112-z>.

García-Fernández, J., Fernández-Gavira, J., Sanchez-Oliver, A.J., Gálvez-Ruiz, P., Grimaldi-Puyana, M., Cepeda-Carrion, G. (۲۰۲۰). Importance-performance matrix analysis (IPMA) to evaluate servicescape fitness consumer by gender and age. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, ۱۷ (۱۸), ۶۵۶۲, <https://doi.org/10.3390/ijerph17186562>.

Glozer, S., Caruana, R., Hibbert, S.A. (۲۰۱۹). The never-ending story: discursive legitimation in social media dialogue. *Organ. Stud.*, ۴۰ (۵), ۶۲۵-۶۵۰, <https://doi.org/10.1177/0149206319000006>.

Guo, R., Tao, L., Li, C.B., Wang, T. (۲۰۱۷). A path analysis of greenwashing in a trust crisis among Chinese energy companies: the role of brand legitimacy and brand loyalty. *J. Bus. Ethics*, ۱۴۰, ۵۲۳-۵۳۶, <https://doi.org/10.1007/s10551-015-2672-7>.

Hair, J.F., Risher, J.J., Sarstedt, M., Ringle, C.M. (۲۰۱۹). When to use and how to report the results of PLS-SEM. *Eur. Bus. Rev.*, ۳۱ (۱), ۲-۲۴, <https://doi.org/10.1108/EBR11-2018-0203>.

Hallak, R., Assaker, G., O'Connor, P., Lee, C. (۲۰۱۸). Firm performance in the upscale restaurant sector: the effects of resilience, creative self-efficacy, innovation and industry experience. *J. Retail. Consum. Serv.*, ۴۰, ۲۲۹-۲۴۰, <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2017.10.014>.

Henseler, J., Ringle, C.M., Sarstedt, M. (۲۰۱۵). A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *J. Acad. Mark. Sci.*, ۴۳, ۱۱۵-۱۳۵, <https://doi.org/10.1007/s11747-014-0403-8>.

Henseler, J., Ringle, C.M., Sarstedt, M. (۲۰۱۶). Testing measurement invariance of composites using partial least squares. *Int. Mark. Rev.*, ۳۳ (۳), ۴۰۵-۴۳۱, <https://doi.org/10.1108/IMR-09-2014-0304>.

Hudson, S., González-Gómez, H.V., Claasen, C. (۲۰۱۹). Legitimacy, particularism and employee commitment and justice. *J. Bus. Ethics*, ۱۵۷, ۵۸۹-۶۰۳, <https://doi.org/10.1007/s10551-017-3780-1>.

Khan, Z., Lew, Y.K., Park, B.II, (۲۰۱۵). Institutional legitimacy and norms-based CSR marketing practices: insights from MNCs operating in a developing economy. *Int. Mark. Rev.*, ۳۲ (۵), ۴۶۳-۴۹۱, <https://doi.org/10.1108/IMR-01-2014-0117>.

Massaro, M., Dumay, J., Garlatti, A., Dal Mas, F. (۲۰۱۸). Practitioners' views on intellectual capital and sustainability. *J. Intellect. Cap.* ۱۹ (۲), ۳۶۷-۳۸۶, <https://doi.org/10.1108/JIC-02-2017-0033>.

Miotto, G., Del-Castillo-Feito, C., Blanco-Gonzalez, A. (۲۰۲۰). Reputation and



legitimacy: 'key factors for higher education institutions sustained competitive advantage. *J. Bus. Res.*, ۱۱۲, ۳۴۲-۳۵۳, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.11.076>.

Nagy, B., Rutherford, M., Truong, Y., Pollack, J. (۲۰۱۷). Development of the legitimacy threshold scale. *J. Small Bus, Strateg.*, ۲۷ (۳), ۵۰-۵۸.

Nunnally, J.C., Bernstein, I.H., ۱۹۹۴. *Psychometric Theory*. McGrall Hill, New York.

Odriozola, M.D., Baraibar-Diez, E. (۲۰۱۷). Is corporate reputation associated with quality of CSR reporting? Evidence from Spain. *Corp. Soc. Responsib, Environ, Manag.*, ۲۴ (۲), ۱۲۱-۱۲۲, <https://doi.org/10.1002/csr.1399>.

Shen, J., Benson, J. (۲۰۱۶). When CSR is a social norm: how socially responsible human resource management affects employee work behavior, *J. Manage.*, ۴۲ (۶), ۱۷۲۳-۱۷۴۶, <https://doi.org/10.1177/0149206315022300>.

Shu, C., Zhou, K.Z., Xiao, Y., Gao, S. (۲۰۱۶). How green management influences product innovation in China: the role of institutional benefits. *J. Bus. Ethics.*, ۱۳۳, ۴۷۱-۴۸۵, <https://doi.org/10.1007/s10551-014-2401-۷>.

Silva, S., Nuzum, A., Schaltegger, S. (۲۰۱۹). Stakeholder expectations on sustainability performance measurement and assessment. *A systematic literature review*, *J. Clean.Prod.* ۲۱۷ (۲۰), ۲۰۴-۲۱۵, <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.01.203>.

Suchman, M. (۱۹۹۵). Managing legitimacy: strategic and institutional approaches. *Acad. Manag. Rev.*, ۲۰ (۳), ۵۷۱-۶۱۰, <https://doi.org/10.5465/amr.1995.9508080331>.

Toussaint, M., Cabanelas, P., Blanco-Gonzalez, A. (۲۰۲۱). Social sustainability in the food 'value chain: an integrative approach beyond corporate social responsibility. *Soc. Responsib. Environ. Manag.*, ۲۸ (۲), ۱۰۳-۱۱۵, <https://doi.org/10.1002/csr.2030>.

Voegtlin, C., Greenwood, M. (۲۰۱۶). Corporate social responsibility and human resource management: a systematic review and conceptual analysis. *Hum. Resour. Manag. Rev.*, ۲۶ (۳), ۱۸۱-۱۹۷, <https://doi.org/10.1016/j.hrmr.2015.12.003>.

Wang, Q., Dou, J., Jia, S. (۲۰۱۶). A meta-analytic review of corporate social responsibility and corporate financial performance: the moderating effect of contextual factors. *Bus. Soc.*, ۵۵ (۸), ۱۰۸۸-۱۱۲۱, <https://doi.org/10.1177/00076503150584317>.

Wyrod-Wr 'obel, J., Biesok, G., (۲۰۱۷). Decision making on various approaches to 'importance-performance analysis (IPA). *Eur. J. Bus. Sci. Technol.*, ۳ (۲), ۱۲۳-۱۳۱, <https://doi.org/10.1111/ejobsat.v3i2.82>.

Yang, K., Kim, J., Min, J., Hernandez-Calderon, A. (۲۰۲۰). Effects of retailers' service quality and legitimacy on behavioral intention: the role of emotions during COVID۱۹. *Serv. Ind. J.*, ۴۱ (۱/۲), ۱-۲۳, <https://doi.org/10.1080/02642069.2020.1862373>.





Zamparini, A., Lurati, F. (۲۰۱۷). Being different and being the same: multimodal image projection strategies for a legitimate distinctive identity. *Strateg. Organ.* ۱۵ (۱), ۶-۳۹, <https://doi.org/10.1177/1476127016638811>.

Zhang, B., Morris, J.L. (۲۰۱۴). High-performance work systems and organizational performance: testing the mediation role of employee outcomes using evidence from PR China. *Int. J. Hum. Resour. Manag.* ۲۵ (۱), ۶۸-۹۰, <https://doi.org/10.1080/09585192.2013.781024>.

Zhang, Y., Li, J., Jiang, W., Zhang, H., Hu, Y., Liu, M. (۲۰۱۸). Organizational structure, slack resources and sustainable corporate socially responsible performance. *Corp. Soc. Responsib, Environ, Manag.* ۲۵, ۱۰۹۹-۱۱۰۷, <https://doi.org/10.1002/csr.1024>.





کارکرد رسانه‌های جمعی در راستای ارتقای حکمرانی دینی (مورد مطالعه سریال پایتخت ۳)

حسین رجائی*^۱

عباس کریمی^۲

محسن خوشفر^۳

چکیده

پژوهش در حوزه‌های مطالعات فرهنگی و ارتباطات، گستره وسیعی از موضوعات بین‌رشته‌ای، از جمله موضوع حکمرانی را پیش روی محقق می‌نهد. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با هدف دین‌داری و انسان‌سازی، با مالکیت تلویزیون، از آن به عنوان ابزار حکمرانی دینی استفاده می‌کند. یکی از انواع برنامه‌های تلویزیون در این راستا، سریال‌های عامه‌پسند است. هدف این پژوهش نگاهی به مفاهیم نظری درباره حکمرانی، حکمرانی دینی و حفظ توجه مخاطب، دیدگاه اسمارت در ابعاد «دین‌داری»، نظریه «بازنمایی» هال و مفاهیم «همذات‌پنداری» و «سریال عامه‌پسند»، برای بررسی نحوه تأثیر پیام‌های دینی بر ساخت سوژه کلیشه‌سازی شده و طبیعی‌سازی شده از مخاطب

۱. کارشناسی ارشد، دانشکده ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

h_rajaei@atu.ac.ir

۲. دکتری تخصصی، جامعه‌المصطفی، قم، ایران abas_karimi@miu.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران mohsenkhoshfar@yahoo.com





است. این پژوهش با روش نشانه‌شناسی و توصیف و تحلیل هدف‌مند، به تحلیل و توصیف سکانس‌های حاوی پیام‌های دینی سریال پایتخت ۳ پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که این سریال با ویژگی‌های دنباله‌دار بودن و توان همراه‌کردن مخاطب، با بالابردن میزان تداوم توجه مخاطب، قادر است قدرت حکمرانی را افزایش دهد. سکانس‌های دینی ارائه‌شده در سریال پایتخت ۳ از ساختاری‌های کلیشه‌ای و طبیعی‌سازی‌شده مشتمل بر: ۱- نتیجه نیک اعمال خوب، ۲- نتیجه شوم اعمال بد، ۳- مستقیم‌گویی و ارائه دستورالعملی مطالب دینی، ۴- القای اعتقاد به وجود قدرت پروردگار در پس پرده همه امور عالم برخوردار است.

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی رسانه، دین‌داری، بازنمایی، سریال عامه‌پسند، همذات‌پنداری.





۱. مقدمه و بیان مسئله

بیشتر دولت‌ها و حکومت‌ها در صدد طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی هستند که بتوانند به واسطه آنها مردم و کشور را به توسعه رسانده، رفاه و سعادت ایشان را فراهم آورند؛ چنان‌که نقش حاکمیت در حکمرانی را طراحی، هدایت و اجرای خط‌مشی‌های کلان، مبتنی بر یک هدف سیاسی واحد توسط نخبگان سیاسی و حاکمیتی و تعامل ایشان با یکدیگر و با مردم در فرایند حکمرانی دانسته‌اند (طهماسب کاظمی، ۱۳۹۵). امروزه در فرایند حکمرانی در جهان، دولت‌های مدرن به کامل‌ترین مرحله تسلط همه‌جانبه بر افکار، تمایلات و عملکرد انسان‌ها رسیده‌اند. نظارت بر افراد در عرصه جوامع بشری به قدری مطلق و فراگیر شده که دیگر نیازی به اقدام آشکار رهبران نیست. این نظارت با بهره‌گیری از ابزارهای قدرتمند رسانه‌ای به عنوان حلقه واسط حاکمیت و بدنه جامعه انجام می‌شود. تلویزیون، رادیو، اینترنت، مطبوعات و سینمای هالیوود در همه زوایای جهان فرهنگی رسوخ کرده، توده‌ها را تحت کنترل قرار می‌دهد. این کنترل، تولید هدف‌مند یک فرهنگ استاندارد و قالبی است که از طریق رسانه‌های گروهی عصر مدرن مثل رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات با قدرت اثرگذاری شگفت‌انگیزی اعمال می‌شود (پولادی، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۳). البته در آموزه‌های دینی از جمله قرآن، معنایی فراتر از معنایی که در عالم سیاست برای مفهوم حکمرانی وجود دارد، ارائه شده است (بردبار، ۱۳۹۴: ۱۰). حکمرانی در آموزه‌های قرآن، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال‌یابی بشر است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴۲). چنان‌که از منظر قرآن کریم، اساسی‌ترین هدف یک حکمرانی خوب، تعلیم و تزکیه الهی نفوس انسان‌هاست (عیوضی، ۱۳۹۶: ۶۲). در جامعه‌ای همچون ایران نیز که اگرچه مردمی با میزان دین‌داری و آگاهی‌های دینی متفاوتی دارد، جامعه‌ای دینی محسوب می‌شود و فرایند حکمرانی رسیدن به اهدافی چون سعادت مردم در نظر گرفته می‌شود.

امروزه رسانه عظیم‌ترین و مهم‌ترین ابزار تولید و توزیع معنا و برساخت پدیده‌ها در دنیاست. رسانه ظرفیت بالایی در جامعه پذیرکردن توده‌ها و انتقال مفاهیم گفتمان مسلط در راستای تحقق یک حکمرانی خوب را دارد (رضایی، ۱۳۹۹: ۲۹۰). نقشی که تلویزیون در جامعه‌پذیری افراد دارد، ارائه



الگوهای پایدار مفهومی است تا گروه‌های گوناگون و متنوع اجتماعی را همگن‌سازی کند و تمایزهای اجتماعی را از بین ببرد. تلویزیون همچنین این توانایی را دارد که ارزش‌های فرهنگی مشترک را کارآمد، قدرت‌مند و استانداردسازی و همه اعضای جامعه را در بهره‌گیری از آنها سهیم کند. تلویزیون وزنه نمادین و ایدئولوژیک فرهنگ معاصر است و با به‌وجود آوردن همگنی و تجانس، تنوع و تمایزها را محدود می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۹). تلویزیون برنامه‌هایی پخش می‌کند که سرشار از معانی پنهان است و تلاش می‌کند با کنترل این معانی، آنها را تبدیل به معناهایی یگانه‌تر و مرجح‌تر کند؛ معناهایی که کارایی جهان‌بینی غالب را دارد یا در خدمت منافع جهان‌بینی غالب باشد (فیسک، ۱۳۸۰: ۱۲۵). بررسی سریال‌های عامه‌پسند در تحلیل چگونگی شکل‌دهی سوژه‌های همگون از مخاطب و اعمال حکمرانی بر ایشان، اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای همسو با روح حاکم بر مطالعات فرهنگی و ارتباطات است تا توانایی تلفیق روش استفاده‌شده با دیگر ابزارهای تحلیلی در انجام پژوهش را نشان دهد. نگاه غالب چنین است که سریال‌ها و فیلم‌های مردم‌پسند در درازمدت و به نحوی مداوم اموری مانند شیوه‌های رفتاری، مدل‌های ارتباطی بین افراد و سبک زندگی را به مخاطب ارائه و ایشان را تغذیه می‌کند (راو‌دراد، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۲). مردم زمانی که با شخصیت‌های سریال‌های عامه‌پسند مواجه می‌شوند، چنان می‌انگارند که با خود و زندگی روزمره خود روبه‌رو شده‌اند. سراغ مسائل و معضلات قابل لمس و آشنا برای مخاطب رفتن و بهره‌گیری از قواعد و عرف‌های آشنای سریال‌های عامه‌پسند، بر این تصور غالب صحنه می‌گذارد. پیام‌های دینی گنجانده‌شده در سکانس‌های سریال‌ها نیز به لحاظ اشاره‌هایی غیرمستقیم در راهنمایی مخاطب اثرگذار است و ارائه آنها در لابه‌لای موقعیت‌های زندگی روزمره شخصیت‌های داستان‌ها، آموزه‌هایی پیش می‌نهد که در همه ابعاد زندگی، راهگشای سعادت‌مندی مخاطب است. موقعیت‌های دینی که در سریال‌های عامه‌پسند تلویزیونی بازنمایی می‌شوند، به نحوی است که گویا مهر یکسان بر همه‌شان زده باشند. تمامی موقعیت‌های نمایش داده‌شده در این سریال‌ها نوعی الگوی دین‌داری ایدئال، استاندارد و یکسان‌سازی‌شده از مواجهه شخصیت‌های این سریال‌ها در آن موقعیت‌ها بازنمایی می‌کند.

محقق در این پژوهش قصد واکاوی یکی از سریال‌های عامه‌پسند تلویزیون ایران، به عنوان یک

ابزار حکمرانی را دارد، تا چگونگی بازنمایی موقعیت‌های دین‌داری را که با تمایززدایی و همگون‌سازی



مخاطب اقدام به ساخت سوژه دین‌دار ایدئال و یکسان‌سازی شده می‌کند، نشان دهد. این پژوهش در پی آن است که:

- آیا تلویزیون به عنوان یکی از اصلی‌ترین وسایل رسانه جمعی قادر است ابزاری برای حکمرانی باشد؟

- آیا سریال‌های عامه‌پسند توان حفظ توجه مخاطب به عنوان ابزاری برای حکمرانی دینی را دارند؟

- چگونه سریال‌های عامه‌پسند می‌توانند بازنمایی‌کننده کلیشه‌هایی از موقعیت‌های دینی و ارائه‌دهنده پیام‌های دینی طبیعی‌سازی شده باشند؟

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

الف) مبانی نظری

۱) حکمرانی

حکمرانی را نظام توزیع قدرت اعمال حاکمیت و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های اجتماعی در راستای پیش‌برد امور عمومی تعریف کرده‌اند. از جمله بااهمیت‌ترین ارزش‌های حکمرانی را تعالی‌گرایی، آزادی مشروع، انضباط‌گرایی، عدالت‌محوری، وحدت و همبستگی ملی و مذهبی، اخلاق‌محوری، ظلم‌ستیزی، امنیت‌محوری، اسوه‌گرایی، پویایی، دین‌مداری و ... عنوان کرده‌اند (طهماسب کاظمی، ۱۳۹۵). همچنین حکمرانی را پروسه‌ای مدیریتی جهت تصمیم‌گیری در حوزه‌های عمومی و خصوصی عنوان کرده‌اند (Governance.com). حکمرانی اشاره به حالت تعادلی قدرت می‌نماید که در آن امور اجرایی یک کشور به همراه نهادها و سنت‌ها گرد هم می‌آیند و به واسطه آن اقتدار شکل می‌گیرد (تروپ، ۲۰۰۷: ۲۰).

حاکمیت و حکمرانی در اسلام بسیار اهمیت دارد؛ چنان‌که در آیه ۸۳ سوره نساء بر ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر تأکید شده است (بردبار، ۱۳۹۴: ۱۴). در عصر جهانی‌شدن، رسانه‌ای با اهداف اخلاق‌مدارانه و ملی‌گرایانه برای رسیدن به تعالی، لازم است همراستا با



ارزش‌های مقبول حاکمیت و مردم، چهار کارکرد جذب، تدافع، تهاجم و تدبیر را بروز دهد تا زمینه‌ساز تثبیت و توسعه قدرت هوشمند فرهنگ یا ایدئولوژی مورد نظر باشد (سلطانی فر، ۱۳۹۰: ۱۰۲). البته توجه این پژوهش بیشتر بر کارکرد جذب است. رسانه متعالی در نخستین گام برای نمایش برنامه‌های خود می‌بایست توان جذب مخاطبان هدف خود را داشته باشد که راهکار آن، توجه به مبانی ارزشی مقبول اغلب مخاطبان و فرهنگ عامه است. البته این مهم با حفظ اصول، پاسخ حداکثری به گستره نیازهای رسانه‌ای مخاطب اعم از سرگرمی، اطلاع‌رسانی و آموزش و نمایش دادن مصادیق پیدا و پنهان گفتمان مسلط در پرتو نوآوری و هنرمندی صورت می‌پذیرد. از این دست برنامه‌ها می‌توان مستند، اخبار جهان، سرگرمی، برنامه‌های مناسبتی، فرهنگی-ارزشی و سریال‌های سرگرم‌کننده و عامه‌پسند را برشمرد (سلطانی فر، ۱۳۹۰: ۱۰۳). سریال‌های عامه‌پسند از جمله برنامه‌های تلویزیونی است که توان جذب طیف گسترده‌ای از مخاطبان را دارد. این سریال‌ها همچنین می‌توانند پیام‌های دینی را در قالب گفت‌وگوهای شخصیت‌ها یا موقعیت‌های دینی‌ای که شخصیت‌ها در آن قرار می‌گیرند، در خود جای داده، به مخاطب ارائه نمایند. بر این اساس این نوع سریال‌ها قادرند در فرایند حکمرانی، حاکمیت را برای انتقال پیام‌های مد نظر صاحبان اندیشه سیاسی حاکم یاری رسانند.

۲) رسانه و حکمرانی

رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، روایتگر مسلط عصر کنونی‌اند. این رسانه‌ها با ارائه ساختارهای معرفتی اساسی و چارچوب‌های مفهومی خاص به مخاطبان، چگونگی درک واقعیت را برای ایشان تعیین می‌کنند. بر این اساس رسانه‌ها انعکاس‌دهنده آینه‌وار واقعیت نیستند، بلکه سازنده واقعیت از روزنه نگاه خود برای مخاطبان‌اند. این وسیله ارتباط جمعی قادر به حفظ جایگاه خود در خانه و خانواده بوده است؛ چراکه تلویزیون رسانه‌ای تقریباً رایگان است که علاوه بر عدم نیاز به صرف هزینه و مشارکت، از لحاظ زمان، میزان و نوع، اختیار بهره‌مندی از برنامه‌های آن در دست مخاطب است. در حکومت‌هایی همچون جمهوری اسلامی ایران که رسانه جمعی تلویزیون تحت حاکمیت سیاست‌گزاران حکومت است، تلویزیون و برنامه‌هایی که از آن برای مخاطبان پخش می‌شود، قادرند ابزاری برای اعمال حکمرانی صاحبان قدرت سیاسی باشد.



دولتی بودن مالکیت صداوسیما و تأمین منابع مالی اش از محل بودجه کل کشور همچنین متمرکز بودن و از بالا به پایین بودن ساختار سازمانی آن، تحت نظر حاکمیت بودن این نهاد رسانه‌ای را نشان می‌دهد. صداوسیما را دانشگاه عمومی نشر فرهنگ اسلامی با هدف اصلی ایجاد فضایی مساعد جهت تزکیه و تعلیم انسان و بالندگی فضایل اخلاقی دانسته‌اند (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۵). این هدف انسان‌سازی، رشد و تربیت مسلمان شیعه آگاه و عامل به اعتقادات خویش که او را در جریان امور سیاسی و جاری جامعه قرار داده و موضع‌گیری و عمل سیاسی اش مبتنی بر اعتقادات دینی او باشد، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران را در سطحی کلان به عنوان مدرسه انسان‌سازی بزرگی نشان می‌دهد (راوودراد، ۱۳۸۸: ۵۰). جامعه ایران - اگرچه با میزان دین‌داری و آگاهی‌های دینی متفاوت - جامعه‌ای دینی است. تعریف چنین رسالتی در چنین زمینه‌ای اجتماعی نیز تلویزیون را رسانه‌ای دینی، معرفی می‌کند (رجائی، ۱۴۰۱: ۲۵). در یک رسانه دینی از اطلاع‌رسانی، سخنرانی، استدلال و بحث‌های دینی و ... بهره‌گیری می‌شود تا مخاطب از مبانی دینی آگاه و به انجام عملی دستورهای فردی و اجتماعی دین ترغیب شود و همچنین این آگاهی‌های دینی بر این بستر تشریح و تبیین می‌شود (راوودراد، ۱۳۸۸: ۵۰). بنابراین چشم‌انداز رسانه دینی به معنویات این دنیای مخاطب و سعادت دنیای دیگر اوست.

حیات رسانه با مخاطب در جریان است و نکته مهم در مورد مخاطب، نوع، میزان و تداوم توجه مخاطب به رسانه است؛ بنابراین مقدار جذب و حفظ توجه مخاطب، از جمله اصلی‌ترین شاخص‌های ارزیابی رسانه است (فرهنگی، ۱۳۸۹: ۹۳). هر فرد، گروه، سازمان یا کشوری که توانایی جذب و جلب بیشتر توجه دیگران را داشته باشد، قدرت حکمرانی بیشتری خواهد داشت (فرهنگی، ۱۳۸۹: ۹۳).

۳) سریال عامه‌پسند

سریال‌های عامه‌پسند یکی از انواع برنامه‌های تلویزیونی برای ارائه داستان‌هایی دنباله‌دار در ژانرهای مختلف جنایی-پلیسی، دراماتیک و خانوادگی است که از زمان ورود دستگاه تلویزیون به خانه‌ها مورد توجه و علاقه قرار گرفته است (شهبندی، ۱۳۸۹: ۵). روایات تلویزیونی عامه‌پسند عامل



همذات‌پنداری و اجتماعی شدن مخاطب‌اند (ونلی، ۲۰۱۸: ۴). توان و دوام درگیری با شخصیت‌های داستان و همذات‌پنداری در سریال‌های تلویزیونی عامه‌پسند علت دنباله‌دار شدن و طولانی‌بودن آن است؛ همچنین علت تأثیر سریال‌ها بر مخاطب، درگیری با شخصیت‌ها، سبک زندگی‌شان، فرهنگ حاکم در سریال و ایدئولوژی نهفته در آنهاست (شهبندی، ۱۳۸۹: ۵). نداشتن یک شخصیت اصلی و محل توجه بودن گروهی از شخصیت‌ها از منظرهای مختلف توسط مخاطب همچنین ایجاد چندین مسیر روایی، طیف وسیعی از مخاطبان، با ذائقه‌های داستانی گوناگون را به خود جذب می‌کند (پاینده، ۱۳۹۷: ۳۴۳-۳۴۵). مخاطبان موقعیت‌های موازی با شخصیت‌های مشابه در زندگی خود را با موقعیت‌ها و شخصیت‌های این گونه سریال‌ها مقایسه می‌کنند.

سریال‌های عامه‌پسند با ویژگی‌هایی از جمله: ۱- جذب طیف گوناگونی از مخاطبان به خود به علت نداشتن شخصیت مرکزی و محور اصلی داستان و داشتن چندین مسیر روایی و شخصیت‌هایی گوناگون که هر یک از منظرهای مورد توجه مخاطب است، ۲- قدرت بالا و دوام همذات‌پنداری، به علت طولانی‌بودن و دنباله‌داری، ۳- مواجهه مخاطب با زندگی روزمره‌شان با ارائه جهانی واقعی، افرادی واقعی و مسائل و معضلاتی واقعی، ۴- داشتن پایان خوش، ۵- تلاش در واقع‌گرایی، ۶- داشتن شخصیت‌های خاکستری، ۷- کوتاه‌مدت، گذرا و فراموش‌شدنی بودن به علت مستقیم‌گویی دیکته‌گونه و صدور دستورالعملی و ارائه بایدها و نبایدها، ۸- پرداختن به مسائل و معضلات قابل لمس و آشنا برای مخاطب با رفتن سراغ طبقات میانی و پایینی جامعه ... توان بسیاری در درگیری با شخصیت‌ها، ارائه فرهنگ حاکم در سریال، به تصویرکشیدن سبک زندگی، نهادینه‌کردن ایدئولوژی و تمایززدایی و همگون‌سازی مخاطبان را دارند (رجائی، ۱۴۰۱: ۲۵). بنابراین سریال‌های عامه‌پسند قادرند مخاطب را با خود همراه کنند و حفظ توجه مخاطب را افزایش دهند. سریال‌های عامه‌پسند از جمله برنامه‌های تلویزیونی است که قابلیت جذب مخاطب‌های گوناگون به خود را دارد. این نوع سریال‌ها ویژگی‌هایی دارند که توان جلب توجه و تداوم توجه را مخاطب را افزایش می‌دهند. بر این اساس سریال‌هایی با ویژگی‌های سریال‌های عامه‌پسند با قدرت نگهداشت توجه مخاطب، ظرفیت فراوانی در فرایند حکمرانی دارند.



۴) همذات‌پنداری

سریال‌های تلویزیونی از جمله پیام‌های رسانه‌ای است که مخاطبان را به «جهان‌های اجتماعی» کشانده و باعث نوعی تعامل شبه‌اجتماعی می‌شود (هافتر، ۲۰۱۰: ۲۵۱). از دیگر تأثیرات اجتماعی رسانه‌ها، هویت‌یابی و همذات‌پنداری است. هنگام تماشا مخاطبان بیشتر جذب در طرح داستان می‌شوند و با شخصیت‌های به‌نمایش داده‌شده همذات‌پنداری می‌کنند (کوهن، ۲۰۰۱: ۲۴۵). در طی این فرایند، مخاطبان خود را به جای یک شخصیت قرار می‌دهند و به طور نایب در تجربه شخصیت مشارکت می‌کنند.

همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان‌ها ساختاری پنهان، با دو بُعد همدلی و ادغام همراه دارد (ایگارتوا، ۲۰۱۰: ۳۴۸-۳۴۹). مخاطبان با شخصیت‌ها گریه می‌کنند، با آنها می‌خندند و حتی احساس پشیمانی، پیروزی، گناه، معنویت و ... شخصیت‌ها را برای خود تصویر می‌کنند. بر این اساس نمایش ابعاد دین‌داری به عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دین و آنچه در احوال و اعمال دین‌داران منعکس می‌شود نیز در هویت‌یابی دینی و دینی‌شدن افراد، همین حکم را دارد.

۵) بازنمایی

بازنمایی از نگاه استوارت هال (Stuart Hall)، استفاده از زبان برای بیان نکته معناداری درباره جهان است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲). رسانه‌ها تمایل به ترجیح برخی از تعریف‌ها و در نتیجه معانی بر سایر موارد دارند (واتسون و هیل، ۲۰۱۲: ۲۵۹).

سه رهیافت بازنمایی معنا

برای تشریح چگونگی عملکرد بازنمایی معنا از طریق زبان، سه رویکرد وجود دارد: ۱- رویکرد انعکاسی یا بازتابی: کارکرد زبان را همچون یک آینه انعکاس معنای واقعی - همان گونه که قبلاً در جهان وجود داشته است - می‌داند. ۲- رهیافت تعمدی یا آزادی: معتقد است گوینده و نویسنده معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان به جهان تحمیل می‌کند. ۳- رهیافت برساخت‌گرا: که



منطبق با ویژگی عمومی و اجتماعی زبان است، معتقد است نه چیزها به خودی خود و نه استفاده‌کنندگان منفرد زبان، نمی‌توانند در زبان معنا آفرین باشند. این سیستم زبانی است که ما برای بازنمایی مفاهیم خود استفاده می‌کنیم (هال، ۱۹۹۷: ۲۵-۲۴). ما معنا را با بهره‌گیری از نظام‌های بازنمایی می‌سازیم. بنابراین به آن رهیافت برساخت‌گرا گفته می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۵). رهیافت برساخت‌گرا خود شامل دو رویکرد نسبت به بازنمایی است. ۱- رویکرد «نشانه‌شناختی»؛ ۲- رویکرد «گفتمانی». توجه رویکرد نشانه‌شناختی به چگونگی کارکرد نظام زبان در بازنمایی معانی جهان و نگاه رویکرد گفتمانی به پیامدهایی است که سیاست‌های بازنمایی در تولید معانی جهان واقع دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴). پرسش از اینکه در بازنمایی چه کسی به چه شیوه‌ای توسط چه کسی بازنمایانده می‌شود، رابطه میان «قدرت» و «ایدئولوژی» و «بازنمایی» را ابراز می‌کند و معنایش این است که بازنمایی فرایندی نیست که رسانه‌ها از طریق آن آشکارا واقعیت را به نمایش درآورند، بلکه فرایندی است که رسانه‌ها از طریق آن بسیاری از امور را که با منافع گروه خاصی مرتبط است، نمایان می‌کنند و برخی دیگر مسکوت می‌مانند (کاظمی و ناظر فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

رسانه‌ها آینه‌وار واقعیت را منعکس نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. این چنین بازنمایی ساخت رسانه‌ای واقعیت است. اهمیت بازنمایی‌های رسانه‌ای در شکل‌دهی به شناخت و باور عمومی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹). بازنمایی روشی است که در آن شخص یا چیزی در رسانه به تصویر کشیده می‌شود؛ برای نمونه در گزارش‌های خبری، یک رویداد جنایی خاص را می‌توان یا به عنوان یک رویداد معمولی روزمره یا چیز بسیار شوم‌تر، مانند نشانه‌ای از معیارهای اخلاقی ضعیف جامعه نشان داد (دانسی، ۲۰۰۹: ۲۵۳). در بازنمایی بعضی معانی مشروعیت بخشیده می‌شود و بعضی دیگر از معانی به حاشیه رانده می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷). کار بازنمایی پرداختن به تحلیل روش‌های نمایش ایماژها و گفتمان‌های صور گوناگون فرهنگی و متون مختلف رسانه‌ای همچون بررسی شیوه بازتولید انقیاد و سلطه اجتماعی بر مخاطبان است (کلنر، ۱۳۹۲: ۲۱). در واقع هویت فرهنگی در چارچوب بازنمایی شکل می‌گیرد (عاملی، ۱۳۸۵: ۱۷). برای سیاست بازنمایی دو استراتژی مهم بازشناخته‌اند: «کلیشه‌سازی» و «طبیعی‌سازی».

-کلیشه‌سازی: کلیشه‌سازی از بااهمیت‌ترین راهبردهای سیاست بازنمایی به شمار می‌رود.



کلیشه‌ها تصاویری در ذهن افرادند که از فرهنگ و از جمله رسانه‌ها ایجاد شده‌اند که مردم را تا حد چند خصیصه یا ویژگی ساده تقلیل می‌دهند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰). کلیشه‌ها ویژگی‌های محدود ساده، واضح، به‌یادماندنی و به‌راحتی قابل درک در مورد گروهی خاص از افراد را در بر می‌گیرند. کلیشه‌سازی به عبارت دیگر بخشی از حفظ نظم اجتماعی و نمادین است. مرزی نمادین بین «عادی» و «انحرافی»، «عادی» و «آسیب‌شناختی»، «قابل قبول» و «غیرقابل قبول» و آنچه «متعلق» است و آنچه نیست (هال، ۲۰۰۳: ۲۵۸). کلیشه‌سازی پیوند دادن و متحدکردن همه «ما‌ها»یی که نرمال‌ند در یک اجتماع تخیلی را فراهم می‌کند و همه «دیگری»هایی را که متفاوت‌اند، به آن سوی مرزها به تبعید نمادین می‌فرستد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰). گروه‌های حاکم سعی دارند همه جامعه مطابق دیدگاه آنها، نظام ارزشی آنها، احساسات و ایدئولوژی آنها شکل بگیرد. فرایندهایی که رسانه‌های غربی از طریق آن بازنمایی‌هایی از خاورمیانه و شرق آسیا تولید می‌کنند و آنها را عقب‌مانده و عجیب نمایش دهند (کید، ۲۰۱۶: ۲۵-۲۴). ایماژهایی کلیشه‌ای را چنان در ذهن مخاطب طبیعی می‌نمایند که باورهای عرفی او می‌شود (اوجو، ۲۰۰۶: ۳۴۷). از کلیشه‌ها برای بازنمایی تیپ‌ها و هنجارها استفاده می‌شود و با توجه به اینکه محصول جامعه و فرهنگ‌اند، در نسبت با نژاد، سن، جنسیت، روابط نقش در خانواده و ژانر مورد توجه و بررسی واقع می‌شود (هیوارد، ۱۳۸۸: ۲۷۰). کلیشه‌سازی افراد را طبق نژادها و هنجارها دسته‌بندی می‌کند. نوعی بازی قدرت/ معرفت که گروه‌های حاکم برای شکل‌دادن به جامعه، طبق دیدگاه خود، نظام ارزشی خود و ایدئولوژی خود از آن بهره می‌برند. بر این اساس قدرت را نباید فقط بهره‌گیری اقتصادی یا اعمال فشار فیزیکی دانست، بلکه آن را مبتنی بر شرایط یا مفاهیم نمادین، از جمله قدرت برای معرفی کسی یا چیزی به نحوی معین، درون یک فرایند بازنمایی معین نیز می‌توان فهمید.

- **طبیعی‌سازی:** استراتژی دیگری که گفتمان و ایدئولوژی برای عقل سلیم نشان‌دادن بازنمایی به کار می‌گیرند، «طبیعی‌سازی» است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱). طبیعی‌سازی فرایندی است که از رهگذر آن، ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به گونه‌ای ارائه می‌شوند که اموری طبیعی جلوه کنند. بازنمایی هویت‌های جنسی و جنسیتی می‌تواند بخشی از گفتمان‌های همسان‌گرایانه باشد که بینندگان را به انطباق با عادی‌بودن دگر جنس‌گرا ترغیب می‌کند و ما را وادار می‌کند آنها را به عنوان



غیرعادی رد کنیم (ونلی، ۲۰۱۸: ۵). طبیعی‌سازی به معنای امری طبیعی نیست، بلکه فرآورده‌ای اجتماعی و فرهنگی است. آن گونه که ویژگی‌هایی که در رسانه‌ها برای گروهی به نمایش گذاشته می‌شود، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی ذاتی و طبیعی فرض می‌شود. در صورتی که این صفات و خصلت‌ها طبیعی نه بلکه طبیعی‌سازی شده یعنی برساخته‌ای اجتماعی و فرهنگی است. گویا تمامی کنش‌هایی که از شخصیت‌های داستان‌ها سر می‌زند، همان گونه است که می‌بایست باشد؛ امری همیشگی که جز آن هم نمی‌توانسته باشد.

- **دین‌داری:** در دنیای کنونی نهادهای تخصصی شده دین بر مراقبت اجتماعی از دین متمرکز شده و هر دین در قالب نهاد تخصصی شده، به طور مشخص باورها، ارزش‌ها و اعمال خود را در یک مدل منسجم و یکپارچه می‌سازد. دین‌داری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند (هیمل فارب، ۱۹۷۷ به نقل از: شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). در واقع «دینی‌بودن» عنوانی است عام که به هر یک از افراد یا پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که ارزش‌ها یا نشانه‌ها و ابعاد دینی در آنها متجلی باشد.

معیاری که بتوان برای گونه‌های دین‌داری در نظر داشت، روحیات گوناگون معنوی انسان‌ها و تفاوت افراد متدین در اهتمام به «ابعاد» گوناگون دین است (موحدیان عطار، ۱۳۹۷: ۱۴). بر این اساس انواع دین‌داری مبتنی بر گرایش و برجستگی بعضی از ابعاد دین در افراد شکل می‌گیرد (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۵۴). منظور از ابعاد دین «مؤلفه‌های تشکیل دهنده»ی دین است (موحدیان عطار، ۱۳۹۷: ۱۴). نینیان اسمارت (Ninian Smart) ابعاد گوناگون دین‌داری را در شش دسته معرفی می‌کند:

۱- بُعد عملی، آیینی یا شعائری (مناسکی): ظاهری‌ترین جنبه دین است و می‌تواند مهم‌ترین رفتار عمل دینی محسوب شود (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۵۶-۶۰). آداب و مناسک عبادی و شعائری (سپهری، ۱۳۹۵: ۲۳۶-۲۳۴) از جمله نمازها و انواع پرستش همچون قربانی‌کردن و مناجات‌ها و ... و برخی از الگوهای رفتاری همچون یوگا در بودیسم و ...

۲- بُعد تجربی و احساسی و شهودی یا عاطفی: حالت یا احساس خاصی است که پیرو یک آیین مذهبی خاص در مواقعی به آن دست می‌یابد؛ همچون احساس حضور در درگاه خداوند یا



شنیدن تسبیح موجودات و ... (میرسندهی، ۱۳۹۰: ۵۹).

۳- بُعد روایی و اسطوره‌ای: بیانگر داستان‌های الهام‌بخش، عبرت‌انگیز و جهت‌ساز به لحاظ معنوی، تربیتی و اخلاقی است که تا حدودی هاله‌ای از قداست آنها را احاطه کرده است؛ داستان‌هایی در مورد خدایان و موجودات متعالی که به دنیایی فراتر متصل‌اند (سپهری، ۱۳۹۵: ۲۳۶-۲۳۷).

۴- بُعد اعتقادی و فلسفی (ایدئولوژیک): معرّف مجموعه گزاره‌های مربوط به ذات، صفات و افعال پروردگار است که هر دینی، نظامی اعتقادی دارد (سپهری، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

۵- بُعد اخلاقی و حقوقی و احکامی (استنتاجی یا پیامدی): «دستورالعمل»‌هایی درباره «کارهای خوب و کارهای بد» دارد و اینکه «بایدها و نبایدها» در زندگی روزمره چه اموری هستند (میرسندهی، ۱۳۹۰: ۵۸).

۶- بُعد اجتماعی و نهادی: این بُعد را جنبه‌ای از دین دانسته‌اند که بنای بروز و جلوه آن، برای بقا و حفظ نفوذ دین در جامعه و تأسیس سازمان‌های دینی و اداره‌اش توسط متخصصان آن دین است (میرسندهی، ۱۳۹۰: ۵۹) یا آثار مادی همچون بناها، آثار هنری، شهرهای مقدس و ...

شناخت ابعاد گوناگون دین‌داری به دسته‌بندی نماها، صحنه‌ها و سکانس‌های مربوط به دین‌داری در پیام‌های تصویری از جمله فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی و تحلیل آنها کمک می‌کند. در صحنه‌ای به‌نمازایستادن شخصی، آشکارا بعد مناسبی دین‌داری به نمایش درآمده است و در سکانسی سوءظن داشتن یک شخصیت داستان به دیگری و عقوبت کارش روایت شده است. گاهی سخن‌گفتن یک شخصیت داستانی با خدا مورد توجه است و زمانی دیگر حضور اجتماعی یک روحانی در مسجد به عنوان بعد اجتماعی دین مورد تحلیل واقع می‌شود.

سریال‌های عامه‌پسند که ویژگی ارائه داستان‌های دنباله‌دار و تنوع و تکرار شخصیت‌ها را دارد، قادر است ابعاد دین‌داری را در کنش‌های شخصیت‌های متکثر که هر یک، گروهی از افراد جامعه را نمایندگی می‌کنند، به تصویر بکشد. تعدد شخصیت‌ها که خود عاملی برای دنباله‌دار شدن داستان سریال‌ها از منظرهای توجه گوناگون برای مخاطبان است، باعث حفظ توجه ایشان و عاملی برای تقویت قدرت حکمرانی رسانه می‌شود. هم‌ذات‌پنداری مخاطبان با این شخصیت‌ها باعث می‌شود





طیف گسترده‌ای از مخاطبان جذب در طرح داستان شده و خود را در موقعیت‌های دینی گنجانده، در داستان سریال قرار دهند. این نحوه انتقال پیام‌های دینی برای جامعه‌ای که حاکمیت آن جامعه را دینی دانسته و رسانه خود را دانشگاهی برای انسان‌سازی می‌داند، تلویزیون و برنامه‌های آن را ابزاری برای اعمال حاکمیت قابل بررسی می‌شمارد.

ب) پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف و یا سؤالات اصلی	نویسندگان-روش استفاده شده
با توجه به اینکه میزان شادی‌های فردی و اجتماعی از عوامل مؤثر بر امید به زندگی است، رسانه‌ها نقش بسزایی در راستای تحقق امید و نشاط اجتماعی در حکمرانی نوین دارند؛ همچنین هرچه شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر باشد، رفاه و سلامت مردم سطح بالاتری داشته باشد، مردم شادتر و تنش‌های عصبی کمتر خواهد بود و رسانه‌ها در این راستا در حکمرانی یاری‌رسان‌اند.	بررسی نقش و جایگاه رسانه برای تحقق امید و نشاط اجتماعی در حکمرانی نوین	ملک خطایی و شاهینی (۱۳۸۸)، به روش توصیفی-تحلیلی
رقابت رسانه‌ها بر سر توجه مخاطبان است و توجه به عنوان قدرت حکمرانی در اقتصاد رسانه شناخته می‌شود. بر این اساس راهکارهای نگهداشت توجه در مراحل بعد از جذب توجه باید مورد نظر	معرفی نظریه اقتصاد توجه و بررسی نقش آن در اقتصاد رسانه‌ها	علی اکبر فرهنگی، علیرضا قراگوزلو و سیاوش صلواتیان (۱۳۸۹) توصیفی-تحلیلی





نویسندگان-روش استفاده شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		مدیران رسانه قرار گیرد.
احسان سلطانی فرو طاهر روشندل اربطانی (۱۳۹۰) توصیفی-تحلیلی	ارائه چارچوبی برای مطالعات و سیاست‌گذاری‌های جامع‌نگر در عرصه پدافند نرم و زمینه‌ساز تثبیت و توسعه قدرت هوشمند فرهنگ یا ایدئولوژی	بر اساس الگوی ارائه‌شده، رسانه حداکثر کارایی خود در جهت تعالی فرهنگ و جامعه را بروز می‌دهد و در عصر اطلاعات به ویژگی تعالی دست می‌یابد.
محمد رحیم عیوضی، نازنین مرزبان و معصومه صالحی (۱۳۹۶) توصیفی-تحلیلی	بررسی ابعاد مختلف حکمرانی خوب، بیان نقدها و کاستی‌های آن و ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای این الگو	کشورهای مختلف برای اجرای حکمرانی خوب با چالش‌ها و کاستی‌هایی مواجه شده‌اند که بر این اساس حکمرانی پایدار الگویی برای برون‌رفت از آن کاستی‌ها قابل معرفی است. این کار با ترکیب پارادایم توسعه به عنوان مغزافزار و حکمرانی خوب به عنوان راهکار عملیاتی‌سازی شکل می‌گیرد.
گودرزی، حسینی پاکدهی، نقیب‌السادات (۱۳۹۶) نشانه‌شناسی	بازنمایی دین در سینمای پس از انقلاب	به بررسی چگونگی بازنمایی دین در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب ایران پرداخته و معتقد است دین سینمایی شده ارتباط خود را با دین نهادی حفظ کرده و از تمرکز بر بُعد اعتقادی اجتناب ورزیده، همچنین ماهیت سینما امکان به‌تصویر کشیدن، نشر و تبلیغ مقولات استعلایی





نویسندگان-روش استفاده شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		دین، از جمله بعد اعتقادی را سلب کرده است.
نرگس رضایی و روح‌الامین سعیدی (۱۳۹۹) توصیفی-تحلیلی	نقش رسانه به عنوان نهادی مهم در جامعه مدنی و اینکه سواد رسانه چه تأثیری بر حکمرانی نوین دارد؟	با ارتقای سواد رسانه‌ای آحاد مردم در جوامع پسامدرن، امکان استفاده ابزاری دولت‌ها از رسانه‌ها کاهش می‌یابد و رسانه نقش بسزایی در تحقق حسن حکومت‌داری و ایجاد دولت‌های متعهد و پاسخ‌گو در برابر حقوق مدنی شهروندان داشته باشد.

نظر به اینکه پژوهش‌ها بیشتر به رویکردهای سیاسی و اقتصادی در حوزه حکمرانی توجه داشته‌اند و اگر هم به ارتباط رسانه و حکمرانی پرداخته‌اند با پژوهش حاضر یکسانی ندارد، تأکید می‌شود که این پژوهش با پرداختن به موضوع دین‌داری، مبانی نظری بازنمایی و همذات‌پنداری و خوانش سریال‌های عامه‌پسند به عنوان یکی از ابزارهای حکمرانی تلاش کرده است از وجهی نوآورانه سراغ موضوع برود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از جنبش کیفی که بنیان فلسفی‌اش بر مبنای رویکردهایی نظیر ذهن‌گرایی، تأویلی، برساختی-تفسیری و غیراثباتی است، بهره برده است. این نوع پژوهش با معانی، تفاسیر، نمادها، مفاهیم و توصیف ویژگی‌ها سروکار دارد؛ به نحوی که پژوهشگر با ثبت یافته‌هایی از مشاهدات خود اقدام به توصیف نمونه‌ای پژوهشی می‌نماید یا مجهز به دانش و فن چگونگی واکاوی عناصر مورد پژوهشی‌اش، با رمزگشایی نشانه‌ها و عناصر معناآفرین، معانی و تفاسیر قابل خوانش از مورد پژوهشی‌اش را ارائه می‌دهد؛ چنان‌که در یک سریال تلویزیونی، محقق کیفی به واکاوی





استعاره‌ها ی استفاده‌شده در گفت‌وگوها و ساختار روایی برنامه می‌پردازد.

جامعه پژوهش در این مقاله، سریال‌های عامه‌پسند و پرمخاطب دهه نود تلویزیون ایران است که از میان آنها، سریال‌های «پایتخت ۱ تا ۶» مورد بررسی اولیه قرار گرفت و با توجه به همسویی بیشتر با مبانی نظری پژوهش، به صورت هدف‌مند، سریال پایتخت ۳ به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است. بنابراین در راستای واکاوی سریال پایتخت ۳ به عنوان مورد مطالعه این پژوهش که به نحو مناسب بیانگر معانی نهفته در ماورای سکانس‌ها، صحنه‌ها و نماهای این متن باشد، با نمونه‌گیری هدف‌مند از بعضی نماها و صحنه‌ها و سکانس‌ها که جنبه دینی برجسته‌ای داشته استفاده شده است تا با روش نشانه‌شناسی و توصیفی-تحلیلی چگونگی بازنمایی دین‌داری در سریال‌های عامه‌پسند را بررسی کند.

«نشانه‌شناسی علم مطالعه نظام‌های نشانه‌ای (زبان، رمزگان و...)، فرایندهای تأویلی و ابزاری پژوهشی برای فهم حقیقت پنهان در پس علائم، رموز و نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی است» (تاجیک، ۱۳۸۹: ۷). نشانه‌شناسی بر اساس ایده‌های بنیادی فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) و چارلز سندرز پیرس (Charles Sanders Peirce)، به ما در درک زبان و عملکرد آن کمک می‌کند؛ علمی که نقش نشانه‌ها را به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی مطالعه می‌کند؛ علمی که ماهیت علائم و قوانین حاکم بر آنها را بررسی می‌کند (سوسور، ۲۰۱۳: ۱۸). سوسور معتقد است «زبان سیستمی از نشانه‌هاست که ایده‌ها را بیان می‌کند» (سوسور، ۲۰۱۳: ۱۸). نشانه‌ها ترکیب یک دال (شکلی قابل مشاهده از جمله: یک حالت بدن و رفتار یا یک رنگ خاص مانند رنگ قرمز و یک مدلول (معنایی مانند مانع شدن از ورد کسی و یا اعلام خطر) است (ون لیوون، ۲۰۰۵: ۴). این رویکرد البته به مطالعه سایر متون فرهنگی از جمله رسانه، مد، تئاتر، بازی‌های ویدئویی و سریال‌های تلویزیونی و... نیز گسترش یافته است.

الگوی نشانه‌شناسی فیسک

جان فیسک بر این باور است وقایعی که از تلویزیون پخش می‌شود، از پیش با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده‌اند. فیسک سه سطح از رمزگذاری‌ها را برای تلویزیون برمی‌شمرد: سطح واقعیت





(استفاده از رمزگان اجتماعی)، سطح بازنمایی (استفاده از رمزگان فنی) و سطح ایدئولوژی (استفاده از رمزگان ایدئولوژیک) (فیسک، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۲۸). او ایجاد معنا را منوط به ادغام واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژی در یکدیگر و به وحدت رسیدنشان به گونه‌ای منسجم و ظاهراً طبیعی می‌داند.

جدول شماره ۲: الگوی نشانه‌شناسی فیسک (فیسک، ۱۳۸۰: ۱۲۹)

رمزگذاری در سطح...	استفاده از رمزگان...	توضیح	رمزها
سطح «واقعیت»	رمزگان «اجتماعی»	واقعه‌های پخش شده از تلویزیون از قبل به واسطه رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است	ظاهر، لباس، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست، صدا و ...
سطح «بازنمایی»	رمزگان «فنی»	توسط دستگاه‌های الکترونیکی، رمزگان فنی، رمزگان اجتماعی را رمزگذاری می‌کند.	دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدابرداری که رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می‌دهند و این رمزها نیز بازنمایی عناصری دیگر را شکل می‌دهند؛ از قبیل: روایت، کشمکش، شخصیت، گفت‌وگو، زمان و مکان، انتخاب نقش‌آفرینان و ...
سطح «ایدئولوژی»	رمزگان «ایدئولوژیک»	رمزهای ایدئولوژی عناصر فوق را در مقوله‌های «انسجام» و «مقبولیت اجتماعی» قرار می‌دهند.	فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و ...

هر یک از سکانس‌های مورد هدف تحلیل این پژوهش با قرارگرفتن در این جدول سه سطحی و با اساسی رمزگان استفاده‌شده برای انتقال معنا در هر سطح، مورد تحلیل و واکاوری قرار می‌گیرد. این





جدول کمک می‌کند نشان دهد چگونه یک سکانس با درکنارهم قراره گرفتن نماهای گوناگون و سیر داستان، قادر است معنایی دینی را انتقال دهد و بر کدام یک از ابعاد دین‌داری تأکید نماید.

۴. یافته‌های پژوهش

معرفی سریال پایتخت ۳

پایتخت ۳ نام فصل سوم از مجموعه تلویزیونی پایتخت است که به کارگردانی سیروس مقدم و با طراحی محسن تنابنده و به تهیه‌کنندگی الهام غفوری ساخته شده است. این مجموعه در سال ۱۳۹۳ از شبکه ۱ سیما پخش شد. این سریال داستان خانواده‌ای از طبقه متوسط و پایین جامعه، به نام «خانواده معمولی» است. داستان سری سوم سریال پایتخت، حول محور نقی معمولی (بی‌کاری‌اش، بیماری افسردگی‌اش، و شرکت او در مسابقات جهانی کشتی)، بهبود فریبا (مجروحیتش در نجات یوزپلنگ ایرانی، تقدیر توسط مسئولان و عمل جراحی‌اش) و ارسطو عامل (ازدواجش با یک زن چینی و کامیونش که بسیاری از روند سری‌های سریال در آن سپری می‌شود)، پنجعلی معمولی پدر نقی (فراموشی او و توهم وجود همسرش در کنارش) و هما (همسر دلسوز و صبور و عاقل خانواده که در متن تمامی اتفاقات این خانواده حاضر است) سپری می‌شود.

نمونه سکانس تحلیل‌شده بر اساس جدول رمزگان سه‌سطحی (سکانس شکست نقی در مسابقات کشوری کشتی پیشکسوتان)

نقی که بعد از مدتی بیکاری حال و روز خوبی ندارد، توسط همسرش هما تشویق به حضور در مسابقات کشوری کشتی پیشکسوتان می‌شود. نقی که در دوران جوانی کشتی را تجربه کرده و با قهرمان‌های زمان خود کشتی گرفته، به خود و سابقه درخشان کشتی در استان محل زندگی‌اش افتخار می‌کند و خود را شایسته و آماده حضور در این مسابقات می‌داند. نقی با شکست حریفان خود به مرحله نهایی راه پیدا کرده و این، روحیه او را بالا برده است.





تصویر شماره ۱: سکانس شکست نقی در مسابقات کشوری کشتی پیشکسوتان

نقی در قسمتی از سالن برگزاری مسابقات در حال آماده‌شدن است که اطراف او نمادهایی از مفاخر کشتی شهرستان محل زندگی‌اش است و پشت سر او جمعیتی از هواداران نقی در حال تشویق او هستند. نقی در حال گرم‌کردن بدن خود است و با ایستادن روی دست‌های خود توانایی‌های خود را به تماشا می‌گذارد. صدای تشویق هواداران، عکس‌های اطراف نقی و توانایی‌های نقی بر غرور نقی صحنه می‌گذارد.



تصویر شماره ۲: سکانس شکست نقی در مسابقات کشوری کشتی پیشکسوتان

قبل از مسابقه فینال، مربی و رئیس هیئت کشتی شهرستان، حریف را به او معرفی می‌کنند و نکاتی را که نیاز است در برابر حریف رعایت کند، به نقی متذکر می‌شوند. همان‌طور که در تصویر ۲ مشخص است، نقی که به پشتوانه ورزش کشتی در شهرش افتخار می‌کند و بردهای قبلی‌اش روحیه او را افزایش داده، حریف را کوچک انگاشته و متکبرانه در مورد سن بالای حریف، کم‌توانی او، کم‌سابقه بودن ورزش کشتی در شهر او و توان‌مندی‌های خود سخن می‌گوید. نقی با شانه‌های





بالانداخته، نگاهی زیرچشمی و لبخندی تمسخرآمیز با گوشه لب، حریف را تحقیر می‌کند. در این صحنه نقی که خود را در جایگاهی بالاتر از حریف می‌داند، شرایط جسمانی او را به تمسخر می‌گیرد. این در حالی است که در آیه ۱۱ سوره حجرات قرآن، صراحتاً تمسخر دیگران نهی شده است.



تصویر شماره ۳: سکانس شکست نقی در مسابقات کشوری کشتی پیشکسوتان

نقی با اینکه مدام از سوی مربی خود مورد تذکر قرار می‌گیرد که دچار غرور نشود و حریفش را دست کم نگیرد، اما او که به توانایی خود غره شده، متکبرانه فقط حریف خود را کوچک می‌شمارد. در صحنه‌ای که او با حریف خود مسابقه را آغاز می‌کند، اگرچه ابتدا از حریف پیشی می‌گیرد، اما نهایتاً از همان فنی که مربی اش به او تذکر داده بود، به حریفش امتیاز می‌دهد و در کشتی شکست می‌خورد. لحظه شکست نقی و تأسف دیگران در نماهای مختلف به تصویر کشیده می‌شود و نهایتاً نقی که بعد از شکستش بر زمین افتاده است، در نمایی به تصویر کشیده می‌شود. نقی با صورت روی زمین افتاده است و اصطلاحاً بینی او به خاک مالیده شده است. او که سخت پشیمان و ناراحت است، با دست بر زمین می‌کوبد. در این زمان موسیقی غمناک و آوازی حزن‌انگیز، فهم احوال نقی که در نتیجه تکبر حالا زمین خورده است را دوچندان می‌کند. همچنین نمای نزدیک (کلوز آپ) با نمایش جزئیات ژست، مخاطب را به دریافت حالات درونی سوژه رهنمون می‌کند. زاویه نما از بالای دوربین نیز حقارت بعد از تکبرورزیدن را بیشتر به نمایش می‌کشد. در آیه ۵ سوره فاطر، انسان از غرور و تکبر نهی شده است.





تصویر شماره ۴: سکانس شکست نقی در مسابقات کشوری کشتی پیشکوتان

جدول شماره ۳: تجزیه و تحلیل سکانس شکست نقی در مسابقات کشوری کشتی پیشکوتان

سطح	رمزگان	دال	مدلول
سطح «واقعیت»	رمزگان «اجتماعی»	رمزگان بدنی (حالت بدنی، ظاهر، حالت چهره، نگاه، ادا و اطوار و...)	شانه‌های بالا انداخته، ابروهای بالا، لبخند تمسخرآمیز، اطوار کوچک‌انگاشتن دیگران و نگاهی از گوشه چشم/ بدن به صورت بر عکس روی زمین افتاده، یک دست به نشانه مغموم‌شدن بر زمین کوبیده شده، پیشانی به نشانه ناراحتی از شکست و پشیمانی بر زمین گذاشته شده
		رمزگان کالا (مد، لباس، ماشین و...)	لباس ورزشی قبل از مسابقه نقی / لباس رسمی برای رئیس هیئت کشتی شهرستان / لباس ورزشی مربی کنار زمین مسابقه / لباس ورزشی مسابقات، لباس رسمی ورزش کشتی
		رمزگان زبان گفتاری (لحن و بلندی و طنین صدا)	صدای نقی بلند، زیر، تند، نامنظم و قاطع و شمرده است که تداعی‌کننده صدای خشمگین فردی متکبر است / شخصیت در صحنه مسابقات کشتی است و دیالوگی ندارد



سطح	رمزگان	دال	مدلول
		رمزگان رفتاری (آداب و رسوم، تشریفات، ایفای نقش و بازی‌ها)	اشاره دست‌ها به سمت حریف به گونه‌ای که شخصی دیگری را تحقیرآمیز و راننداز می‌کند و معمولاً دست‌ها به سمت شخص، کف دست‌ها به بالا و معمولاً حرکت دست‌ها حرکتی از پایین به بالا و بالعکس دارد/ نقی به نشانه تأسف و یا پشیمانی با دست بر زمین می‌کوبد و پشیمانی‌اش را بر زمین گذاشته است
		اندازه نما	نمای متوسط (مدیوم شات) که در آن ژست‌ها و حالت‌های چهره مشخص‌تر است و روابط بین شخصیت‌ها در یک قاب تثبیت می‌شود/ استفاده نمای نزدیک (کلوز آپ) با تأکید بر جزئیات ژست بازیگر، برای نمایش احساسات درونی و پیچیدگی‌های احساسات فردی
سطح «بازنمایی»	رمزگان «فنی»	زاویه دوربین	نمای دید همسطح که مخاطب حس برابری با سوژه دارد./ استفاده از نمای دید سر پایین برای حقیرپنداشته‌شدن سوژه توسط مخاطب و احساس تأسف برای او
		نورپردازی	
		موسیقی و صدا	صدای زمینه در این صحنه، صدای تشویق تماشاگران همشهری نقی است که بر این رفتار او تأثیرگذار است/ در لحظه شکست نقی، موسیقی محلی پخش شده و آوازی حزن‌انگیز حالات آن لحظه بازیگر را تداعی می‌کند





سطح	رمزگان	دال	مدلول
سطح	«ایدئولوژیکی» رمزگان	ایدئولوژی دینی	دین ساختاربخش اخلاق فردی و اجتماعی افراد است.
ابعاد زندگی داری		بُعد عملی، آیینی یا شعاعری (مناسکی)	در این صحنه بعد اخلاقی دین مورد توجه است.
		بُعد تجربی و احساسی	همچنین بعد ایدئولوژیکی دین مورد توجه است.
		بُعد روایی و اسطوره‌ای	فربخوردن از غرور و تکبر زندگی دنیا در دین نهی شده است.
		بُعد اعتقادی و فلسفی (ایدئولوژیک)	تمسخر دیگران در دین امری نهی شده است.
		بُعد اخلاقی و حقوقی (استتاجی یا پیامدی)	
		بُعد اجتماعی و نهادی	

سکانس‌های دیگر حاوی پیام‌های دینی از سریال مورد پژوهش

سکانس لباس پوشیدن مامان لیلیا برای شرکت در جشن ازدواج ارسطو: که نشان‌دهنده اهمیت احترام به والدین است. در آیه ۲۳ سوره اسراء بر «احترام‌گذاشتن به والدین» تأکید ویژه‌ای شده است؛ به گونه‌ای که این توصیه در کنار عبادت پروردگار عنوان شده است.

سکانس فخرفروشی نقی نسبت به دارایی‌ها و رفتار سخاوتمندانه‌اش و درنهایت سقوط نقی: که دلالت بر تزلزل و فروریختن سقف آرزوها و داشته‌های نقی و سقوط نقی از بلندای اخلاق را القا می‌کند که در آیه ۱۵ سوره تغابن، زندگی دنیا فناپذیر و دارایی مادی فتنه و عامل سقوط انسان عنوان شده است؛ همچنین فخرفروشی و تکبر نکوهش شده است.

سکانس دعاکردن هما برای نقی در حال مسابقه کشتی: در این سکانس پیام دینی صریحی از توسل به پروردگار است که در آیه ۱۸۶ سوره بقره بسیار صریح توصیه به مورد خطاب قرار دادن پروردگار و استجابات از سوی او شده است.

سکانس انجام سی تی اسکن برای بیماری بابا پنجعلی: که اهمیت باور به معاد و اهمیت دائمی و همه‌زمانی و همه‌مکانی بودن مرگ‌اندیشی را به ذهن متبادر می‌کند؛ همچنین پسندیده‌بودن





شهادتین گفتن در آخرین لحظات زندگی شخص مؤمن را می‌نمایاند که از مستحبات حال احتضار شمرده شده است.

سکانس مراسم تجلیل از بهبود، محیط‌بان ناجی پلنگ ایرانی: که تشکر از مردم در برابر خدمات و نیکی‌هایشان، به عنوان تشکر از خدا به حساب آمده است. رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که از انسان‌ها تشکر نکند، از خدا تشکر نکرده است.

سکانس مراسم آشتی‌کنان نقی و ارسطو: که این نما در کنار نماهای قبل، نشانه خوش‌حالی و رضایت همه از اصلاح روابط بین افرادی که رابطه‌شان به هم خورده بوده است. در متون دینی به میانجی‌گری و اصلاح روابط بین افراد توصیه شده است.

سکانس فاتحه‌خوانی بر مزار مامان لیلیا: که فاتحه‌خوانی یاد مرگ را در دل زنده می‌کند و انسان در اعمال خود افق‌های بزرگ‌تری را لحاظ می‌کند و از پوسته خودخواهی بیرون می‌آید و نفع بیشتری را به هم‌نوعان خود می‌رساند.

سکانس انجام تیمم و نمازخواندن اوس (استاد) موسی: که نشان از اهمیت عبادت پروردگار در هر شرایطی است که بعد اعتقادی دین و همچنین انجام آن در هر شرایطی اهمیت بعد احکامی دین را نیز نشان می‌دهد.

سکانس گفت‌وگوی نقی و بهبود درباره مرگ و وصیت: که در آن، بدن‌های آرام و بدون مقاوت افراد نیز تسلیم در برابر اراده پروردگار را تداعی می‌کنند. مسلمانان در آیه ۱۸۰ سوره بقره بر وصیت کردن برای مرگ توصیه شده‌اند.

صحنه از زیر قرآن ردشدن نقی، ارسطو و اوس موسی برای سفر به تهران: که در فرهنگ مسلمانان ایرانی افراد برای آغاز سفر رفتاری احترام‌آمیز در پناه بردن به قرآن دارند.

سکانس پنهان‌کاری و دروغ درباره بیماری بهبود: که تداعی‌کننده این پیام است که پنهان‌کاری، فریب و دروغ‌گویی به نتیجه‌ای شرمنتهی خواهد شد. در آیه ۳ سوره زمر به شدت از دروغ نهی شده است.

سکانس پنهان‌کاری و دروغ درباره دعوت نقی به مسابقات جهانی کشتی پیشکسوتان: در آیه ۷ سوره نور به شدت از دروغ‌گویی نهی شده است و اینکه انسان کاری نکند که مجبور به عذرخواهی باشد.



سکانس پنهان‌کاری و دروغ اوس (استاد) موسی به همسرش درباره مصدومیت در سانحه: که نشانه نتیجه شوم دروغ‌گویی و پنهان‌کاری اوست. در آموزه‌های دینی بسیار از دروغ‌گویی نهی شده است. همچنین اینکه افراد کاری کنند که مورد سوءظن افراد قرار بگیرند، نکوهش شده است.

سکانس انتخاب و خرید لباس برای استقبال از چوچانگ همسر ارسطو: از جمله توصیه‌های اخلاقی که در متون دینی به آن اشاره شده است، رواداری است. امام اول شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام، خطاب به فرزندش تأکید می‌کند: آنچه بر خود می‌پسندی برای مردم نیز بپسند. سقوط کفش و از بین رفتن لباس‌های نو، عاقبت شومی است که برای رفتار غیراخلاقی نقی به تصویر کشیده شده است.

سکانس سوءظن داشتن همسر و برادران زن اوس موسی به او: که تلاشی برای القای پیام‌هایی دینی از بُعد اخلاقی دین در تقبیح عملی غیراخلاقی (سوءظن) و اهمیت عملی اخلاقی (گذشت از خطای دیگری) است.

سکانس جلوگیری از تلاش بهبود برای حضور در مراسم رونمایی از لباس تیم ملی فوتبال: که تداعی‌گر پیام (تقدیرپذیری) است. این سکانس این پیام دینی در آیه ۳۲ سوره زخرف را القا می‌کند که حتی اگر همه افراد و همه نیروها و اتفاقات بخواهند جلوی انجام کاری را بگیرند، اما پروردگار بخواهد آن کار انجام شود، می‌شود. این پیام این ایده را القا می‌کند که آنچه را خدا مقدر کرده است، همان خواهد شد.

سکانس جلوگیری از حضور نقی در مسابقات جهانی کشتی: این سکانس تداعی‌کننده تقدیرپذیری و خواست خدا در انجام‌شدن همه امور است که حتی اگر همه نیروها و افراد بخواهند کاری انجام نشود، اما پروردگار بخواهد آن کار انجام شود، همان خواهد شد. در آیه ۱۹ سوره نساء آمده است: چه بسیار است که چیزی را بد می‌دانید و از آن اکراه دارید، ولی خداوند در آن خیر کثیری قرار داده است.

سکانس تلاش برای حاضرشدن با لباس مناسب و بموقع رسیدن به قرار ملاقات با چوچانگ: این سکانس تداعی‌گر پیامی دینی است که اراده انسان بر اراده پروردگار پیشی نمی‌گیرد و تا پروردگار اراده نکند، انسان هر آنچه تلاش کند، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در آیه ۸۲ سوره یاسین آمده است:



فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به او می‌گوید بشو پس می‌شود.

سکانس سوءظن مسافران مینی‌بوس به معتادبودن بهبود: در آموزه‌های دینی، سوءظن داشتن بسیار نهی و به داشتن حسن ظن بسیار سفارش شده است. در فهرست غرر (صفحه ۲۲۶) از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «حسن ظن و خوش بینی بالاترین مرتبه تقوا و پرهیزکاری است».

سکانس تلاش نقی برای کاهش وزن: که در آموزه‌های دینی بسیار بر تلاش نمودن تأکید شده است. در آیه ۳۹ سوره نجم قرآن صراحتاً بر نتیجه مثبت تلاش انسان تأکید شده است. در این آیه آمده است: «و برای انسان چیزی جز [حاصل] سعی و کوشش او نیست».

سکانس قرعه‌کشی مسابقات جهانی کشتی: که این پیام دینی آیه ۳۵ سوره مائده را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که توکل کردن و توسل جستن هم مورد تأیید دین است، هم این امور ماورایی حقیقت داشته و نتیجه‌بخش است.

سکانس سلام‌دادن از راه دور به امام رضا علیه السلام: نشان‌دهنده آن است که در آموزه‌های دینی دعاکردن، توسل به ائمه دین و واسطه‌قرار دادن ائمه بین خود و خدا به پیروان دین توصیه شده است. همچنین بر امکان‌پذیر بودن زیارت ائمه از دور اشاره شده است.

سکانس استراق سمع (فال‌گوش ایستادن) ارسطو: که برای القای پیامی دینی در تقبیح استراق سمع در کنار هم گنجانده شده است. این در صورتی است که می‌توانست این کار ارسطو مورد تقبیح واقع نشود یا اصلاً کسی توجهی به آن نشان ندهد. در آموزه‌های دینی استراق سمع نکوهش شده است.

سکانس درک شهودی حضور روح مامان لیلا توسط نقی: این سکانس علاوه بر تأیید عمل مادر نقی و نتیجه‌بخش بودن دعای والدین برای فرزندان و دعای افراد برای یکدیگر مورد تأیید و عملی بودن امکان دعای اموات به‌ویژه والدین برای انسان‌های زنده و تأیید گزاره‌های ماوراءالطبیعی و اعتقادی دین، همچون معادباوری و وجود دنیایی پس از مرگ و قایل بودن به روح برای انسان و امکان ایجاد ارتباط روح انسان با دنیا حتی پس از مرگش، به ذهن مخاطب متبادر می‌کند.

سکانس نپذیرفتن پیشنهاد تقلب در روند مسابقات (انجام دوپینگ): این سکانس که با پیشنهاد دوپینگ از سوی مربی آغاز می‌شود و با نشاط و روحیه‌گرفتن نقی پایان می‌یابد، القاکننده این پیام در





آیه ۳ سوره طلاق است که نتیجه مقاومت در برابر پیشنهادهای وسوسه‌انگیز، رسیدن به نتیجه‌ای بهتر است. در این خصوص در سوره طلاق آمده است: «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند».

سکانس ذکر و توسل هما برای پیروزی نقی: در آیه ۱۶۰ سوره آل عمران آمده است: «اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او شما را یاری کند؟ و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند».

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

الف) بحث

اهمیت حاکمیت و حکمرانی در اسلام و توجه به بعضی از بااهمیت‌ترین ارزش‌های حکمرانی از جمله: تعالی‌گرایی، همبستگی ملی و مذهبی، اخلاق‌محوری، اسوه‌گرایی و دین‌مداری چنین پیش می‌نهد که حکمرانان یک جامعه دینی برای نیل به تعالی، رسانه‌ای با هدف‌های اخلاق‌مداری و ملی‌گرایی را ابزار حکمرانی قرار دهند. چنین رسانه‌ای لازم است با بهره‌گیری از ارزش‌های مقبول جامعه و حاکمیت، کارکرد جذب را بروز دهد. در این راستا رسانه‌ای که با وجود پیشرفت تکنولوژی و ظهور شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، به علت رایگان بودن، انتخابی بودن و ... توانسته است جایگاه خود را حفظ کند، تلویزیون است. از میان برنامه‌های تلویزیون نیز سریال‌های عامه‌پسند توان بسیار بالایی برای جذب مخاطب را داراست. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که داعیه مدیریت یک حکومت دینی را دارد و رسانه ملی‌اش دانشگاهی عمومی جهت نشر فرهنگ اسلامی دانسته شده و هدف اساسی‌اش ایجاد بستری مساعد برای تعلیم و تزکیه انسان‌ها و تعالی فضایل اخلاقی عنوان شده است نیز تلاش می‌کند از این نوع برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف مد نظر خود استفاده کند. این کار از طریق گنجاندن پیام‌های دینی و اخلاقی در سریال‌های عامه‌پسند است. اما فقط کارکرد جذب سریال‌های عامه‌پسند برای انتقال پیام‌های دینی به مخاطب کافی نیست. همان‌طور که پیش از این بررسی شد، آنچه عامل حیات یک رسانه است، مخاطب است و از اصلی‌ترین شاخص‌های ارزیابی





رسانه نوع، میزان و تداوم توجه مخاطب به رسانه است و توانایی جذب و جلب بیشتر توجه مخاطبان، برتری قدرت حکمرانی را نشان می‌دهد؛ از این رو سریال‌های عامه‌پسند با توان و دوام درگیری و همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستان علت دنباله‌دار شدن و طولانی‌بودن آن است. دیگر اینکه این سریال‌ها به دلیل نداشتن فقط یک شخصیت اصلی و محل توجه بودن گروهی از شخصیت‌ها، از منظرهای مختلف توسط مخاطبان، همچنین ایجاد چندین مسیر روایی، طیف وسیعی از مخاطبان، با ذائقه‌های داستانی گوناگون را به خود جذب می‌کند و عامل حفظ توجه مخاطب می‌شود. تلاش در واقع‌گرانمایی، مواجهه مخاطب به زندگی روزمره، مستقیم‌گویی دیکته‌گونه و صدور دستورالعمل و ارائه بایدها و نبایدها و داشتن پایان خوش نیز از دیگر ویژگی‌های سریال‌های عامه‌پسند است که مخاطب را با خود همراه کرده و در فرایند حکمرانی یاری‌رسان است. اما در کنار این ویژگی‌های سریال‌های عامه‌پسند در ارائه پیام‌های دینی، بازنمایی پیام‌ها و موقعیت‌های دینی نیز اهمیت بسزایی دارند. آن گونه که عنوان شد، بازنمایی به عنوان یک سیاست، از دو نوع استراتژی کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی بهره می‌برد. در ارائه پیام‌های دینی بر مبنای استراتژی کلیشه‌سازی، با تقلیل چند خصیصه یا ویژگی محدود ساده، واضح، به‌یادماندنی و به‌راحتی قابل درک دینی به گروهی خاص از شخصیت‌ها، مرزی نمادین بین «عادی» و «انحرافی»، «عادی» و «آسیب‌شناختی» («قابل قبول» و «غیرقابل قبول» و در نتیجه «دین‌دار» و «غیردین‌دار») در این سریال‌ها به مخاطب ارائه می‌شود. غیر از شخصیت‌های دین‌دار، موقعیت‌های دینی نیز به نحوی کلیشه‌وار در این سریال‌ها ارائه می‌شود. پیام‌های دینی‌ای هم که مبتنی بر استراتژی طبیعی‌سازی ارائه می‌شود نیز به گونه ویژگی‌ها و خصلت‌هایی ذاتی و طبیعی ارائه می‌شود، گویا تمامی کنش‌هایی که از شخصیت‌های داستان‌ها سر می‌زند، همان گونه است که می‌بایست باشد. همچنین موقعیت‌های دینی که برای شخصیت‌های داستان رخ می‌دهد و واکنش‌هایی که نسبت به آن نشان می‌دهند، اموری طبیعی به نظر می‌رسند. بر این اساس همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستان و قراردادن خود در موقعیت‌های کلیشه‌سازی شده و طبیعی‌سازی شده نیز علاوه بر نگهداشت توجه مخاطب به عنوان قدرت حکمرانی، تعلیم، تزکیه و تعالی فضایل اخلاقی به عنوان اهداف اصلی حکمرانی در حکومتی اسلامی همچون ایران را باعث می‌شود.



ب) نتیجه گیری

بازنمایی موقعیت‌های دینی در سریال‌ها به گونه‌ای است که گویا مهر یکسان بر همه‌شان خورده باشد. موقعیت‌های دینی موجود در این سریال‌ها، نوعی الگوی یکسان و ایدئال از مواجهه شخصیت‌ها با آن موقعیت‌ها ارائه می‌دهند. سکانس‌هایی که موقعیت‌های دینی را بازنمایی می‌کنند یا به نحوی است که شخصیت عملی همسو با آموزه‌های دینی و فضایل اخلاقی انجام داده است که در این صورت با پایانی خوش خاتمه می‌یابد. گروهی از سکانس‌های حامل پیام‌های دینی به صورتی مستقیم مفهومی دینی را به تصویر می‌کشند. از جمله مناسکی دینی همچون تیمم و نماز خواندن اوس موسی، فاتحه‌خوانی بر مزار مامان لیلا یا در خلال گفت‌وگوی شخصیت‌ها همچون وصیت بهبود، سلام‌ها، وداع‌ها، سوگندها، «یا الله» گفتن هنگام ورود و توسل و توکل‌ها و... یا سکانس‌ها به علت ارتکاب عملی مغایر با آموزه‌های دینی یا ارتکاب رذیلتی اخلاقی با پایانی تلخ همراه است که این پایان تلخ نیز با توجه به اینکه تداعی‌کننده نوعی نهمی از منکر است، بر همان مبنای پایان خوش سریال‌های عامه‌پسند دسته‌بندی می‌شود. و گروهی دیگر از سکانس‌ها همچون رشدن از زیر قرآن، سلام از راه دور به امام رضا علیه السلام و توکل‌ها و توسل‌ها، به نحوی تلویحی اشاره به ابعاد ایدئولوژیک دین‌داری داشته و نیازمندی انسان به نیرویی فوق نیروی بشر یعنی قدرت پروردگار دارد. شکل‌گیری چنین انگاره‌ای به واسطه همذات‌پنداری با شخصیت‌های متعدد و متنوع این سریال‌ها که هر یک از منظری نماینده گروهی از جامعه محسوب می‌شوند، انجام می‌شود. بنابراین مردم ایران اگرچه با سطوح دینی متفاوت، هر یک از منظری با شخصیت‌های گوناگون سریال‌ها همذات‌پنداری کرده، در موقعیت‌های دینی ارائه‌شده، با شخصیت‌های داستان همراه و جذب در طرح داستان می‌شوند. این همراهی و دنباله‌دار بودن داستان‌های عامه‌پسند عامل جذب و حفظ توجه مخاطب به عنوان قدرت اعمال حکمرانی محسوب می‌شود.

جدول شماره ۴: خلاصه نتایج پژوهش

ردیف	مبنای نظری	نتیجه‌گیری
۱	بازنمایی	بازنمایی موقعیت‌های دینی در سریال‌ها به گونه‌ای است که گویا مهر یکسان بر همه‌شان خورده باشد. این موقعیت‌های دینی نوعی الگوی یکسان،



ردیف	مبنای نظری	نتیجه‌گیری
		کلیشه‌سازی شده، ایدئال و یکسان‌سازی شده از مواجهه شخصیت‌ها با آن موقعیت‌ها ارائه می‌دهند.
۲	عامه‌پسندبودن سریال‌ها	سکانس‌هایی که عملی بر خلاف مبانی دینی در آن واقع می‌شود، با پایانی تلخ همراه است که نوعی القای نهی از منکر است. سکانس‌هایی که با عملی بر مبنای دینی همراه است، با پایانی خوش همراه است که بیانگر نوعی امر به معروف است.
۳	هم‌ذات‌پنداری	ارائه موقعیت‌های دینی در خلال زندگی روزمره و وقوع آن برای شخصیت‌های متعدد و متکثر، هم‌ذات‌پنداری و همراهی مخاطبان متعددی را باعث خواهد شد.
۴	حکمرانی رسانه‌ای	هم‌ذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌هایی متعدد که داستان هر یک از آنها باعث دنباله‌دار شدن سریال شده است، مخاطب را با خود همراه کرده که این حفظ توجه مخاطب، تثبیت و افزایش قدرت حکمرانی از طریق رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون و برنامه‌هایی چون سریال‌های عامه‌پسند است.

ج) پیشنهادها

۱- با توجه به اینکه سریال‌های تلویزیونی عامه‌پسند قادرند بستر مناسبی برای نشر معارف دینی برای رسانه‌های دینی باشند، باید از مستقیم‌گویی و دست‌ورالعملی‌بودن پیام‌های دینی در این متون رسانه‌ای کاسته شود و به نحوی غیرمستقیم و بدون بهره‌بردن از دستورها و بایدها و نبایدها و ... تلاش شود پیام دینی را القا کنند.

۲- در راستای بهره‌گیری از بستر سریال‌های تلویزیونی برای انتقال مفاهیم و آموزه‌هایی در مسائل اجتماعی و حتی دینی، پیشنهاد می‌شود با استفاده از نمادها، مجازها، استعاره‌ها و دیگر صناعات هنری در انتقال مفاهیم سعی کنند مخاطب را وادار به تأمل و تفکر عمیق کنند تا معنای مد نظر در ذهن مخاطب ماندگار و تأثیرگذار باشد.



۶. منابع

۱. منابع فارسی

- بردبار، غلامرضا، ضرابی‌زاده، شیما، و صالحی، طاهر (۱۳۹۴). ارائه الگوی حکمرانی خدامدار. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۳ (۵)، ۴۱-۹.
- پاینده، حسین (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی: درسنامه‌ای میان رشته‌ای. ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- پولادی، کمال (۱۳۸۶). تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (قرن بیستم). تهران: نشر مرکز.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹). نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش. پژوهشنامه علوم سیاسی، (۴)، ۷-۳۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). جامعه در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- راوودراد، اعظم (۱۳۸۸). نقش برنامه‌های دینی و غیردینی تلویزیون در افزایش یا کاهش دین‌داری. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲ (۶)، ۱۵-۴۴.
- راوودراد، اعظم (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجائی، حسین (۱۴۰۱). تحلیل نشانه‌شناختی دینداری در سریال‌های عامه‌پسند دهه نود تلویزیون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضایی، نرگس، و سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۹). سواد رسانه‌ای و تأثیر آن بر حکمرانی نوین در عصر دولت پسامدرن. دوفصلنامه فرهنگ و ارتباطات، ۵ (۹)، ۲۸۹-۳۱۲.
- سپهری، مهدی (۱۳۹۵). مطالعات دین‌شناختی از دیدگاه نینیان اسمارت و تأملی در آن از نگاه عرفانی، با رویکردی میان‌رشته‌ای بین کلام، دین‌شناسی و عرفان. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸ (۴)، ۲۴۵-۲۲۵.
- سلطانی‌فر، احسان و روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۰). مدل مفهومی تبیین گفتمان حاکمیت، مردم و رسانه، با رویکرد پدافند غیرعامل. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۱ (۲)، ۸۷-۱۱۴.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶ (۱)، ۳۴-۶۶.
- شهبندی، معصومه (۱۳۸۹). سریال‌های تلویزیونی غیررسمی: مردم‌نگاری تماشاگران زن جوان تحصیل‌کرده



سریال گمشدگان زمستان ۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران.

طهماسب کاظمی، بهروز (۱۳۹۵). نگرشی نوین در تبیین نظری حکمرانی و توصیف ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران. نشریه مدیریت فردا، ۱۵ (۴۸)، ۸۷-۱۰۴.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵). فرهنگ مردم‌پسند و شهر مردم‌پسند؛ تهران شهر محلی-جهانی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۲ (۵)، ۳۷-۵۰.

عیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین، و صالحی، معصومه (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. فصلنامه راهبرد، ۲۶ (۸۵)، ۵۵-۸۵.

فرهنگی. علی‌اکبر، قراگوزلو، علیرضا، و صلواتیان، سیاوش (۱۳۸۹). توجه، حکمرانی جدید در اقتصاد رسانه. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۳ (۶۳)، ۹۱-۱۱۴.

فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ تلویزیون. ترجمه مؤگان برومند، ارغنون، (۱۹)، ۱۲۵-۱۴۲.

کاظمی، عباس، و ناظرفصیحی، آزاده (۱۳۸۶). بازنمایی زنان در یک آگهی تجاری تلویزیونی. فصلنامه پژوهش زنان، ۵ (۱)، ۱۳۷-۱۵۳.

کلنر، داگلاس (۱۳۹۲). نظریه انتقادی از مکتب فرانکفورت تا مکتب پسامدرن. ترجمه محمدمهدی وحیدی. تهران: سروش.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۴). مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات. تهران: سازمان صداوسیما، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

موحدیان عطار، علی (۱۳۹۷). انواع دین‌داری؛ ویژگی‌ها، آسیب‌ها، اقتضانات. دوفصلنامه مطالعات معنوی. ۷ (۲۵)، ۷-۳۵.

مؤمن‌زاده، مریم (۱۳۹۷). بازنمایی مسئله اجتماعی در مستندهای تلویزیونی؛ مطالعه موردی طلاق طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

میرسندسی، محمد (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

هیوارد، سوزان (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی. ترجمه فتح محمدی، زنگان: هزاره سوم.

۲. منابع لاتین

Cohen, J. (۲۰۰۱). Defining Identification: A Theoretical Look at the Identification of Audiences With Media Characters. *Mass Communication & Society*, ۲۰۰۱, ۴ (۳), ۲۴۵-۲۶۴.





Hoffner, A. (۲۰۱۰). Parasocial Interaction With Liked, Neutral, and Disliked Characters on a Popular TV Series. *Mass Communication & Society*, ۱۳, ۲۵۰-۲۶۹, [http:// www. E-Governance .com](http://www.E-Governance.com).

Igartua, J. (۲۰۱۰). P Identification with characters and narrative persuasion through fictional feature films. *Communications*, ۳۰ (۲۰۱۰), ۳۴۷-۳۷۳

Saussure, F. (۲۰۱۳). *Course in General Linguistics*. Translated and annotated by roy harris, In Bloomsbury Academic.

Tropp, H. (۲۰۰۷). Water governance: trends and needs for new capacity development. *Water Policy*, ۹ (۲).

van Leeuwen, T. (۲۰۰۵). *Introducing Social Semiotics*. In Routledge.

Vanlee, F. (۲۰۱۸) Understanding Queer Normality: LGBT+ Representations in Millennial Flemish Television Fiction, *Television & New Media*. *Ghent University*, Belgium.





بررسی مفهوم ولایت در نظام‌های اجتماعی از منظر تشیع (با تأکید بر آرای سید محمد مهدی میرباقری)

مصطفی احمدی*^۱

چکیده

از منظر قرآن کریم اگرچه خداوند انسان‌ها را در انتخاب و برگزیدن اله مختار آفریده است، آنها در داشتن یا نداشتن آن (اله) اختیار ندارند؛ چراکه در جهان‌بینی توحیدی اگر انسان خدا را نپرستد، دچار پرستش نفس (خودپرستی) یا پرستش دیگری (بت‌ها، فراعنه، شیاطین و...) می‌شود. در این نگاه اگر انسان‌ها سیرشان بر محور پرستش خداوند بود، تحت ولایت اله و اگر بر محور پرستش غیر خدا حرکت کردند، تحت ولایت طاغوت قرار می‌گیرند. بر این اساس نظام‌های اجتماعی از دو حالت بیرون نیستند: یا بر محور پرستش خدا یا بر محور پرستش غیر خدا شکل می‌گیرند؛ از این رو می‌توان گفت نوع پرستش مبدأ شکل‌گیری دو دستگاه حق و باطل، وجه اصلی تمایز و نقطه شروع درگیری میان آن دو می‌باشد؛ لذا جبهه انبیا و اوصیا در مسیر اعتلای کلمه توحید، مبارزه‌ای دائمی با طاغوت‌ها تا نابودی کامل باطل خواهند داشت. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد، سعی شده است مفهوم ولایت و جایگاه آن در شکل و جهت‌گیری نظام‌های اجتماعی از منظر

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی رهبران انقلاب، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
ahmadimostafa133@yahoo.com





آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری بررسی شود و با استفاده از دیدگاه‌های این متفکر شیعی، موضوع ذکر شده در آیات و روایات مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

آیت‌الله میرباقری، ولایت، نظام‌های اجتماعی، اسلام، غرب.





۱. مقدمه و بیان مسئله

خداوند متعال دو جریان را در قرآن ذکر می‌کند. یکی جریان هدایت و نور است و دیگری جریان گمراهی و ضلالت: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷). انسان در پذیرش توحید مکره نیست. اگر ولایت الهی را بپذیرد، در وادی نور زیست می‌کند و اگر وارد ولایت طاغوت شود، در وادی ظلمات سیر می‌کند. از آیه فوق استنباط می‌شود که مخلوق در این عالم تحت ولایت است، آزادی او در انتخاب ولایت است، اگر الوهیت را نپذیرفت، خواه ناخواه تحت ولایت طاغوت قرار می‌گیرد. پس مختار بودن و آزادی انسان بدین معنا نیست که می‌تواند الهی را برنگزیند. از منظر قرآن کریم این پذیرفتن یا نپذیرفتن توحید، آغاز تاریخ اجتماعی بشر است. خداوند انبیا را فرستاده، عده‌ای از انسان‌ها توحید را پذیرفتند و با خلیفه الهی همراه شدند و عده‌ای نیز در برابر انبیا عصیان و نافرمانی کردند (میرباقری، ۹۵/۰۵/۲۰).

بنابراین در این عالم دو جبهه یا دو نوع نظام وجود دارد، نظام بندگی خدا و نظام شیطنت که نظام بندگی خدا بر محور انبیا شکل می‌گیرد. در این نظام مؤمنان حول امامشان جمع می‌شوند و ائمه مؤمنان جبهه را به سمت وادی نور هدایت می‌کنند. در مقابل محور نظام شیطنت و معصیت با اولیای طاغوت و فراعنه است و آنها این جبهه را به سمت ظلمات سیر می‌دهند. هر یک از این دو دستگاه برای خود تمدنی به وجود می‌آورند. به هر حال این دو جبهه که همان جبهه حق و باطل‌اند، با یکدیگر در ارتباط‌اند. ائمه کفر برای سلطه خود بر جهان برآند جبهه مؤمنان را تحت سیطره و نفوذ خود قرار دهند؛ از این رو ممکن است صفات و خصوصیات دستگاه مادی، عرصه‌های مختلف زندگی مؤمنان اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارتی می‌توان گفت دستگاهی که مبتنی بر عبودیت خدا بوده، بر اثر ارتباط و اختلاط با تمدن مادی به سبک زندگی مادی سوق پیدا کرده است. این اثرپذیری تا جایی پیش می‌رود که جامعه مؤمنان در دستگاه باطل استحاله می‌شود؛ برای مثال امروزه بسیاری از کشورهایی که اسم اسلامی بودن را یدک می‌کشند، درحقیقت به یکی از اقمار نظام سرمایه داری غرب مبدل گشته‌اند (میرباقری، ۹۵/۰۵/۱).



با این مقدمه و با توجه به آیات قرآن کریم می‌توان گفت درگیری همیشگی در طول تاریخ میان جبهه کفر و ایمان وجود داشته است. انبیای الهی آمدند تا انسان‌ها را از اسارت و بردگی نفس و سلطه اولیای طاغوت و قدرت‌های مادی آزاد کنند: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷). در مقابل اولیای طاغوت نیز درصدد بودند در جبهه حق نفوذ کرده، آن را از بین ببرند یا در دستگاه خود مستحیل کنند (میرباقری، ۱۳۸۷/۱۰/۹۴). اگر این فلسفه تاریخ را بپذیریم، باید به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که چه رابطه‌ای میان شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی با «ولایت» وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

در بحث پیشینه بحث از نوشتارهایی که نزدیک به موضوع پیش روست، می‌توان به مقاله «درآمدی بر نظریه قرآنی ولایت اجتماعی» که توسط آقا و خانم «دادسرشت و مقیسه» به رشته تحریر درآمده، اشاره کرد. نویسندگان در این پژوهش شکل‌گیری ولایت اجتماعی را بر مبنای کفر و ایمان می‌دانند و معتقدند ولایت نتایج شگرفی در علوم انسانی اسلامی به‌ویژه علم جامعه‌شناسی به ارمغان می‌آورد. از دیگر آثار در این حوزه، مقاله آقایان «اسکندری و قربانی» با عنوان «نقش ولایت‌های متقابل در تنظیم روابط اجتماعی» است که در این نوشتار، ولایت‌های متقابل، عمیق‌ترین بنیاد نظم و سرچشمه اصلی احکام اجتماعی و حقوق و تکالیف متقابل اعضای جامعه معرفی شده است که از یک سو هدایت افراد و عرضه احکام اجتماعی فطری از طریق وحی را در پی دارد و از سوی دیگر ایمان و فرمان‌بری مردم از خداوند و در پی آن، نظم و وحدت و امنیت و عدالت و دیگر اهداف اجتماعی را به ثمر می‌نشانند. در آخر می‌توان به مقاله «ولایت از مفهوم‌شناسی تا مصداق‌یابی» اشاره کرد که در آن جناب «حیدر رحیم‌پور ازغدی» در صدد ریشه‌یابی واژه ولایت و معرفی مصادیق آن می‌باشد. اما آنچه این اثر را از سایر آثار یادشده متمایز می‌کند، آن است که این پژوهش با استفاده از آرای آیت‌الله میرباقری که «ولایت» محور اصلی در مباحث ایشان است، برآن است با شناختی درست از مفهوم ولایت و چگونگی نسبت آن با نظام‌های اجتماعی، به تحلیلی عمیق از مسائل روز و درگیری جریان انقلاب اسلامی با نظام سلطه دست یابد و نقش جامعه ولایی را در درگیری میان جبهه حق و باطل ترسیم کند.



۳. یافته‌های پژوهش

الف) مفهوم‌شناسی ولایت

به گفته‌ی راغب اصفهانی «ولاء و توالی به معنای آن است که دو چیز یا بیشتر طوری کنار هم قرار گیرند که بین آن دو، غیر از خود آنها چیز دیگری فاصله نبوده باشد» (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۲۳). با توجه به ریشه لغوی واژه، برخی ولایت را نزدیکی و قرب دانسته‌اند. از منظر علامه طباطبایی (ولایت آن قریبی است که موجب نوع خاصی از حق تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود) (طباطبایی ۱۳۷۴، ۶: ۱۲). آیت‌الله جوادی آملی معنای اصلی ولایت را قرب و نزدیکی و لازمه آن را تصدی و سرپرستی امور یا نصرت و محبت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۰). در نگاه فخرالدین طریحی «ولایت به تدبیر و قدرت و فعل اشاره دارد و به معنای محبت اهل بیت و پیروانشان، امثال اوامر و نواهی آنان و تأسی به آنها در رفتار و اخلاق است» (طریحی ۱۳۷۵، ۱: ۴۶۲). با توجه به تعاریف می‌توان سه معنا را برای ولایت ذکر کرد: محبت، نصرت و سرپرستی (حکومت). در معنای سوم که تعریفی مصطلح از ولایت می‌باشد، بحرالعلوم می‌نویسد: «ولایت به معنای سرپرستی و سلطه‌داشتن بر فرد یا افراد معین می‌باشد و درحقیقت بیانگر نوعی حق دخالت و اعمال نظر در امری برای شخص خاص است». بحرالعلوم ۱۳۶۲، ۳: ۲۱۰). امام خمینی^{علیه السلام} نیز ولایت را این طور معنا کرده‌اند: «ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۶). در تحقیق پیش رو هر سه معنای ولایت مد نظر است؛ البته باید توجه داشت که از منظر اسلامی، ولایت جنبه مثبت و منفی دارد که به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

ب) صلاح و فساد

در جهان‌بینی اسلامی که خالق عالم خداوند متعال است، فلسفه خلقت بشر، رسیدن انسان به قرب الهی است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). خداوند انسان را نه برای غی بلکه برای رشد آفریده و بستر رشد را نیز فراهم کرده است: «فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا» (بقره: ۲۵۶). عروه و ثقی که همان کتاب خدا و اهل بیت هستند، از انسان طالب



دستگیری کرده، او را به سر منزل مقصود که همان قرب الهی است، می‌رسانند. بنابراین انسان با پذیرش توحید و الوهیت و توسل به ریسمان‌های الهی به رشد حقیقی خواهد رسید. اگرچه مسیر رشد از غیّ بیان شده است، «قد تبین الرشد من الغی»، اما انسان در انتخاب مسیرش مختار است: «لا اکراه فی الدین». به عبارت دیگر انسان می‌تواند مسیر رشد را که همان مسیر دین‌داری است، برگزیند و نیز می‌تواند مسیر غیّ را که همان مسیر کفر و شرک و ضلال است، انتخاب کند (میرباقری، ۹۵/۵/۲۰).

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ: به درستی که پروردگار شما خداست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس به عرش چیره شد، می‌پوشاند شب را به روز که می‌جویدش به سرعت و آفتاب و ماه و ستارگان مسخّر به فرمان اویند، بدانید او راست آفرینش و فرمان، منزّه و پاک است خدا پروردگار جهانیان، پروردگارتان را بخوانید با زاری و در نهمان، زیرا که او متجاوزان را دوست ندارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید، همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است» (اعراف: ۵۶-۵۴).

این آیات اشاره دارد که عالم امر و خلق به دست خداوند و این عوالم بر محور فرامین الهی و برخوردار از صلاح است. اگر انسان‌ها از حیطة دعا و بندگی خارج گردند، موجبات فساد روی زمین را فراهم می‌آورند. روایتی در ذیل این آیه شریفه آمده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا قَالَ فَقَالَ يَا مَيْسِرُ إِنَّ الْأَرْضَ كَانَتْ فَاسِدَةً فَأَصْلَحَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِنَبِيِّهِ فَقَالَ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (کلینی ۱۳۶۵، ۸: ۵۸). این روایت از امام صادق عليه السلام بیان می‌دارد که خروج از ولایت نبی اکرم عليه السلام فساد روی زمین را به دنبال دارد. اگر از زاویه‌ای دیگر به روایت نگاه کنیم، این معنا برداشت می‌شود که اساساً اصلاح واقعی با محوریت نبی اکرم عليه السلام محقق می‌شود. طبق روایات فساد و شرور شتون ولایت طاغوت و درمقابل صلاح و خیرات شتون ولایت اولیای الهی اند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا



كُلُّ بِرٍّ ... وَ عَدُوْنَا اَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوْعِهِمْ كُلُّ قَبِيْحٍ وَ فَاْحِشَةٍ» (کلینی ۱۳۶۵، ۸: ۲۴۲) و نیز در مورد آیات ۲۴-۲۷ سوره مبارکه ابراهیم، «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ يُصْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ * يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهیم: ۲۷-۲۴) که با توجه به روایات ذیل آیات فوق، شجره طیبه به اهل بیت و شجره خبیثه به دشمنان اهل بیت اشاره دارد.

اینکه از ویژگی‌های عصر ظهور داریم که زمین به وسیله امام عصر □ پر از عدل و داد می‌شود همان گونه که مملو از ظلم و جور بود: «المهدی یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» (مجلسی ۱۳۶۲، ۵۱: ۷۱). دلیل این ظلم و ستم قبل از قیام حضرت □ آن است که بعد از نبی اکرم ﷺ، امت پیامبر خود را از مدار مصلحت که همان ولایت حضرات معصومان -صلوات الله علیهم اجمعین- بود، خارج کردند و از این رو ظلم و فساد عالم اسلام را فرا گرفت. از طرفی در عصر حکومت امام مهدی ﷺ به دلیل آنکه مردم بر محور امام حق جمع می‌گردند، مصلح کل که همان انسان کامل است، با طرحی الهی، زمین را لبریز از عدل و داد می‌کند (میرباقری، ۹۹/۰۹/۴).

بنابراین از منظر آیات و روایات صلاح و فساد در بستر پرستش خدا یا غیر خدا شکل می‌گیرد. کفار که دین و مسلکشان مبتنی بر پرستش غیر خداست، با مبانی غیر توحیدی برای خود قواعد و مناسکی را طراحی می‌کنند. جریان کفر به اشکال مختلف دارای تاریخ و تمدن بوده و در طول زمان همواره دست‌خوش تغییر و تحولات شده است. انواع نظام‌های مادی با تغییر، انقلاب و بهینه‌سازی در درون خودشان، در صدد اصلاح خود بوده‌اند؛ اما چون این تغییرات در چارچوب پرستش غیر خداست، نتیجه‌ای جز فساد در عالم به همراه نداشته است؛ برای نمونه در سده اخیر شکل‌گیری نظام‌های لیبرالیستی و کمونیستی که حاصل انقلاب‌های بزرگ در شرق و غرب کره خاکی بودند، با شعارهایی از جنس آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی روی کار آمدند؛ اما در عمل سیاست‌های استعمارگرانه و سلطه‌جویانه این نوع نظام‌ها نتیجه‌ای جز افزایش جنگ و خون‌ریزی، بی‌اخلاقی و فحشا، چپاول و غارت را به دنبال نداشت (میرباقری، ۹۹/۰۶/۱۰).



باید توجه داشت که اصلاح در ادبیات اسلامی با تعریفی که در ادبیات مدرن علوم اجتماعی - چه چپ و چه راست - از اصلاح ارائه می‌گردد، متفاوت است. آن اصلاحی که حضرت سیدالشهدا به دنبال آن بودند که فرمودند: «اَنْتِ لَمْ اُخْرَجْ اِشْرَافاً وَ لَا بَطْرَافاً وَ لَا ظَالِمَافاً وَ لَا مَفْسُدَافاً وَ اِنَّمَا خُرِجْتُ، لَطَلْبِ الْاِصْلَاحِ فِي اُمَّةٍ جَدِّی» (مجلسی ۱۳۶۲، ۴۴: ۳۲۹)، در چارچوب مبانی توحیدی معنا می‌شود و نمی‌توان این نوع اصلاح را با ادبیات اجتماعی مدرن تفسیر کرد. در منطق امام حسین علیه السلام اصلاح حقیقی بدون در نظر گرفتن مبدأ و معاد امکان ندارد؛ لذا مفاهیم صلاح و فساد در منطق اسلام متفاوت از تعاریف این دو مفهوم در مکاتبی نظیر لیبرالیسم و مارکسیسم که مبتنی بر جهان بینی ماتریالیستی اند، می‌باشد (میرباقری، ۱۰/۰۶/۹۹).

در زمان حاکمیت کلیسا در مغرب زمین که آن را قرون وسطی نامیده‌اند، به واسطه عقاید خردستیز، بی‌اخلاقی‌ها و رفتارهای منفعت‌جویانه کلیسا و نیز عدم تطبیق مسیحیت تحریف‌شده با عقل، نهضتی فرهنگی اجتماعی به نام رنسانس که در واقع واکنشی در برابر ظلم‌های کلیسا بود، آغاز شد و به تعبیر برخی اندیشمندان بزرگ‌ترین قربانی این تحول، وحی بود. اولین مبنای رنسانس، اندیشه انسان‌محوری یا امانیسم بود که این اندیشه، انسان را مبنای همه بایدها و نبایدها و قانون‌گذار تلقی می‌کند. با این مبنا (امانیسم) وحی کنار گذاشته می‌شود و عقل به تنهایی ملاک و معیار قرار می‌گیرد که این اندیشه را راسیونالیسم یا عقل‌خودبنیاد بشر نامیدند. به گفته برخی امانیست‌ها عقل جمعی جایگزین وحی شد؛ لذا بر مبنای امانیسم و راسیونالیسم، ارزش‌های دین جای خود را به ارزش‌هایی بر پایه تمایلات افراد می‌دهند. در نگرش جدید، افراد می‌توانند آزادانه به دنبال خواسته‌ها و امیال خویش باشند و آزادی دیگران تنها چیزی است که آنها را محدود می‌کند. این اندیشه را لیبرالیسم نامیدند. می‌توان گفت این سه اندیشه (امانیسم، راسیونالیسم، لیبرالیسم) موجب حذف دین از عرصه زندگی اجتماعی بشر شد و دولت و جامعه سکولار متولد گشت (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۶۸-۵۶۵).

خود را به جای خداوند محور قراردادن و آزادی را رهایی از اوامر و نواهی الهی تعریف کردن و نیز اتکا به عقل بشری بدون نیاز به وحی، انسان را از دایره بندگی خداوند متعال خارج و او را در وادی ظلمات وارد می‌کند. آنهایی که در وادی ظلمات قرار می‌گیرند، اصلاحشان هم افساد است. به همین دلیل است که نظام‌های مدرن که مدعی اصلاحات بودند، عملکردشان موجب اصلاح نشد، بلکه



نوع فساد تغییر کرد. قرآن کریم خطاب به آنهایی که بیرون از چارچوب ولایت الهی به دنبال اصلاح‌اند، می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره: ۱۱). به تعبیری اصلاح در چارچوب بندگی خدا معنا پیدا می‌کند و غیر از آن فقط توهم اصلاح است و نتیجه‌ای جز فساد را به دنبال ندارد (میرباقری، ۱۳۹۹/۰۶/۱۰).

مطلب بسیار مهمی که به آن اشاره می‌کنیم، آن است که اگر توحید و معنویت را از بشر بگیریم یا از عرصه اجتماع حذف کنیم، جهان ظلمانی شده؛ در چنین جهانی آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی چون تهی از روح بندگی خداست، سیر جوامع در وادی ظلمات اتفاق می‌افتد. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «الان معلوم نیست ما در عصر برق از نظر آسایش واقعی، از نظر آسایش روح، از مردم عصر چراغ موشی بهتر باشیم. معلوم نیست... این میکروفن، این بلندگو، این رادیو، این تلوزیون، این هواپیما، چهار ساعت آدم می‌رود جده، راست است، ولی اگر هم نباشد، باز بشر زندگی می‌کند. وای به حال آن روزی که این معنویت‌ها از دست بشر برود. وای به حال آن که شما وقتی بگردی در میان بشر یک وجدان پیدا نکنی. وجدان، نه یک عقلی که بگوید خدا، نه یک عقلی که بگوید عدالت، نه یک زبانی که بگوید خدا و نه یک زبانی که بگوید عدالت، عقل و زبان کاری درست نمی‌کنند برای آدم. وای به حال آن روزی که روحی که در آن روح خدا باشد، وجدانی که آن وجدان عدالت باشد، پیدا نشود. وای به آن روزی که بگردی و یک میرزا محمدتقی شیرازی پیدا کنی، بگردی یک علامه طباطبایی پیدا کنی. آن وقت است فقر بشریت. آن وقت است که بشریت در ظلمت فرو رفته است. می‌گوییم عصر علم است و عصر نور، بسیار خوب، ولی خیلی نورش سطحی است. بشر به یک نورانیت دیگری احتیاج دارد. اصلاً اینها را اگر از بشر بگیرند، هرچه را به بشر بدهند، انگار هیچ است. اینها را که از بشر بگیرند، اصلاً مقدسات بشر را گرفته‌اند. دیگر آزادی لفظ است، عدالت لفظ است، حاکمیت ملی لفظ است. بشریت، انسانیت لفظ است. یک ظلمت مطلق. یک عده حیوانات درنده به جان یکدیگر افتاده‌اند» (مطهری، ۱۳۹۹، در نشانی اینترنتی ایکنا).

ج) تولی و تبری

همان طور که بیان شد، دو جریان در این عالم وجود دارد: جریانی تحت ولایت الله و جریانی



دیگر تحت ولایت اولیای طاغوت. با توجه به آیات و روایات، کسانی که می‌خواهند خداوند متعال را پرستش کنند، نمی‌شود نسبت به این دو جریان یا دستگاه بی‌تفاوت باشند. باید نسبت به دستگاهی تولی و نسبت به دیگری تبری داشته باشند. کما این تولی و تبری به این است که با تمام قوا باشد. در روایت داریم: «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَازٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۸). حال ایمان که حقیقت آن تولی و تبری است «هَلِ الْإِيْمَانُ إِلَّا الْحَبُّ وَ الْبُغْضُ» (مجلسی ۱۳۶۲، ۶۹: ۳۴۱)، زمانی به طور کامل محقق می‌شود که از قلب به اعضا و جوارح بروز و ظهور یافته باشد. هم در دوستی نسبت به دستگاه حق و هم دشمنی نسبت به دستگاه باطل. به طور مشخص در تبری مؤمن بایست قلباً نسبت به جریان ابلیس نفرت داشته باشد و توأم با این بی‌زاری درونی، بغض او به دستگاه باطل خود را در عمل و گفتار نمایان کند. این همان موضع‌گیری در برابر دشمنان خداست. به طور خلاصه تبری به شکل تام در صورتی است که انسان با تمام قوا در برابر شیاطین بایستد.

سه فلسفه را برای اهمیت تبری ذکر می‌کنیم: ۱. تبری موجب می‌شود مؤمنان به دستگاه باطل میل و رغبتی نداشته باشند که میل و علاقه خود مقدمه دوستی با اولیای طاغوت است و می‌تواند تا تسلیم شدن در برابر خواسته‌های ابرقدرت‌ها پیش رود. ۲. تبری نسبت به کفار باعث می‌شود مؤمنان با کفار اختلاط و آمیختگی نداشته باشند. در خوردن، خوابیدن، پوشش، ازدواج کردن، معاملات، ارتباطات و ... همانند کفار عمل نکنند. به بیانی جامع تبری موجب می‌شود سبک زندگی اهل ایمان متأثر از فرهنگ بیگانگان نشود. ۳. تبری جامعه مؤمنان را در جهت تخریب و تضعیف دستگاه باطل بسیج می‌کند و حرکت در جهت اعتلای کلمه حق شدت می‌گیرد (میرباقری، ۹۵/۰۳/۲۶).

نکته مهم دیگر آنکه تولی نسبت به دستگاه حق زمانی محقق می‌شود که تبری به باطل به وجود آمده باشد. اینکه در زیارت عاشورا می‌خوانیم «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» اشاره به همین معناست که زمانی انسان به معیت با امام علیه السلام می‌رسد که تبری از دشمنان خدا روزی اش شده باشد (میرباقری، ۹۶/۰۹/۲۷). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا، فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يَبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفَيْكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِذَا كَانَ



يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَالْيَسَ فَيْك خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ: اگر خواستی بدانی که در وجودت خیر و خوش‌بختی هست یا نه، به درون خود دقت کن. اگر اهل عبادت و طاعت را دوست داری و از اهل معصیت و گناه ناخوشایندی، پس در وجودت خیر و سعادت وجود دارد و خداوند تو را دوست می‌دارد؛ ولی چنانچه از اهل طاعت و عبادت ناخوشایند باشی و به اهل معصیت، عشق و علاقه ورزیدی، پس خیر و خوبی در تو نباشد و خداوند تو را دشمن دارد» (حر عاملی ۱۴۱۴، ۱۶: ۱۸۳).

از این روایت شریف این برداشت را می‌توان کرد که انسانی که در مسیر حق است، نسبت به آنهایی که در وادی ولایت الهی‌اند، حب و در مقابل نسبت به کسانی که در وادی شرک و کفرند، بغض دارد. اگر بخواهیم مفهوم تبری در این روایت را در مقیاسی جامع تفسیر کنیم، این‌طور بیان می‌داریم که رهپویان حق می‌بایست نسبت به دستگاه کفر، بغض داشته باشند (میرباقری، ۹۵/۰۳/۲۶).

بنابراین مؤمنان مطلقاً نباید به دستگاه باطل میل و رکون پیدا کنند؛ زیرا این میل مقدمات تبعیت را فراهم می‌آورد. خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً» (فرقان: ۵۲). برخی مفسران درباره آیه فوق که همین عدم اطاعت از کفار پیامبر را وارد عرصه جهاد کبیر می‌کند، بر این باورند حضرت نبی ﷺ موظف است با قرآن کریم (جاهدتم به) در مقابل طرح کفار ایستادگی کند. به دیگر بیان پیامبر خاتم ﷺ طرحی جامع را برای بشر آورده است که بزرگ‌ترین تهدید برای مستکبران عالم به شمار می‌رود. طرح نبی اکرم ﷺ برای تمامی عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد و نیز محدود به زمانی خاص نیست. حال افراد یا جوامعی که با پیامبر همراه می‌شوند، در تمامی عرصه‌ها و در همه زمان‌ها برای اجرای برنامه جامع الهی یا همان دین اسلام که مطابق با فطرت انسان‌ها و هماهنگ با هستی است و بشر را به سعادت دنیا و آخرت راهنمایی می‌کند، با نظام‌های مادی که اساس در آنها پرستش دنیاست و برنامه الهی در زندگی اجتماعی شان جایگاهی ندارد، همواره درگیرند تا زمانی که خداوند وعده خود را محقق کند و حق را پیروز و باطل را به طور کامل نابود گردانند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳).



باید به این نکته توجه داشت که نظام‌های مادی به مانند نظام‌های مدرن در غرب، باطل محض نیستند. این دستگاه‌ها رنگ و لعابی از حق به خود می‌زنند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام: «فلو ان الباطل خلس من مزاج الحق لم یخف علی المرتادین» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰)؛ یعنی اگر باطل از آن آمیختگی‌ای که با حق پیدا کرده جدا شود، کسانی که طالب حق‌اند هیچ گاه دچار اشتباه نمی‌شوند. در جهان امروز سردادن شعار آزادی، حقوق بشر، برابری و ... از همین جنس می‌باشد (میرباقری، ۹۹/۰۶/۳).

در عصر حاضر، نظام استکبار به سردمداری آمریکا که ادعای رهبری دنیا را دارد، سیستمی را در مقیاس جهانی طراحی کرده است که برای عرصه‌های مختلف زندگی بشر اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... برنامه دارد. اگر ملتی همسو با این سیستم نشود و خود را جزئی از اجزای آن قرار ندهد، خود را در معرض یک جنگ تمام عیار قرار داده است؛ چراکه نظام سلطه به وسیله جنگ نرم (تهاجم فرهنگی، تحریم، فشارهای سیاسی و ...) یا جنگ سخت (لشکرکشی نظامی، ترور و ...) به دنبال تغییر رویکرد ملت‌های مخالف و در صورت عدم تحقق این هدف در صدد از میان برداشتن آنها هستند. بنابراین همان طور که گذشت، جوامعی که حول نبی اکرم صلی الله علیه و آله گرد آمده‌اند، وارد عرصه جهاد کبیر می‌شوند که ورود به این عرصه که همان پیروی از حق و سربرداشتن از باطل است، از مسیر عدم رکون به کفار و بغض نسبت به دستگاه باطل می‌گذرد (میرباقری، ۹۶/۰۷/۲۷).

بنابراین در عصر کنونی، نظام کفر جهانی در تلاش برای جهانی کردن فرهنگ دنیاپرستی است و از ابزارهای مختلف در این راستا بهره می‌جوید تا با به رنگ خود درآوردن همه جوامع، زمینه سلطه بر تمامی ملل را فراهم کند. آیا می‌شود کسی فرهنگ غرب را برگزیند و اهل طاعت خدا باشد؟ دلیل مضحک بودن این سؤال از آن جهت است که تمدن غرب، تمدنی مادی است که بر انکار خدا و ارزش‌های الهی بنا شده است. بنابراین اگر کسی از اهل معصیت که امروزه مصداق تامش مستکبران عالم‌اند، تبری نجوید، نمی‌تواند ادعای دیانت و خدادوستی داشته باشد (میرباقری، ۹۵/۰۳/۲۶).

از طرفی انسانی که با ایمان و طاعتش داخل در وادی ولایت خدا و اولیای الهی گشته است، محبت الهی که بالقوه در وجودش نهادینه شده بود، شکوفا می‌گردد. پیوند چنین انسانی با سایر انسان‌ها، حیوانات و طبیعت دایرمدار محبت است، مگر نسبت به کسانی که در برابر خداوند استکبار



ورزیده‌اند. بنابراین در جامعه‌ای که حول امام شکل می‌گیرد، رابطه مؤمنان نسبت به یکدیگر بر مدار محبت است. در چنین جامعه‌ای اصل بر محبت خدا و اولیای خداست و مؤمنان در راه خدا با یکدیگر رابطه محبت‌آمیز دارند.

نمونه این جامعه ایمانی را در سال‌های اخیر در فضای راهپیمایی اربعین حسینی دیده‌ایم. عاشقان حضرت اباعبدالله علیه السلام در سرزمین عراق گرد هم می‌آیند که این اجتماع بر مدار محبت و توأم با ایثار و از خودگذشتگی شکل می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای دیگر جمله هابز که «انسان گرگ انسان است»، سخنی نامفهوم و بی‌معناست. در عصر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام نیز چون مردم ولایت خدا و امام زمان را پذیرفته‌اند و در وادی ولایت الله سیر می‌کنند، وجودشان سرشار از محبت الهی است و این موجب می‌شود مناسبات اجتماعی در آن عصر موعود، نه فقط عادلانه بلکه بالاتر از آن فداکارانه است (میرباقری، ۹۶/۵/۲۰).

در مقابل محبت، کینه و دشمنی است که از منظر اسلام ریشه در استکبار بر خدای متعال دارد. ابلیس به جای خضوع و خشوع در برابر خداوند استکبار کرد. این تکبر منجر به عداوت، کینه و دشمنی نسبت به خداوند و بندگان خدا شد. قرآن کریم بارها اشاره کرده است که شیطان تمامی مکر و حیله خود را برای گمراهی انسان به کار می‌بندد: «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا تَجِدُنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شِمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف: ۱۷-۱۶) و از او به دشمنی آشکار تعبیر کرده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس: ۶۰). به هر حال ریشه همه این دشمنی‌های شیطان سرپیچی از عبودیت حضرت حق است.

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد، آن است که ابلیس و اعوان و انصارش (شیاطین) دشمنی خود را در قالب محبت اعمال می‌کنند. داستان حضرت آدم و فریب خوردنش که به وسیله قسم خوردن و خیرخواه جلوه‌دادن ابلیس بود، بیانگر همین نکته است (میرباقری، ۹۶/۵/۲۰).

امروز نیز مسلمانان باید هشیار باشند که نظام مستکبر آمریکا که حضرت امام خمینی علیه السلام با بهره‌گیری از تعالیم قرآن و انبیا آن را شیطان بزرگ نامید، برای فریب ملت‌های مسلمان خود را دوست و خیرخواه آنان معرفی می‌کند. لذا اگر از دشمنی نظام استکبار غفلت کنیم، به وعده‌های سیاست‌مدارانش اعتماد می‌کنیم و امضاهایشان را تضمین می‌دانیم.



دیگر آنکه نظام استکباری مدعی حقوق بشر، آزادی و امنیت است و با صدای بلند می‌گوید ما به دنبال صلح در تمام جهان هستیم؛ اما پرواضح است که اینها شعارهای بیش نیست و در واقعیت هر ملتی که تسلیم آنها نباشد، همه قوای خود را در جهت دشمنی با آن ملت به کار می‌گیرند. تاریخ نشان داده است اگر نظام سلطه در شرایطی با دشمنانش قراردادی را منعقد کند، مادامی که احساس کند منافعش در خطر است، دیگر به قرارداد پایبند نیست و آن را به راحتی زیر پا می‌گذارد. یکی از مصادیقی که می‌توان به آن اشاره کرد بدعهدی‌های آمریکا و شرکایش در موضوع برجام است (میرباقری، ۹۶/۵/۲۰).

د) معروف و منکر

ابوحنیفه از امام صادق علیه السلام درباره چیستی معروف سؤال کرد، حضرت فرمودند: «الْمَعْرُوفُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ الْمَعْرُوفُ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (بحرانی، ۱۴۱۹، ۵: ۷۴۹). سؤال بعدی ابوحنیفه از چیستی منکر بود که حضرت فرمودند: «اللَّذَانِ ظَلَمَاهُ حَقَّهُ وَ ابْتَرَاهُ أُمَّرَةً وَ حَمَلَا النَّاسَ عَلَى كَتِفِهِ» (بحرانی، ۱۴۱۹، ۵: ۷۴۹). پس «معروف» ولایت علی بن ابی طالب و «منکر» غاصبان خلافت الهی‌اند. بنابراین می‌توان گفت بالاترین مرتبه امر به معروف، حرکت در جهت شکل‌گیری جامعه‌ای بر محور خدا و امام علیه السلام و بالاترین مرتبه نهی از منکر بیرون‌کردن زمام امور از دست امامان جور است؛ لذا حرکتی که امام حسین علیه السلام علیه حکومت یزید انجام دادند، در این مقیاس تعریف می‌شود؛ چراکه تمامی منکراتی که گریبان‌گیر جامعه مسلمین شده بود، ریشه در ولایت یزید (طاغوت) داشت (میرباقری، ۹۹/۶/۸).

در مورد امر به معروف و نهی از منکر اقدام، اشاعه و اقامه داریم. اگر بخواهیم برای معرفی مثال بزنیم، اینکه کسی خود به مستضعفی کمک می‌کند، این اقدام است. اگر دیگران را دعوت به معروف ذکر شده کند، می‌شود اشاعه. ولی یک وقت فرهنگ کمک به مستضعفان در جامعه‌ای احیا می‌شود که نوع سوم اقامه را اقامه معروف می‌نامیم. حاکمیتی که خود را ذیل توحید تعریف می‌کند، باید معروف‌ها را در جامعه اقامه کند و نیز بستر را طوری فراهم آورد که خوبی‌ها در آن جامعه ارزش و بدی‌ها ضد ارزش تلقی گردد. در مقابل دستگاه باطل نیز شرور را ارزش و خیرات را ضد ارزش



معرفی می‌کند. اینکه در روایات مربوط به ویژگی‌های جوامع انسانی در آخرالزمان داریم که منکر، معروف و معروف، منکر شناخته می‌شود، جهتش آن است که دستگاه باطل بر دنیا سیطره یافته است و فرهنگ خود را بر جهان اقامه می‌کند. با توجه به مطالبی که گذشت، می‌توان گفت اقامه مقدم بر اقدام و اشاعه است؛ چراکه اقامه معروف یا منکر، زمینه را برای ارتکاب و نشر آنها فراهم می‌کند (میرباقری، ۹۶/۰۹/۲۷).

ح) معرفت‌شناسی در مکاتب اسلام و غرب

در فلسفه جدید غرب، ابزارهای شناخت انسان، حس و تجربه و عقل دانسته می‌شوند (ولی‌زاده، ۱۳۹۴، ۵)؛ در حالی که از منظر اسلام ابزارهای شناخت انسان عبارت‌اند از: وحی، فطرت، عقل، قلب و حس. حضرت امام علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را حس دانسته و چیزی را که ماده ندارد، موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یک‌سره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی اعم از حس و عقل می‌باشد و چیزی که معقول باشد، داخل در قلمرو علم می‌باشد، گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد و همان طور که موجود مادی به مجرد اعتبار دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است». همچنین معتقد است شناخت عقل تا به قلب و افهام نرسد، شناختی ناقص است و ادراک قلبی و رسیدن به حقیقت جز از طریق بندگی حق تعالی و خالی شدن از هوی و هوس ممکن نیست (ساداتی‌نژاد و شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۷-۲۰).

فلسفه جدید غرب جهان را بی‌معنا تفسیر می‌کند؛ جهانی که مبدأ و غایتی ندارد. در این جهان‌بینی انسان موجود مادی است که هرچه از دنیایش بیشتر لذت ببرد، سعادت‌مندتر است؛ از این رو نظام‌های غربی به ژاندارمی می‌مانند که باید پاسدار آزادی‌های فردی باشند، تا بدین وسیله افراد بتوانند تمایلات مادی خود را هرچه بیشتر ارضا کنند (میرباقری، ۹۵/۰۵/۳۱).

اساس نظام‌های اجتماعی در غرب بر انکار خداست یا دست‌کم حذف خدا از عرصه اجتماع است. به عبارتی دیگر روح دولت‌های غربی، بی‌خدایی و انسان‌محوری است. فیلسوفان غرب با



صدای بلند فریاد زده‌اند که در جامعه‌ای که خدا بمیرد، آن جامعه به رشد و توسعه می‌رسد. به باور آنها راه سعادت بشر آن است که دین را کنار بگذارد و با عقل خودبنیاد زندگی اجتماعی را طراحی کند (میرباقری، ۹۵/۱۰/۹).

در فلسفه‌های ماتریالیستی انسان موجودی تک‌بعدی است. در این نگاه رشد انسان فقط در گرو پرورش استعدادهاى مادى اوست؛ اما در فلسفه اسلامى، انسان علاوه بر ساحت مادى، داراى ساحتى معنوى است. در این دیدگاه انسان در عالم ماده محدود نشده است و با ارتباط با عالم غیب مى‌تواند تا جایی رشد کند که به مرتبه خلیفه‌اللهی نایل آید (سعدآبادی، تسلیمی و پرعزت، ۱۳۹۲: ۶۲۶). در اسلام توسعه هدف نیست، بلکه ابزاری برای رشد و تعالی انسان است. به همین علت زمانى مى‌توانیم نظامى را توحیدى بنامیم که در تمامی زمینه‌ها از قبیل سیاسى، اقتصادى، نظامى، فرهنگى و زیست‌محیطى، زمینه‌ساز رشد و تعالی فرد و جامعه باشد (میرباقرى، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۵). نظام‌های اجتماعى در غرب مبتنى بر فلسفه امانیستى است که این انسان‌محورى آغازگر منازعات در سطح فردى، اجتماعى و بین‌المللى است. در داخل بر سر کسب قدرت و ثروت و در خارج به خاطر سلطه بر کشورهای دیگر درگیرى و کشمکش اتفاق مى‌افتد. فلسفه سیاسى غرب که نگاه تک‌بعدى به انسان و جهان دارد، جهت‌گیرى سیاست را دست‌یابى به قدرت مادى به هر شیوه‌ای مى‌داند. درمقابل سیاست در اسلام، دانشى برای رساندن انسان‌ها به سعادت و مبرا از هر گونه خدعه و فریب است. حضرت امام خمینى علیه السلام سیاست را ابزاری برای تأمین نیازهای مادى و معنوى انسان‌ها و رساندن آنها به قرب الهى تعریف مى‌کند؛ اما در فلسفه سیاسى غرب، سکولاریزه کردن جامعه، راه رسیدن به توسعه معرفى مى‌شود (ملکوتیان، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۴). در اسلام، مسیر رشد و توسعه بر مبنای خدامحورى ترسیم مى‌گردد؛ از این رو در نظام‌سازى دینى، باید وحى مبنا قرار گیرد و عقل ذیل وحى و ابزاری در خدمت آن مى‌باشد؛ در حالی که در غرب وحى را در تعارض با تحلیل علمى از جهان مى‌دانند و این باور اساس گرایش غرب به مادى‌گرایی است؛ به همین علت شکل‌گیرى نظام‌های اجتماعى در غرب ریشه در جهان‌بینى مادى دارد (میرباقرى، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۳).

و) دموکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی

اندیشمندان لیبرال معتقدند توسعه سیاسی از مسیر سکولاریزه‌شدن فرهنگ و دوری جامعه از دین محقق خواهد شد. در مقابل متفکران مسلمان پیشرفت سیاسی را نتیجه خدامحوری و دین‌محوری در جامعه قلمداد می‌کنند. با این مبانی حکومت‌های دینی و سکولار شکل می‌گیرند که مهم‌ترین وجه تمایز آنها رویکردشان نسبت به دین است (ملکوتیان، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

در مردم‌سالاری دینی خواست مردم در چارچوب خواست و اراده الهی است؛ به دیگر بیان خواست مردم در طول اراده خداوند است؛ اما در دموکراسی، خواست مردم مبنای مشروعیت است (ولی‌زاده، ۱۳۹۴: ۸). اساساً دموکراسی یعنی اعتقاد به اینکه عقل جمعی قادر به تشخیص خیر از شر است و قوانین باید توسط خواست اکثریت وضع شود (عیوضی، ۱۳۸۸: ۸).

در لیبرال دموکراسی دو مقوله دین و سیاست کاملاً از یکدیگر جدایند. اساس سیاست بر امانیسم (انسان‌محوری) است؛ اما در مردم‌سالاری دینی دو امر الهی و سیاسی پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند و اساس سیاست بر خدامحوری است (سرپرست سادات، ۱۳۹۴: ۲۴۹۵). از این رو در مردم‌سالاری دینی رأی مردم در چارچوب دین پذیرفته است؛ اما در دموکراسی غربی رأی اکثریت به طور مطلق ملاک عمل قرار می‌گیرد. «از دیگر شاخص‌های دموکراسی، نسبی‌گرایی است؛ به این معنا که هیچ عقیده و ارزشی را حق مطلق قلمداد نمی‌کنند، در حالی که در اسلام نسبی‌گرایی در عقاید و ارزش‌ها مطرود است؛ چراکه در این عالم حقایقی ثابت وجود دارد» (ولی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹-۱۱). از این رو در مردم‌سالاری دینی اکثریت نمی‌توانند محتواسازی‌ای کنند که خارج از ارزش‌های اسلامی است، بلکه محتوا باید بر اصول دین استوار باشد (سرپرست سادات، ۱۳۹۴: ۲۴۹۵).

مقام معظم رهبری درباره نظام الهی می‌فرمایند: «مهم‌ترین کار اصولی‌ای که انقلاب کرده است، تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار است. این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است؛ آن هم با الهام از تعالیم اسلامی، نه با مکتب‌های این نظریه‌پرداز و آن نظریه‌پرداز و نقص‌ها و معارضاتی که در حرف‌هایشان هست؛ نه، با الهام از اسلام، با الهام از قرآن. "الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ"؛ نظام الهی در مقابل نظام طاغوتی است

و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، نظام الهی را معنا کرد به نظام مردمسالاری دینی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ تبدیل کرد نظام طاغوتی را به نظام مردمسالار؛ این مهم‌ترین کار است» (حسینی خامنه‌ای، ۹۶/۱۱/۲۹). بنابراین «مردمسالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردمسالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است؛ چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ از طرفی مردمسالاری واقعی بدون حاکمیت دین امکان‌پذیر نیست» (نجفی و یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۲).

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان گفت مردمسالاری دینی بر محور پرستش خدا شکل می‌گیرد؛ چراکه در زمان غیبت، با اذن و نصب عام معصوم علیه السلام، فقیه جامع الشرایط، سرپرستی جامعه را بر عهده دارد و مجری احکام الهی است؛ اما اگر حکومتی به غیر از این باشد، یعنی دین خدا و دستورهای الهی محور نظام سیاسی نباشد، آن حکومت طاغوت است، حال نامش را چه شاهنشاهی و چه دموکراسی بنامیم. به دیگر بیان زمانی که محور را میل اقلیت یا اکثریت قرار دادیم حکومت طاغوت و در مقابل اگر خواست و اراده خدا محور قرار گیرد، حکومت الهی خواهد بود. امام خمینی علیه السلام در کشف الاسرار می‌نویسد: «هیچ فرق اساسی میان مشروطه و استبداد و دیکتاتوری و دموکراسی نیست، مگر در فریبندگی الفاظ و حيله‌گری قانون‌گذارها. آری شهوت‌ران‌ها و استفاده‌چی‌ها فرق می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۲۷: ۲۹۱-۲۹۰). در جایی دیگر از همین کتاب آمده است: «جز سلطنت خدایی همه سلطنت‌ها بر خلاف مصلحت مردم بوده و جور است و جز قانون خدایی همه قوانین باطل و بیهوده است» (امام خمینی، ۱۳۲۷: ۱۸۶).

آیت‌الله میرباقری در این باره می‌گوید: «اساساً اولین مطلبی که در ساختار سیاسی جامعه و در فلسفه سیاسی خود باید تعیین کنیم و موضع قطعی و روشن خود را نسبت به آن اعلام نماییم، همین نکته است که آیا نظام سیاسی بر مدار عبودیت استوار است یا انانیت؟ فرض سومی هم وجود ندارد؛ یا انسان از بندگی خدای متعال آزاد است و بر این اساس، نظام اجتماعی خودش را معماری می‌کند یا در معماری نظام اجتماعی، مقید به بندگی خدای متعال است. بنابراین نخستین تقسیم‌بندی نظامات سیاسی همین است و تقسیم‌بندی‌های بعدی مثل استبدادی و غیراستبدادی و دیگر تقسیم‌بندی‌هایی که منجر به تعریف ده‌ها نوع حکومت شده است، همه بر مدار و در امتداد همین تقسیم اولی قرار



دارند. جامعه‌ای خود را بنده خدا می‌داند و در همه شئون خود از جمله در رویکرد به رفتار سیاسی و تصمیم‌گیری برای نظام اجتماعی، عبودیت را مبنا قرار می‌دهد و جامعه‌ای دیگر در رویکرد به نظام سیاسی از عبودیت فارغ است و کاری با خدای متعال ندارد و خودش را مدار تصمیم‌گیری در حوزه نظام سیاسی جامعه می‌پندارد. در جامعه اول همه مردم بنده خدای متعال هستند و منشور بیعت از هر دو طرف، دین خدای متعال است و بر اساس دین بیعت می‌کنند و بر همین اساس، بیعت می‌پذیرند. بیعت به معنای وفاداری نسبت به شایسته‌ترین انسان‌ها در سرپرستی جامعه بر مدار توسعه عبودیت است؛ یعنی با او بیعت می‌کنند که او عبودیت را توسعه دهد؛ چون سرپرستی توسعه اجتماعی باید در خدمت توسعه عبودیت باشد» (میرباقری، ۱۳۹۲: ۱۳۴). به باور ایشان (میرباقری) ارتباط میان ولی فقیه و مردم در حکومت دینی به گونه‌ای است که «هم در شکل‌گیری قدرت، هم در بقا و دوام قدرت، بیعت مردم سهم است. مردم بیعت می‌کنند، اما از يك مجرای خاص مشخص و مدوّن، مکلف به بیعت با شایسته‌ترین انسان‌ها هستند و بعد هم مکلف‌اند. در صورتی که ولی اجتماعی از ضوابطی که منشور بیعت بوده، عدول کرد، بیعت خود را بردارند. تشخیص و تعیین این هم بر اساس ضوابط مدوّن و مشخصی است که هماهنگ با فقه و وحی باشد؛ چون هم فقیه و هم امت، بنده خدای متعال هستند؛ یعنی در صبغه عبودیت، فقیهی که مدار حکومت اجتماعی است، با مردمی که با او بیعت می‌کنند، یکی هستند. هم او بر اساس تکلیف بیعت را می‌پذیرد و هم مردم و امت بر اساس تکلیف بیعت می‌کنند. امام خمینی علیه السلام که مبتکر ولایت فقیه در شکل قدرت اجتماعی بودند، تأکید می‌فرمودند که ولایت مطلقه فقیه، نه وکالت است و نه مقید. همچنین می‌فرمودند که مردم ولی نعمت ما هستند و ما خادم آن‌ها هستیم؛ یعنی مردم را بنده خدای متعال می‌دانستند و این گونه نبود که این دو رکن (اسلام و جمهوری) در تئوری ایشان متناقض باشد. وقتی ولی فقیه بیعت را بر اساس عبودیت می‌پذیرد و نه بر اساس انانیت، برای سرپرستی جامعه و خدمت‌گزاری، تکلیف پیدا می‌کند و مکلف است که به بهترین شکل جامعه را به صلاح آن نزدیک کند و این گونه نیست که حاکم دینی از توجه مردم به خودش ارتزاق کند و مبتهج باشد؛ چون این امر خلاف مراحل تکامل تقواست» (میرباقری، ۱۳۹۲: ۱۳۵).





ز) تمدن اسلامی در رویارویی با تمدن غرب

طرح عظیمی را که نبی اکرم ﷺ برای بشر آورده است، نه شریعت محور و نه اخلاق محور بلکه ولایت محور است. در این طرح اخلاق، مناسک و قواعد تابع ولایت الله است. در مقابل این طرح، برنامه‌ای وجود دارد که در تمامی ابعاد تابع ولایت ائمه جور است. بنابراین دو جبهه رویاروی هم قرار می‌گیرند که هر کدام از آنها برای تحقق اهدافش، نظامات اجتماعی شکل می‌دهد. بدین صورت نظام‌هایی بر محوریت ولات جنت یا ولات نار به وجود می‌آیند. باید توجه داشت که هر کدام از این نظام‌ها به دنبال بسط و گسترش خود هستند و برای خارج از قلمرو سرزمینشان برنامه دارند. معمولاً این سیاست برون مرزی در گام نخست از طریق ترویج فرهنگ دنبال می‌شود. امروزه سیاست جهانی‌سازی که از سوی قدرت‌های غربی به‌ویژه آمریکا اتخاذ شده، در وهله اول فرهنگ ملت‌ها را هدف قرار داده است؛ چراکه اگر ملت‌ها هویت خود را فراموش کنند و دچار استحاله فرهنگی گردند، اینها موجب می‌شود سیاست و اقتصادشان نیز همسویا تابعی از نظام جهانی شود. از این روست که بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی جهانی شدن را معادل آمریکایی شدن می‌دانند. بنابراین دستگاه باطل در پی تسری خود به دیگر جوامع علی‌الخصوص جامعه مؤمنان است؛ زیرا آنها در مقابل جبهه باطل طرح و برنامه دارند؛ طرحی که برای اداره جامعه اختلافات اساسی با طرح مستکبران عالم دارد؛ بلکه به تعبیری در نقطه مقابل آن است. لذا دستگاه باطل یکی از کارهایی که انجام می‌دهد، آن است که نمی‌گذارد فرهنگ توحیدی در جهان ترویج پیدا کند و پیوسته در جهت تخریب و تضعیف آن عمل می‌کند. برای مثال رسانه‌های غربی راهپیمایی اربعین را که در آن فرهنگ خداپرستی موج می‌زند، سانسور می‌کنند، اما از طرفی جنایت‌های گروه تروریستی داعش را که سردمداران خودشان به وجود آورنده آن‌اند، در جهت خراب کردن وجهه اسلام به طور گسترده بازتاب می‌دهند (میرباقری، ۹۶/۰۷/۲۷).

قبل از انقلاب اسلامی، جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود. دو قطب غربی و شرقی سعادت را جز از طریق عرفی‌سازی زندگی بشر و حذف دین لااقل از اجتماع، میسر نمی‌دانستند؛ به عبارتی دیگر سکولاریزم وجه اشتراک دو ابر قدرت بود. امپریالیسم و کمونیسم که هر دو معتقد به





زمینی کردن زندگی بشر بودند، دوگانه‌ای را درست کردند که بین توسعه و دین تعارض وجود دارد؛ به این معنا که حکومتی در چارچوب دین نمی‌تواند در مسیر توسعه حرکت کند. این حرف به یک معنا درست است؛ چراکه دین علی‌الخصوص اسلام ناب با توسعه مادی و دنیاپرستی در تعارض است؛ ولی بین رشد و تعالی و پیشرفت و سعادت بشر با اسلام هیچ تعارضی وجود ندارد؛ بلکه اسلام ناب یا همان اسلام اهل بیت برنامه‌ی جامعی برای رشد و تعالی جامعه دارد.

با وقوع انقلاب اسلامی نظریه حضرت امام خمینی علیه السلام که برگرفته از اسلام اهل بیت بود، در تضاد با مبانی تمدن مادی قرار گرفت و به سرعت در سراسر جهان منتشر شد و به رقیبی در برابر الگوی توسعه غربی و شرقی مبدل گشت. حضرت امام علیه السلام حرکت در مسیر انبیا و جمع شدن حول ائمه نور را تنها راه سعادت بشر تلقی کردند. از این رو دوقطبی جدیدی میان اسلام و کفر در جهان به وجود آمد. بعد از فروپاشی شوروی، ساموئل هانتینگتون نظریه برخورد تمدن‌ها را مطرح کرد. به اعتقاد او هشت تمدن هستند که مهم‌ترین آنها، لیبرال سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و تمدن اسلامی به رهبری ایران است. امروزه تمدن غرب تمام ابزار خود را به کار گرفته و از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند تا بتواند جهان را در خود هضم و تمامی تمدن‌ها را در تمدن غرب استحاله کند (میرباقری، ۹۵/۰۵/۳۱).

تمدن غرب می‌خواهد ایدئولوژی خود را در سراسر جهان گسترش دهد. آنها موضوع جامعه جهانی را مطرح می‌کنند و خود را رهبر جهان می‌نامند. نظام سرمایه‌داری تمام ابزار خود را به کار گرفته تا سایر ملل از جمله کشورهای اسلامی را با خود همفکر و همسو کند. به نظر می‌رسد بهترین دفاع در برابر این تمدن پیچیده و فراگیر، حمله است. رهبری انقلاب درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی می‌فرمایند: «سیدجمال‌الدین اسدآبادی در صدد آن نبود که از اسلام دفاع کند، بلکه او سنگ‌های فکر و فرهنگ و تمدن غرب را از موضع اسلامی خود بمباران می‌کرد تا آنها از خودشان دفاع کنند. او به آنها هجوم می‌برد».

برخی جریان‌ها در کشور بر این تصورند که می‌شود با غربی‌ها مصالحه و با تنش‌زدایی زندگی مسالمت‌آمیزی را با آنها برقرار کرد. اما واقعیت آن است که هژمونی غرب تا جمهوری اسلامی را همسو با نظام سرمایه‌داری جهانی نکنند، دست از ستیز برنمی‌دارد: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰). آنچه میان ما و قدرت‌های غربی فاصله انداخته و ایجاد



درگیری کرده، حاکمیت اسلام است؛ چراکه ریشه منازعات بر سر پرستش است: «امام -رحمة الله علیه- نیز می فرمود: جنگ با ما نه به خاطر ایرانی بودن، بلکه به خاطر اسلام است و اگر دست از اسلام برداریم، تمام است و با ما کاری ندارند» (میرباقری، ۹/۱۰/۹۵).

۴. بحث و نتیجه گیری

همان طور که گذشت، از منظر آیات و روایات صلاح و فساد در بستر پرستش خدا یا غیر خدا شکل می گیرد. انواع نظام های مادی با تغییر، انقلاب و بهینه سازی در درون خودشان، در صدد اصلاح خود بوده اند؛ اما چون این تغییرات در چارچوب پرستش غیر خداست، نتیجه ای جز فساد در عالم به همراه نداشته است. از منظر شیعه، اصلاح حقیقی بدون در نظر گرفتن خدا، ولایت و معاد امکان ندارد؛ لذا مفاهیم صلاح و فساد در این نگرش متفاوت از تعاریف این دو مفهوم در مکاتب مادی است؛ همچنین بیان داشتیم که بالاترین مرتبه امر به معروف، حرکت در جهت شکل گیری جامعه ای بر محور خدا و امام علیه السلام و بالاترین مرتبه نهی از منکر بیرون کردن زمام امور از دست امامان جور است.

کسانی که نظام اجتماعی را بر مبنای توحید شکل داده اند، نمی شود نسبت به دستگاه حق و باطل بی تفاوت باشند؛ باید نسبت به دستگاهی تولی و نسبت به دیگری تبری داشته باشند و این تولی و تبری کمالش به این است که با تمام قوا باشد.

دیگر آنکه از آنجا که نظام کفر جهانی در تلاش برای جهانی کردن فرهنگ دنیاپرستی است، برای این هدف سیستمی را در مقیاس جهانی طراحی کرده است. اگر ملتی همسو با این سیستم نشود و خود را جزئی از اجزای آن قرار ندهد، خود را در معرض تهدیدات مختلف قرار داده است. بنابراین جوامعی که حول پرستش خدا گرد آمده اند، با پیروی از حق و عدم متابعت از باطل وارد جنگی تمام عیار شده اند.

خلاصه کلام آنکه در عصر کنونی به نظر می رسد جبهه حق در مسیر مبارزه با جبهه باطل در وهله اول نیازمند تشکیل نظامی الهی و بعد از آن، تهیه نرم افزارهایی با مبانی اسلامی است. بر این اساس می توان به راحتی پیش بینی کرد که هرچه این نرم افزارها با دقت و قوت بیشتری طراحی و اجرایی شود،



از پیشرفت و قدرت نظام‌های مادی کاسته می‌شود. دقیقاً به همین علت است که بعد از انقلاب اسلامی، آمریکا از هیچ دشمنی اعم از جنگ، تحریم و ترور و... دریغ نکرده است؛ چراکه صاحبان زر و زور این را به‌خوبی دانسته‌اند که اگر جمهوری اسلامی به موفقیت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و نظامی برسد، طبعاً فرهنگ توحیدی در جهان گسترش پیدا خواهد کرد.



۵. منابع

قرآن کریم.

- بحرالعلوم، محمد (۱۳۶۲). بلغه الفقیه. ج ۳، تهران: مکتبه الصادق.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۹ق). البرهان فی تفسیر القرآن. ج ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت در قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ج ۱۶، قم: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۲۷). کشف الاسرار. تهران: انتشارات اسلامیه.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق). مفردات قرآن کریم. بیروت-دمشق: دار القلم-الدار الشامیه.
- رضی، سید محمد بن حسین (گردآورنده) (۱۴۲۷ق). نهج البلاغه. قم: مؤسسه دار الهجره.
- ساداتی‌نژاد، سیدمهدی و شیرازی، علی (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای مبانی معرفت‌شناختی در نظریه مردم‌سالاری دینی و نظریه دموکراسی مشورتی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی و یورگن هابرماس. فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، ۷ (۳).
- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۴). نظریه استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- سعدآبادی، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۲). الگوی پیشرفت و تعالی علوی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. ج ۱، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸). مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال‌دموکراسی. راهبرد یاس، (۳۱)، بهار ۱۳۸۹.



کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. ج ۸، تهران: انتشارات اسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحار الانوار. ج ۴، ۴، ۵۱ و ۶۹، تهران: انتشارات اسلامیه.

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای مبانی اندیشه‌ای و کارکردهای مفهوم آزادی در انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران. ماهنامه معارف، (۹۵).

موسوی، سیدعلی (۱۳۹۱). از معناگرایی تا لذت‌گرایی دو رویکرد به آزادی در دو سپهر معرفتی. مجموعه مقالات چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۲). روش و منبع تولید الگوی پیشرفت. مجموعه مقالات دومین کنفرانس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۲). شرط و شروط یک تنفیذ؛ بررسی تفاوت نظام بیعت و نظام رأی در اداره جامعه. مجله سوره اندیشه، (۷۰)، ۱۳۶-۱۳۳.

نجفی، موسی، و یوسفی، بتول (۱۳۹۷). نسبت نظام دینی، تمدن غرب (تمدن موجود) و تمدن مهدوی (تمدن موعود). فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، ۹ (۱).

ولی‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۴). مقایسه مبانی و شاخص‌های مردم‌سالاری دینی با لیبرال‌دموکراسی. کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه، شیراز: مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران (متانا).

منابع اینترنتی

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶). متن بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی. بازیابی شده در تاریخ ۹۶/۱۱/۲۹، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۸۹۷۵>.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). ویدئو با عنوان «وای به روزی که یک علامه طباطبایی پیدا نکنی». بازیابی شده در تاریخ ۹۹/۰۸/۲۵، در:

<https://iqna.ir/fa/news>.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۵). فرایند تفکیک جریان حق و باطل در عالم و سیر مؤمنین در این مسیر. متن سخنرانی در مسجد الزهرا تهران به تاریخ ۹۵/۵/۱، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۵). وظایف حوزه انقلابی در تمدن اسلامی و رویارویی با تمدن غرب. متن سخنرانی در جمع طلاب حوزه علمیه همدان به تاریخ ۹۵/۵/۳۱، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.



میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۵). بررسی نظریات تحلیل نسبت به تمدن غرب، ریشه‌یابی بحث مواجهه تمدنی ایمان و کفر در فلسفه تاریخ. متن سخنرانی به تاریخ ۹۵/۵/۲۰، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۵). نزاع کفر و توحید بر سر اله و معبود؛ پیروزی قطعی و نهایی جبهه حق. متن سخنرانی در سالگرد حادثه نهم دی در استان البرز به تاریخ ۹۵/۱۰/۹، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۴). تحقیر، فریفتگی و انحلال بستر ساز نفوذ فرهنگی. متن سخنرانی در جامعه الزهرا و طلاب حوزه علمیه خواهران به تاریخ ۹۴/۱۰/۱۷، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۹). تبیین حقیقت فساد و صلاح در ساحت ولایت حق و باطل ذیل سوره اعراف. متن سخنرانی در جلسه دوازدهم شرح کتاب الحجج کافی به تاریخ ۹۹/۰۹/۴، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۹). لزوم تبیین مفاهیم اصلاح و فساد بر اساس معارف و پرهیز از عرفی سازی مفاهیم دینی. متن سخنرانی در جلسه پایانی هیئت ثارالله به تاریخ ۹۹/۰۶/۱۰، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۶). جریان حق و باطل و اقامه تولی و تبری تاریخی برای جدانشدن و تمحیص مؤمنین از جریان باطل، متن سخنرانی در همایش مبلغین فاطمیه در مشهد مقدس به تاریخ ۹۶/۰۹/۲۷، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۵). تولی و تبری تنها راه حفظ مؤمنین در عالم دنیا. متن سخنرانی در جلسه چهارم شبهای ماه رمضان شاهرود به تاریخ ۹۵/۰۳/۲۶، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۹). دنیای مدرن و اعلام استغنا از تعالیم انبیا و تنظیم ساختارهای اجتماعی بر محور منافع طواغیت. متن سخنرانی در جلسه پنجم هیئت ثارالله به تاریخ ۹۹/۰۶/۳، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۶). درگیری و نزاع همه‌جانبه جبهه حق و باطل با محوریت ولایت و خلافت الهی. متن سخنرانی در جلسه هشتم هیئت ثارالله به تاریخ ۹۶/۰۷/۲۷، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.

میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۹۶). جهاد کبیر در مقابل دستگاه شیطان و جامعه جهانی. متن سخنرانی در



جلسه سوم هیئت اندیشه شهرکرد به تاریخ ۹۶/۰۵/۲۰، در:

<http://mirbaqeri.ir/articles>.





بسیج، نیروی محرک مشارکت مردمی در حل مشکلات اجتماعی

مینا ابوالحسن باشی^۱

چکیده

مشارکت اجتماعی به معنای حضور فعال و داوطلبانه افراد در امور جامعه برای تحقق اهداف مشترک و حل مسائل اجتماعی است. بسیج به عنوان یک نهاد مردمی با دارا بودن شبکه‌ای گسترده از پایگاه‌ها و بسیجیان در سراسر کشور می‌تواند بستر مناسبی برای جلب مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی فراهم کند. این پژوهش با هدف بررسی نقش بسیج به عنوان یک نهاد مردمی در افزایش مشارکت اجتماعی و حل مشکلات جامعه انجام شده است. در این تحقیق با استفاده از روش‌های کیفی و تحلیل اسنادی، راهکارهایی مانند افزایش آگاهی عمومی، توان‌مندسازی افراد، حمایت از ابتکارات مردمی، تسهیل ارتباط بین مردم و مسئولان و به‌کارگیری نیروهای جوان ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد بسیج با تقویت روحیه مشارکت و همبستگی اجتماعی می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک در حل مسائل اجتماعی و توسعه پایدار جامعه عمل کند.

کلیدواژه‌ها:

مشارکت اجتماعی، مشکلات اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، بسیج.

۱. کارشناسی ارشد، آموزگار اداره آموزش و پرورش خوزستان، اهواز، ایران





۱. مقدمه و بیان مسئله

مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی دو مفهوم بنیادین در جامعه‌شناسی اند که به شدت با هم ارتباط دارند. زمینه‌های مشارکت مدام در تعاملات اجتماعی شکل گرفته و دگرگون می‌شوند و بر پایه اعتماد میان افراد استوارند. این اعتماد منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌شود که نمود عینی آن، مشارکت عملی است. مشارکت، نقشی کلیدی در مشروعیت و مقبولیت نظام‌های سیاسی ایفا می‌کند. مقبولیت یک نظام نشان‌دهنده توافق عمومی بر مشروعیت آن است. این توافق عمومی را می‌توان با میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی سنجید. مشارکت اجتماعی و سیاسی هم می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای از سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود و هم نتیجه آن باشد (حضرتی صومعه و تنهایی حسین، ۱۳۸۸). در این پژوهش ما بر نقش بسیج به عنوان نیروی محرک مشارکت مردمی در حل مشکلات اجتماعی به عنوان مؤلفه‌ای از سرمایه اجتماعی تمرکز خواهیم کرد. پرسش اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه میان مشارکت اجتماعی و سیاسی با تمرکز بر نیروی بسیج در جامعه است. چرا مشارکت اجتماعی مهم است؟ عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی چیست و بسیج چگونه می‌تواند مشارکت اجتماعی را ایجاد کند و افزایش دهد؟ در این پژوهش مشارکت به عنوان متغیر وابسته و بسیج به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. نوع و کیفیت مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر میزان و ابعاد سرمایه اجتماعی دارد. به عبارت دیگر هرچه مشارکت افراد داوطلبانه‌تر، فعال‌تر و آگاهانه‌تر باشد، سرمایه اجتماعی گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد. این پژوهش با هدف بررسی نقش بسیج به عنوان نیروی محرک مشارکت اجتماعی و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. بسیج به عنوان یک نهاد مردمی، با تقویت مشارکت اجتماعی، می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه حل مشکلات اجتماعی کمک کند.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

الف) مبانی نظری

۱) مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان یک پدیده چندوجهی در علوم اجتماعی، در دهه‌های اخیر توجه بسیاری



را به خود جلب کرده است. این مفهوم که به عنوان یک ساختار نامرئی اما قدرت‌مند در جامعه شناخته می‌شود، از اواسط قرن بیستم به طور جدی وارد مباحث علمی شده است. پیر بوردیو (Pier Bourdieu) جامعه‌شناس فرانسوی بر این باور است که سرمایه اجتماعی به افراد این امکان را می‌دهد تا از منابع و فرصت‌های موجود در جامعه بهره‌مند شوند. فرانس فوکویاما (Francis & Fukuyama) نیز با تأکید بر نقش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، این مفهوم را به عنوان یک بستر اجتماعی برای همکاری و مشارکت داوطلبانه می‌داند. سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع ارزشمند در جامعه می‌تواند در حل مشکلات اجتماعی، تقویت انسجام ملی و توسعه پایدار نقش مؤثری ایفا کند. این مفهوم به عنوان یک کلید موفقیت در جوامع مدرن شناخته می‌شود و بسیاری از محققان بر اهمیت اندازه‌گیری و تقویت آن تأکید دارند (صالحی امیری و امیرانتخابی، ۱۳۹۲).

۲) مفهوم مشارکت

مشارکت به معنای پیوند عمیق فرد با جامعه و حضور فعال و داوطلبانه او در امور جمعی است. این فرایند سازمان‌یافته بر پایه اراده و انتخاب فرد استوار است و به شهروندان فرصت می‌دهد تا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دهی زندگی اجتماعی سهیم شوند (کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴). فعالیت‌های داوطلبانه از ارزش‌ها و اعتقادات مشترک جامعه‌اند و هم بر فرد و هم بر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارند. این فعالیت‌ها سرمایه اجتماعی را تقویت کرده، مشارکت را گسترش می‌دهند (پاتنام Putnam)، (۱۹۹۳) همکاری و مشارکت، دو سوی یک سکه‌اند و نشان از سطح بالای سرمایه اجتماعی در یک جامعه دارند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، مشارکت یک تعامل چندجانبه است که هم به مردم امکان می‌دهد تا در امور جامعه دخالت کنند و هم به نظام سیاسی کمک می‌کند تا به توسعه پایدار دست یابد (اخشی و گلابی، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر نوع نظام سیاسی، نقش مهمی در تسهیل یا محدودکردن مشارکت شهروندان ایفا می‌کند.

۳) مبانی مشارکت

گائوتری (Gaoteri) یکی از پیش‌نیازهای کلیدی برای مشارکت مردمی را «ایدئشناسی مشارکت»



می‌داند. وجود چنین ایده‌شناسی به نهادینه‌شدن و پایدارشدن فرایند مشارکت در جامعه کمک شایانی می‌کند. این بعد هنجاری و ارزشی بر سایر ابعاد مشارکت نیز تأثیرگذار است. امام خمینی با ایجاد تحول در نگرش انسان ایرانی، بعد ارزشی مشارکت را در ذهن جامعه ایرانی نهادینه کرد و حس تعلق اجتماعی را در جامعه تقویت نمود. این فرایند، احساس مسئولیت و تعهد نسبت به مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن را در افراد تقویت می‌کند (کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴).

۴) انگیزه مشارکت

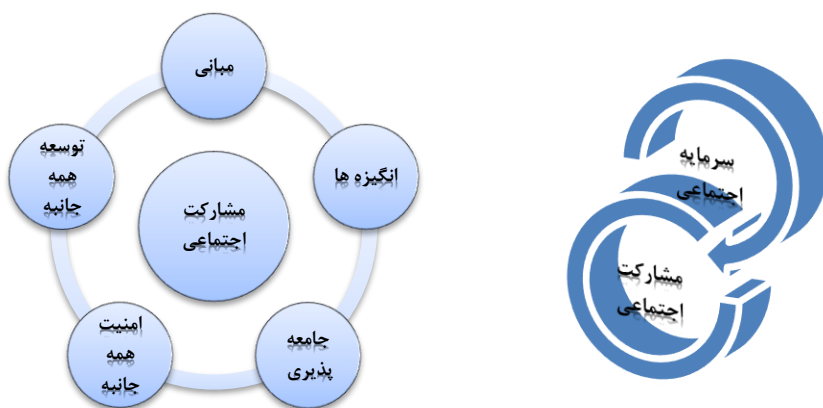
انگیزه اصلی مردم برای مشارکت نباید از روی عادت یا مصلحت شخصی باشد، بلکه باید بر پایه مشروعیت قرار گیرد. عادت به معنای الگوهای رفتاری تکراری و ناخودآگاه است که در طول زمان در جامعه شکل می‌گیرند. مشارکت صرفاً برای کسب منافع شخصی، روح وحدت و برادری را در جامعه تضعیف می‌کند. این نوع مشارکت نه تنها سرمایه اجتماعی ایجاد نمی‌کند، بلکه به دلیل فقدان صداقت و صمیمیت، به تدریج روح مشارکت را نیز از بین می‌برد. در مجموع مشارکت واقعی باید بر اساس باورها، ارزش‌ها و منافع مشترک جامعه باشد. این نوع مشارکت، پایدارتر و مؤثرتر خواهد بود و به توسعه و پیشرفت جامعه کمک می‌کند (محمدیان و یوسفی، ۱۳۹۳).

۵) نقش مشارکت

مشارکت، نیروی محرکه اصلی در حفظ، تداوم و تقویت اندیشه‌های پویا و حیات‌بخش اسلام است. مشارکت، نقش کلیدی در ایجاد نشاط اجتماعی و همبستگی میان افراد ایفا می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، الگوهای رفتاری و عملکرد افراد را شکل می‌دهند. بدون وجود این ارزش‌ها، جامعه به سمت بی‌نظمی و آشوب سوق پیدا می‌کند. ارزش‌های مشترک، یکپارچگی اجتماعی را تضمین کرده، مانع از فروپاشی جامعه می‌شوند. مشارکت به عنوان یک ارزش اجتماعی، منجر به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی، تقویت حس تعلق افراد به جامعه و ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود. بهترین راه مقابله با تهاجمات نظامی، فرهنگی و سیاسی، تقویت روحیه همکاری و مشارکت عمومی است. نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت و شکل‌گیری هویت جمعی،



باعث افزایش خودباوری و احساس تعلق افراد به جامعه می‌شود (اخشی و گلابی، ۱۳۹۴).



شکل شماره ۱: رابطه سرمایه با مشارکت اجتماعی - شکل شماره ۲: الگوی مشارکت اجتماعی

ب) پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده(گان)
اشاره به مکانیزم‌های تأثیرگذار بر مشارکت مانند پاداش مشارکت، هدف مشارکت، توانایی مشارکت‌کننده و موانع مشارکت دارد. در بعد ساختاری مشارکت، فقط به نبود موانع بوروکراتیک اشاره شده است.	مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی (با تأکید بر ایران)	شکوری (۱۳۹۱)
تأثیر فضای سیاسی مناسب بر مشارکت را بررسی کرده و دموکرات‌بودن جامعه را تسهیل‌کننده مشارکت بیان نموده‌اند.	جامعه‌شناسی مشارکت	غفاری و نیازی (۱۳۹۱)
مدیریت مشارکتی را محصول انقلاب فراصنعتی	راهکار عملی افزایش	بختیاری (۱۳۹۳)



نویسنده(گان)	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	مشارکت کارکنان در مدیریت	دانسته، به مشارکت کارمندان در اداره امور و تصمیم‌گیری‌ها توجه دارد.
غنی ورزنده (۱۳۹۳)	بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان در شهر اصفهان	نشان داده است که استفاده افراد از رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی و ساختار دموکراتیک خانواده‌ها باعث افزایش مشارکت زنان می‌شود.
حبیب‌زاده (۱۳۹۳)	بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی	بیان کرده است که برای افزایش مشارکت اجتماعی، باید هویت ملی-دینی جوانان تقویت شود. همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالای جوانان باعث کاهش مشارکت آنها می‌شود.
گل‌شیری اصفهانی و همکاران (۱۳۹۴)	تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان بخش گندمان شهرستان بروجن	نشان داده است که انسجام اجتماعی بر مشارکت اجتماعی روستاییان تأثیر مستقیم دارد.
ناصرپور رضا کریم‌سرا (۱۳۹۳)	بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی با تأکید بر مشارکت در امور شهر	اعتماد بین‌شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی را به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی معرفی کرده است.

ج) جمع‌بندی پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند مشارکت اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی مانند فضای سیاسی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، رفاه اقتصادی و ساختارهای نهادی قرار دارد؛ همچنین مطالعات مختلف بر نقش نهادها و سازمان‌های غیردولتی در تسهیل مشارکت اجتماعی تأکید کرده‌اند.



۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با رویکردی نوآورانه بوده و در چارچوب پارادایم کیفی انجام شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی است و اسنادی-تاریخی است که در روش اسنادی و کتابخانه‌ای ابزار نمونه‌گیری و روش جمع‌آورده داده‌ها استفاده فیش برداری از مطالب موجود در کتب، مجلات، روزنامه‌ها، وبلاگ‌ها می‌باشد.

۴. یافته‌های پژوهش

مشارکت اجتماعی یکی از ارکان اصلی پیشرفت جوامع است. تقویت این مشارکت می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر، مردم‌سالارتر و پایدارتر منجر شود. برای تحلیل جامع‌تر از وضعیت مشارکت اجتماعی در ایران، به بررسی ابعاد مختلف آن با استفاده از آمار و ارقام موجود می‌پردازیم.

الف) مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی در ایران به عنوان شاخصی از میزان تعامل مردم با فرایندهای دموکراتیک نقش حیاتی دارد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰، نرخ مشارکت عمومی حدود ۴۸ درصد اعلام شد که نشان‌دهنده کاهش ۱۰ درصدی نسبت به انتخابات سال ۱۳۹۶ است. این کاهش قابل توجه بیانگر نارضایتی برخی اقشار جامعه از وضعیت سیاسی است؛ اما همچنان مشارکت سیاسی در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه و در سطح جهانی در میان بالاترین‌ها قرار دارد. حضور پررنگ مردم در اعتراضات سیاسی و اجتماعی نیز نشان‌دهنده تمایل مردم برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کلان است؛ به طوری که در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ بیش از ۷۰ درصد از استان‌ها شاهد حضور گسترده مردم در خیابان‌ها بودند که این امر حاکی از تمایل قوی به مشارکت سیاسی در ایران است.

ب) مشارکت اقتصادی: مشارکت اقتصادی به معنای فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران، نقشی کلیدی در تقویت ساختارهای اقتصادی جامعه دارد. طبق آمار مرکز آمار ایران، تعداد شرکت‌های تعاونی در کشور به حدود ۳۰۰ هزار شرکت رسیده است که حدود ۶ میلیون نفر را به طور مستقیم مشغول به کار کرده‌اند. با توجه به نرخ بیکاری ۹.۵ درصدی در سال ۱۴۰۰، رشد این بخش به‌ویژه در حوزه‌های صنایع کوچک و متوسط از اهمیت



بالایی برخوردار است. در همین راستا طرح‌هایی مانند «اشتغال‌زایی در مناطق محروم» و حمایت از مشاغل خانگی توانسته‌اند نرخ بیکاری را در برخی استان‌ها به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته کاهش دهند؛ برای نمونه در استان سیستان و بلوچستان با اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی و حمایت از کسب‌وکارهای محلی، نرخ بیکاری از ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۱۸ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است.

ج) مشارکت اجتماعی-فرهنگی: یکی از مهم‌ترین ابعاد مشارکت اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی است که موجب تقویت هویت اجتماعی و همبستگی میان مردم می‌شود. در ایران این مشارکت در قالب‌های مختلفی از جمله فعالیت‌های ورزشی، خیریه‌ای و هنری شکل می‌گیرد. طبق گزارش وزارت ورزش و جوانان، بیش از ۱۲ میلیون نفر در سال ۱۳۹۹ در فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی سازمان‌یافته مشارکت داشته‌اند که این رقم رشد چشمگیری را نسبت به سال‌های قبل نشان می‌دهد. همچنین سازمان‌های خیریه‌ای نظیر مؤسسات امام علی و محک، با جذب میلیون‌ها نفر از داوطلبان و خیرین توانسته‌اند در طی سال‌های اخیر به بیش از ۵ میلیون نفر از خانواده‌های نیازمند کمک‌رسانی کنند. این مشارکت‌ها نه‌تنها باعث ارتقای سطح اجتماعی می‌شود، بلکه در حل مسائل فوری مانند بحران‌های اقتصادی و اجتماعی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند.

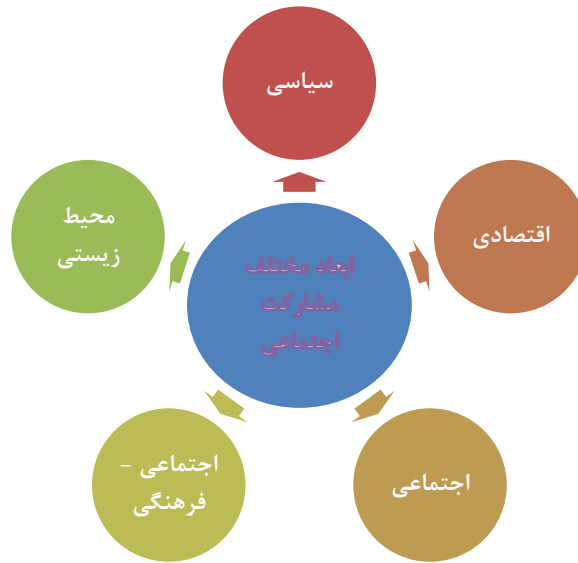
د) مشارکت محیط زیستی یکی از چالش‌های جدی امروز ایران، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست است. مشارکت اجتماعی در این حوزه می‌تواند به حفظ محیط زیست و کاهش بحران‌های زیست‌محیطی کمک کند. طبق گزارش سازمان محیط‌زیست ایران، در سال ۱۴۰۰، بیش از ۳۰۰ هزار نفر در طرح‌های درخت‌کاری و کمپین‌های محیط‌زیستی در سطح کشور مشارکت داشتند. در طرح «کمپین‌های جمع‌آوری زباله» بیش از ۲۰۰ هزار نفر به‌طور داوطلبانه در پاکسازی مناطق مختلف کشور شرکت کرده‌اند. این اقدامات به کاهش میزان آلودگی در مناطق شهری و روستایی منجر شده است. علاوه بر این ایران در راستای اجرای توافقنامه‌های بین‌المللی محیط‌زیستی، در سال ۱۳۹۹ موفق به کاهش ۲.۳ میلیون تن انتشار گازهای گلخانه‌ای در مقایسه با سال ۱۳۹۸ شد.

مشارکت اجتماعی در ایران به عنوان یک نیروی محرکه برای حل مسائل مختلف اجتماعی،





اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی شناخته می‌شود. اگرچه چالش‌هایی در راه افزایش این مشارکت‌ها وجود دارد، آمار و داده‌های موجود نشان‌دهنده توان‌مندی جامعه ایرانی در مواجهه با مشکلات و تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار است. در این راستا همکاری میان دولت، نهادهای مدنی و مردم برای تقویت این مشارکت‌ها ضروری است تا ایران بتواند به اهداف توسعه‌ای خود دست یابد و جامعه‌ای عادلانه، دموکراتیک و پایدار بسازد.



شکل شماره ۳: ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی

۵. اهمیت مشارکت اجتماعی

تقویت انسجام اجتماعی: مشارکت اجتماعی باعث تقویت روابط بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه شده و احساس تعلق به یک جامعه را افزایش می‌دهد.

افزایش اعتماد به نهادهای اجتماعی: مشارکت فعال مردم در امور جامعه، اعتماد آنها به نهادهای حکومتی و سازمان‌های مدنی را افزایش می‌دهد.

حل مشکلات اجتماعی: مشارکت اجتماعی به شناسایی و حل مشکلات اجتماعی کمک می‌کند و باعث می‌شود تصمیمات بهتری برای جامعه گرفته شود.





توسعه پایدار: مشارکت اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه پایدار است، زیرا باعث می‌شود منابع جامعه به صورت عادلانه و پایدار مورد استفاده قرار گیرند.

۶. مشارکت اجتماعی: تعاریف و ابعاد

مشارکت اجتماعی به معنای حضور فعال افراد و گروه‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی جامعه است. این مشارکت می‌تواند در ابعاد مختلفی از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیط‌زیستی صورت گیرد. بسیج به عنوان یک نهاد مردمی، با سازمان‌دهی و هدایت نیروهای داوطلب، می‌تواند در تمامی این ابعاد نقش مؤثری ایفا کند.

۷. نظریات مکاتب جامعه‌شناسی درباره مشارکت و نقش بسیج

الف) مکتب ساخت‌گرایی

ساخت‌گرایان معتقدند مشارکت اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی هر جامعه است. بسیج با ایجاد شبکه‌های محلی و تقویت نهادهای مدنی می‌تواند به نهادینه‌سازی مشارکت مردمی کمک کند (موسوی، ۱۳۹۰).

مثال عملی: در مناطق محروم ایران بسیج با تشکیل گروه‌های جهادی، زمینه‌ساز مشارکت مردمی در پروژه‌های عمرانی و آموزشی شده است.

ب) مکتب کارکردگرایی

کارکردگرایان بر نقش‌ها و کارکردهای مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه تأکید می‌کنند. بسیج با سازمان‌دهی نیروهای داوطلب می‌تواند به حفظ یکپارچگی و تعادل سیستم اجتماعی کمک کند (فخرایی، ۱۳۹۹).

مثال عملی: در زمان بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله، بسیج با بسیج نیروهای مردمی، به‌سرعت به کمک‌رسانی و بازسازی مناطق آسیب‌دیده پرداخته است.



ج) مکتب تضاد

مکتب تضاد مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی و کشمکش میان گروه‌ها بررسی می‌کند. بسیج با ایجاد اتحاد میان گروه‌های محروم، می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند (پیران، ۱۳۹۱).

مثال عملی: بسیج با اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی در مناطق محروم، به کاهش فقر و افزایش مشارکت اقتصادی این مناطق کمک کرده است.

د) رویکرد کنش متقابل نمادین

این رویکرد بر ویژگی‌های کنشگران، نظام معانی و گرایش‌های فردی تمرکز دارد. بسیج با تقویت ارزش‌های داوطلبانه و مشارکت‌محور، می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی در سطح فردی کمک کند (موسوی، ۱۳۹۰).

مثال عملی: بسیج با برگزاری اردوهای جهادی، جوانان را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی ترغیب می‌کند.

۸. نهادگرایی نوین و نقش بسیج در مشارکت اجتماعی

نهادگرایی نوین به عنوان یک رویکرد تحلیلی، نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد. بسیج به عنوان یک نهاد مردمی، می‌تواند با ایجاد ارتباط بین دولت و مردم، به تقویت مشارکت اجتماعی کمک کند.

مثال عملی: بسیج با اجرای طرح‌های مشارکت‌محور مانند «همیاران محله» به افزایش مشارکت مردمی در حل مشکلات محلی کمک کرده است.

۹. بسیج و مشارکت اجتماعی در جهان امروز

در جهان امروز بسیج با استفاده از فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش



مشارکت مردمی در حل مشکلات اجتماعی کمک کند. با این حال چالش‌هایی مانند نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مانع مشارکت عادلانه همه گروه‌ها در جامعه شود.

مثال عملی: بسیج با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال به بسیج نیروهای داوطلب برای کمک‌رسانی در بحران‌های اجتماعی مانند همه‌گیری کرونا پرداخته است.

الف) افزایش آگاهی (متغیر مستقل: آگاهی اجتماعی): مطالعات نشان داده‌اند که سطح آگاهی شهروندان درباره حقوق، مسئولیت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی، رابطه معناداری با میزان مشارکت اجتماعی دارد (نجفی، ۱۳۹۹). بسیج می‌تواند با استفاده از برنامه‌های آموزشی، کمپین‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی، سطح آگاهی جامعه را افزایش دهد و زمینه مشارکت فعالانه‌تر را فراهم کند.

ب) تأثیر هویت‌سازی (متغیر مستقل: هویت اجتماعی): هویت اجتماعی یکی از عوامل کلیدی در تقویت حس مسئولیت‌پذیری افراد است (توسلی و همکاران، ۱۳۹۷). تحقیقات نشان می‌دهد زمانی که افراد هویت جمعی و تعلق خاطر به جامعه خود را تقویت کنند، تمایل بیشتری برای مشارکت اجتماعی خواهند داشت (غفاری، ۱۳۹۵). بسیج با برگزاری کارگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری و تعامل با گروه‌های مرجع، می‌تواند هویت اجتماعی جوانان را به گونه‌ای شکل دهد که ارزش مشارکت را درک کنند.

ج) ترویج مشارکت داوطلبانه (متغیر مستقل: انگیزه مشارکت): مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد مشارکت داوطلبانه تأثیر مثبتی بر پایداری و اثربخشی اقدامات اجتماعی دارد (زارع، ۱۴۰۱). بسیج باید فضایی ایجاد کند که مردم مشارکت را نه به عنوان یک وظیفه بلکه به عنوان یک فرصت برای رشد فردی و اجتماعی ببینند.

د) به‌کارگیری جوانان (متغیر مستقل: اعتماد به جوانان): تحقیقات انجام‌شده در حوزه توسعه اجتماعی نشان می‌دهد مشارکت جوانان در فرایندهای تصمیم‌گیری، احساس مسئولیت و تعهد آنان را نسبت به جامعه افزایش می‌دهد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰). بسیج می‌تواند با ایجاد فرصت‌های نقش‌آفرینی برای جوانان، زمینه افزایش مشارکت آنان را فراهم کند.

ه) خدمت صادقانه (متغیر مستقل: اعتماد اجتماعی): اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از عوامل



کلیدی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مشارکت مردم دارد (پوتام، ۲۰۰۰/کلمن، ۱۹۹۰). ارائه خدمات صادقانه و بی‌منت از سوی بسیج می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی و در نتیجه ارتقای مشارکت مردمی شود.

(و) بهره‌گیری از گروه‌های کوچک و منسجم (متغیر مستقل: انسجام اجتماعی): مطالعات نشان داده‌اند گروه‌های کوچک با ارتباطات نزدیک، تأثیر بیشتری در ترغیب افراد به مشارکت اجتماعی دارند (بورديو، ۱۹۸۶). بسیج می‌تواند از این ظرفیت استفاده کرده، گروه‌های محلی، تعاونی‌ها و هسته‌های اجتماعی را برای حل مسائل جامعه به کار گیرد.

(ز) دعوت از افراد درگیر مشکلات اجتماعی (متغیر مستقل: تجربه زیسته افراد درگیر مشکل): مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهند درگیرکردن افرادی که مستقیماً تحت تأثیر یک مشکل اجتماعی‌اند، می‌تواند درک بهتری از نیازها و راهکارها ایجاد کند (گیدنز، ۲۰۰۱). بسیج می‌تواند از این رویکرد برای چاره‌اندیشی و ارائه راه‌حل‌های مؤثر استفاده کند.

(ح) آموزش افراد برای غلبه بر حس ناتوانی (متغیر مستقل: خودکارآمدی اجتماعی): پژوهش‌ها نشان داده‌اند احساس ناتوانی و عدم آگاهی از ساختارهای اداری و اجتماعی، موجب کاهش مشارکت شهروندان می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷). بسیج می‌تواند با آموزش‌های هدف‌مند، افراد را در این زمینه توانمند کند.

(ط) قدردانی از افراد مشارکت‌کننده (متغیر مستقل: انگیزه درونی و تشویق اجتماعی): مطالعات روان‌شناختی نشان داده‌اند قدردانی و تشویق، میزان مشارکت داوطلبانه را افزایش می‌دهد (رایان و دسی، ۲۰۰۰). بسیج می‌تواند از این راهکار برای ترغیب افراد استفاده کند.

(ی) استفاده از چهره‌های محبوب اجتماعی (متغیر مستقل: نفوذ اجتماعی و الگوپذیری): تحقیقات نشان داده‌اند حضور چهره‌های محبوب در فعالیت‌های اجتماعی، تأثیر بسزایی در افزایش مشارکت دارد (آدورنو، ۱۹۷۳). بسیج می‌تواند از افراد شناخته‌شده در جامعه برای جلب توجه و انگیزه‌بخشی به مردم بهره‌برد.

(ک) حمایت از ابتکارات مردمی (متغیر مستقل: حمایت نهادی از مشارکت مردمی): مطالعات توسعه اجتماعی نشان داده‌اند حمایت از طرح‌های مردمی، اعتماد به نفس افراد را برای ورود به



عرصه‌های اجتماعی افزایش می‌دهد (چلبی، ۱۳۹۲). بسیج می‌تواند با حمایت مالی و معنوی از این طرح‌ها، این روند را تقویت کند.

ل) تسهیل ارتباط مردم و مسئولان (متغیر مستقل: شفافیت و دسترسی به اطلاعات): ارتباط ضعیف بین مردم و مسئولان یکی از عوامل کاهش مشارکت است (هابرماس، ۱۹۸۷). بسیج می‌تواند با ایجاد بسترهای مناسب، این ارتباط را تسهیل کند.

م) تشویق فعالیت‌های جمعی به جای فردی (متغیر مستقل: فرهنگ کار گروهی): تحقیقات نشان داده‌اند یادگیری گروهی و کار تیمی میزان مشارکت افراد را افزایش می‌دهد (واتسون، ۱۹۹۵). بسیج می‌تواند با تمرکز بر فعالیت‌های گروهی، این فرهنگ را نهادینه کند.

ن) استفاده از نخبگان اجتماعی (متغیر مستقل: رهبری فکری و نفوذ اجتماعی): مطالعات نشان داده‌اند نخبگان فکری و اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در ترغیب جامعه به مشارکت داشته باشند (وهر، ۱۹۲۰). بسیج می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت، تأثیرگذاری خود را افزایش دهد.

س) امکان نظارت مردم بر عملکرد بسیج (متغیر مستقل: شفافیت و پاسخ‌گویی سازمانی): تحقیقات نشان می‌دهند شفافیت عملکرد سازمان‌ها، اعتماد عمومی و مشارکت را افزایش می‌دهد (پارسافر، ۱۳۹۸). بسیج می‌تواند با ارائه گزارش‌های عملکردی، این روند را تقویت کند.

براساس یافته‌های پژوهشی، مشارکت اجتماعی تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی قرار دارد. بسیج به عنوان نهادی مردمی می‌تواند از این متغیرها برای ارتقای سطح مشارکت عمومی استفاده کند و با اجرای راهکارهای پیشنهادی، نقش موثری در حل مشکلات اجتماعی ایفا نماید.

۱۰. پیامدهای مشارکت اجتماعی و انسجام ملی

پیامدهای مشارکت اجتماعی و انسجام ملی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای همدلی و مشارکت گسترده مردم در جامعه، ارتقای کارایی و پایداری نهادهای اجتماعی است. زمانی که مردم احساس مالکیت نسبت به یک نهاد یا سازمان کنند، با تمام توان از آن حمایت کرده، در مواقع بحرانی به یاری آن می‌شتابند. این امر موجب می‌شود آن نهاد با قدرت و استحکام بیشتری به فعالیت خود ادامه دهد.



عوامل مؤثر بر کارایی نهادهای اجتماعی عوامل متعددی در کارآمدی یک نهاد اجتماعی نقش دارند. از جمله این عوامل می‌توان به هماهنگی و انسجام درونی اجزای تشکیل دهنده آن، تناسب و توازن میان بخش‌های مختلف و مدیریت کارآمد و اثربخش اشاره کرد. زمانی که تمام بخش‌های یک نهاد با هم هماهنگ باشند و از یک رویکرد واحد پیروی کنند، کارایی آن به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت. همچنین وجود مدیرانی توانمند، دلسوز و خدمت‌گزار می‌تواند نقش بسیار مهمی در موفقیت یک نهاد ایفا کند.

الف) همکاری و همدلی زیربنای جامعه پویا: همکاری و همیاری اجتماعی از مهم‌ترین نتایج پیوند اجتماعی و مشارکت فعال مردم است. اساس زندگی جمعی بر پایه همکاری و یاری‌رسانی بنا شده است. به همین دلیل قرآن کریم برای تقویت روحیه مشارکت، بر اهمیت تعهد و تلاش جمعی تأکید کرده است. همان گونه که می‌فرماید: «و یکدیگر را بر نیکی و پرهیزگاری یاری کنید و یکدیگر را بر گناه و ستم یاری مکنید». امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بر نیاز همیشگی انسان‌ها به یکدیگر تأکید کرده و این نیاز را مانند نیاز انسان به اعضای بدن خود توصیف می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «از خداوند نخواهید که شما را از مردم بی‌نیاز کند؛ زیرا انسان‌ها مانند اعضای یک بدن به هم وابسته‌اند. آیا تا کنون کسی از دست یا پای خود بی‌نیاز شده است». بنابراین اگر در جامعه‌ای روحیه همکاری، همیاری و همدلی تقویت شود، شاهد جامعه‌ای یکپارچه، هماهنگ و منسجم خواهیم بود.

ب) مبارزه با دشمن و ریشه‌کنی خصومت: جامعه‌ای که در آن وحدت، همدلی و مشارکت همگانی حاکم است، برای دشمنان نفوذناپذیر خواهد بود؛ چراکه مقابله با چنین جامعه‌ای به معنای رویارویی با یک ملت متحد و همدل است نه صرفاً یک حکومت. این وحدت و همبستگی، سدی محکم در برابر توطئه‌های دشمنان است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: دشمنان انقلاب اسلامی که همچنان کینه توزی می‌کنند، امیدوارند با ایجاد اختلافات میان مردم به اهداف شوم خود دست یابند. آنها از اتحاد و انسجام ملت ایران هراس دارند. بنابراین حفظ وحدت و یکپارچگی برای ملت ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ج) شکوفایی و آرامش همگانی: یکی از نتایج ارزشمند اتحاد ملی و مشارکت گسترده مردم



فراهم‌شدن امکانات و منابع فراوان برای پیشرفت و توسعه کشور است. زمانی که مردم با هم متحد و همدل باشند، نیروی کارآمد و منابع مادی بسیاری برای ساختن آینده‌ای بهتر در اختیار خواهند داشت. همچنین مشارکت فعال مردم در زندگی اجتماعی و فرهنگی به ایجاد جامعه‌ای پویا و باثبات کمک شایانی می‌کند. این موضوع در آموزه‌های دینی نیز به‌روشنی بیان شده است. دین اسلام بر اهمیت خدمت‌رسانی به مردم، همکاری و کمک به یکدیگر و توجه به نیازمندان تأکید فراوانی دارد. انجام این امور علاوه بر اینکه به آبادانی و بهبود زندگی مردم منجر می‌شود، باعث نزول برکات الهی و رضایت خداوند نیز خواهد شد. در واقع می‌توان گفت اتحاد ملی و مشارکت عمومی کلید اصلی برای رسیدن به یک جامعه پیشرفته، آرام و پربرکت است.

د) شکوه، استقلال و عزت اسلامی: با تکیه بر اتحاد اجتماعی و مشارکت همگانی، استقلال و عزت اسلامی برای جامعه اسلامی به ارمغان خواهد آمد. جامعه اسلامی در صورت یگانگی، انسجام و همدلی کامل و پابندی محکم به اصول و ارزش‌های دینی و تحمل سختی‌ها، موانع را یکی پس از دیگری از پیش رو برداشته، به شکوه اسلامی که ویژه مؤمنان و دوستان خداست، دست خواهد یافت؛ چراکه به گفته قرآن، شکوه ویژه خدا و پیامبرش و مؤمنان است.

۱۱. بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت اجتماعی ریشه‌ای عمیق در باورهای دینی و اجتماعی دارد و به عنوان محرک اصلی توسعه پایدار شناخته می‌شود. احساس تعلق به جامعه، اعتماد متقابل و همبستگی اجتماعی، پایه‌های اصلی مشارکت‌اند. این مشارکت نه تنها به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند، بلکه کارکردهای متعددی از جمله بهبود عملکرد دولت، افزایش امنیت و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری را به همراه دارد. بسیج کاتالیزوری برای مشارکت اجتماعی است. نهاد بسیج با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی، می‌تواند نقش مهمی در ترویج و تقویت مشارکت اجتماعی ایفا کند. بسیج با ایجاد فضاهای مناسب برای مشارکت و توان‌مندسازی شهروندان، می‌تواند به عنوان یک نیروی فعال در توسعه پایدار کشور عمل کند. پیامدهای مشارکت اجتماعی و انسجام ملی نتایج ارزشمندی را به همراه دارند که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:



- کارایی و پایداری نهادها: مشارکت مردم در اداره امور جامعه به افزایش کارایی و پایداری نهادها منجر می‌شود.
- همکاری و همدلی: مشارکت اجتماعی روحیه همکاری و همدلی را در جامعه تقویت می‌کند.
- مقاومت در برابر تهدیدات: جامعه‌ای که بر پایه مشارکت و همدلی بنا شده باشد، در برابر تهدیدات خارجی و داخلی مقاوم‌تر خواهد بود.
- توسعه پایدار: مشارکت اجتماعی یکی از عوامل کلیدی در تحقق توسعه پایدار است.
- شکوفایی و آرامش: مشارکت اجتماعی زمینه را برای شکوفایی استعدادها و ایجاد جامعه‌ای آرام و باثبات فراهم می‌کند.
- استقلال و عزت اسلامی: با تکیه بر اتحاد و همدلی، جامعه اسلامی به استقلال و عزت خود دست می‌یابد.
- مشارکت اجتماعی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای توسعه پایدار و پیشرفت جامعه است. با تقویت احساس تعلق به جامعه، ایجاد فضاهای مناسب برای مشارکت و توان‌مندسازی شهروندان، می‌توان به جامعه‌ای پویا، پیشرو و باثبات دست یافت.



۱۲. منابع

منابع فارسی

- اخشی، نازیلا، و گلابی، فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (۳)، ۱۳۹-۱۶۰.
- اصفهان‌گل شیری، زهرا، خادمی، حسین، صدیقی، رضا، و مهدی، تازه (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن. روستا و توسعه، ۱۲ (۱)، ۱۶۷-۱۴۷.
- حضرتی صومعه، زهرا، و تنهایی حسین، ابوالحسن (۱۳۸۸). بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران. نشریه علوم رفتاری، ۱ (۱)، ۵۲-۲۹.
- شکوری، علی (۱۳۹۰). مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی. تهران: انتشارات سمت.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، ۱ (۱).
- صالحی امیری، سیدرضا، و امیرانتخابی، شهرود (۱۳۹۲). راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله نظام. فصلنامه راهبرد، ۲۲ (۶۶)، ۸۴-۶۱.
- غنی ورزیه، محبوبه (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان (مورد مطالعه شهر اصفهان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- کشتکار، مهران، و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۴). الگوی مفهومی مشارکت سازمان‌یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸ (۶۹)، ۶۷-۴۰.
- کلمن، جیمز سمیوئل (۱۳۸۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی.
- کیویستو، پتر کیویستو (۱۳۸۴). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی.
- گایوتی، هویین (۱۳۷۹). مجموعه مقالات مشارکت در توسعه. ترجمه داود طبایی و هادی غبرائی، تهران: انتشارات روش.



گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.
مالجو، محمد (۱۳۸۱). حقوق شهروندی و تأمین اجتماعی. مجلس و پژوهش، ۹ (۳۳)، ۶۸-۵۲.
محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش، (۱) ۸۹-۱۰۹.
محمدیان، محمود، و یوسفی، رسول (۱۳۹۳). تبیین انگیزه پنهان در رفتار رأی‌دهی مردم. فصلنامه آفاق امنیت، ۷ (۲۴)، ۱۷۹-۱۹۶.

منابع لاتین

- Bourdieu, P. (۱۹۸۵). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, Greenwood, ۳۰-۵۵.
- Buck Land, J. (۱۹۹۸). *From Relief and Development to Assisted Self*.
- Carter, A. (۲۰۰۱). *The Political of Global Citizenship*. Routledge.
- Croft, S., & Bresford, (۱۹۹۲). The Politics of Participation. *Journal of Critical Development*, 12(35), 20-44.
- Dahrendorf, R. (۱۹۹۴). Citizenship and Beyond: The social Dynamics of an Idea. In B. S. Turner & P. Hamilton (Eds.), *Citizenship: Critical Concepts*, Routledge.
- Gaoteri, H. (۱۹۸۶). *Popular Participation in Development*. Paris: UNICCO.
- Habermas, J. (۱۹۸۹). *The public sphere*. S. Seidman (Ed.).
- Janoski, T. (۱۹۹۸). *Citizenship and civil society*. Cambridge University Press.
- Marshall, T. H. (۱۹۹۴). Citizenship and social class. In B. S. Turner & P. Hamilton, *Citizenship: Critical Concepts*, Routledge.
- Marx, K. (۱۹۶۷). *On the Jewish Question*. Cambridge University Press.
- Oldfield, A. (۱۹۹۰). Citizenship and Community: Civic Republicanism and the modern.
- P. Hamilton (Ed.), *Citizenship Critical Concepts*. Routledge.
- Putnam, R. D. (۱۹۹۳). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton University Press.
- Risman, B. J. (۲۰۰۴). Gender as a social structure: wrestling with Activism. *Gender & Society*, ۱۸ (۴).
- Turner, B. S. (۱۹۹۰). Outline of Citizenship. *Social Policy*, ۳۵, ۱-۲۵.







The drivers of revolutionary management level Islamic governance Emphasizing the experience of the Islamic revolution

Arash ghorbanisepehr*^۱, Afshin mottaghi^۲, Parisa ghorbanisepehr^۳

Abstract

The problem of the current research is, what are the drivers effective on revolutionary management of the level of Islamic governance and what is the relationship between these drivers in terms of influence and effectiveness? The method of this research is quantitative-qualitative (mixed) and the future research approach has been used in its analysis. The findings of the research show that in the first stage, ۱۰ factors were identified with the Delphi method. What can be understood from the dispersion of the drivers effective on Islamic-revolutionary governance is the unstable state of the system; Because most of the variables are scattered around the diagonal axis of the plane. The results of the research showed that among the drivers, three drivers (believers in resistance economy, transparency and financial health, law-oriented and anti-corruption) were selected as the most key drivers in this research, which play an important role in the proper governance of the Islamic Revolution at the global level. A kind of reliance on a resistance economy provides the ground for the defeat of the enemies of the Islamic Republic of Iran outside the borders, and the transparency and financial health of the officials of the executive and legislative branches, as well as the law-oriented and anti-corruption of the judiciary inside the country, is the ground for a worthy revolutionary-Islamic governance in the global empire. provides and provides other drivers as a complement to the realization of worthy revolutionary-Islamic governance.

۱. Postdoctoral Researcher in Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding author) Email: ar.ghorbanisepehr@mail.um.ac.ir.

۲. Associate Professor of Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran Email: a.mottaghi@khu.ac.ir.

۳. PhD student in Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran Email:parisa.sepehr^۱@ut.ac.ir.





Keywords: Governance, Islamic revolution, revolutionary-Islamic governance, balanced governance, Revolutionary management.





The Impact and Prioritization of People's Participation in Solving Social Problems

Moosa Ghavamsefat^{1*}

Abstract

The effective impact of solving social problems as a clear phenomenon on the growth and development processes of society is undeniable. The current study intends to examine the effect of people's participation in addressing social issues. Methodology: This research is of a mixed type. It was conducted in two stages. The first stage was qualitative. The second stage was quantitative. The first stage involved data collection through ۳۰ semi-structured interviews and content analysis of existing documents, evidence, and literature. This stage resulted in a list of the most important social issues, which were divided into four categories: educational, health, cultural, and managerial factors. The next stage involved determining the importance of each factor. To do so, a questionnaire was designed and distributed among ۱۶۹ people. These people included social activists, elders, and trustees. The trustees, elders, and activists were selected by Purposive sampling. The validity of the questionnaire was determined using the opinions of six experts. Thirty questionnaires were completed by samples to determine the reliability in the internal consistency dimension. The reliability coefficient for the questionnaires was calculated using Cronbach's alpha index through SPSS version ۲۱ software. Results: It was demonstrated that the most important social issues are management issues, and that these issues can be solved by people.

Keywords: Participation, Social Issues, People, Society.





The Effect of Corporate Social Responsibility Strategies on Organizational legitimacy Stakeholder Theory Approach

Mostafa Heidari Haratemeh^{۱*}

Abstract

Today, organizations must manage relationships with their stakeholders to create many benefits for both. In line with the stakeholder theory, stakeholder groups are influenced by the behavior and actions of organizations; In fact, the survival of the organization is affected by the organization's ability to meet the needs of the stakeholders and understand their perceptions. Policies based on social responsibility are the main component in responding to social needs. Therefore, the purpose of the research is to investigate the impact of implementing strategies centered on social responsibility on organizational legitimacy. Also, the importance and performance of various social responsibility policies will be analyzed through the implementation of the importance-performance matrix (IPMA). This research is applied in terms of purpose and is carried out in a descriptive-survey way. The data was collected by field method and using a standard questionnaire. The statistical population of the research is ۲۵ companies manufacturing home appliances and the sample size is considered using the formula introduced for structural equation modeling at the ۹۵% confidence level by ۱۴۲ corporate social responsibility experts. PLS-SEM software was used for data analysis. It showed that corporate social responsibility strategies have a positive and significant effect on organizational legitimacy. Therefore, stakeholders support organizations that they think are ethical and follow their social responsibility principles. Strategies with the orientation of social responsibility to achieve high legitimacy points are related to the diversity and multiplicity of strategies. On the other hand, social responsibility elements with lower levels of importance will be the paths of relationships between social interest strategies and policies. Therefore, company managers should continue to introduce the principles and strategies of corporate social responsibility to

۱. Associate Professor Department of Economics, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran Email: Mo.heidarih@iau.ac.ir.





improve social acceptance and increase their commitment, while organizational performance will also improve.

Keywords:

legitimacy, Corporate Social Responsibility, Importance-Performance Matrix, Stakeholder Theory.





Television Media, Ideological Apparatus of Governance Case Study of the TV Series "doodkesh" ۱

Hossein Rajaeirad^{۱*}, Mohsen Khoshfar^۲, Abbas Karimi^۳

Abstract

Research in the fields of cultural studies, communication, and media presents researchers with a wide range of interdisciplinary topics, including media governance. The government of the Islamic Republic of Iran, in pursuit of the goals of religiosity and humanization, has made television the most fundamental tool of its religious-media governance. The fact that religious teachings are the center of attention in this media governance is a factor that causes the teachings that religious scholars recommend or forbid to the religious to be included in media texts. This research aims to examine the impact of religious messages on the formation of ideological subjects from the audience by looking at the theoretical concepts of governance, religious-media governance, and maintaining the audience's attention, and the perspectives of Smart's dimensions of "religion," Althusser's theory of "ideology and ideological systems," and the concepts of "popular series" and "identification." This research has analyzed the religious sequences of the series "Doodkash" ۱ using the method of semiotics and purposeful analysis and description. The results show that this series is a popular series due to the multiplicity of characters, its continuity and its involvement with the audience, and with the continued attention of the audience, it is a factor in increasing the power of governance. Also, the audience's involvement and identification with the numerous characters in the series is a kind of questioning of the audience by religious ideology, in line with the implementation of religious governance.

Keyword: Media governance, ideology and ideological structures of governance, popular series, subject, identification.

۱. Master of Cultural and Media Studies, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (Corresponding author) Email: h_rajaei@atu.ac.ir.

۲. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Qom, Iran Email: MOHSENKHOSHFAR@YAHOO.COM.

۳. PhD student, Al-Mustafa University, Qom, Iran Email: abas_karimi@miu.ac.ir.



Examining the Concept of Wilayat in Social Systems from a Shiite Perspective

with Emphasis on the Opinions of Seyyed Mohammad Mehdi Mirbagheri

Mostafa Ahmadi^۱*

Abstract

From the perspective of the Holy Quran, although God has created humans to choose and elect a free God, they do not have the choice to have it (God) or not. Because in the monotheistic worldview, if a person does not worship God, he will fall into the worship of the self (self-worship) or the worship of another (idols, pharaohs, devils, etc.). In this view, if humans follow the path of worshipping God, they will be under the guardianship of God, and if they follow the path of worshipping someone other than God, they will be under the guardianship of the devil. Accordingly, social systems are not exempt from two states; they are either formed on the path of worshipping God or on the path of worshipping someone other than God. Therefore, it can be said that the type of worship is the origin of the formation of the two systems of truth and falsehood, the main aspect of distinction and the starting point of conflict between the two. Therefore, the front of the prophets and guardians (peace be upon them) on the path of exalting the word of monotheism will have a constant struggle with tyrants until the complete destruction of falsehood. In this article, which is descriptive-analytical, an attempt has been made to examine the concept of guardianship and its place in the form and orientation of social systems from the perspective of Ayatollah Sayyid Muhammad Mahdi Mir Baqeri, and using the views of this Shiite thinker.

Keywords: Ayatollah Mir Baqeri, Wilayat, Social Systems, Islam, West

^۱. PhD student in Political Thought of Revolutionary Leaders, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran Email: ahmadimostafa۱۳۳@yahoo.com.



Mobilizing the driving force of people's participation in solving social problems

Mina Aboulhasanbashi*^۱

Abstract

Social participation means the active and voluntary participation of individuals in community affairs to achieve common goals and solve social problems. Basij, as a popular institution with a wide network of bases and Basijis across the country, can provide a suitable platform for attracting public participation in solving social problems. This research aims to examine the role of the Basij as a popular institution in increasing social participation and solving society's problems. In this research, using qualitative methods and documentary analysis, solutions such as increasing public awareness, empowering individuals, supporting popular initiatives, facilitating communication between people and officials, and employing young forces are presented. The results show that by strengthening the spirit of participation and social solidarity, Basij can act as a driving force in solving social problems and sustainable development of society.

Keywords: Social participation, social problems, non-governmental organizations, mobilization.

^۱. Master's degree, teacher, Khuzestan Education Department, Ahvaz, Iran (corresponding author) mina.abualhasani.^۱@gmail.com.



